

# کتاب آموزش زبان روسی به فارسی

## صدای روسیه



## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

---

دوره آموزش زبان روسی به فارسی

کاری از صدای روسیه که توسط وبسایت آموزش زبان لنگ لرن جمع آوری و تنظیم شده و به صورت کتاب الکترونیک به همراه فایل های صوتی به صورت یکجا در اختیار زبان آموزان قرار گرفته است.



فهرست دروس

۶.....	درس اول.....
۱۲.....	درس دوم.....
۱۶.....	درس سوم.....
۲۰.....	درس چهارم.....
۲۳.....	درس پنجم.....
۲۷.....	درس ششم.....
۳۲.....	درس هفتم.....
۳۹.....	درس هشتم.....
۴۴.....	درس نهم.....
۵۱.....	درس دهم.....
۵۷.....	درس یازدهم.....
۶۶.....	درس دوازدهم.....
۷۲.....	درس سیزدهم.....
۷۸.....	درس چهاردهم.....
۸۵.....	درس پانزدهم.....
۹۴.....	درس شانزدهم.....
۱۰۱.....	درس هفدهم.....
۱۰۸.....	درس هجدهم.....
۱۱۸.....	درس نوزدهم.....
۱۲۵.....	درس بیستم.....
۱۳۲.....	درس بیست و یکم.....
۱۳۸.....	درس بیست و دوم.....
۱۴۷.....	درس بیست و سوم.....
۱۵۴.....	درس بیست و چهارم.....
۱۶۲.....	درس بیست و پنجم.....
۱۷۱.....	درس بیست و ششم.....
۱۷۹.....	درس بیست و هفتم.....
۱۸۵.....	درس بیست و هشتم.....

## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

۱۹۲.....	درس بیست و نهم.....
۲۰۱.....	درس سی ام.....
۲۰۹.....	درس سی و یکم.....
۲۱۶.....	درس سی و دوم.....
۲۲۵.....	درس سی و سوم.....
۲۳۳.....	درس سی و چهارم.....
۲۴۰.....	درس سی و پنجم.....
۲۴۷.....	درس سی و ششم.....
۲۵۶.....	درس سی و هفتم.....
۲۶۲.....	درس سی و هشتم.....
۲۷۰.....	درس سی و نهم.....
۲۷۶.....	درس چهلم.....
۲۸۴.....	درس چل و یکم.....
۲۹۳.....	درس چهل و دوم.....
۳۰۰.....	درس چهل و سوم.....
۳۰۹.....	درس چهل و چهارم.....
۳۱۸.....	درس چهل و پنجم.....
۳۲۷.....	درس چهل و ششم.....
۳۳۶.....	درس چهل و هفتم.....
۳۴۴.....	درس چهل و هشتم.....
۳۵۲.....	درس چهل و نهم.....
۳۶۱.....	درس پنجاهم.....
۳۶۹.....	درس پنجاه و یکم.....
۳۷۵.....	درس پنجاه و دوم.....
۳۸۲.....	درس پنجاه و سوم.....
۳۸۹.....	درس پنجاه و چهارم.....
۳۹۵.....	درس پنجاه و پنجم.....
۴۰۱.....	درس پنجاه و ششم.....
۴۰۹.....	درس پنجاه و هفتم.....

## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

۴۱۵.....	درس پنجاه و هشتم.....
۴۲۲.....	درس پنجاه و نهم.....
۴۲۸.....	درس شستم.....
۴۳۶.....	درس شست و یکم.....
۴۴۴.....	درس شست و دوم.....
۴۵۳.....	درس شست و سوم.....
۴۶۰.....	درس شست و چهارم.....
۴۶۵.....	درس شست و پنجم.....
۴۷۰.....	درس شست و ششم.....
۴۷۵.....	درس شست و هفتم.....
۴۸۰.....	درس شست و هشتم.....
۴۸۶.....	درس شست و نهم.....
۴۹۱.....	درس هفتادم.....
۴۹۶.....	درس هفتاد و یکم.....
۵۰۷.....	درس هفتاد و دوم.....
۵۱۲.....	درس هفتاد و سوم.....
۵۱۷.....	درس هفتاد و چهارم.....
۵۲۷.....	درس هفتاد و پنجم.....
۵۳۸.....	درس هفتاد و ششم.....
۵۴۵.....	درس هفتاد و هفتم.....
۵۵۵.....	درس هفتاد و هشتم.....
۵۶۰.....	درس هفتاد و نهم.....
۵۶۵.....	درس هشتادم.....

### درس اول

ابتدا بخش اول تاریخچه زبان روسی را مورد توجهتان قرار می دهیم. زبان روسی یکی از رایج ترین زبانهای دنیاست. از نظر تعداد افرادی که به این زبان تکلم می کنند زبان روسی جای پنجم بعد از زبان چینی، انگلیسی، هندی و اسپانیولی را به خود اختصاص می دهد .

در بین زبان های اسلاوی زبان روسی رایج ترین آنهاست. تمام زبانهای اسلاوی شباهت زیادی با یکدیگر دارند. اما زبان بلاروسی و اوکراینی بیشتر از دیگر زبانهای اسلاوی به روسی نزدیکند. این سه زبان با هم گروه زبانهای اسلاوی شرقی را تشکیل می دهند که جزئی از گروه اسلاوی خانواده هند و اروپایی است .

با نگاه به درخت زبانها مشاهده می کنیم که شاخه های زبانهای اسلاوی از تنه محکم و قوی خانواده زبانهای هندو اروپایی منشعب شده است. زبانهای هندی، ایرانی، یونانی، ایتالیایی، رومی و کلت، آلمانی و گروه بالتیکی زبانها، ارمنی و آلبانی و دیگر زبانها جزئی از این خانواده هستند. زبانهای اسلاوی بیشتر از دیگر زبانهای هند و اروپایی، به زبانهای بالتیکی نزدیک هستند: زبان لتونی و لاتونی و زبان مرده روسی که تا دهه اول قرن ۱۸ کاملاً ناپدید شد. فروپاشی وحدت زبانی هندو اروپایی به دوره ای از اواخر هزاره سوم، اوایل هزاره دوم قبل از میلاد مربوط می شود. احتمالاً در آن موقع روندهایی به وقوع پیوستند که باعث ظاهر شدن زبان اولیه اسلاوی و جدا شدن آن از گروه زبانهای هندو اروپایی شد .

زبان اولیه اسلاوی جد تمام زبانهای اسلاوی است که فاقد کتابت و به هیچ شکلی به ثبت نرسیده بود. وطن جد اندر جد اسلاو ها که آنها در آنجا به عنوان یک قوم با زبان خاص خود ساکن شدند و بعدها به سرزمین های جدیدی رفتند از دونا و وسطی تا دنپر را تشکیل می داد. طی قرون ۶ و ۷ امواج سکنی گزیدن اسلاوها به بخش اعظم شبه جزیره بالکان از جمله یونان معاصر رسید. تا پایان دوره زبان اولیه اسلاوی ، اسلاوها بخش اعظم اراضی در اروپای مرکزی و شرقی را اشغال کرده بودند .

سالها در پی هم سپری شدند و قرنها با یکدیگر جا عوض کردند و در پی بروز تغییرات در سلاویق، عاداتها و رفتار انسان و بروز دگرگونی در دنیای معنوی ، سخن او یا ساده تر گفته شود، زبان او نیز دچار تغییر شد. زبان اولیه اسلاوی در تاریخ طولانی خود، تغییرات زیادی را از سر گذراند. در اولین دوره موجودیت خود، تکامل آن خیلی کند بود و تا حد زیادی یکجور بود، هر چند تنوع لهجه ای در آن وجود داشت. دیرتر حدوداً از قرن ۴ تا ۶ عصر حاضر در زبان اولیه اسلاوی تغییرات شدیدی بروز کرد که در قرن ۶ عصر حاضر باعث فروپاشی آن و ظاهر شدن زبانهای جداگانه اسلاوی شد .

زبان روسی باستانی جد زبانهای روسی و بلاروسی و اوکراینی معاصر بود. فروپاشی زبان روسی باستانی باعث بروز زبان روسی یا زبان روسی کبیر شد که با زبان بلاروسی و اوکراینی فرق داشت. این اتفاق در قرن ۱۶ اتفاق افتاد . خوب عزیزان، بخش اول تاریخچه مختصر شکلگیری زبان روسی را مورد توجه شما قرار دادیم و حالا می پردازیم به درس اول امروز .

امروز اولین درس از سری جدید دروس زبان روسی را آغاز می کنیم، این بخش شامل ده درس اول و دوره ابتدایی زبان روسی و اصوات و تلفظ کلمات است که در فرا گرفتن این زبان از طریق آموزش رادیویی به شما کمک خواهد کرد .

جدول حروف بیصدا در زبان روسی

تلفظ حروف بیصدا نوشتن حروف و ترجمه مثال روسی حروف بیصدای روسی


مانند «ب» فارسی در کلمه «برف» B (bank) »

Банк (банк) B-б

مانند «و» فارسی در کلمه «وزیر» V (vada) »

В-в (вода) آب

مانند «گ» فارسی در کلمه «گاری» G (gara) »

- 
- Г-г (гора) کوه  
مانند «د» فارسی در کلمه «D (dom) در»  
Д-д (дом) خانه  
مانند «ژ» فارسی در کلمه «Zh (zhara) ژاله»  
Ж-ж (жара) گرما  
مانند «ز» فارسی در کلمه «Z (zal) زمین»  
З-з (зал) سالن  
مانند «ی» فارسی در کلمه «Y (tramvay) تراموای»  
Й-й (трамвай) تراموای  
مانند «ک» فارسی در کلمه «K (karta) کار»  
К-к (карта) نقشه  
مانند «ل» فارسی در کلمه «L (lampa) لامپ»  
Л-л (лампа) لامپ  
مانند «م» فارسی در کلمه «M (most) مردم»  
М-м (мост) پل  
مانند «ن» فارسی در کلمه «N (nos) نان»  
Н-н (нос) بینی  
مانند «پ» فارسی در کلمه «P (park) توپ»  
П-п (парк) پارک  
مانند «ر» فارسی در کلمه «R (ruka) رود»  
Р-р (рука) دست  
مانند «س» فارسی در کلمه «S (son) سلام»  
С-с (сон) خواب  
مانند «ت» فارسی در کلمه «T (Tam) لغت»  
Т-т (там) آنجا  
مانند «ف» فارسی در کلمه «F (Fabrika) فردا»  
Ф-ф (фабрика) کارخانه  
مانند «خ» فارسی در کلمه «Kh (khurma) خوب»  
Х-х (хурма) خرمالو  
مانند تلفظ توأم دو حرف «ت» و «س» Ts (tsement, ovtsa).  
سیمان، میش Ц-ц (цемент, овца)  
مانند «چ» فارسی در کلمه «Ch (Chai) چند»  
Ч-ч (чай) چای  
مانند «ش» فارسی در کلمات «شور، شاد، شغل» Sh (koshka, mashina, karandash)  
گره، ماشین، مداد Ш-ш (кошка, машина, карандаш)

چنین حرفی در زبان فارسی نیست، برای تلفظ آن باید «ش» را کشیده تلفظ کرد (Sh-e (tavarish, pisha).

Щ-щ (товарищ, пища) رفیق، غذا

تلفظ کلمات روسی به کمک حروف انگلیسی

Д а Da

Н е т Net

С п а с и б о Spasibo

Б о л ь ш о е спасибо Bolshoe spasibo

п о ж а л у й с т а Razhaluista

п о ж а л у й с т а Razhaluista

и з в и н и т е Izvinitе

з д р а в с т в у й т е Zdravstvuyte

Д о свидания Do svidaniya

П о к а Poka

Д о б р о е утро Dobroe utro

Д о б р ы й день Dobry den

Д о б р ы й вечер Dobry vecher

С п о к о й н о й ночи Spokoynoy nochi

Bolshoe spasibo

قبل از شروع درس چند واژه پر کاربرد را به شما یاد می دهیم .

سلام مؤدبانه !

З д р а в с т в у й т е !

سلام دوستانه

П р и в е т !

صبح بخیر

Д о б р о е утро!

بعد از ظهر بخیر

Д о б р ы й день!

عصر بخیر

Д о б р ы й вечер!

شب بخیر



С п о к о й н о й н о ч и !

حالتون چطوره؟

К а к д е л а ?

متشکرم !

С п а с и б о .

متشکرم، خوب، عالیہ .

С п а с и б о , х о р о ш о , о т л и ч н о .

حالا برایتان توضیح مختصری در باره قواعد خواندن و نوشتن به زبان روسی می دهیم . در زبان روسی حروف چاپی و حروف خطی وجود دارد و این حروف به اشکال بزرگ و کوچک نوشته می شوند درست مانند زبان انگلیسی. حرف اول هر کلمه ای که در اول جمله قرار بگیرد بزرگ نوشته می شود. حرف اول اسامی نیز بزرگ نوشته می شود .

و حالا از تلفظ حروف شروع می کنیم .:

حرف «آ». هنگام تلفظ این حرف لبها بخوبی از هم باز می شوند. مثلاً در کلمه

تام Т А М

ماما М А М А

ناتا Н А Т А

حرف روسی «О» مانند واو در «دو» (۲) تلفظ می شود .

دوم Д о м

سلووا С л о в а

حرف روسی «У» مانند صدای «واو» در کلماتی مانند «کو» و «رو» تلفظ می شود،

توت Т у т

بوماگا Б у м а г а

حالا به تلفظ و معانی این کلمات و جملات توجه فرمائید و سعی کنید آنها را تکرار کنید :

اینجا

Т у т

آنجا

Т а м

خانه

Д о м

مادر، مامان

М а т ь , Мама

در خانه

Д о м а

او مذکر

О н

او مؤنث

О н а

او خنثی

О н о

برادر

Б р а т

پدر، بابا

О т е ц

П а п а

و حالا این جملات را تکرار کنید :

Т у т д о м .

خانه اینجاست .

Т а м д о м .

خانه آنجاست .

Б р а т дома. Он дома.  
برادر در خانه است. او در خانه است .

М а м а дома. Она дома.  
مادر در خانه است، او در خانه است .

П а п а дома. Он дома.  
بابا در خانه است. او در خانه است .

پایان درس اول

!Д о свидания



### درس دوم

زبان زنده ترین و پایدارترین و غنی ترین وسیله ارتباطی است که نسل گذشته و حال را به نسل آینده ملتها در یک دوره تاریخی کامل بطور زنده پیوند می دهد. این گفته اوشینسکی ارتباط بین زمان و نسلها را به اثبات می رساند. از قدیم الایام در روس باستان توجه و احترام خاصی به کتابت می شد. کتابهای زیادی نوشته می شدند و حتی حسودانه از آنها مراقبت می کردند. در صومعه ها قوانین سرسختانه ای در رابطه با دریافت کتاب و پس دادن آن به کتابخانه برقرار بود. آنقدر برای کتاب احترام قائل بودند که اگر شخصی کتابی را می گرفت و بر نمی گرداند مجازات سختی در انتظارش بود. تا قبل از گرویدن روسیه به مسیحیت در سال ۹۸۸، در روس باستان افرادی بودند که به زبان اسلاوی باستانی تسلط داشتند و از الفبای سریلیک برای اسناد دولتی و دیگر نوشته ها استفاده می کردند. یافته های باستان شناسی گواه این امر است .

اما همانا گرویدن به مسیحیت لحظه تاریخی آغاز رواج کتابت در روس باستان شد. کتب مذهبی از زبان یونانی به زبان اسلاوی باستانی ترجمه شدند و این زبان خوشاوند و نزدیک اجداد روسها نقش مهمی را در تکامل فرهنگ سخن و شکل گیری زبان ادبی روسی ایفا کرد. به این ترتیب کتب زیادی نوشته شدند و وقت آن فرا رسیده بود که زبان نیز تکامل یابد. زبان کلیسای اسلاوی هر چه بیشتر با زبان عامیانه مخلوط می شد .

در قرن ۱۷ در کنار لهجه کلیسایی که محافل عالی جامعه به آن تکلم می کرد، لهجه ساده تر مسکویی به رسمیت شناخته شد. موازین الزامی نوشتاری ضعیف تر شد. در سال ۱۶۷۵ تزار آلکسی میخائیلوویچ فرمانی را صادر کرد و اجازه داد هر کس هر طور که تلفظ می کند و با توجه به شهری که زندگی می کند بنویسد. در این دوره، زبان واحد ادبی نوشتاری که دارای سیستم خاصی باشد ایجاد نشد اما زمینه را برای تکامل زبان ایجاد کرد. در عصر حکومت پتر اول تمام عرصه های زندگی کشور دچار تغییرات فاحشی شد که نمی توانست بر سرنوشت زبان بی تأثیر باشد. زبان کلیسای اسلاوی قاطعانه از زبان عامیانه جدا شد. اصلاحات الفبایی که به فرمان و با شرکت مستقیم پتر اول انجام شد نقش مهمی در این عرصه ایفا کرد. پتر اول از زبان رسمی و کاری سادگی و دقیق بودن اصطلاحات را طلب نمود. همزمان با اجرای چنین اصلاحات زبانی پتر اول مراقبت زیادی از میراث تاریخی می کرد. از اسناد تاریخی مشخص است که در کتابخانه شخصی تزار دستنوشته های روس باستان نگهداری می شد که بعد از مرگ او به کتابخانه آکادمی علوم سنت پترزبورگ منتقل شدند .

قبل از شروع درس چند واژه پر کاربرد را که در درس قبلی به شما آموخته شدند تکرار می کنیم .

سلام مؤدبانه !

З д р а в с т в у й т е !

سلام دوستانه

П р и в е т !

صبح بخیر

Д о б р о е у т р о !

بعد از ظهر بخیر

Д о б р ы й д е н ь !

عصر بخیر

Д о б р ы й в е ч е р !

شب بخیر

С п о к о й н о й н о ч и !

حالتون چطوره؟

К а к д е л а ?

متشکرم !

С п а с и б о .

متشکرم، خوب، عالیہ .

С п а с и б о , х о р о ш о , о т л и ч н о .

و حالا چند واژه دیگر را به آنها اضافه می کنیم :

حالتون چطوره؟

К а к д е л а ?

متشکرم، خوب، عالیہ .

С п а с и б о , х о р о ш о , о т л и ч н о .

و حال شما؟ حال تو؟

А у в а с ? А у т е б я ?

تعریفی ندارد .

Н е в а ж н о .

ئی بد نیست .

Т а к с е б е .

صدای حرف Э تقریباً مثل صدای الف در کلمه «اسم» و یا صدای حرف «ه» در کلماتی مانند برده، روده، پخته است .

Э т о

این

Э х о

پژواک

حرف И روسی مانند صدای حرف «ای» در کلمات فارسی بیم و سیم می ماند .

С п а с и б о ,

о т л и ч н о .

حرف К تقریباً نزدیک به حرف «ک» فارسی در کلمات کار و کتاب است .

К а р т а

نقشه

К о м н а т а

اتاق

این جاده است، خانه آنجاست،

Э т о д о р о г а . Т а м д о м .

این اتاق است، پنجره اینجاست. نقشه و کاغذ آنجاست .

Э т о к о м н а т а . Т у т о к н о . Т а м к а р т а и б у м а г а .

این مامان و بابا است. و این برادر است. صبح مامان و بابا خانه هستند .

Э т о мама и папа. А это брат. Утром мама и папа дома.

لطفاً کلمات این متن را تکرار کنید :

این

Э т о

...

جاده، راه

Д о р о г а

...

اتاق

К о м н а т а

...

پنجره

О к н о

...

نقشه

К а р т а

...

کاغذ

Б у м а г а

...

صبح

У т р о м

...

و

И

...

اما، ولی

А

...

آری، بله

Д а

...

مامان آنجاست؟ بله، مامان آنجاست .

М а м а там?- Да, мама там.

بابا خانه است؟ بله، بابا خانه است .

П а п а дома,- Да, папа дома.

برادر خانه است؟ بله؟ برادر خانه است .

Б р а т дома,- Да, брат дома.

در زبان روسی کلمات یک، دو، سه و چند هجایی وجود دارند، غالباً تعداد هجاهای کلمه وابسته است به حروف صدادار یعنی کلمه هر قدر حرف صدادار داشته باشد به همان اندازه هجا دارد، اگر کلمه یک هجایی باشد، در اینصورت از یک هجای ضربه ای تشکیل شده است، مثلاً در کلمات **ОН.** و **ДОМ**.

نکته مهم در تلفظ کلمات روسی این است که تمام حروف صدادار که ضربه روی آنها نباشد خیلی ضعیف و کوتاه تلفظ می شوند و حتی ممکن است کیفیت خود را تغییر دهند .

حروف صدادار **А, О** وقتی ضربه نداشته باشند تقریباً یکسان تلفظ می شوند. مثلاً در کلمات ذیل :

**М а м а , папа, карта, дома, бумага, комната, это, окно, утром.**

در اینجا کلمه **Это** در ابتدای جمله می آید و نقش مبتدا را بازی می کند .

حرف رابط **И** اجزاء جمله را بهم پیوند می دهد و تقریباً همراه با کلمه بعدی تلفظ می شود .

**Э т о** мама и папа.

این مامان و بابا است .

حرف رابط **А** برای مقایسه یا مقابله کلمات به کار می رود و همراه با کلمه بعدی خود تلفظ می شود :

**Б р а т** там, а папа тут.

برادر آنجا و پدر اینجا است .

در زبان روسی سه جنس مذکر مونث و خنثی وجود دارد. کلمات مذکر معمولاً به حروف بی صدا ختم می شوند مانند کلمه خانه : **ДОМ.**

کلمات مونث معمولاً به حرف آ ختم می شوند مانند کلمات **бумага, комната.**

کلمات خنثی به «او» ختم می شوند مانند **ОКНО.** اما کلماتی هستند که به حرف «آ» ختم می شوند ولی مذکر هستند مانند برخی از اسامی مردان و کلمه **папа** پدر که مذکر است.

### درس سوم

همراه با مفاهیم و ایده های جدید، لغات کوچک و بزرگ خارجی نیز مثل جویبار در روسیه جاری شدند. می توان گفت نفوذ گسترده واژه های اروپای غربی در زمان حکومت به نوعی زمینه را برای توسعه کشور فراهم نمود. در آن زمان استفاده از لغات خارجی مد شده بود. و پتر اول که واژه های جدید زیادی را وارد زبان کرد با افراط در کاربرد لغات خارجی شدیداً مخالفت ورزید. در زمان پتر کتب روشنگری و علمی زیادی به چاپ رسید. در این دوره زمانی بیش از ۶۰۰ عنوان کتاب مختلف به چاپ رسیدند. یکی از موضوعاتی که پتر توجه خاصی نسبت به آن مبذول می داشت تهیه لغت نامه بود. امپراطور بطور خستگی ناپذیر نه تنها به هر شکل ممکن تهیه فرهنگ لغات را تشویق می کرد بلکه خودش نیز برای شرکت در این کار مهم اجتماعی وقت می گذاشت. بدین ترتیب پتر اول باعث تشویق و شکلگیری زبان ادبی روسی شد. پس از مدتی جریان زندگی دمکراتیزه کردن و نظم دادن به زبان روسی را طلب کرد. تنها کسی که از عهده این کار بر می آمد لومونوسوف نابغه، دانشمند کبیر همه علوم بود که خوشبختانه از استعداد شاعری نیز بهره مند بود. بلینسکی زمانی نوشت: از لومونوسوف ادبیات ما شروع می شود. او پدر و حامی آن بود. او پتر کبیر ادبیات ما بود .

باید گفت تاریخ سرنوشت خودویژه ای برای زبان روسی تعیین کرده بود. الکساندر پوشکین شاعر کبیر روس سهم عظیم و بسیار مهمی در توسعه ادبیات میهنی ادا کرد. او را بحق بنیانگذار زبان ادبی معاصر روسی می دانند. تورگنیف زمانی نوشت: شکی نیست که او را می توان خالق زبان شعر و ادبیات ما دانست و اینکه ما و نسل های بعدی فقط باید قدم در این راه گذاشته و راه این نابغه را ادامه دهیم». لومونوسوف زمینه را برای ایجاد زبان واحد ادبی فراهم کرد و پوشکین به گفته بلینسکی از زبان روسی معجزه آفرید. پوشکین راه را برای توسعه و تکامل آزاد و طبیعی زبان گشود .

ولادیمیر دال نیز سهم بسزایی در رشد و حفظ زبان ادا نمود. در فرهنگ لغات او تجربیات چندین قرنی زندگی ملت روس به ثبت رسیده است. فرهنگ لغات او پلی مرتبط بین گذشته و حال زبان روسی شد .

امروز شما را با چند حرف دیگر روسی آشنا می کنیم. حروف روسی В, Ф, З, С تقریباً مانند حروف فارسی: و-ف-ز-س فارسی تلفظ می شوند. مانند :

آب

В о д а

فوتبال

Ф у т б о л

باغ

С а д

فردا

З а в т р а

اما در فارسی حرف **bl** وجود ندارد. تلفظ آن کمی شبیه به تلفظ «ای» است. در زبان روسی کلمات با حرف **bl** شروع نمی شوند و به این دلیل هرگز به شکل بزرگ نوشته نمی شود. حالا به این جملات توجه کنید .

این خانه است .

В о т д о м .

این اتاق است .

Э т о к о м н а т а

ما اینجا هستیم، ماخانه هستیم .



Мы тут, мы дома.

باغ آنجاست، شما آنجا هستید .

Вот сад, вы там.

و حالا به متن کامل توجه کنید :

Вот дом. Это комната. Мы тут, мы дома. Вот сад, вы там.

لطفاً به تلفظ این کلمات مفرد و جمع توجه فرمائید :

К а р т а -карты, Комната-комнаты.

«آ» حرف آخر این کلمات به bl تبدیل شده است bl. در اینجا علامت جمع است. حالا سعی کنید آنها را تکرار کنید :

این کیه؟

К т о это?

این برادر است .

Э т о брат.

مامان کی خانه هست؟

К о г д а мама дома?

مامان صبح خانه است .

М а м а дома утром.

درس کی شروع می شود؟

К о г д а урок?

درس فردا شروع می شود .

У р о к завтра.

و حالا به این متن کامل توجه فرمائید :

К т о это? Это брат. Когда мама дома? Мама дома утром. Когда урок? Урок завтра.

و حالا لغات متن :

این است

В о т

ما

Мы

باغ

С а д

شما

В ы

کی

К т о

چه وقت کی

К о г д а

درس

У р о к

فردا

### З а в т р а

Вы و Мы ما و شما ضمایر شخص اول و دوم جمع هستند. ضمیر Вы به علامت احترام و نزاکت در دوم شخص مفرد نیز بکار می رود. و اما در زبان روسی اکثر حروف بیصدا به حروف بیصدا زنگدار و بی زنگ جفت هایی دارند، مثلاً حروف Б- Д- В- Г- З با حروف П-Т-Ф-К-С جفت و قرینه هستند. به این نمونه ها توجه فرمائید :

در کلمه Сад حرف آخر «د» به صورت «ت» تلفظ می شود. در کلمه Завтра حرف «و» به صورت «ف» تلفظ می شود. و یا حروف بیصدای بدون زنگ جلوی حروف زنگ دار در وسط کلمه و یا در نتیجه تلفظ متصل آنها زنگ پیدا می کند. برای نمونه در کلمات Вот дом. حرف «ت» در Вот به «د» مبدل می شود و این جمله چنین تلفظ می شود. Вот(д) дом. در جمله Вот дорога نیز وضعیت همینطور است .

و حالا این جملات را تکرار کنید :

این خانه است .

В о т дом.

این جاده یا راه است .

В о т дорога.

این پنجره است .

В о т окно.

این نقشه و کاغذ است .

В о т карта и бумага.

این برادر است .

В о т брат.

این مامان و بابا است .

В о т мама и папа.

و حالا چند جمله سئوالی :

او کیست؟

К т о это?

این باغ است؟

Э т о сад?

این نقشه است؟

Э т о карта?

خودش است؟

Э т о он?

کی (چه وقت) ناتا خانه است؟

К о г д а Ната дома?

چه وقت او خانه است؟

К о г д а он дома?

و حالا چند جمله جمع :

این نقشه است. اینها نقشه ها هستند .

Э т о карта -это карты.

این اتاق است. اینها اتاق ها هستند .

Э т о комна та — это комна ты.

این باغ است. اینها باغها هستند .

Э т о сад -это сады.

این مامان و بابا است. اینها مامانها و باباها هستند .

.Э т о ма ма и па па -это ма мы и па пы



### درس چهارم

و اما قرن بیستم

زبان روسی خیلی سریع نسبت به تغییرات در زندگی اجتماعی از خود عکس العمل نشان داد. حوادث سال ۱۹۱۷ واژه‌های زیاد جدیدی را وارد زبان کردند. البته آنها به همان سرعت ظاهر شدنشان فراموش می شدند. در قرن ۲۰ نیز این پدیده ادامه داشت. می توان گفت به معنی واقعی کلمه هر روز یک لغت جدید متولد می شد. زبان روسی معاصر واقعاً یکی از غنی ترین و پیشرفته ترین زبانهای دنیاست. وسعت واژه های آن نه تنها زمینه را برای گسترش دخیره لغوی خود فراهم می کند، بلکه آن لغت یگانه لازمی را پیدا می کند که می توان آن را در وضعیتهای پیچیده و متنوع زندگی امروزی به کار برد .

افراط در کاربرد واژه های خارجی را نمی توان تنها نقص بیان معاصر دانست. زنگ خطر را نقض جنبه های اخلاقی و زیباشناسانه فرهنگ بیان ، ممنوعیت استفاده از لغاتی که قبلاً جزء لغات ممنوعه به حساب می آمد به صدا در می آورد. برای نمونه قبلاً حتی بر تحقیقات علمی که در باره سرچشمه شکلگیری ناسزها و فحش ها به انجام می رسید مهر « فقط برای استفاده علمی » زده می شد. در اینجا می توان گفت که کاربرد چنین لغاتی در ملاء عام بدور از فرهنگ سنتی روسی است .

آری، نمی توان مانع از رشد و پیشرفت زبان شد. زبان روسی معاصر نیز یکدفعه پدیدار نشده، تغییرات قطره قطره و بدون آنکه زیاد حس شوند طی قرنها جا در زبان روسی باز کردند تا اینکه آن را بشکل کنونی درآوردند. خیلی چیزها طی این مدت تغییر کرده است. لغاتی از زبان خارج شدند، لغات دیگری ظاهر و گرامر نیز شکل خود را تغییر داد .

رویهمرفته زبان هر ملتی میراث فوق العاده ارزشمند آن است که هر فردی در طول عمر از آن جدا نمی شود. و بالاخره اینکه نباید نسبت به کاربرد زبان و انعکاس افکار خود به کمک زبان و ارزشی که برای زبان مادری خود قائلیم بی تفاوت باشیم. پائوستوفسکی نویسنده کلاسیک روس گفته خوبی در این باره دارد: « شخصی که نسبت به زبان مادری خود بی تفاوت باشد یک وحشی است، زیرا بی تفاوتی او نسبت به زبان نشاندهنده بی تفاوتی کامل او نسبت به گذشته و حال و آینده ملت خود است .»

هر ملتی باید در حفظ زبان خود کوشا باشد. زیرا فقط واژه ها و زبان تمام معنی موجودیت بشری را در خود جمع می کند. این هم بیان، هم ملت و هم خاک پدران است .

д р а в с т в у й т е !

ابتدا متنی را مورد توجه شما قرار می دهیم :

Э т о наш дом. Это мой брат. Это мама и папа, а это я, Наташа. Мой папа врач. И мама врач.

- А кто это?

- Это наш друг Юра.

- А это Нина?

- Да, это Нина. Нина и Юра живут там.

Ч т о это?- Это щи.

Н а т а ш а ест щи.

Э т о наш дом. Вот мое окно.

حالا به معنی لغات توجه کرده سعی کنید آنها را تکرار کنید :

مال من

М о й

مال ما

Н а ш

من

Я

اسم پسر یورا

Ю р а

دوست

Д р у г

زندگی می کنند

Ж и в у т

می خورد

Е с т

پزشک

В р а ч

چه (چه چیزی) سوپ کلم

Щ и

در این درس حروف جدید Я-Ю-Е-Е را می آموزیم که ترکیبی است از صدای حروف بیصدا با صدای А-У-О-Э .  
در زبان روسی ضمائر شخصی و ملکی اشکال مختلفی دارند .

Я — мой, моя, мое

М ы - наш, наша, наше

علاوه بر این، در زبان روسی ضمیر ملکی جلوی اسم قرار می گیرد و نه بعد از آن. توجه کنید :

من اینجا هستم. این اتاق من است .

Я тут. Это моя комната.

ما خانه هستیم. این خانه ماست .

М ы дома. Это наш дом.

Что это? به معنی این چیست؟ پاسخی شبیه پاسخ به سؤال Кто это? این کیست؟ را دارد .

К т о это? — Это Юра.

Ч т о это?- Это карта.

توجه داشته باشید که حرف Ч در کلمه Что مانند (مانند) ш تلفظ می شود. و اما کلمه Врач که مذکر است می تواند هم در مورد

مردان و هم زنان به یکسان بکار رود. توجه کنید :

М о й папа врач. И мама врач.

و حالا این جملات را با استفاده از ضمائر ملکی ( мой, моя, мое مال من) و (یا) наш, наша, наше مال ما) تکرار کنید و

به خاطر بسپارید :

Э т о брат. Это мой брат.

Э т о врач. Это мой врач.

Э т о папа. Это мой папа.

А это мама. Это моя мама.

Э т о друг. Это наш друг.  
Э т о карта. Это наша карта.  
Э т о дом. Это наш дом.  
А это окно. Это наше окно.  
و حالا به چند جمله سئوالی توجه فرمائید :

اینها کیستند؟

К т о это?

مامان و بابا .

Э т о мама и папа.

این چیست؟

Ч т о это?

این خانه ماست .

Э т о наш дом.

او کیست؟

К т о он?

یورا دوست ما .

Э т о наш друг Юра.

این چیست؟

Ч т о это?

سوپ شی .

Э т о щи.

این چیست؟

Ч т о это?

اتاق من .

Э т о моя комната.

مامان ، بابا کی خانه هستند؟

К о г д а мама и папа дома?

مامان و بابا صبح خانه هستند .

М а м а и папа дома утром.

یورا کی خانه هست؟

К о г д а Юра дома?

فردا .

Ю р а дома завтра.

دکتر ما کی خانه است؟

К о г д а наш врач дома?

دکتر ما صبح خانه است .

.Н а ш врач дома утром

درس پنجم

امروز درس پنجم زبان روسی را مورد توجه شما قرار می دهیم. و قبل پرداختن به آشنایی شما با چند حروف دیگر روسی ابتدا چند واژه پرکاربرد را تکرار می کنیم. امیدواریم آنها را فراموش نکرده باشید :

سلام مؤدبانه !

Здравствуйте!

سلام دوستانه

Привет!

صبح بخیر

Доброе утро!

بعد از ظهر بخیر

Добрый день!

عصر بخیر

Добрый вечер!

شب بخیر

Спокойной ночи!

حالتون چطوره؟

Как дела?

و حالا از حرف X شروع می کنیم که صدایش تقریباً مانند صدای «خ» در فارسی است. ولی قبل از ادامه صحبت در باره صدای حروف متنی را مورد توجه شما قرار می دهیم :

Доброе утро, Наташа!

Доброе утро, Юра! Это моя подруга Зина. Вы знакомы?

Да, мы знакомы.

Как ты живешь, Юра?

Хорошо. А ты?

Тожe хорошо. Когда наш урок?

Наш урок завтра.

Как вас зовут? – Меня зовут Зина.

و حالا لغات متن :

صبح بخیر

Доброе утро

دوست دختر

Подруга

اسم دختر

Зина

شما با هم آشنا هستید؟

Вы знакомы?

حالت چطور است؟

К а к ты живешь?

خوب .

Х о р о ш о .

و تو؟ یا حال تو چطور است؟

А ты?

من هم همچنین .

Т о ж е

مثل تو خوب است .

Т о ж е хорошо.

اسم شما چیست؟

К а к вас зовут?

اسم من ...

М е н я зовут

حالا این چند جمله را تکرار کرده و به خاطر بسپارید .:

Д о б р о е утро!

Д о б р о е утро!

В ы знакомы?

Д а , мы знакомы.

К а к вас зовут? – Меня зовут

در زبان روسی حروف بیصدای سخت و نرم وجود دارد. یک حرف بی صدا در یک حالت صوتی سخت تلفظ می شود و در حالت صوتی دیگر نرم. به این دلیل همجواری حرف بیصدا با حرف با صدای «ای» به تلفظ نرم حرف بیصدا کمک می کند. معمولاً هنگامیکه حروف «ای، یا، یو، یه، و یو، «И, Я, Ю, Е, Е» پس از حروف بی صدا قرار می گیرند معلوم می شود که حروف بیصدا باید نرم تلفظ شوند. در چنین حالتی حروف Я, Ю, Е, Е به ترتیب صدای حروف А, У, Э, О را می دهند. امتحان کنید :

М а -Мя

В а -Вя

М у -Мю

В у -Вю

М э -Ме

В э -Ве

М о -Ме

В о -Ве

و حالا چند کلمه با حروف بیصدای سخت و حروف بیصدای نرم برای مقایسه آورده می شوند :

حروف بیصدای سخت

М а м а

О н а

Н и н а

В о т

کلمات با حروف بیصدای نرم



М е н я

Ю р а

Ж и в е ш ь

به خاطر بسپارید که حروف بیصدای Ш, Ч, Щ, Ж یا نرم تلفظ می شوند یا سخت. اما حروف Ш, Ж حتی هنگامیکه در کلمه قبل از حروف باصدا قرار بگیرند سخت تلفظ می شوند. و حروف Ш, Ч همیشه نرم تلفظ می شوند.

برای مثال:

Ж и в е ш ь

Н а ш е

Т о ж е

В р а ч

Щ и

و اما علامتی به نام ъ در بین حروف روسی هست که خود بخود تلفظ نمی شود اما باعث می شود که کلمه قبلی آن نرم تلفظ شود. در کلمه Ж и в е ш ь این علامت در آخر آمده است که نشاندهنده حالت فعل است.

و اما ضمائر شخصی و ملکی دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع:

تو- مال تو که در زبان روسی سه حالت مذکر مؤنث و خنثی دارد.

تو- مال تو مذکر

Т ы — Твой,

مال تو مؤنث

Твоя,

مال تو خنثی

Твое

و حالا دوم شخص جمع:

«شما» مانند «تو» همان سه حالت مذکر و مؤنث و خنثی را در زبان روسی دارد.

شما

В ы

مال شما- مذکر

Ваш

مال شما- مؤنث

Ваша

مال شما خنثی

Ваше

و حالا به این چند جمله توجه کنید. اکثر کلمات روسی با توجه به حرف آخر آنها از نظر جنس مشخص می شوند و متناسب با آن ضمائر به آنها تعلق می گیرد.

Ты дома. Это твой друг.

تو خانه هستی. این دوست توست. مذکر

Вы там. Вот ваша подруга.

شما آنجا هستید. این دوست شماست.

Это ваше окно?

این پنجره شماست؟ خنثی

Этo ваш врач.

این دکتر شماست .

Этo ваша подруга.

این دوست دختر شماست .

Этo твоя бумага.

این کاغذ توست .

Этo ваш урок.

این درس شماست.



### درس ششم

امروز شما را با حرف دیگری از الفبای روسی آشنا می کنیم. حرف Ц, چنین حرفی در زبان فارسی وجود ندارد. تلفظ آن چیزی شبیه صدای تلفظ توام «ت» و «س» است. حرف Ц همیشه سخت تلفظ می شود. و حالا از شما دعوت می کنیم ابتدا به یک متن و گفتگوی کوتاه توجه فرمائید :

Этот город Москва. Моя подруга Анна живет тоже тут. Она не студентка. Она уже работает. Она гид. Она хорошо знает английский язык. Анна любит свою специальность.

و حالا گفتگوی کوتاه

ناتاشا: صبح بخیر آنا!

Доброе утро, Анна!

آنا: صبح بخیر ناتاشا!

Доброе утро, Наташа!

ناتاشا: اینها تانیا و یورا دوستان من هستند. آنها دانشجو هستند. شما با هم آشنا هستید؟

Этот мои друзья Таня и Юра. Они студенты. Вы знакомы?

آنا: بله، ما با هم آشنا هستیم .

Да, мы знакомы.

ناتاشا: آنا حالا کار می کند. او راهنماست .

Анна уже работает. Она гид.

یورا: بله، خبر داریم. آنا زبان انگلیسی را خوب می داند و کار خود را دوست دارد .

Да, мы знаем. Она хорошо знает английский язык. Анна любит свою специальность.

حالا به لغات جدید این متن توجه فرمائید :

г о р о д

شهر

А н н а

نام زن

у ж е

دیگر- اکنون

О н а уже работает

او (مونث) حالا کار می کند .

г и д

راهنما

О н а не студентка

او « مونث» دانشجو نیست .

Х о р о ш о знает

خوب می داند .

а н г л и й с к и й

انگلیسی

я з ы к

زبان

с п е ц и а л ь н о с т ь

حرفه یا کار تخصصی

л ю б и т с в о ю с п е ц и а л ь н о с т ь .

کار خودش را دوست دارد .

و حالا شما را با ضمائر مفرد و جمع آشنا می کنیم .

Я

من

Т ы

تو

О н , Она , Оно

اومذکر، مونث و خنثی

М ы

ما

В ы

شما

О н и

آنها

و حالا صرف افعال жить, работать, знать، زندگی کردن، کار کردن و دانستن را مورد توجه شما قرار می دهیم. در ضمن در جملاتی که اکنون خواهید شنید کلمات там و там به معنی آنجا و اینجا نیز تکرار می شود. برای نمونه :

Я жив –у там

من آنجا زندگی می کنم .

Т ы жив –ешь там

تو آنجا زندگی می کنی .

О н , Она жив –ет там

او آنجا زندگی می کند .

М ы жив –ем там

ما آنجا زندگی می کنیم .

В ы жив –ете там

شما آنجا زندگی می کنید .

О н и жив –ут там

آنها آنجا زندگی می کنند .

و فعل **работать** ، کارکردن :

**Я работа –ю тут**

من اینجا کار می کنم

**Т ы работа –ешь тут**

تو اینجا کار می کنی. و الی آخر .

**О н , она работа –ет тут**

**М ы работа –ем тут**

**В ы работа –ете тут**

**О н и работа –ют тут**

و فعل **знать** دانستن :

**Я зна –ю английский язык**

من زبان انگلیسی می دانم .

**Т ы зна –ешь английский язык**

تو زبان انگلیسی می دانی. و الی آخر

**О н . Она зна –ет английский язык**

**М ы зна –ем английский язык**

**В ы зна-ете английский язык**

**О н и зна –ют английский язык**

و حالا چنده واژه و جمله پرکاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم :

**З Д Р А В С Т В У Й!**

سلام !

**З Д Р А В С Т В У Й Т Е , Д О Р О Г И Е Д Р У З Ъ Я!**

سلام دوستان عزیز !

**Д О Б Р О Е У Т Р О!**

صبح بخیر !

**Д О Б Р Ы Й Д Е Н Ъ!**

روز بخیر !

**Д А В А Й Т Е П О З Н А К О М И М С Я!**

بیائید با هم آشنا بشویم !

**М Е Н Я З О В У Т ...**

نام من ...

Я ДИКТОР.

من گوینده هستم .

ЭТО...

این ...

ОНА ДИКТОР.

او گوینده است .

ЭТОНИНА.

این نینا است .

ОНА ПЕВИЦА.

او خواننده است .

КАК ДЕЛА?

حال شما چطور؟

СПАСИБО, ХОРОШО!

خوبم، مرسی .

معانی لغات و جملات :

Я

من

ЭТО

این است

ОНА

اومونث

ЗНАКОМСТВО

آشنایی

ГОВОРИТЕ ПО-РУССКИ!

روسی صحبت کنید !

СЛУШАЙТЕ! ПОВТОРЯЙТЕ! ЗАПОМИНАЙТЕ!

گوش کنید! تکرار کنید! به خاطر بسپارید !

ЗДОРОВ

خوب، خوبم در مورد تمام ضمائر شخصی بکار می رود، مثلا خوب است، خوبیم

ЗДОРОВЬЕ

تندرستی، سلامتی

ЗДОРОВЫЙ

سالم، تندرست

ДОБРЫЙ

خوب

و حالا چند واژه دیگر :

СТАРИК

پیرمرد

СТАРУХА

پیرزن

СИНЕЕ МОРЕ

دریای آبی

ОДИН РАЗ

یکبار

ДРУГОЙ РАЗ

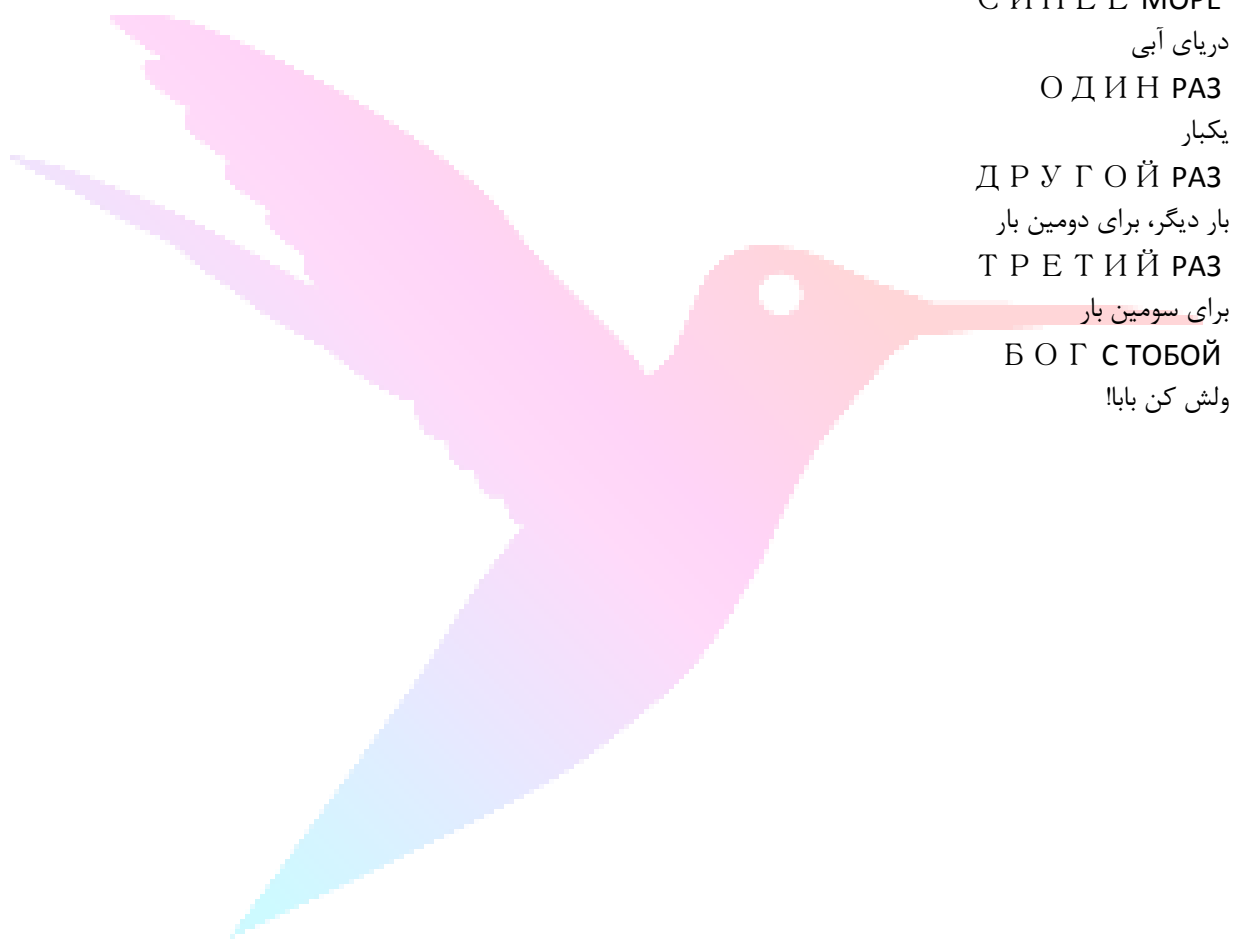
بار دیگر، برای دومین بار

ТРЕТИЙ РАЗ

برای سومین بار

БОГ СТОБОЙ

ولش کن بابا!



درس هفتم

حرف Л شبیه حرف «ل» در فارسی تلفظ می شود. این حرف هم سخت تلفظ می شود و هم نرم. تلفظ «ل» روسی سخت شبیه تلفظ «ل» فارسی در کلماتی مانند «لازم» و «لایق» است .

Э т о Москва. Тут живет моя семья. Это мои родители. Они врачи. Это мой брат Володя.  
Он инженер. Вот мои друзья Таня и Юра. Они студенты. Я тоже студентка.

و حالا گفتگو :

تانیا :

Д о б р о е у т р о , Н а т а ш а !

ناتاشا :

Д о б р о е у т р о , Т а н я !

تانیا

К а к ж и в е т т в о й б р а т В о л о д я ?

ناتاشا :

Х о р о ш о .

تانیا :

А м а м а и п а п а ?

ناتاشا :

Т о ж е х о р о ш о .

تانیا :

М а м а д о м а ?

ناتاشا :

Д а , м а м а д о м а . У т р о м о н а д о м а .

تلفظ و معانی لغات این درس :

М о с к в а

مسکو

с е м ь я

خانواده

ж и в е т

زندگی می کند، بسر می برد

м о и

مال من ضمیر ملکی جمع اول شخص مفرد

р о д и т е л и

والدین

о н и

آنها



В о л о д я

اسم مرد

о н

او ضمیر مذکر

и н ж е н е р

مهندس

с т у д е н т ы

دانشجویان

с т у д е н т к а

دانشجو مونث

معمولاً کلمات مونث به حرف «آ» و گاهی «یا» ختم می شوند. کلمات مذکر به حروف بی صدا و گاهی به حروف صدادار که علامت کلمات مونث است، ختم می شوند. مانند Володя و Юра. کلمات خنثی نیز به حرف «o» ختم می شوند. حالا نمونه هایی از اسامی مذکر و مونث و خنثی :

کلمات مذکر :

Д о м

خانه

М а л ь ч и к

پسر بچه

А р т и с т

آر티ست مرد

К о с м о н а в т

فضانورد

Ч е л о в е к

انسان

С т у д е н т

دانشجو مرد

کلمات مونث

К н и г а

کتاب

Д е в о ч к а

دختر بچه

А р т и с т к а

آر티ست زن

Б а л е р и н а

بالرین

П т и ц а

پرنده

Я й ц о

تخم مرغ

К о л е с о

چرخ

М е т р о

مترو

О к н о

پنجره

П и а н и н о

پیانو

К р е с л о

مبل

К о л ь ц о

حلقه

П а л ь т о

پالتو

П и с ь м о

نامه

کلمات مذکر و مونثی که به حروف بیصدای نرم و همچنین به حروف X, K, Г ختم می شوند در حالت جمع به حرف «И» منتهی می گردند. توجه کنید :

В р а ч — врачи

У р о к — уроки

П о д р у г а — подруги

Д о р о г а — дороги

و اما استثنا هم وجود دارد که در این صورت باید حالات جمع اینگونه اسامی را به خاطر سپرد مانند :

Д р у г — друзья

Б р а т — братья

کلمه Студент فقط در مورد مردان بکار می رود و شکل مونث آن Студентка است. اشکال جمع این کلمه در حالت مذکر Студенты و در حالت مونث Студентки است. کلمه инженер به معنی مهندس مانند کلمه Врач هم برای مردان بکار

می رود و هم برای زنان. جمع این کلمه می شود инженеры :

حالا به چند جمله توجه کنید :

М о й брат инженер. Мои братья инженеры. Моя подруга тоже инженер. Мои подруги тоже инженеры.

معنی این جملات بدین قرار است: برادرم مهندس است. برادرانم مهندس هستند. دوست دخترم نیز مهندس است. دوستانم نیز مهندس هستند که در آخرین جمله منظور تعداد بیشتر از یک دوست دختر است .

## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

در زبان روسی ضمائر ملکی برای اسامی در حالت مفرد و جمع شکلهای مختلفی دارند. مقایسه کنید :

Эт о мой друг. Это мои друзья.

این دوست من است. اینها دوستان من هستند .

Эт о наш друг. Это наши друзья.

این دوست ماست. اینها دوستان ما هستند .

ضمائر ملکی در حالت جمع برای اسامی مذکر و مونث یکسان است .

Эт о мои друзья. Это мои подруги.

حالا نمونه های دیگری از اسامی مذکر و مونث و خنثی و حالات استثنا در آنها را مورد توجه شما قرار می دهیم .

کلمات مذکری که به حرف صدادار «ای» «Й» کوتاه ختم می شوند مانند :

Музей

موزه

Трамвай

تراموای

Чай

چای

Дедушка

پدربزرگ

Мужчина

مرد

Папа

بابا

Юра

یورا اسم مرد

Саша

ساشا اسم مرد

کلمات مونثی که بطور استثنا به حرف «یا» «Я» ختم می شوند. برای نمونه :

Кухня

آشپزخانه

Семья

خانواده

Катя

کاتیا اسم زن

Аудитория

سالن سخنرانی

История

تاریخ

Химия

شیمی

География

جغرافیا

کلمات خنثی که به حرف «e» ختم می شود. به عنوان مثال :

Море

دریا

Платье

پیراهن

Солнце

خورشید

Здание

ساختمان

Давление

فشار

و اما هستند کلمات مذکری که به علامت نرم ختم می شوند. برای نمونه :

Учитель

معلم

Гость

مهمان

Дождь

باران

Календарь

تقویم

Кремль

کرملین

Рубль

روبل

Словарь

لغت نامه

و البته کلماتی که آنها نیز به علامت نرم کننده b ختم می شوند ولی مونث به حساب می آیند .

Мать

مادر

Дочь

فرزند دختر

Дверь

در

Кровать

تخت

М е д а л ь

مدال

Н о ч ь

شب

О с е н ь

پاییز

Т е т р а д ь

دفترچه

لازم به ذکر است که در این سری اسامی خنثی وجود ندارد که به علامت b ختم شده باشند .  
و حالا چند نمونه جمع اسامی مذکر و مونث و خنثی را مورد توجه شما قرار می دهیم تا بهتر به یاد بمانند .  
اسامی خنثی (مفرد و جمع). شایان ذکر است که اسامی خنثی به «o,e» ختم می شوند که در جمع این حروف به «آ و یا »  
مبدل می شوند. البته استثنا هم وجود دارد. چند مثال می آوریم :

پنجره

о к н о

پنجره ها

о к н а

دریا

м о р е

دریاها

м о р я

درخت

д е р е в о

درخت ها

д е р е в ь я

و یک مورد استثنایی

سیب

я б л о к о

سیبها

я б л о к и

لازم به ذکر است که تعدادی از اسامی در زبان روسی جمع بسته نمی شوند، مانند :

М о л о к о

شیر

К о ф е

قهوه

М а с л о

روغن، کره

М я с о

گوشت

Рыба

ماهی

Рис

برنج

Капуста

کلم

Лук

پیاز

Морковь

هویج

Мука

آرد

Сахар

شکر

Хлеб

نان

Картофель

سیب زمینی



درس هشتم

عصر بخیر دوستان عزیز

Д о б р ы й вечер!

امیدواریم شما درس های قبلی زبان روسی را که از طریق امواج «صدای روسیه» پخش می شوند گوش کرده باشید. بهر حال اگر شنوندگان گرامی صدای روسیه موفق به شنیدن این درس ها نشده و یا فقط به تعدادی از آنها گوش داده اند جای نگرانی نیست. برنامه های درس زبان روسی تکرار می شوند و شما می توانید به این برنامه ها در ساعت پخش آنها گوش کنید. و حالا می پردازیم به درس امروز .

ابتدا متن و گفتگو

Э т о студенты: Наташа, Таня и Юра. Они читают книги. Это английский язык, а это персидский язык. Они изучают английский и персидский языки. اینها دانشجویان ناتاشا، تانیا و یورا هستند. آنها کتاب می خوانند. این کتاب زبان انگلیسی و این زبان فارسی است. آنها زبانهای انگلیسی و فارسی را می آموزند .

Ди а л о г и

گفتگو

- Скажите, пожалуйста, персидский язык трудный?

لطفاً بگوئید، زبان فارسی مشکل است؟

- Нет, не трудный. Это легкий язык.

نخیر، سخت نیست. این یک زبان آسان است .

- А английский трудный?

زبان انگلیسی چطور؟

- Нет, не очень трудный.

نخیر، خیلی مشکل نیست .

Э т о ваши книги?

اینها کتابهای شما هستند؟

- Да, это наши книги.

بله، اینها کتابهای ما هستند .

А это чьи книги?

این کتاب کیست؟

- Это моя книга.

کتاب من است .

Ч и т а ю т

می خوانند

Ч и т а т ь

خواندن

К н и г и

کتابها

Книга

کتاب

Персидский

فارسی

Изучают

یاد می گیرند، می آموزند

Изучать

یاد گرفتن

Скажите, пожалуйста...

لطفاً بگوئید، خواهش مندم بگوئید ...

Персидский язык трудный?

زبان فارسی مشکل است؟

Нет, не трудный.

خیر، مشکل نیست .

Легкий

آسان، سهل

Очень

خیلی

Нет, не очень трудный.

نه، خیلی مشکل نیست .

Ваши

مال شما

А это чьи книги?

این کتاب مال کیست؟

برخی از ترکیبات حروف بیصدا در کلمات آنطور که نوشته می شوند تلفظ نمی گردند. مثلاً гк مانند хк تلفظ می شود. در Легкий مانند хк تلفظ می شود .

Легкий

دیگر اینکه дс مانند ц تلفظ می شود. نمونه این تغییر صدا را می توانید در کلمه Персидский مشاهده کنید .

Персидский

نکته دیگری که باید به خاطر بسپارید از این قرار است: صفت مذکر مفرد اگر حرف ماقبل آخر آن حرف بیصداى سخت باشد به ый منتهی می شود و اگر حرف ماقبل آخر آن г к به ый ختم می شود. برای مثال :

Трудный урок

Легкий урок

یادآور می شویم که در زبان روسی صفت پس از موصوف مربوطه قرار می گیرد. اگر صفت بعد از موصوف قرار گیرد حکم خبر را پیدا می کند. مقایسه کنید :

Это трудный язык.



این زبان سختی است .

Персидский язык трудный.

زبان فارسی سخت است .

و حالا صرف زمان حال دو فعل Читать و . Изучать در زبان روسی صرف افعال از لحاظ جزء آخر علامت زمان حال به دو نوع مختلف تقسیم می شود. صرف اول و صرف دوم. بنابراین افعال از این حیث به دو گروه تقسیم می گردد. افعالی را که تا کنون با آنها آشنا شدید جزو نحوه صرف اول می نامند مانند :

Работать, знать, жить, читать, изучать

بخش آخر یا علامت پسوند زمان حال این افعال را به خاطر بسپارید :

افعال Читать و Изучать پسوندهای یکجور دارند و پسوندهای فعل жить طور دیگری است .

Я читаю книги

Ты читаешь книги

Он, она читает книги

Мы читаем книги

Вы читаете книги

Они читают книги

فعل Изучать نیز به همین شکل صرف می شود :

Я изучаю русский язык

Ты изучаешь русский язык

و همینطور تا به آخر، درست مانند صرف فعل خواندن. اما در مورد فعل زندگی کردن жить پسوندهای اول شخص مفرد و سوم شخص جمع تغییر می کنند و بجای کلمه Ю به У ختم می شود. توجه کنید: اول شخص مفرد فعل خواندن می شود читаю و

اول شخص فعل زندگی کردن می شود. живу. همینطور در مورد سوم شخص جمع читают. و: живут.

و اما توضیح مختصری در باره ضمایر ملکی اول شخص و دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع :

Мой

مال من

Твой

مال تو

Её

مال او مونث

Его

مال او مذکر

Наш

مال ما

Ваш

مال شما

Их

مال آنها

و حالا ترکیب ضمایی :

ضمایر ملکی مونث

е ё стол

میز او

е ё книга

کتاب او

е ё письмо

نامه او

و حالا ضمایر ملکی مذکر

е го стол

میز او

е го книга

کتاب او

е го письмо

نامه او

ضمایر ملکی سوم شخص جمع

и х стол

میز آنها

и х книга

کتاب آنها

и х письмо

نامه آنها

و حالا چند واژه پرکاربرد دیگر :

До свидания!

خداحافظ شکل مودبانه

Пока!

خداحافظ (شکل دوستانه و عامیانه)، می بینمت .

Всем пока!

با همه خداحافظی کردن!

До завтра!

تا فردا!

До скорой встречи!

تا دیداری دیگر. به امید دیدار در آینده نزدیک!

Не пропадай!

در تماس باش! غیبت نزن!

Спасибо!

متشکرم!

С п а с и б о , и вам того же.

متشکرم، شما هم همچینین .

Б о л ь ш о е спасибо

خیلی متشکرم .

В ы очень добры.

شما خیلی لطف دارید .

П о ж а л у й с т а !

قابلی ندارد !

معانی لغات این واژه ها :

В с е м

همگی

Д о

تا

З а в т р а

فردا

С к о р о

سریع، زود

в с т р е ч а

دیدار، ملاقات

П р о п а д а т ь

گم شدن، در تماس نبودن، غیب شدن

### درس نهم

درس نهم آموزش زبان روسی را آغاز می کنیم. در این برنامه ابتدا چند شکل جمع اسامی را مورد توجه شما قرار می دهیم و شما را با اولین حالت زبان روسی **Именительный падеж** یا حالت اسمی آشنا می کنیم. لطفا عنوان حالت های گرامر روسی را به خاطر بسپارید تا موقع تکرار آنها شما بتوانید حالت مورد نظر را حدس بزنید .

در **Именительный падеж** یا حالت اسمی اسامی مذکر، مونث و خنثی به اشکال گوناگونی جمع می شوند که در درسهای قبلی بطور مختصر در باره آنها توضیح دادیم. حالا نمونه های چندی را مورد توجه شما قرار می دهیم تا بهتر با این حالت گرامری آشنا شوید :

دو سؤال مطرح می شود :

Что это?

این چیست؟

Кто это?

این کیست؟

در پاسخ اسامی را بصورت جمع مذکر و مونث می آوریم. معانی تحت‌اللفظی هستند تا شما متوجه حالت گرامری بشوید .

Это самолеты.

این هواپیماهاست. که در این جمله هواپیما بی جان و به حرف بی صدا منتهی شده و مذکر است .

Это космонавты.

این فضانوردان است. که در این جمله فضانوردان جاندار و آن هم به حرف بی صدا ختم شده و مذکر است .

Это машины.

این ماشینهاست. که در این جا کلمه ماشین مونث است، زیرا به حرف صدادار «آ» ختم شده است .

Это балерины.

این بالرین هاست. که در اینجا نیز کلمه بالرین به حرف صدادار «آ» ختم شده و مونث است .

علامت جمع در دو مورد مذکر و مونث این کلمات حرف **ы** است .

چند نمونه دیگر می آوریم .

اسامی جمع مذکر

Артисты

هنرپیشگان

Рестораны

رستورانها

Театры

تئاترها

Мужчины

مردها

اسامی جمع مونث

Ракеты

موشکها

Буквы

حروف

Ш л я п ы

کلاه ها

Ж е н щ и н ы

زنان

در صورتیکه اسامی مذکر به حروف Г К Х و اسامی مونث به حروف Ж Ч Ш Щ ختم شده باشند حرف آخر جمع آنها نه ы بلکه и خواهد بود .

К а р а н д а ш и

مدادها

П л а щ и

بارانی ها

П о д а р к и

هدایا

М а л ь ч и к и

پسرها

К н и г и

کتابها

Р у ч к и

خودکارها

С у м к и

کیفها

Д е в о ч к и

دخترها

و حالا چند نمونه اسامی جمع خنثی را مورد توجه شما قرار می دهیم. معمولاً اسامی خنثی که به 0 ختم می شوند در جمع حرف آخر آنها به а مبدل می شود. برای نمونه ОКНО :می شود ОКНА

کلمات خنثی ای که به حرف е ختم شوند در جمع این حرف به Я مبدل می شود. مانند МОРЕ : که می شود МОРЯ و اما در جمع اسامی مذکر مواردی هستند که باید به خاطر سپرده شوند، زیرا این کلمات در جمع نه به حرف ы ، بلکه به حروف А و Я ختم می شوند. چند نمونه در اینجا می آوریم. آخرین حرف، علامت جمع کلمات اغلب ضربه دار است که در زبان روسی به آن ударение می گویند .

آنها را به خاطر بسپارید :

Д о к т о р -д о к т о р а

دکتر-دکترها

П а с п о р т -п а с п о р т а

پاسپورت-پاسپورتهای

Г л а з -г л а з а

چشم -چشمها

Г о л о с -г о л о с а



صدا-صداها

В е ч е р -вечера

عصر-عصرها

А д р е с -адреса

آدرس-آدرسها

Д о м -дома

خانه-خانه ها

П о е з д -поезда

قطار-قطارها

Б р а т -братья

برادر-برادران

Д р у г -друзья

دوست (مذکر)-دوستان

С ы н -сыновья

فرزند پسر- پسرها

С т у л -стулья

صندلی-صندلی ها

Л и с т -листья

برگ، ورق کاغذ-برگها

و البته چند مورد استثنا در جمع اسامی :

М а т ь -матери

مادر-مادرها

Д о ч ь -дочери

دختر- دخترها

Р е б е н о к -дети

کودک-کودکان

Ч е л о в е к -люди

آدم-مردم

Ц в е т о к -цветы

گل-گلها

Я б л о к о -яблоки

سیب-سیبها

و حالا چند سؤال و پاسخ در این رابطه :

К т о в ы?

شما کی هستید؟

Я инженер.

من مهندسم .

В а ш сын?

پسر شما؟

С ы н студент.

او دانشجویست .

С ы н студент?

پسر شما دانشجویست؟

В ы иранец?

شما ایرانی هستید؟

Н е т , я русский. А мой друг иранец.

نخیر، من روس هستم، ولی دوستم ایرانی است .

М о с к в а столица?

مسکو پایتخت است؟

Д а , Москва столица России.

بله، مسکو پایتخت روسیه است .

К т о вы?

شما کی هستید؟

Я учитель.

من معلم هستم .

К т о она?

او کیست؟

О н а спортсменка.

او ورزشکار است .

К т о вы?

شماها کی هستید؟

М ы артисты.

ما آرتیست هستیم .

К т о они?

آنها کی هستند؟

О н и туристы.

آنها توریست هستند .

З д р а в с т в у й т е !

سلام !

З д р а в с т в у й , мальчик!

سلام، پسر !

К т о вы?

شما کی هستید؟

Я художник. А ты кто?

من نقاشم. تو کی هستی؟

Я школьник.

من دانش آموز مدرسه هستم .

Вы русский?

شما روس هستید؟

Нет, я не русский. Я француз.

نخیر، من روس نیستم. من فرانسوی هستم .

И вы француз?

شما هم فرانسوی هستید؟

Нет, я иранец. А ты москвичка?

نخیر، من ایرانیم. تو مسکوئی هستی؟

Да .

بله .

Кто ты?

تو کی هستی؟

Я волк. А ты кто?

من گرگم. تو کی هستی؟

А я лиса.

من روباه هستم .

و حالا چند واژه و جمله دیگر :

Говорит по-русски

روسی حرف زدن، صحبت کردن

Говорит по-персидски

فارسی حرف زدن، صحبت کردن

Говорит по-английски

انگلیسی حرف زدن یا صحبت کردن

Кто-нибудь говорит по-персидски?

کسی فارسی حرف می زند؟

Здесь кто-нибудь говорит по-русски?

اینجا کسی روسی حرف می زند؟

Я говорю по-персидски.

من فارسی حرف می زنم .

А я немного говорю по-английски.

و من کمی انگلیسی حرف می زنم .

Я плохо говорю по-русски.

روسی حرف زدن من بد است .



А я не говорю по-персидски.

و من فارسی حرف نمی زنم .

Я немного понимаю по-русски.

من کمی روسی می فهمم .

Говорите, пожалуйста, помедленнее.

لطفاً آهسته تر صحبت کنید .

Простите?

ببخشید؟

Простите, не понял.

ببخشید، نفهمیدم .

Что вы сказали?

شما چی گفتید؟

Что вы спросили?

شما چی پرسیدید؟

Простите, не расслышал.

ببخشید نشنیدم، متوجه نشدم .

Говорите, пожалуйста, громче.

لطفاً بلند تر صحبت کنید .

Повторите, пожалуйста, еще раз.

لطفاً یکبار دیگر تکرار کنید .

و حالا معنی لغات :

Говорить

حرف زدن، صحبت کردن

по-русски

به زبان روسی

по-персидски

به زبان فارسی

по-английски

به زبان انگلیسی

Кто-нибудь

کسی

Здесь

اینجا

Немного

کمی، یکذره

Плохо

بد

П о ж а л у й с т а

لطفاً

П о м е д л е н н е е

آهسته تر، آرام تر، یواش تر

П р о с т и т е ?

بخشید؟

н е п о н я л

نفهمیدم .

П о н я т ь

فهمیدن

С к а з а л и

گفتید؟ زمان گذشته، جمع

С к а з а т ь

گفتن

С п р о с и л и

پرسیدید

С п р о с и т ь

پرسیدن

н е р а с с л ы ш а л

نشنیدم، متوجه نشدم

Р а с с л ы ш а т ь

متوجه شدن، شنیدن

Г р о м ч е

بلندتر

е щ е р а з

یکبار دیگر.



درس دهم

تکرار واژه ها و کلمات پر کاربرد

Д о б р ы й в е ч е р

عصر بخیر

Д о свидания!

خداحافظ شکل مودبانه

П о к а !

خداحافظ (شکل دوستانه و عامیانه)، می بینمت .

В с е м п о к а !

با همه خداحافظی کردن !

Д о з а в т р а !

تا فردا !

Д о скорой встречи!

تا دیداری دیگر. به امید دیدار در آینده نزدیک !

Н е п р о п а д а й !

در تماس باش! غیبت نزن!

С п а с и б о !

متشکرم !

С п а с и б о , и в а м т о г о ж е .

متشکرم، شما هم همچین .

Б о л ь ш о е с п а с и б о

خیلی متشکرم .

В ы о ч е н ь д о б р ы .

شما خیلی لطف دارید .

П о ж а л у й с т а !

قابلی ندارد !

Г о в о р и т п о - р у с с к и

روسی حرف زدن، صحبت کردن

Г о в о р и т п о - п е р с и د س к и

فارسی حرف زدن، صحبت کردن

Г о в о р и т п о - а н г л и й с к и

انگلیسی حرف زدن یا صحبت کردن

К т о - н и б у д ь г о в о р и т п о - p e r c i d c k i ?

کسی فارسی حرف می زند؟

З д е с ь к т о - н и б у д ь г о в о р и т п о - r u s s k i ?

اینجا کسی روسی حرف می زند؟

Я г о в о р ю п о - p e r c i d c k i .

من فارسی حرف می زنم .

А я немного говорю по-английски.

و من کمی انگلیسی حرف می زنم .

Я плохо говорю по-русски.

روسی حرف زدن من بد است .

А я не говорю по-персидски.

و من فارسی حرف نمی زنم .

Я немного понимаю по-русски.

من کمی روسی می فهمم .

Говорите, пожалуйста, помедленнее.

لطفاً آهسته تر صحبت کنید .

Простите?

بخشید؟

Простите, не понял.

بخشید، نفهمیدم .

Что вы сказали?

شما چی گفتید؟

Что вы спросили?

شما چی پرسیدید؟

Простите, не расслышал.

بخشید نشنیدم، متوجه نشدم .

Говорите, пожалуйста, громче.

لطفاً بلند تر صحبت کنید .

Повторите, пожалуйста, еще раз.

لطفاً یکبار دیگر تکرار کنید .

Пожалуйста

لطفاً، خواهش می کنم

و حالا بسراغ ضمایر شخصی می رویم که قبلاً از آنها یاد کردیم :

Я, ты, он, она, оно, мы, вы, они

در اینجا مثال هایی با کمک حرفه ها آورده می شود تا ضمایر مذکر، مونث و جمع مشخص تر شوند :

Я, ты, он- учитель

Я, ты, она- учительница

Мы, вы, они- учителя

توجه داشته باشید که حرفه و شغلهایی مانند Геолог, инженер, экономист هنگام استفاده از ضمایر شخصی یکسان

هستند و تغییری نمی کنند. برای نمونه :

Кто ваши дети?

فرزندان شما چکاره هستند؟

Сын геолог и дочь геолог.

پسر زمین شناس و دختر هم زمین شناس است .

А мой сын инженер, а дочь — экономист.

پسر مهندس و دختر کارشناس اقتصاد است .

در اینجا نمونه های مختلف ضمیر ملکی استفهامی **чей** را می آوریم که مربوط به حالت مذکر و مونث و یا اسم جمع است :  
مذکر، منظور کلمه خانه است که به حرف بیصدای «م» ختم شده است .

Чей это дом? – это мой дом.

این خانه کیست؟ این خانه من است .

مونث، که به حرف صدادر «آ» ختم شده است :

Чья это комната? – это моя комната.

این اتاق کیست؟ — این اتاق من است .

خنثی، که به حرف صدادر «او» ختم شده است :

Чье это окно? – это мое окно.

این پنجره کیست؟ — این پنجره من است .

جمع، که در مثالهای زیر به کتاب، خانه و پنجره مربوط می شوند :

Чьи это книги? – это мои книги.

Чьи это дома? – это наши дома.

Чьи это окна? – это наши окна.

طرز استقرار کلمات در جملات سئوالی دارای کلمه **Чей** ممکن است به شکل دیگری باشد، برای نمونه :

А это чья книга?

و این کتاب کیست؟

که در این جمله تکیه بیشتر روی کلمه «این» و نه ضمیر ملکی می شود .

از شمداعوت می کنیم به یک متن و گفتگو توجه فرمائید :

Это институт. Тут учатся Наташа, Таня и Юра. Они изучают иностранные языки: персидский и английский. Персидский язык не трудный. Английский тоже не трудный.

Они уже немного говорят по-персидски, читают легкие тексты.

این انستیتو است. در اینجا ناتاشا، تانیا و یورا درس می خوانند. آنها زبانهای خارجی یاد می گیرند: فارسی و انگلیسی. زبان فارسی سخت نیست. زبان انگلیسی نیز سخت نیست. آنها تا بحال کمی فارسی حرف می زنند و متون ساده را می خوانند .

گفتگو

Скажите, пожалуйста, какой язык вы изучаете?

Я изучаю персидский язык.

А ваша подруга?

Она тоже изучает персидский язык.

В ы уже говорите по-персидски?

Д а , мы немного говорим по-персидски.

В а м нравится персидский язык?

Д а , очень.

С к а ж и т е , пожалуйста, русский язык трудный?

Н е т , не очень.

В ы говорите по-русски?

Н е м н о г о . Я изучаю русский язык.

В а м нравится русский язык?

О ч е н ь .

معانی کلمات و جملات :

Институт

انستیتو

Учатся

درس می خوانند، تحصیل می کنند

Учиться

درس خواندن، تحصیل کردن

иностранные языки

زبانهای خارجی

Иностранный

خارجی

Немного

کمی، قدری، اندکی

немного говорят по-персидски

کمی به زبان فارسی حرف می زنند

Говорить

گفتن، حرف زدن

легкие тексты

متن های آسان

Текст

متن

В ы уже говорите по-персидски?

شما حالا دیگر به زبان فارسی حرف می زنید؟

В а м нравится персидский язык?

شما از زبان فارسی خوشتان می آید؟

русский язык

زبان روسی

Русский

روسی

по-русски

به روسی

و اما توضیح مختصری در باره صفات. صفاتی که در حالت مفرد به حرف بیصدای سخت ختم شده باشد پسوند **IE** در حالت جمع پیدا می کنند و صفاتی که در حالت مفرد به حروف **Г, К, Х** ختم می شوند پسوند **IE** در حالت جمع دارند. برای نمونه :

иностранные языки

иностранные книги

легкие тексты

легкие книги

گوینده: توجه داشته باشید که

по-персидски

по-русски

по-английски

قید هستند و

Персидский

Русский

Английский

صفت هستند. و حالا فعل **говорить** در زمان حال صرف می شود، توجه داشته باشید که پسوند های صرف دوم بدین قرار هستند :

У, — ю

Ишь

Ит

Им

Ите

Ат, — ят

یعنی افعالی که جزو نحوه صرف دوم هستند هنگام صرف به این حروف ختم می شوند. برای نمونه فعل **говорить** در زمان حال :

Я говор-ю по-персидски

Ты говор-ишь по-персидски

Он, она говор-ит по-персидски

Мы говор-им по-персидски

Вы говор-ите по-персидски

Они говор-ят по-персидски

و اما یکی از مهمترین نکات در صحبت به زبان روسی تکیه در کلمات است که بستگی به آن دارد که گوینده ضمن سخن خود چه کلمه ای را می خواهد به نحو نمایان بیان کند. این کلمه با لحن صدا مشخص می گردد. مثالی می آوریم :

В ы изучаете русский язык?

آیا شما زبان روسی یاد می گیرید؟

در این جمله سه نوع تکیه منطقی در کلام ممکن است وجود داشته باشد، توجه کنید :

В ы изучаете русский язык?

آیا شما زبان روسی یاد می گیرید؟

در اینجا ممکن است تکیه بر شخص باشد که در جواب می توان گفت :

Да , я .

بله، من .

و یا تکیه بر فعل یادگیری باشد

В ы изучаете русский язык?

Да , изучаю .

یاد می گیرم .

و یا بر مفعول باشد روسی

В ы изучаете русский язык?

Да , русский .

بله، روسی .

تا درس بعدی خدانگهدار تان .

ДО СВИДАНИЯ



درس یازدهم

درس یازدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا متن و گفتگویی مورد توجه شما قرار داده می شود .

Э т о иностранные туристы. Они немного понимают по-русски. Анна объясняет по-русски:  
В о т Красная площадь. Это Московский Кремль. Это мавзолей Ленина. Вы видите памятники.

اینها توریستهای خارجی هستند. آنها کمی زبان روسی می فهمند. آنا به زبان روسی توضیح می دهد: این میدان سرخ است. این کرملین مسکو است و این آرامگاه لنین. شما بناهای یادبود را می بینید .

Ди а л о г и

گفتگو

В ы знаете, кто это?

شما میدانید اینها کی هستند؟

Н е т .

نخیر .

Э т о иностранные туристы.

اینها توریست های خارجی هستند .

О н и понимают по-русски?

آنها زبان روسی می فهمند؟

Д а , они немного понимают по-русски.

بله، آنها کمی زبان روسی می فهمند .

Г и д объясняет по-русски.

راهنما به زبان روسی توضیح می دهد .

С к а ж и т е , пожалуйста, вы говорите по-русски?

لطفاً بگوئید، آیا شما به زبان روسی حرف می زنید؟

Н е м н о г о . Мы говорим по-английски.

کمی. ما به زبان انگلیسی حرف می زنیم .

В ы туристы?

شما توریست هستید؟

Д а , мы туристы.

بله، ما توریست هستیم .

В а м нравится Москва?

شما از مسکو خوشتان آمده است؟

Д а , очень.

بله، خیلی .

حالا از شما دعوت می کنیم به معانی لغات جدید در این درس توجه کنید :

توریستها

т у р и с т ы

توریست

т у р и с т

به زبان روسی توضیح می دهد

о б ъ я с н я е т по-русски

توضیح دادن، شرح دادن

о б ъ я с н я е т

میدان سرخ

К р а с н а я п л о щ а д ь

کرملین مسکو

М о с к о в с к и й К р е м л ь

آرامگاه لنین

м а в з о л е й Л е н и н а

شما بناهای یادبود را می بینید

В ы в и д и т е п а м я т н и к и

دیدن

в и д е т ь

مجسمه و یا بنای یادبود

п а м я т н и к

روسی می فهمید؟

п о н и м а ю т по-русски?

فهمیدن

П о н и м а т ь

برای نفی جمله روسی از کلمه НЕ استفاده می شود. برای نمونه :

Я не читаю.

من نمی خوانم

Г и д не объясняет.

راهنما توضیح نمی دهد .

افعال понимать و объяснять جزو قاعده صرف اول بوده و طبق نمونه فعل читать صرف می گردند. بدین ترتیب که هنگام صرف این دو افعال پسوندهای آنها ю, ешь, ет, ем, ете, ют صرف فعل видеть را باید به خاطر بسپارید .

Я виж-у памятник

من مجسمه را می بینم

Т ы в и д -ишь памятник

تو مجسمه را می بینی و الی آخر .  
О н а вид-ит памятник  
М ы вид-им памятник  
В ы вид-ите памятник  
О н и вид-ят памятник

در اینجا ضمائر ملکی برایتان تکرار می شود. تکرار کنید و بخاطر بسپارید :

Э т о — моя лягушка  
این قورباغه من است .

Э т о — мой трактор.  
این تراکتور من است .

Э т о — мои улитки  
اینها صدفهای من هستند .

Э т а лягушка — моя  
این قورباغه مال من است .

Э т о т трактор — мой  
این تراکتور مال من است .

Э т и улитки — мои  
این صدفها مال من هستند .

و حالا لغات جدید و معانی آنها :

Л я г у ш к а  
قورباغه

Т р а к т о р  
تراکتور

У л и т к и  
صدفها

У л и т к а  
صدف

ضمایر ملکی :

М о й  
مال من

Т в о й  
مال تو

Е ё  
مال او مونث

Е г о

مال او مذکر

Н а ш

مال ما

В а ш

مال شما

И х

مال آنها

و حالا به چند مثال ساده ملکی توجه کنید، تکرار کنید :

е ё стол

е г о стол

и х стол

е ё книга

е ё письмо

и х книга

и х письмо

در اینجا از شما دعوت می کنید به چند جمله توجه فرمائید که حالت سئوالی ملکیت را مشخص می سازد :

Э т о моя книга.

این کتاب من است .

Ч ь я это комната?

این اتاق کیست؟

Г д е ваш бывший муж?

شوهر سابق شما کجاست؟

В о т его общежитие!

این خوابگاه اوست .

Я знаю ее брата.

من برادر او را می شناسم .

М о ж н о видеть вашу дачу отсюда?

داچای (خانه ییلاقی) شما را می توان از اینجا دید؟

Я люблю играть с ее собакой.

من دوست دارم با سگ او بازی کنم .

لغات جدید و معانی آنها :

К н и г а

کتاب

К о м н а т а

اتاق

Г д е

کجا در حالت سکون

Б ы в ш и й

سابق، قدیمی، قبلی در این جا مذکر

М у ж

شوهر

В о т

این، این است

О б щ е ж и т и е

خوابگاه

З н а ю

می شناسم

З н а т ь

شناختن، دانستن

Б р а т

برادر

М о ж н о

ممکن است، می شود

Д а ч а

داچا، خانه بیلاقی

О т с ю д а

از اینجا

В с е

همه

Л ю б я т

دوست دارند

Л ю б и т ь

دوست داشتن، عشق ورزیدن

Ф о т о г р а ф и я

عکس

П о ч т а

پست

Н а

روی، بر

Л ю б л ю

دوست دارم

И г р а т ь

بازی کردن

С о б а к а

سگ

و حالا شما را با چند جمله سئوالی و فعل « کارکردن » آشنا می کنیم .

Я работаю.

من کار می کنم .

Что вы делаете?

شما چکار می کنید؟

Что ты делаешь?

تو چکار می کنی؟

Мальчик играет.

پسر بچه بازی می کند .

Кто играет?

کی بازی می کند؟

Что делает мальчик?

پسر بچه چکار می کند؟

Мальчик играет?

پسر بچه بازی می کند؟

Дети гуляют.

بچه ها گردش می کنند .

Кто гуляет?

کی گردش می کند؟

Что делают дети?

بچه ها چکار می کنند؟

Дети гуляют?

بچه ها گردش می کنند؟

Он курит.

او سیگار می کشد .

Мужчина курит?

مرد سیگار می کشد؟

Что делает мужчина?

مرد چکار می کند؟

لغات این متن و معانی آنها را تکرار کنید و بخاطر بسپارید :

Что

چه، چی

Делаете

کار می کنید

Делать

انجام دادن

Мальчик

پسر بچه

Д е т и

بچه ها، کودکان

Г у л я ю т

گردش می کنند

Г у л я т ь

گردش کردن که به شکل نحوه دوم صرف می شود .

К у р и т ь

سیگار کشیدن

М у ж ч и н а

مرد

و حالا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگوی کوتاه تلفنی توجه کنید :

А л л о ! Я слушаю.

الو! بفرمائید .

К а т я ? Здравствуй, Катя! Говорит Олег. Что ты делаешь?

کاتیا؟ سلام، کاتیا! اولگ هستم. چکار می کنی؟

Я работаю. А ты отдыхаешь?

کار می کنم. تو چی، استراحت می کنی؟

Н е т , я читаю и думаю.

نخیر، دارم می خوانم و فکر می کنم .

М о л о д е ц !

آفرین !

А что делают Маша и Петя? Они играют или рисуют?

ماش و پتیا چکار می کنند؟ بازی می کنند یا نقاشی؟

О н и играют.

بازی می کنند .

لغات و معانی این متن :

А л л о

الو؟

С л у ш а ю

بفرمائید

С л у ш а т ь

شنیدن، گوش کردن

О т д ы х а е ш ь ?

استراحت می کنی؟

О т д ы х а т ь

استراحت کردن

ч и т а ю и д у м а ю

می خوانم و فکر می کنم

Д у м а т ь

فکر کردن

Р и с у ю т

نقاشی می کنند

Р и с о в а т ь

نقاشی کردن

حالا از شما دعوت می کنیم به بخشی از جملات درس امروز بدقت توجه کنید. تکرار کنید :

Ч ь я это комната?

...

Г д е ваш бывший муж?

...

В о т его общежитие!

...

Я знаю ее брата.

...

М о ж н о видеть вашу дачу отсюда?

...

Я люблю играть с ее собакой.

...

М а л ь ч и к играет?

...

Д е т и гуляют.

...

К т о гуляет?

...

А л л о ! Я слушаю.

...

К а т я ? Здравствуй, Катя! Говорит Олег. Что ты делаешь?

...

Я работаю. А ты отдыхаешь?

...

Н е т , я читаю и думаю.

...

М о л о д е ц !

...



А что делают Маша и Петя? Они играют или рисуют?

...

.О н и играют



درس دوازدهم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگو توجه فرمائید :

В е р а , что делает мама? – Я не знаю, что она делает.  
ورا، مامان چکار می کند؟- من نمی دانم او چکار می کند .

С а ш а , что делает папа? – Я не знаю, что он делает.  
ساشا، بابا چکار میکند؟ — من نمیدانم او چکار می کند .

В ы не знаете, что они делают? – Мы думаем, что они работают.  
شما نمی دانید آنها چکار می کنند؟ — ما فکر می کنیم آنها کار می کنند .

Ч то вы делаете?  
شما ها چکار می کنید؟

М ы разговариваем по-русски. Я спрашиваю, а Жан отвечает, потом Жан спрашивает, а я отвечаю.

ما روسی حرف می زنیم. من می پرسم، ژان جواب می دهد و بعد ژان می پرسد و من جواب می دهم .

И ты понимаешь, что говорит Жан?

تو حرفهای ژان را می فهمی؟ یا تو می فهمی ژان چه می گوید؟

Д а , я понимаю.  
بله، من می فهمم .

Ж а н , а ты понимаешь, что говорит Курт?

ژان، تو می فهمی کورت چه می گوید؟

Н е т , я не очень хорошо понимаю, что он говорит.  
نخیر، خیلی خوب حرفهای او را نمی فهمم .

و حالا چند فعل بصورت مصدر مورد توجه شما قرار داده می شود. لطفاً تکرار کنید و به خاطر بسپارید .

С л у ш а т ь  
شنیدن، گوش کردن

О т д ы х а т ь  
استراحت کردن

ч и т а т ь  
خواندن

Д у м а т ь  
فکر کردن

Р и с о в а т ь  
نقاشی کردن

Д е л а т ь  
انجام دادن

Р а б о т а т ь



کار کردن

И г р а т ь

بازی کردن

З н а т ь

دانستن

Л е т а т ь

پرواز کردن

Л е ч и т ь

معالجه کردن، درمان کردن

У ч и т ь

آموختن

С т р о и т ь

ساختن

Г л а д и т ь

اتو کردن، ناز کردن

О б е д а т ь

ناهار خوردن

Г о т о в и т ь

آماده کردن، درست کردن

Р а з г о в а р и в а т ь

حرف زدن، صحبت کردن

К р а с и т ь

رنگ کردن

З в о н и т ь

زنگ زدن، تلفن کردن

П л а т и т ь

پرداختن

З н а к о м и т ь

آشنا شدن

در متن حاضر صرف فعل در زمان حال انجام می شود. لطفاً تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

С а ш а , т ы з н а е ш ь , ч т о д е л а е т и н ж е н е р ?

ساشا، تو می دانی مهندس چکار می کند؟

Я з н а ю . И н ж е н е р р а б о т а е т . Д о к т о р т о ж е р а б о т а е т .

می دانم. او کار می کند. دکتر هم کار می کند .

О н л е ч и т . У ч и т е л ь у ч и т .

او معالجه می کند. معلم درس می دهد .

Строитель строит. Артист играет. Летчик летает.  
معمار خانه می سازد. آرتیست بازی می کند. خلبان پرواز می کند .

Правильно?  
درسته؟

Правильно.  
درسته .

Вы курите?

شما سیگار می کشید؟

Нет, спасибо, я не курю.  
نخیر، متشکرم، من سیگار نمی کشم .

در اینجا به نکته ای باید جلب توجه شود و آن اینکه در زبان روسی یک قانون عمومی در مورد حروف Ж, Ч, Ш, Щ وجود دارد و آن اینکه بعد از این حروف در کلمات و افعال حروف Ю, Я هیچوقت قرار نمی گیرد. مثلاً هنگام صرف افعال زمان حال پسوندها У, АТ خواهند بود. به چند نمونه توجه فرمائید :

Гладить هنگام صرف اول شخص مفرد که به کلمه «ژ» ختم می شود پسوند У و نه Ю می گیرد Я глажу .

Платить که هنگام صرف اول شخص مفرد به کلمه «چ» ختم می شود نیز پسوند У می گیرد Я плачу .

نکته دیگری که در رابطه با پسوندهای افعال بهتر است در اینجا ذکر شود پسوند СЯ است که در آخر فعل می آید و عمل برگشت به شخص را انجام می دهد. برای نمونه : فعل УМЫВАТЬ شستن، شستشو کردن وقتی СЯ می گیرد می شود УМЫВАТЬСЯ. در اینجا معنی تغییر نمی کند. اما منظور این است که شخص خودش را می شوید و یا خودش شستشو می کند و نه کس دیگری را شستشو می دهد. توجه کنید :

Я умываюсь.

من خودم را می شویم .

Они умываются.

آنها خودشان را می شویند .

Мама умывает ребенка.

مامان بچه را می شوید .

Я учусь.

من می آموزم .

و حالا گفتگوی کوتاهی. تکرار کنید و به کلمات جدید توجه فرمائید :

Здравствуйте!

سلام! مودبانه

Привет!

سلام دوستانه

Это Саша?

این ساشاست؟

Да, это Саша.

بله؟ این ساشاست .

Что это?

این چیه؟

Это книги.

این کتابهاست .

Это чьи книги?

این کتابهای کیست؟

Это его книги.

کتابهای اوست .

Что делает Саша?

ساشا چکار میکند؟

Он внимательно читает трудный текст. Он читает по-персидски. Там новое слово. Саша не понимает и спрашивает:

او بدقت متن سختی را می خواند. او به زبان فارسی می خواند. در آنجا کلمات جدید هست. ساشا نمی فهمد و می پرسد :

Наташа, ты знаешь это слово?

ناتاشا، تو معنی این کلمه را می دانی؟

Нет, не знаю. Вот словарь.

نه، نمی دانم. فرهنگ لغات اینجاست .

Саша читает дальше. Он изучает персидский язык и любит читать по-персидски.

ساشا به خواندن ادامه می دهد. او زبان فارسی یاد می گیرد و خواندن به زبان فارسی را دوست دارد .

Саша, новый текст трудный?

ساشا درس جدید سخت است؟

Да, трудный.

بله. سخت است .

Ты хорошо знаешь новые слова?

تو بخوبی کلمات جدید را می دانی؟

Нет, не очень хорошо.

نخیر، نه خیلی خوب .

А когда наш урок?

درس ما کی شروع می شود؟

Наш урок завтра.

درس ما فردا شروع می شود .

Я не понимаю это слово.

من این کلمه را نمی فهمم .

Я тоже не понимаю. Это новое слово.

من هم نمی فهمم. این کلمه جدید است .

Вы читаете новый текст? Вот словарь.

شما دارید متن جدید را می خوانید؟ فرهنگ لغات اینجاست .

Ч е й это словарь?

این فرهنگ لغات کیست؟

Э т о мой словарь.

این فرهنگ لغات من است .

و حالا معنی لغات جدید :

В н и м а т е л ь н о

به دقت، دقیق

Т е к с т

متن

н о в ы й т е к с т

متن جدید

С л о в о

کلمه، لغت، واژه

С л о в а р ь

لغتنامه، فرهنگ لغات، دیکشنری، فرهنگ

و حالا چند جمله پرکاربرد. تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

В ы хорошо говорите по-русски, по-английски?

شما روسی و انگلیسی را خوب حرف می زنید؟

Г д е вы учили русский язык?

کجا زبان روسی را یاد گرفتید؟

Я учил в университете.

من در دانشگاه .

А вы?

و شما؟

Я учила по радио.

من از طریق رادیو .

Н о это было давно.

اما خیلی وقت پیش .

В ы меня поняли?

شما حرف های مرا فهمیدید؟ متوجه منظورم شدید؟

Я вас не понимаю.

من حرفهای شما را نفهمیدم .

П о в т о р и т е , пожалуйста, еще раз.

لطفاً یکبار دیگر تکرار کنید .

Н а п и ш и т е , пожалуйста, на бумаге.

لطفاً روی کاغذ بنویسید .

و اما لغات این گفتگو :

Х о р о ш о

خوب

Г д е

کجا

У н и в е р с и т е т

دانشگاه

Н о

اما

П о в т о р и т е

تکرار کنید

Н а п и ш и т е

بنویسید

Б у м а г а

کاغذ

н а б у м а г е

روی کاغذ

درس دوازدهم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدار تان

!Д о свидания

### درس سیزدهم

درس سیزدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. در ابتدا گفتگویی را مورد توجه شما قرار می دهیم. سعی کنید آنچه را که در درس قبلی برایتان توضیح دادیم به خاطر آورید .

В ы хорошо говорите по-русски, по-английски?

شما روسی و انگلیسی را خوب حرف می زنید؟

Г д е вы учили русский язык?

کجا زبان روسی را یاد گرفتید؟

Я учил в университете.

من در دانشگاه .

А вы?

و شما؟

Я учила по радио.

من از طریق رادیو .

Н о это было давно.

اما خیلی وقت پیش .

В ы меня поняли?

شما حرف های مرا فهمیدید؟ متوجه منظورم شدید؟

Я вас не понимаю.

من حرفهای شما را نفهمیدم .

П о в т о р и т е , пожалуйста, еще раз.

لطفاً یکبار دیگر تکرار کنید .

Н а п и ш и т е , пожалуйста, на бумаге.

لطفاً روی کاغذ بنویسید .

در برنامه های قبلی برایتان توضیح دادیم که افعال روسی به دو شکل صرف می شوند، یعنی پسوندهای ستاک فعل در زمان حال تغییر می کند که به ترتیب اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع به این شکل خواهند بود : Ю, ЕШЬ, ЕТ, ЕМ, ЮТ و در حالت دوم، اول شخص بجای Ю ، لامی گیرد و در سوم شخص جمع به جای ЮТ ، АТ و ЯТ می گیرند. به مثالها توجه کنید :

Я рисую

Т ы рисуешь

О н , она рисует

М ы рисуем

В ы рисуете

О н и рисуют



рисовать به معنی نقاشی کردن است. افعال دیگری مانند беседовать, بحث کردن, صحبت کردن, танцевать رقصیدن, вставлять بلند شدن نیز به همین شکل صرف می شوند. اما در مورد فعل نوشتن писать صرف آن بشکل دیگری صورت میگیرد. اول شخص به جای Ю, لامی گیرد و سوم شخص جمع به جای ЮТ, لامی گیرد.

Я пишу.

Они пишут.

باقی اشخاص مانند افعالی که نام برده شد صرف می شوند.

صرف دوم همانطور که گفته شد اول شخص مفرد معمولاً Я می گیرد و سوم شخص جمع АТ و ЯТ می گیرد. مانند افعال: видеть, слышать دیدن و شنیدن. فعل دیدن را صرف می کنیم. توجه فرموده، تکرار کنید، بخاطر بسپارید.

Я вижу

Ты видишь

Он, она видит

Мы видим

Вы видите

Они видят

و حالا دوباره بسراغ ضمائر ملکی می رویم.

Он-его

Она - ее

Они - их

این ضمائر با اسامی مفرد و جمع بطور یکسان مورد استفاده قرار می گیرند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

Это его книга.

این کتاب اوست. در اینجا توجه کنید که کتاب مونث است.

Это его книги.

اینها کتابهای اوست. در اینجا کتاب بصورت جمع آمده است. و همینطور تا به آخر.

Это ее книга.

Это ее книги.

Это их книга.

Это их книги.

این ضمائر برای تمام جنسها نیز یکسان هستند:

Это его друг.

این دوست اوست. دوست در اینجا یک اسم مذکر است.

Это его бумага.

این کاغذ اوست. کاغذ با دارا بودن حرف صدادار «آ» یک اسم مونث است.

Это его окно.

این پنجره اوست. در اینجا پنجره یک اسم خنثی است.

در مورد اسامی خنثی جمع آنها معمولاً به حرف «آ» ختم می شود. تکیه ممکن است روی هجای مختلف باشد. به این دلیل باید آنها را به خاطر سپرد. توجه کنید:

Слово-слова

О к н о - окна

و حالا صفت новое در جمله вот новое слово. خنثی می باشد. پس از حروف بیصدای سخت پسوند OE می آید. و اما ضمائر اشاره Это, Эта, Этот, Эти , که در مورد اسامی مذکر و مونث و خنثی تغییر می کند. توجه کنید :

Э т о т дом.

Э т о окно.

Э т а бумага.

Э т и дома.

Э т и окна.

Э т и бумаги.

باید کلمه Это را وقتی در ابتدای جمله می آید و وقتی بصورت ضمیر اشاره خنثی می باشد از هم تمیز داد .

Э т о институт.

این انستیتو است .

Я знаю это слово.

من این کلمه را بلدم .

در مورد استفاده از افعال این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که اگر در جمله دو فعل باشد، فعل اول صرف می شود و فعل دوم به صورت مصدر می آید. به یک نمونه توجه کنید :

О н любит читать по-персидски.

او فارسی خواندن را دوست دارد .

М ы любим говорить по-русски.

ما روسی حرف زدن را دوست داریم .

علامت زمان گذشته افعال حرف «Л» است که آخر فعل قرار می گیرد. لازم به ذکر است که در صورت مونث به حرف «Л» حرف «آ» اضافه می شود و در صورت جمع حرف «ای» به صرف مذکر و مونث و جمع فعل کارکردن توجه فرمائید :

Я работал.

من کار کردم. در اینجا فاعل مذکر است .

Я работала.

من کار کردم. در این جا فاعل مونث است .

М ы работали.

ما کار کردیم. در این جا فاعل جمع است .

از شما دعوت می کنیم به جملات زیر بدقت توجه کنید و تکرار کنید :

Я работал.

من کار کردم .

М а л ь ч и к играл.

پسرچه بازی کرد .

Д е т и гуляли.

بچه ها گردش کردند .

К т о играл?

کی بازی کرد؟

Ч т о делал мальчик?

پسر بچه چکار کرد؟

М а л ь ч и к играл?

پسر بچه بازی کرد؟

К т о гулял?

کی گردش کرد؟

Ч т о делали дети?

بچه ها چکار کردند؟

Д е т и гуляли?

بچه ها گردش کردند .

و حالا لغات این گفتگو :

Р а б о т а л

کار کرد مذکر

И г р а т ь

بازی کردن

Г у л я т ь

گردش کردن

К т о

کی، چه کسی

Д е т и

بچه ها

از شما دعوت می کنیم به متن گفتگوی دیگری توجه کنید و سعی کنید معنی آن را حدس بزنید .

З д р а в с т в у й , Николай! Как ты живешь?

سلام، نیکلای! حالت چطوره؟

С п а с и б о , хорошо.

مرسی، خوبم .

Ч т о ты делал вчера?

دیروز عصر چکار کردی؟

В ч е р а я много работал: читал, писал, рисовал, а сегодня я отдыхаю.

دیروز عصر خیلی کارها کردم: کتاب خواندم، نوشتم، نقاشی کردم و امروز استراحت می کنم .

М а ш а , что вы вчера делали?

ماش، شما دیروز عصر چکار کردید؟

Я стирала, гладила, готовила, муж отдыхал, а дети играли.

من رخت شستم، اتو کردم، غذا پختم، شوهرم استراحت کرد و بچه ها بازی کردند .

И , конечно, мы все разговаривали и шутили.

و البته، همگی حرف زدیم و جوک گفتیم .

لغات و معانی این متن. لطفاً تکرار کنید و به خاطر بسپارید .

К а к

چطور

Ж и в е ш ь

زندگی می کنی

К а к т ы ж и в е ш ь ?

چطوری؟ خوبی؟ زندگی خوبه؟

С п а с и б о

متشکرم، مرسی، سپاسگزارم

В ч е р а

عصر

М н о г о

زیاد، خیلی

С е г о д н я

امروز

О т д ы х а т ь

استراحت کردن

С т и р а т ь

رخت شستن، لباس شستن

Г л а д и т ь

اتو کردن، ناز کردن

Г о т о в и т ь

آماده کردن، غذا پختن

К о н е ч н о

البته

И

و

Р а з г о в а р и в а т ь

حرف زدن، صحبت کردن

ш у т и т ь

شوخی کردن، جوک گفتن

Ш у т к а

جوک، لطیفه، شوخی

З д р а в с т в у й , Н и к о л а й ! К а к т ы ж и в е ш ь ?

...

С п а с и б о , х о р о ш о .

...

Ч т о ты делал вчера?

...

В ч е р а я много работал: читал, писал, рисовал, а сегодня я отдыхаю.

...

М а ш а , что вы вчера делали?

...

Я стирала, гладила, готовила, муж отдыхал, а дети играли.

...

И, конечно, мы все разговаривали и шутили.

...

در پایان جملات پر کاربرد را بار دیگر تکرار می کنیم :

عصر بخیر

Д о свидания!

خداحافظ شکل مودبانه

П о к а !

خداحافظ (شکل دوستانه و عامیانه)، می بینمت .

В с е м пока!

با همه خداحافظی کردن !

Д о завтра!

تا فردا !

Д о скорой встречи!

تا دیداری دیگر. به امید دیدار در آینده نزدیک !

Н е пропадай!

در تماس باش! غیبت نزن!

С п а с и б о !

متشکرم !

С п а с и б о , и вам того же.

متشکرم، شما هم همچنین .

Б о л ь ш о е спасибо

خیلی متشکرم .

В ы очень добры.

شما خیلی لطف دارید .

П о ж а л у й с т а !

قابلی ندارد !

درس سیزدهم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

Д о свидания

درس چهاردهم

درس چهاردهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا چند جمله پرکاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم :

Д о б р ы й в е ч е р !

عصر بخیر !

П р и в е т !

سلام !

К а к д е л а ?

چطورید؟

С п а с и б о , х о р о ш о !

مرسی، خوبم .

А к а к в ы ж и в е т е ?

حال شما چگونه؟

О т л и ч н о .

عالیه .

К а к д е л а у в а ш е й ж е н ы ?

حال خانم شما چگونه؟

Т а к с е б е .

ئی، بد نیست .

К а к в а ш и д е т и ?

بچه ها چطورند؟

С п а с и б о , х о р о ш о .

مرسی،خوبند .

Ч т о н о в о г о ?

چه خبرها؟ خبر جدید چی داری؟

Н и ч е г о .

خبری نیست. هیچی .

Я П а р и .

من پری هستم .

Д а в а й т е з н а к о м и т ь с я .

بیایید آشنا شویم .

К а к в а с з о в у т ?

اسم شما چیست؟

М е н я з о в у т В а л е н т и н П е т р о в .

اسم من والنتین پتروف است .

П о з н а к о м ь т е с ь , э т о м о и д р у з ь я .

آشنا بشوید، اینها دوستان من هستند .

Э т о м о я ж е н а .

این همسر من است .

Э т о мой муж.

این شوهر من است .

Э т о мои коллеги.

اینها همکاران من هستند .

О ч е н ь приятно.

بسیار خوب .

Р а д знакомству.

از آشنایی با شما خوشحالم .

در درس گذشته طرز برگرداندن مصدر به زمان گذشته را به شما آموختیم که بسیار ساده است .

(он) сказал

او گفت. مذکر

(она) сказала

او گفت. مونث

(оно) сказало

او گفت. خنثی

(они) сказали

آنها گفتند .

به نمونه های دیگر افعال زمان گذشته توجه کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

Д у м а л , думала, думали

فکر کردم (مذکر و مونث)، فکر کردیم

Б о л е л , болела, болели

مریض شدم (مذکر، مونث) مریض شدیم

П и с а л , писала, писали

نوشتم (مذکر، مونث) نوشتیم

П р ы г н у л , прыгнула, прыгнули

پریدم (مذکر، مونث) پریدیم

Г у л я л , гуляла, гуляли

گردش کردم هواخوری کردم (مذکر، مونث) گردش کردیم .

و حالا شما را با اولین فعل حرکتی بصورت مصدر و زمان گذشته آن آشنا می کنیم:

И д т и

رفتن

Ш е л , шла, шли

رفت (مذکر، مونث)، رفتند .

در اینجا متنی برای شما خوانده می شود. علاوه بر حالت سوالی جملات بدقت به موارد استفاده حروف اضافه (B, در) HA (در، بر) توجه کنید .

Г д е вы живете?

کجا شما زندگی می کنید؟

Я живу на улице Цветной бульвар.

من در بلوار گلها زندگی می کنم .

А где находится Красная площадь?

و میدان سرخ کجا واقع است؟

В центре.

در مرکز .

С к а ж и т е , пожалуйста, где находится институт Пушкина?

لطف کنید، بگوئید، انستیتوی پوشکین کجا واقع است؟

Н е знаю.

نمی دانم .

В центре?

در مرکز؟

Н е знаю, может быть.

نمی دانم، شاید .

به تلفظ و معنی لغات توجه کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

Г д е

کجا

Ж и в е т е

زندگی می کنید

Ж и т ь

زندگی

Н а

در، بر

У л и ц а

خیابان

Н а х о д и т ь с я

واقع بودن

К р а с н а я п л о щ а д ь

میدان سرخ

К р а с н ы й

سرخ

П л о щ а д ь

میدان

В центре

در مرکز

Ц е н т р



مرکز

Не знаю

نمی دانم

Знать

دانستن

может быть

شاید

به خاطر بسپارید که اسامی در حالت راجعیت یا به زبان روسی предложный падеж با حروف اضافه (В, в, на) (در، بر) برای تعیین مکان به کار می روند. در چنین موردی این اسامی در جواب سؤال (где کجا) به کار می رود. به چند مثال توجه کنید:

Жить

زندگی کردن

Где?

کجا؟

В Москве, на улице Цветной бульвар.

در مسکو، در خیابان بلوار گلها .

Работать

کار کردن

Где?

کجا؟

В городе, на Арбате.

در شهر، در آربات .

Учиться

تحصیل کردن

Где?

کجا؟

В университете.

در دانشگاه .

لازم به ذکر است که بیشتر کلمات در حالت راجعیت یا предложный падеж پسوند E می گیرند. موارد استعمال حروف اضافه (В, в, на) (در، بر) را باید به خاطر سپرد. برای نمونه :

В большом красивом доме

در خانه بزرگ زیبایی

На втором этаже

در طبقه دوم

В небольшой, но уютной квартире

در آپارتمان کوچک، اما راحتی

به خاطر بسپارید که صفات و اعداد ترتیبی مذکر در حالت راجعیت یا предложный падеж پسوند OM و صفات مونث پسوند OЙ می گیرند .

معنی حرف ربط но ، اما ، ولی ، لکن است و برای مقابله یک بیان با بیان دیگر استفاده می شود :

Т е к с т большой, но легкий

متن بزرگ، اما آسان است .

به تلفظ چند اسم و صفت توجه کنید :

к р а с и в а я роза

یک گل زیبا

к р а с и в ы й город

یک شهر زیبا

к р а с и в о е кресло

صندلی زیبا

к р а с и в ы е розы

رزهای زیبا

р о з а красивая

گل رز زیباست .

г о р о д красивый

شهر زیباست .

к р е с л о красивое

صندلی زیباست .

р о з ы красивые

گل‌های رز زیبا هستند .

м и л ы й брат

یک برادر خوب .

м и л ы й дядя

یک دایی یا عموی خوب

В а н я милый.

وانیا خوب است .

О т е ц милый

پدر خوب است .

К е н г у р у милый

کانگرو ناز است .

м и л о е письмо

یک نامه خوب

м и л а я книга

یک کتاب خوب

м и л о е пальто

یک پالتوی خوب .

و حالا به صرف فعل упасть افتادن در زمان گذشته همراه اسامی مذکر، مونث و خنثی توجه کنید :

С т у л упал

صندلی افتاد .

П и с ь м о упало

نامه افتاد .

К н и г а упала

کتاب افتاد

Д в е р ь упала.

در افتاد .

П а л ь т о упало.

پالتو افتاد .

و حالا یکبار دیگر این جملات را تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

Д о б р ы й вечер!

...

П р и в е т !

...

К а к дела?

...

С п а с и б о , хорошо!

...

А как вы живете?

...

О т л и ч н о .

...

К а к дела у вашей жены?

...

Т а к себе.

...

К а к ваши дети?

...

С п а с и б о , хорошо.

...

Ч т о нового?

...

.Н и ч е г о



درس پانزدهم

درس پانزدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا از شما دعوت می کنیم به چند جمله توجه کرده، آنها را تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

Д о б р ы й в е ч е р !

عصر بخیر !

П р и в е т !

سلام !

К а к д е л а ?

چطورید؟

С п а с и б о , х о р о ш о !

مرسی، خوبم .

А к а к в ы ж и в е т е ?

حال شما چطوره؟

О т л и ч н о .

عالیه .

К а к д е л а у в а ш е й ж е н ы ?

حال خانم شما چطوره؟

Т а к с е б е .

ئی، بد نیست .

К а к в а ш и д е т и ?

بچه ها چطورند؟

С п а с и б о , х о р о ш о .

مرسی،خوبند .

Ч т о н о в о г о ?

چه خبرها؟ خبر جدید چی داری؟

Н и ч е г о .

خبری نیست. هیچی .

Я Р о я .

من رویا هستم .

Д а в а й т е з н а к о м и т ь с я .

بیایید آشنا شویم .

К а к в а с з о в у т ?

اسم شما چیست؟

М е н я з о в у т В а л е н т и н П е т р о в .

اسم من والننتین پتروف است .

П о з н а к о м ь т е с ь , э т о м о и д р у з ь я .

آشنا بشوید، اینها دوستان من هستند .

Э т о моя жена.

این همسر من است .

Э т о мой муж.

این شوهر من است .

Э т о мои коллеги.

اینها همکاران من هستند .

О ч е н ь приятно.

بسیار خوب .

Р а д знакомству.

از آشنایی با شما خوشحالم .

و حالا متنی مورد توجه شما قرار داده می شود. سعی کنید معانی کلمات آشنا را تکرار کنید :

Г д е вы живете?

در کجا زندگی می کنید؟

В Москве.

در مسکو .

А вы?

و شما؟

Я в Тегеране.

من در تهران .

Г д е вы учитесь?

کجا تحصیل می کنید و یا درس می خوانید؟

В институте.

در انستیتو .

А вы?

و شما؟

Я тоже.

من هم همچنین .

Г д е вы работаете?

کجا کار می کنید؟

В центре.

در مرکز، یا در مرکز شهر .

А вы?

و شما؟

Я дома.

در خانه .

حالا سعی می کنیم به کمک متنی که اکنون در ذیل می آید بطور مختصر اشیاء داخل یک اتاق را به شما بیاموزیم .

М е н я з о в у т М а ш а .

اسم من ماشاست .

Э т о м о я к о м н а т а .

این اتاق من است .

О н а н е б о л ь ш а я , н о о ч е н ь у ю т н а я .

اتاق کوچک، اما راحتی است .

С л е в а к н и ж н ы й ш к а ф .

قفسه کتاب طرف چپ .

О н к р а с и в ы й .

قفسه زیباست .

С п р а в а б о л ь ш о й п и с ь м е н н ы й с т о л .

میز تحریر بزرگ طرف راست .

Н а с т о л е :

روی میز :

Б у м а г и

کاغذها

Т е т р а д и

دفترها

К а р а н д а ш и

مدادها

Р у ч к и

خودکارها

К н и г и

کتابها

В к о м н а т е :

در اتاق :

Т е л е в и з о р

تلویزیون

Р а д и о

رادیو

С т у л

صندلی

О к н о

پنجره

Д в е р ь

در

Л а м п а

لامپ چراغ

Т а п к и

دمپایی

б у т ы л к а в о д ы

شیشه آب

К р о в а т ь

تختخواب

М а ш а д о м а .

ماشای خانه است .

О н а з а н и м а е т с я .

او درس می خواند .

О н а л ю б и т з а н и м а т ь с я д о м а .

او درس خواندن در خانه را دوست دارد .

Е е п о д р у г а Л е н а т о ж е т у т .

دوست او، لنا هم اینجا است .

О н и з а н и м а ю т с я в м е с т е .

آنها باهم درس می خوانند .

М а ш а ч и т а е т т р у д н ы й т е к с т .

ماشای متن سختی را می خواند .

О н а п и ш е т в т е т р а д и н о в ы е с л о в а .

او لغات جدید را در دفتر می نویسد .

Л е н а т о ж е ч и т а е т т е к с т .

لنا هم متنی را می خواند .

О н а г о в о р и т :

او می گوید :

М а ш а , у т е б я е с т ь с л о в а р ь ?

ماشای، تو فرهنگ لغات داری؟

Е с т ь .

دارم .

(Да, у меня есть словарь.)

یا بله، من فرهنگ لغات دارم. جواب کامل

Д а й , п о ж а л у й с т а .

لطفاً بده .

Я не очень хорошо знаю новые слова.

من معنی کلمات جدید را زیاد خوب نمی دانم .

П о к у п а т е л ь : У в а с е с т ь н о в ы й р у с с к и й с л о в а р ь ?

خریدار: شما فرهنگ لغات جدید روسی را دارید؟



Продавец: Есть.

فروشنده: داریم. هست

Покупатель: Дайте, пожалуйста.

خریدار: لطفاً بدهید.

معانی لغات:

Уютный

راحت

Небольшой

نه چندان بزرگ

Слева

چپ، سمت چپ، طرف چپ

Шкаф

کمد، در متن این درس قفسه کتاب

Справа

راست، سمت راست، طرف راست

письменный стол

میز تحریر

Заниматься

درس خواندن

Вместе

با هم

пишет в тетради

در دفتر می نویسد

Писать

نوشتن

و حالا چند واژه و جمله پر کاربرد دیگر. تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

Повторите, пожалуйста

لطفاً تکرار کنید.

Что вы сказали?

شما چی گفتید؟

Где, вы сказали?

گفتید کجا؟

Господин

آقا

Госпожа

خانم

Доктор

دکتر

Дамы и господа

خانمها و آقایان

Официант

گارسن مرد

Официантка

گارسن زن

Носильщик

باربر

Полицейский

پلیس

Как вы доехали?

سفرتان چگونه بود؟

Я давно не видел вас.

مدت زیادی است که شما را ندیدم .

Вы были здесь раньше?

شما قبلاً اینجا آمدید؟

Вы видели Красную площадь ?

شما میدان سرخ را دیدید؟

Как вы себя чувствуете ?

حالتون چگونه؟

Хорошо, спасибо.

خوبم، مرسى .

Я из Ирана.

من از ایران هستم .

Мы из России.

ما از روسیه هستیم .

Я приехал...

من آمدم ...

... по делам

برای انجام کاری

... как турист.

به عنوان توریست .

Мы приехали...

ما آمدیم ...

... по делам.

برای انجام کاری .

... как туристы.

به عنوان توریست .

Я говорю по-русски плохо.

من روسی بد حرف می زنم .

В ы говорите по-английски?

شما انگلیسی صحبت می کنید؟

К а к это называется по-русски?

نام این به روسی چیست؟

و حالا به نکته خاصی در مورد پسوند اسامی در حالت جمع توجه فرمائید :

اسامی مذکر و مونث مختوم به حرف بیصدای سخت به **и** ختم می شود. برای نمونه :

И н с т и т у т -институты

К а р т а -карты

اسامی مذکر و مونث مختوم به حرف بیصدای نرم و مختوم به حروف **Х,К,Г** در جمع به حرف **И** ختم می شوند. به نکته مهمی که

باید به آن توجه کنید طرز تلفظ این اسامی است که جای تکیه روی حرف در کلمه تغییر می کند و با تکرار مداوم و تمرین حتی

از لحن گفتار می توانید تشخیص بدهید که صحبت از یک اسم ، یک شیء و یا چند اسم و چند شیء می شود. برای نمونه :

С л о в а р ь -словари

Т е т р а д ь -тетради

В р а ч -врачи

Д о р о г а -дороги

У р о к -уроки

و اما چند نمونه دیگر که باید به خاطر سپرده شوند. برای اسامی مذکر مختوم به **Й** علامت جمع **И** است. برای نمونه :

М а в з о л е й -мавзолеи

مقبره-مقبره ها

اسامی مونث مختوم به **Я** نیز **И** می گیرند. برای نمونه :

С е м ь я -семьи

خانواده- خانواده ها

اسامی خنثی مختوم به **О** در جمع به حرف **А** مبدل می شود. برای نمونه :

С л о в о -слова

لغت-لغتها

این قانون در مورد بعضی از اسامی مذکر نیز صدق می کند مانند :

Д о м -дома

خانه-خانه ها

و حالا لغات و واژه ها و جملات این درس. تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

М е н я зовут Маша.  
...

Э т о моя комната.  
...

О н а небольшая, но очень уютная.  
...

С л е в а книжный шкаф.  
...

О н красивый.  
...

С п р а в а большой письменный стол.  
...

Н а столе:  
...

Б у м а г и  
...

Т е т р а д и  
...

К а р а н д а ш и  
...

Р у ч к и  
...

К н и г и  
...

В комнате:  
...

Т е л е в и з о р  
...

Р а д и о  
...

С т у л  
...

О к н о  
...

Д в е р ь  
...

Л а м п а  
...

Т а п к и  
...

б у т ы л к а в о д ы

...  
К р о в а т ь  
...

درس پانزدهم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

!Д о свидания



درس شانزدهم

درس شانزدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا متن گفتگویی را مورد توجهتان قرار می دهیم، سعی کنید ببیند معانی جملات و کلمات را درست به خاطر سپردید؟

П о в т о р и т е , п о ж а л у й с т а  
لطفاً تکرار کنید .

Ч т о в ы с к а з а л и ?  
شما چی گفتید؟

Г д е , в ы с к а з а л и ?  
گفتید کجا؟

Г о с п о д и н  
آقا

Г о с п о ж а  
خانم

Д о к т о р  
دکتر

Д а м ы и г о с п о д а  
خانمها و آقایان

О ф и ц и а н т  
گارسن مرد

О ф и ц и а н т к а  
گارسن زن

Н о с и л ь щ и к  
باربر

П о л и ц е й с к и й  
پلیس

К а к в ы д о е х а л и ?  
سفرتان چطور بود؟

Я д а в н о н е в и д е л в а с .  
مدت زیادی است که شما را ندیدم .

В ы б ы л и з д е с ь р а н ь ш е ?  
شما قبلاً اینجا آمدید؟

В ы в и д е л и К р а с н у ю п л о щ а д ь ?  
شما میدان سرخ را دیدید؟

К а к в ы с е б я ч у в с т в у е т е ?  
حالتون چطوره؟

Х о р о ш о , с п а с и б о .

خوبم، مرسی .

Я из Ирана.

من از ایران هستم. من ایرانی هستم .

Мы из России.

ما از روسیه هستیم .

Я приехал...

من آمدم... مذکر

... по делам

برای انجام کاری

... как турист.

به عنوان توریست .

Мы приехали...

ما آمدیم ...

... по делам.

برای انجام کاری .

... как туристы.

به عنوان توریست .

Я говорю по-русски плохо.

من روسی بد حرف می زنم .

Вы говорите по-английски?

شما انگلیسی صحبت می کنید؟

Как это называется по-русски?

نام این به روسی چیست؟

و حالا از شما دعوت می کنیم به ضمایر اسم و تغییرات آنها در شش حالت گرامری زبان روسی توجه فرمائید. باید این حالات را به خاطر بسپارید تا در خواندن و نوشتن و معنی جملات با مشکلی روبرو نشوید. اگر با مشکلی روبرو شدید نگران نشوید. زیرا این کلمات در جملات و متون درسهای آتی زبان روسی بارها تکرار خواهند شد. مهمترین نکته یاد گیری آنها بطور صحیح است. موضوع دیگر آن است که عناوین حالت های گرامری روسی را سعی کنید به زبان روسی به خاطر بسپارید تا توضیحات آتی برایتان راحت تر باشد و با شنیدن نام هر یک از حالات مشخصاً متوجه شوید صحبت از کدام حالت گرامری می رود و قوانین مربوط به آن را به یاد آورید .

ضمایر شخصی را یادآوری می کنیم :

Я

من

Ты

تو

Он, она, оно

او، مذکر، او مونث و او خنثی

М ы

ما

В ы

شما

О н и

آنها

در مورد ضمایر شخصی ОН, ОНА, ОНО باید این نکته را نیز در نظر داشته باشید که در حالت های مختلف گرامری زبان روسی آنها فقط به صورت ضمایر شخصی استفاده نمی شوند، بلکه به عنوان تعیین کننده جنس اسم مورد استفاده قرار می گیرند. برای نمونه книга که به حرف صدادار «آ» ختم شده است یک اسم مونث است و ضمیر جایگزین آن می شود. Она و یا стол که به حرف بی صدای سخت منتهی شده یک اسم مذکر است که ضمیر آن می شود. Он. به این ترتیب در جملات با توجه به ضمایر کاربردی کاملاً مشخص می شود که تغییرات جمله چگونه باید انجام شود. حالا تغییر شکل ضمایر شخصی در شش حالت گرامری زبان روسی را مورد توجه شما قرار می دهیم .  
صرف ضمیرهای شخصی .

حالات سؤال اول شخص مفرد دوم شخص مفرد دوم شخص جمع اول شخص جمع

И м е н и т е л ь н ы й п а д е ж

فاعلی Кто? Что?

کی؟ چی؟ Я ты вы мы

Р о д и т е л ь н ы й п а д е ж

اضافه Кого? Чего?

از چه کسی؟ از چه چیزی Меня Тебя Вас Нас

Д а т е л ь н ы й п а д е ж

مفعول بواسطه Кому? Чему?

دادن به کسی، به چیزی Мне Тебе Вам Нам

В и н и т е л ь н ы й п а д е ж

مفعول صریح Кого? Что?

چه کسی را، چه چیزی را Меня Тебя Вас Нас

Т в о р и т е л ь н ы й п а д е ж مُعِیت یا به وسیله چه کسی، یا چه چیزی Кем? Чем?

با چه کسی، با چه چیزی Мной (мною) Тобой (тобою) Вами Нами

П р е д л о ж н ы й п а д е ж

تخصیص یا ارجعیت О ком? О чем?

در باره کی یا چی Обо мне О тебе О вас О нас

یکی از بهترین روش های یادگیری این حالتها و صرف اسمی، به خاطر سپردن سؤال هر یک از حالتهاست. با مطرح کردن سؤال، شما براحتی می توانید جواب آن را پیدا کنید و ضمیر مربوطه را در جمله نوشته و یا در صحبت بکار ببرید .



اگر به خاطر داشته باشید حرف ربط «و» در زبان روسی И می باشد، حالا لغاتی را بااستفاده از این حرف ربط مورد توجه شما قرار می دهیم تا چند لغت جدید دیگر را نیز یاد بگیرید :

К у р и ц а и кошка

مرغ و گربه

Р у ч к а и шляпа

خودکار و کلاه

Ч а ш к а и кошка

فنجان و گربه

К у р и ц а

مرغ

К о ш к а

گربه ماده

К о т

گربه نر

Р у ч к а

خودکار

Ч а ш к а

فنجان

و حالا کمی در باره فعل **заниматься** کارکردن، درس خواندن، درس حاضر کردن صحبت میکنیم. این فعل می تواند بدون مفعول باشد، مانند :

О н а занимается.

او کار می کند. یعنی به کاری مشغول است و بیکار نیست .

در مورد دیگر می تواند با مفعول و در جواب سؤال **где?** باشد،مانند :

О н а любит заниматься дома, в институте.

او دوست دارد در خانه، در انستیتو کار کند . یا درس حاضر کند .

و یا با قیود مختلف بکار رود، مانند **утром, хорошо, вместе** :

Я люблю заниматься утром.

من دوست دارم صبح کار کنم .

О н занимается хорошо.

او خوب درس می خواند .

О н и любят заниматься вместе.

آنها دوست دارند با هم درس حاضر کنند .

و حالا به دو جمله دیگر توجه فرمائید که اشکال ضمیرهای **Ты , Вы** در آنها مورد استفاده قرار می گیرد .

У тебя есть словарь?

تو فرهنگ لغات داری؟

У вас есть словарь?

شما فرهنگ لغات دارید؟

Т е б я برای خطاب دوستانه و вас برای خطاب مودبانه به یک نفر و یا حالت جمع بکار می رود. اگر فراموش نکرده باشید این دو ضمیر در حالت родительный падеж یا حالت اضافه و در جواب سئوالات кого, чего بکار می رود. حالا به چند نمونه دیگر توجه فرمائید، گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

У вас есть карта?

شما نقشه دارید؟

Д а , у меня есть карта.

بله، من نقشه دارم .

У тебя есть эта книга?

تو این کتاب را داری؟

Д а , у меня есть эта книга.

بله، من این کتاب را دارم .

У вас есть эта книга?

شما این کتاب را دارید؟

Д а , у нас есть эта книга.

بله، ما این کتاب را داریم .

و اما اولین فعل در حالت امر **давать** دادن

Д а й , пожалуйста.

لطفاً بده .

Д а й т е , пожалуйста.

لطفاً بدهید .

و حالا به یک گفتگو توجه کنید .

З д р а в с т в у й т е !

سلام !

З д р а в с т в у й , мальчик!

سلام، پسر !

К т о вы?

شما کی هستید؟

Я художник. А ты кто?

من نقاشم. تو کی هستی؟

Я школьник.

من دانش آموز مدرسه هستم .

В ы русский?

شما روس هستید؟

Н е т , я не русский. Я француз.

نخیر، من روس نیستم. من فرانسوی هستم .

И вы француз?

شماهم فرانسوی هستید؟

Нет, я иранец. А ты москвичка?

نخیر، من ایرانیم. تو مسکوئی هستی؟

Да.

بله.

Кто ты?

تو کی هستی؟

Я волк. А ты кто?

من گرگم. تو کی هستی؟

А я лиса.

من روباه هستم.

و حالا این جملات را گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید معنی آنها را به خاطر آورید.

Повторите, пожалуйста

...

Что вы сказали?

...

Где, вы сказали?

...

Господин

...

Госпожа

...

Доктор

...

Дамы и господа

...

Официант

...

Официантка

...

Носильщик

...

Полицейский

...

Как вы доехали?

...

Я давно не видел вас.

...

Вы были здесь раньше?

...

В ы видели Красную площадь ?

...

К а к вы себя чувствуете?

...

Х о р о ш о , спасибо.

...

Я из Ирана.

...

М ы из России.

...

Я приехал...

...

... по делам

...

... как турист.

...

М ы приехали...

...

... по делам.

...

... как туристы.

...

Я говорю по-русски плохо.

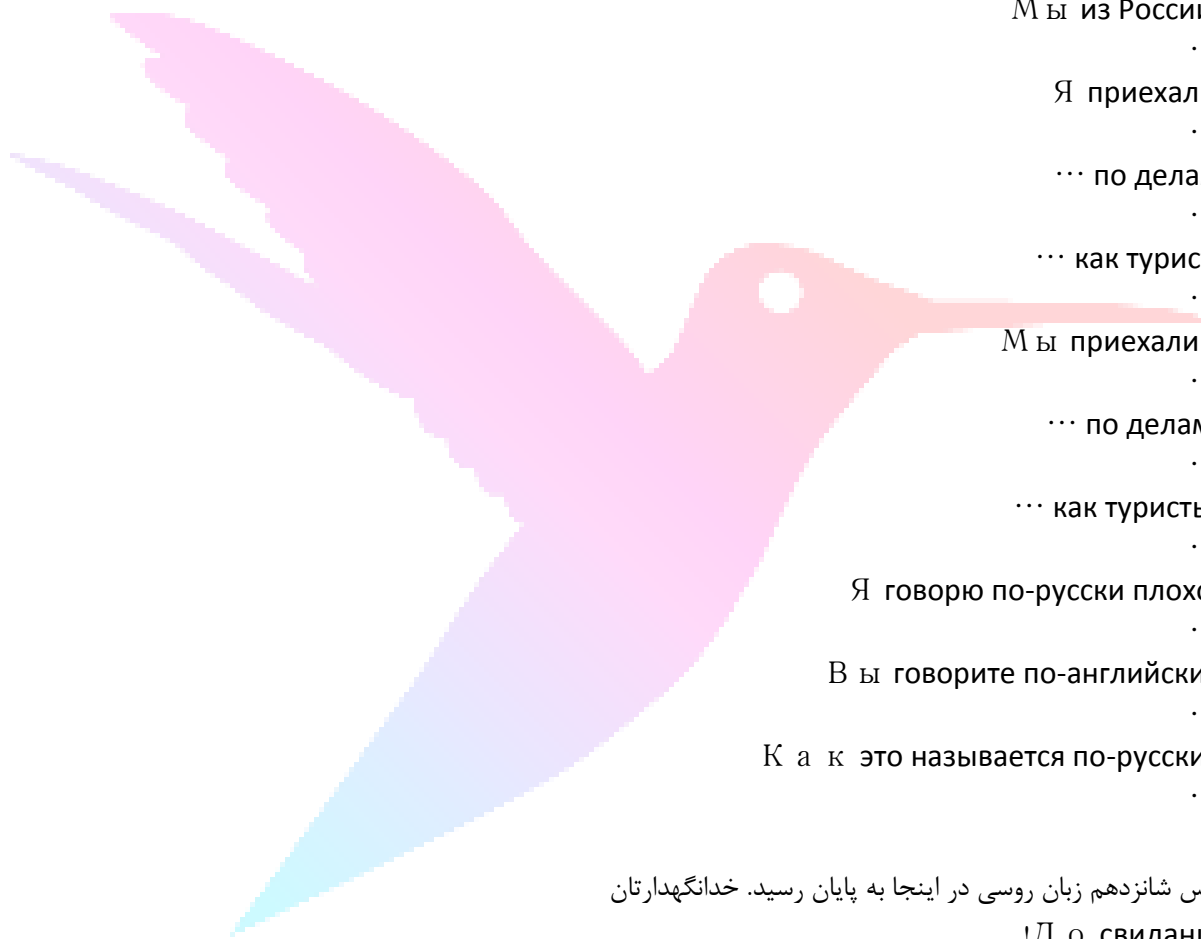
...

В ы говорите по-английски?

...

К а к это называется по-русски?

...



درس شانزدهم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

!Д о свидания

درس هفدهم

درس هفدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا از شما دعوت می کنیم به چند جمله پر کاربرد توجه کنید :

Простите?

بیخشید؟ متوجه نشدم .

Простите, что вы сказали?

بیخشید، شما چی گفتید؟

Понятно, ясно.

فهمیدم، متوجه شدم .

Я быстро говорю?

من سریع صحبت می کنم؟

Вы понимаете меня?

شما حرفهای مرا می فهمید؟

Я не понимаю вас.

من حرفهای شما را نمی فهمم .

Я вас понимаю.

من حرفهای شما را می فهمم .

Я вас вполне понимаю.

من کاملاً حرفهای شما را می فهمم .

Да, я вас хорошо понимаю.

بله، من بخوبی حرفهای شما را می فهمم .

Я понимаю каждое ваше слово.

من کلمه به کلمه حرفهای شما را می فهمم .

Да, все понятно.

بله، همه چیز قابل فهم است .

Говорите, пожалуйста, громче.

لطفاً بلند تر صحبت کنید .

Говорите, пожалуйста, медленнее.

لطفاً آهسته تر صحبت کنید .

Простите, я не совсем понял, что вы сказали.

بیخشید، من متوجه همه حرفهای شما نشدم .

Напишите, пожалуйста.

لطفاً روی کاغذ بنویسد .

Переводите.

ترجمه کنید .

Повторите, пожалуйста.

لطفاً تکرار کنید .

Как это сказать по-английски?

این کلمه در انگلیسی چطور نامیده می شود؟

Н а м нужен переводчик.

ما احتیاج به مترجم داریم .

Н а м не нужен переводчик.

ما به مترجم نیاز نداریم .

و حالا به ضمیر ملکی мой که در مورد اسامی مذکر بکار می رود در مثالهای زیر توجه کنید :

Э т о мой папа (отец)

این پدر من است .

Э т о мой сын

این پسر من است

Э т о мой внук

این نوه من است. پسر

Э т о мой дедушка

این پدربزرگ من است .

Э т о мой брат

این برادر من است .

Э т о мой дядя

این عمو (دایی) من است .

Э т о мой племянник

این پسر خاله یا پسر دایی، پسر عموی من است

Э т о мой двоюродный брат

این برادرزاده من است .

Э т о мой муж

این شوهر من است .

معنی لغات :

Па па

بابا

С ы н

فرزند پسر

в н у к

نوه پسر

Д е д у ш к а

پدربزرگ

Б р а т

برادر

д я д я

دایی، عمو

П л е м я н н и к

پسر خاله، پسر دایی، پسر عمو

д в о ю р о д н ы й б р а т

برادرزاده

М у ж

شوهر

و حالا به ضمیر ملکی МОЯ که در مورد اسامی مؤنث بکار می رود در مثالهای زیر توجه کنید :

Э т о м о я м а м а (м а т ь)

این مامان(مادر) من است .

Э т о м о я д о ч ь

این دختر من است .

Э т о м о я в н у ч к а

این نوه من است دختر

Э т о м о я б а б у ш к а

این مادربزرگ من است .

Э т о м о я с е с т р а

این خواهر من است

Э т о м о я т е т я

این خاله یا عمه من است .

Э т о м о я п л е м я н н и ц а

این دختر خاله، دختر دایی، دختر عمو و یا عمه من است .

Э т о м о я д в о ю р о д н а я с е с т р а

این خواهر زاده من است .

Э т о м о я ж е н а

این همسر، یا زن من است .

معانی لغات :

м а м а (м а т ь)

مامان، مادر

Д о ч ь

دختر

В н у ч к а

نوه دختر

Б а б у ш к а

مادربزرگ

Сестра

خواهر

Тётя

خاله، عمه

Племянница

دختر خاله، دختر دایی، دختر عمو

двоюродная сестра

خواهر زاده

Жена

زن، همسر

و حالا به ضمیر ملکی **МОИ** که در مورد اسامی جمع بکار می رود در مثالهای زیر توجه کنید :

Э то мои родители

اینها والدین من هستند .

Э то мои дети

اینها فرزندان من هستند .

Э то мои родственники

اینها خویشاوندان من هستند .

معانی لغات :

Родители

والدین

Дети

فرزندان، بچه ها

Родственники

خویشاوندان

و حالا در باره زمان آینده در زبان روسی صحبت می کنیم. زمان آینده به کمک فعل **БЫТЬ** در زمان آینده باضافه فعل دوم در حالت مصدر ساخته می شود، ابتدا فعل **БЫТЬ** را در زمان آینده برایتان صرف میکنیم. به دقت گوش کنید و به خاطر بسپارید. از اول شخص مفرد الی آخر .

Я буду

Т ы будешь

О н ,она,оно будет

М ы будем

В ы будете

О ни будут

و اینک به جملاتی که افعال آنها در زمان آینده هستند توجه فرمائید. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

Я буду работать



من کار خواهم کرد .

М а л ь ч и к будет играть.

پسر بچه بازی خواهد کرد .

Д е т и будут гулять.

بچه ها گردش خواهند کرد .

К т о будет играть?

کی باز خواهد کرد؟

Ч т о будет делать мальчик?

پسر بچه چکار خواهد کرد؟

М а л ь ч и к будет играть?

پسر بچه بازی خواهد کرد؟

К т о будет гулять?

کی گردش خواهد کرد؟

Ч т о будут делать дети?

بچه ها چکار خواهند کرد؟

Д е т и будут гулять?

بچه ها گردش خواهند کرد؟

و حالا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگو توجه کنید. بدقت گوش کرده، سعی کنید تکرار کنید :

К о л я , здравствуй!

کولیا (اسم پسر) سلام !

З д р а в с т в у й , Света!

سلام، سوتا اسم دختر !

Т ы сегодня будешь гулять?

امروز گردش خواهی کرد؟ یا هواخوری خواهی کرد، یا برای هواخوری بیرون خواهی رفت؟

Д а , я всегда гуляю вечером.

بله، من همیشه عصرها گردش میکنم .

К а к вас зовут?

اسم شما چیست؟

М е н я зовут Мария.

اسم من ماریا است .

М а р и я ? М а ш а ? М а ш а , что вы будете делать сегодня вечером?

ماریا؟ ماشا؟ ماشا امروز عصر چکار خواهید کرد؟

В е ч е р о м ? Я буду выступать. Я актриса.

عصر؟ من هنرنمایی خواهم کرد. من هنرپیشه هستم .

О ! И завтра вы будете выступать?

آه! فردا هم هنرنمایی خواهید کرد؟

Н е т , завтра я буду отдыхать.  
نخیر، فردا استراحت خواهم کرد .

و حالا شما را با چند قید زمان دیگر آشنا می کنیم. Сегодня امروز، Завтра فردا، Вчера دیروز، сейчас این صبح،  
حالا، Днем ظهر، вечером عصر. به جملاتی در این باره گوش کنید :

В ч е р а я работал.  
دیروز من کار کردم .

С е г о д н я я работаю.  
امروز کار میکنم .

З а в т р а я буду работать.  
فردا کار خواهم کرد .

و اینک چند جمله پر کاربرد دیگر هنگام خداحافظی را مورد توجه شما قرار می دهیم :

М н е надо идти  
من باید بروم .

Д о свидания  
خداحافظ (مودبانه )

П о к а .  
خداحافظ (دوستانه )

Д о встречи  
به امید دیدار

Д о скорого свидания  
تا دیداری در آینده نزدیک

У в и д и м с я позднее  
بعداً همدیگر را خواهیم دید !

В с е г о наилучшего  
با بهترین آرزوها

У д а ч и !  
موفق باشی !

П е р е д а в а й привет  
سلام منو برسون .

Н а д е ю с ь вскоре встретиться с тобой  
امیدوارم بزودی تو را ببینم .

Я позвоню тебе позднее  
من بعداً بهت زنگ خواهم زد .

С ч а с т л и в о г о пути!

به امان خدا!

Н е болей. Будь здорова.

مریض نشو، سلامت باش .

Б е р е г и зд о р о в ь е!

مواظب خودت باش!

Д о новых встреч

تا دیدارهای تازه تر (بعدی، جدید تر)

П и ш и!

نامه بنویس!

В о т мой адрес.

این آدرس من .

Э т о на память.

این به عنوان یادگاری .

У с п е х о в!

موفق باشی .

П р и я т н ы х с н о в!

خوابهای خوب ببینی!

У в и д и м с я!

همدیگر را خواهیم دید!

و حالا یکبار دیگر به جملات گفتگوی درس امروز گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید معانی آنها را به خاطر آورید :

К о л я , зд р ав ст в у й!

...

З д р ав ст в у й , С в е т а!

...

Т ы с е г о д н я б у д е ш ь г у л я т ь?

...

Д а , я в с е г д а г у л я ю в е ч е р о м .

...

К а к в а с з о в у т?

...

М е н я з о в у т М а р и я .

...

М а р и я ? М а ш а ? М а ш а , ч т о в ы б у д е т е д е л а т ь с е г о д н я в е ч е р о м ?

...

В е ч е р о м ? Я б у д у в ы с т у п а т ь . Я а к т р и с а .

...

О ! И з а в т р а в ы б у д е т е в ы с т у п а т ь ?

...

.Н е т , з а в т р а я б у д у о т д ы х а т ь

### درس هجدهم

درس هجدهم زبان روسی را با کلمات و جملات مورد استفاده در موقعیت های گوناگون گفتگوی تلفنی آغاز می کنیم. توجه داشته باشید که پسوندهای اسامی یلنا، تانیا، ناتاشا، ورا و اولگا در حالت های مختلف گرامری تغییر می کند .

М о ж н о поговорить с Еленой?

ممکن است با یلنا صحبت کنم؟ که به دو شکل دیگر نیز میتوان این سؤال را مطرح کرد که معنی آن همین است. مثلاً :

М о ж н о Елену?

ممکن است با یلنا صحبت کنم؟ و یا

Е л е н у можно?

...

Е л е н а дома?

یلنا خانه است؟

З д р а в с т в у й т е . Елену, пожалуйста.

سلام، لطفاً یلنا را صدا کنید .

М н е нужна Елена.

من با یلنا کار دارم .

С кем я говорю?

با کی صحبت می کنم؟ یا شما؟

П о ж а л у й с т а , позовите Елену.

لطفاً یلنا را صدا کنید .

Б у д ь т е добры, пригласите Елену.

لطف کنید، یلنا را صدا کنید .

З д р а в с т в у й т е . Мне нужно поговорить с Еленой.

سلام، من می خواهم با یلنا صحبت کنم .

М н е нужно позвонить в Москву.

من می خواهم به مسکو زنگ بزنم،

К а к пользоваться этим телефоном?

این تلفن چطور کار میکنه؟

К а к о й у вас номер?

شماره شما چی است؟

Д а й т е мне её номер телефона

شماره او را به من بدهید .

К а к позвонить Тане?

چطور می شود به تانیا تلفن کرد؟

Д а й т е код Москвы.

کد مسکو را به من بدهید .

Алло!

الو؟

Э т о говорит Арман.

آرمان صحبت می کند .

Э т о Наташа?

ناتاشا؟

П о з о в и т е , пожалуйста, Веру.

لطفاً ورا را صدا کنید .

Я бы хотел поговорить с Ольгой.

من می خواستم با اولگا صحبت کنم .

О н а там?

او آنجاست؟

К т о говорит?

کی پشت خط است؟

В а с вызывает Тегеран.

از تهران تماس برقرار شده .

А б о н е н т занят.

شماره مشغول است .

И з в и н и т е , вы ошиблись.

بیخشید، شماره را اشتباه گرفتید .

З д е с ь таких нет.

اینجا همچین کسی نیست .

М и н у т к у

یگ دقیقه .

Н е вешайте трубку!

گوشی را نگذارید .

В ы подождете?

صبر می کنید؟

В а с к телефону.

تلفن با شما کار دارد .

Я вас плохо слышу.

صدای شما خوب نمی آید .

Я не могу разобрать, что ты говоришь.

نمی توانم بفهمم شما چی می گوئید .

Г о в о р и т е громче.

بلند تر صحبت کنید .

Э т о опять я.

دوباره من هستم. بازم خودم هستم

Н а с разъединили.

قطع شد .

Ж а л ь , её нет.

متأسفانه، او خانه نیست .

Ч т о -нибудь передать?

پیغامی برایش دارید؟

П о ж а л у й с т а , попросите её позвонить мне.

لطفاً از او خواهش کنید به من زنگ بزند .

Я перезвоню.

خودم دوباره زنگ می زنم .

К о г д а мне перезвонить?

کی بهتره زنگ بزنم؟

З а п и ш и т е , пожалуйста, мой номер.

لطفاً شماره مرا بنویسید .

П е р е д а й т е ей, что звонил Арман

لطفاً به او بگوئید که آرمان تماس گرفت .

Я передам ей.

به او خواهم گفت .

Я скажу, чтобы она позвонила вам.

به او خواهم گفت که به شما زنگ بزند .

Ч т о ты делаешь?

چکار میکنی؟

К у д а -нибудь собираешься?

قصه داری جایی بروی؟

П р о с т и т е , что я вас побеспокоил.

ببخشید که مزاحم شما شدم .

Я не мог к ней дозвониться.

نمی توانستم با او تماس بگیرم .

و حالا شما را با پسوندهای صفت‌های مفرد و جمع در حالات فاعلی و فرعی آشنا می کنیم. در حالت فاعلی، سؤال مربوطه در حالت مذکر **какой?** می باشد و در حالت مونث **какая?** و در حالت جمع برای هر سه جنس **какие?** که به معنی، چگونه، چطور و غیره است. برای مشخص تر شدن سؤال و جواب در اینجا ضمائر اشاره را نیز می آوریم. ضمائر اشاره نیز بر حسب جنس تغییر می کند، ضمیر اشاره برای جنس مذکر **этот** و برای جنس مونث، **эта** و برای جنس خنثی **это** و در حالت جمع **эти** می باشد. حالا به مثالهای مربوط به صفت‌های مفرد و جمع در حالت فاعلی یا **Именительный падеж** توجه فرمائید :

К а к о й журнал лежал там?

چه مجله ای در آنجا بود؟

Э т о т журнал лежал там.

این مجله در آنجا بود .

К а к а я книга лежала там?

چه کتابی در آنجا بود؟

Э т а книга лежала там.

این کتاب در آنجا بود .

К а к о е письмо лежало там?

چه نامه ای در آنجا بود؟

Э т о письмо лежало там.

این نامه در آنجا بود .

К а к и е вещи лежали там?

چه وسایلی آنجا بودند؟

Э т и вещи лежали там.

این وسایل آنجا بودند .

در حالت Родительный падеж اضافه، سؤال **какого?** خواهد بود. و جزء پسین صفات در حالت مذکر و خنثی **его** ، پاسخ آن برای نمونه می شود **холодного дня**: به معنی روزی سرد، در حالت مذکر، در حالت خنثی نمونه **холодного** : **утра**، صبح سرد. سؤال در حالت مونث **какой** و جزء پسین **ой,ей** ، مانند **холодной зимы**: زمستان سرد. و در حالت جمع سؤال این حالت گرامری **каких?** و جزء پسین آن **их,ых** می باشد، مانند **холодных дней**: روزهای سرد .  
در حالت گرامری **Дательный падеж** مفعول بواسطه، سؤال مربوطه **какому?** در حالت مذکر و خنثی با اجزاء پسین **ому,ему** و مونث **какой** با اجزاء پسین **ой,ей** و جمع **каким?** با اجزاء پسین **им,ым**.. مثالها مانند نمونه اضافه است فقط جزء پسین آنها تغییر می کند .

در حالت گرامری **Винительный падеж** مفعول صریح در رابطه با جنس مذکر و خنثی صرف صفتها مانند حالت فاعلی و یا اضافه انجام می شود و در اسامی مونث سؤال **какую** با اجزاء پسین **ую,юю** است. در مورد جمع نیز صرف مانند حالت فاعلی و یا اضافه انجام می شود .

در حالت گرامری **Творительный падеж** مُعَيَّت یا به وسیله چه کسی، یا چه چیزی سؤال **каким?** اجزاء پسین در اسامی مذکر و خنثی **им, ым**، در اسامی مونث **какой** با اجزاء پسین **ой, ей, ою,ою** ، در حالت جمع سؤال **какими?** با اجزاء پسین **ими,ыми** می باشد .

و در حالت گرامری **Предложный падеж** تخصیص یا ارجعیت، سؤال **о каком?** اجزاء پسین در اسامی مذکر و خنثی **ем, ом**، سؤال مربوط به اسامی مونث **какой** و اجزاء پسین آن **ой,ей** و در اسامی جمع سؤال **каких?** و جزء پسین آن **их,ых** می باشد .

این توضیحات واجب هستند تا شما بتوانید هنگام خواندن متن و یا پاسخ به سؤال جواب درست را بدهید. تمرینات مربوط به تمام درسها و گرامر زبان روسی در بخش فارسی سایت صدای روسیه بتدریج درج می شوند .  
حالا از شما دعوت می کنیم به جملاتی با استفاده از صفات، اجزاء پسین و آنچه در این درس برایتان توضیح دادیم توجه کنید. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید :

К а к о й это словарь? — Это хороший русский словарь.

این چه فرهنگ لغاتی است؟- این فرهنگ لغات جدید روسی است .

К а к о й это галстук?

این چه کراواتی است؟

Э т о новый синий галстук.

این کراوات نو صورمه ای رنگ است .

Э т о голубой галстук.

این کراوات آبی رنگ است .

К а к а я это рубашка?

این چه پیراهن مردانه ای است؟

Э т о новая синяя рубашка.

این پیراهن مردانه نو صورمه ای رنگ است .

Э т о голубая рубашка.

این پیراهن مردانه آبی رنگ است .

К а к о е это платье?

این چه پیراهن زنانه است؟

Э т о новое синее платье.

این پیراهن زنانه نو صورمه‌ای رنگ است .

Э т о голубое платье.

این پیراهن زنانه آبی رنگ است .

К а к и е это галстуки, рубашки, платья?

اینها چه کراوات، پیراهن مردانه و پیراهن زنانه هستند؟

Э т о новые синие голубые галстуки, рубашки, платья.

اینها کراواتها، پیراهن های مردانه و زنانه صورمه‌ای رنگ و آبی رنگ جدید هستند .

г о л у б о й галстук

کراوات آبی

м о л о д о й учитель

معلم جوان

н о в ы й , синий галстук

کراوات نو صورمه ای

Э т о новый магазин "Одежда". Там можно купить хорошее чёрное, серое или синее пальто, модный белый костюм, красивое платье.

این مغازه جدید «ادژدا به معنی پوشاک» است. در آنجا می توان پالتوی خوب، سیاه، خاکستری و یا صورمه ای، کت و شلوار مد سفید و پیراهن زنانه قشنگی خرید .

- Таня, это твоё пальто?



تانيا، اين پالتوى توست؟

- Какое? Серое? — Да, моё.

کدام يکى؟ خاکسترى رنگه؟ بله، مال من است .

- А коричневая сумка тоже твоя?

کيف قهوه‌اى رنگ هم مال توست؟

- Нет, коричневая не моя. Моя — чёрная.

نخیر، کيف قهوه اى مال من نیست. مال من سیاه است .

К а к о й это костюм? — Это новый вечерний костюм.

اين چه جور لباسى است؟ — اين لباس جديد شب است .

К а к о е это платье? — Это красивое летнее платье.

اين چه جور پيراهنى است؟ — اين پيراهن زيباى تابستانى است .

Э т о новый магазин "Одежда". Там можно купить хорошее зимнее пальто, модный костюм или красивое вечернее платье.

اين مغازه جديد « پوشاک » است. در آنجا مى توان پالتو خوب زمستانى، لباس مد و يا پيراهن زيباى شب خريد .

А это магазин "Продукты". Там всегда свежие фрукты и вкусные булочки. Напротив — киоск. Там интересные журналы, утренние и вечерние газеты.

و اين مغازه مواد خوراكى است. در آنجا هميشه ميوه تازه و شيرينى هاى خوشمزه هست. روبروى آن باجه روزنامه فروشى هست. در آنجا مجلات، روزنامه هاى صبح و عصر هست .

و حالا لغات جديد :

Г а л с т у к

كراوات

с и н и й галстук

كراوات صورمه اى

Р у б а ш к а

پيراهن مردانه

г о л у б а я рубашка

پيراهن آبى رنگ

П л а т ь е

پيراهن زنانه

с и н е е платье

پيراهن زنانه صورمه اى رنگ

С е р ы й

خاکستری

Серое пальто

پالتوی خاکستری

Сумка

کیف

коричневая сумка

کیف قهوه ای

Чёрный

سیاه

Летний

تابستانی

Красивый

زیبا، قشنگ، خوشگل

красивое летнее платье

پیراهن تابستانی زیبا

Магазин

مغازه

Купить

خریدن

Зима

زمستان

зимнее пальто

پالتوی زمستانی

Костюм

کت و شلوار مردانه، زنانه و کت و دامن زنانه

модный костюм

کت و شلوار شیک و به مد روز

вечернее платье

پیراهن زنانه مهمانی و یا شب

Продукты

مواد خوراکی، مواد غذایی

Всегда

همیشه

Фрукты

میوه ها

свежие фрукты

میوه های تازه

Булочки

شیرینی، نان گرده، کلوچه

вкусные булочки

نان شیرینی های خوشمزه

Напротив

روبرو، در مقابل، جلوی

Киоск

کیوسک، باجه

Журналы

مجلات

интересные журналы

مجلات جالب

Газеты

روزنامه ها

Газета

روزنامه

вечерние газеты

روزنامه های عصر

утренние газеты

روزنامه های صبح

یکبار دیگر به متن گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید معانی جملات را به یاد آورید :

Т а н я , это твоё пальто?

...

- Какое? Серое? Да, моё.

...

- А коричневая сумка тоже твоя?

...

- Нет, коричневая не моя. Моя — чёрная.

...

К а к о й это костюм? — Это новый вечерний костюм.

...

К а к о е это платье? — Это красивое летнее платье.

...

Э т о новый магазин "Одежда". Там можно купить хорошее зимнее пальто, модный костюм или красивое вечернее платье.

...

А это магазин "Продукты". Там всегда свежие фрукты и вкусные булочки. Напротив — киоск. Там интересные журналы, утренние и вечерние газеты





### درس نوزدهم

درس نوزدهم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا متنی برای شما خوانده می شود. بدقت گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید معانی جملات را به یاد آورید .

Н а т а ш а , Таня и Юра в институте. Сейчас они на уроке. Преподаватель спрашивает, студенты отвечают. Они читают новый текст, повторяют старые слова, делают упражнения. Преподаватель объясняет новое правило. Новое правило не трудное.

Студенты хорошо понимают, ч т о объясняет преподаватель. Преподаватель доволен. Наташа, тانیا و یورا در انستیتو هستند. اکنون آنها سر درس هستند. معلم سؤال می کند، دانشجویان جواب می دهند. آنها متن جدید را می خوانند، لغات قدیمی را تکرار می کنند و تمرینها را انجام می دهند. معلم قواعد جدید را توضیح میدهد. قواعد جدید سخت نیستند. دانشجویان آنچه را که معلم توضیح می دهد خوب می فهمند. معلم راضی است .

Н а т а ш а , что вы делаете на уроке?

ناتاشا، شما سر درس چکار می کنید؟

М ы читаем, пишем, говорим по-персидски и по-английски.

ما می خوانیم، می نویسیم و به زبان فارسی و انگلیسی حرف می زنیم .

А вы делаете упражнения на уроке?

شما سر درس تمرین حل می کنید؟

Д а , мы делаем упражнения и повторяем старые тексты и слова.

بله، ما تمرین ها را انجام می دهیم و متن و لغات قدیمی را تکرار می کنیم .

Ю р а , ты знаешь новое правило?

یورا، تو قواعد جدید را بلدی؟

Н е очень хорошо.

نه زیاد خوب .

У тебя есть книга?

تو کتاب داری؟

Н е т . Дай, пожалуйста.

نخیر، لطفاً آن را بده .

لغات متن :

С е й ч а с

اکنون، حالا، در حال حاضر، در زمان حاضر،

Н а у р о к е

سر درس

П р е п о д а в а т е л ь

معلم، دانشیار، استاد

С п р а ш и в а т ь

پرسیدن

Отвечать

جواب دادن، پاسخ دادن

Повторять

تکرار کردن

Старые слова

لغات قدیمی

Упражнение

تمرین

Делают упражнения

انجام تمرین

Объяснить

توضیح دادن، شرح دادن

Доволен

راضی

و حالا یک ترکیب جدید را برایتان توضیح می دهیم У. و ضمائر شخصی Родительный падеж که عبارتند از меня,тебя,него, нее,нас,вас, них خاطر سپرده شوند. لطفاً به مثالهای زیر توجه کنید. ابتدا گوش کنید، سپس تکرار کرده و آنها را به خاطر بسپارید. زیرا ساختار این جملات تغییری نمی کند .

У меня есть брат.

معنی تحت اللفظی این جملات بدین قرار است: در نزد من یک برادر هست. و یا من یک برادر دارم .

У тебя есть сестра.

تو یک خواهر داری .

У него есть дом.

او یک خانه دارد. مذکر

У нее есть кошка.

او یک گربه دارد. مؤنث

У нас есть машина.

ما یک ماشین داریم .

У вас есть родители.

شما والدین دارید .

У них есть магнитофон.

آنها ضبط صوت دارند .

همانطور که متوجه شدید از ترکیب У و ضمائر شخصی Родительный падеж که عبارتند از меня,тебя,него, нее,нас,вас, них همراه با اسامی ترکیب کلماتی به وجود می آیند که داشتن چیزی را در نزد کسی و یا چیزی مشخص می کند. و حالا برای تکرار ضمائر ملکی چند مثال دیگر با ترکیب فوق الذکر می آوریم. لطفاً توجه فرمائید :

У меня есть мотоцикл.  
من موتورسیکلت دارم .

Э т о мой мотоцикл.  
این موتورسیکلت من است .

У нас есть квартира.  
ما آپارتمان داریم .

Э т о наша квартира.  
این آپارتمان ماست .

У нее есть машина.  
او ماشین دارد. مونث

Э т о ее машина.  
این ماشین اوست .

У них есть дети.  
آنها فرزند دارند .

Э т о их дети.  
اینها فرزندان آنها هستند .

و اما فعل **быть** بودن که در زمان حال **есть** به معنی هست می باشد، در زمان گذشته در حالت های مذکر و مونث و خنثی و جمع بدین شکل است. در حالت مذکر **был** ، در حالت مونث **была** ، در حالت خنثی **было** و در حالت جمع **были**.  
مثال هایی در این رابطه گوش کنید، تکرار کنید، به خاطر بسپارید :

توجه داشته باشید حالت مذکر، مونث، خنثی و جمع جملات وابسته به اسم تغییر می کند. در جمله

**В ч е р а у нас был урок.**

دیروز ما درس داشتیم. استفاده از فعل **был** بشکل مذکر وابسته به **урок** انجام شده که کلمه ای است مذکر، زیرا به حرف بی صدای سخت **к** ختم شده است که یکی از علائم اسامی مذکر است. و در جمله دیروز شما گزارش یا سخنرانی داشتید .

**В ч е р а у вас была лекция.**

فعل **была** وابسته به **лекция** استفاده شده که کلمه ای است مونث، زیرا به حرف **я** ختم شده که حرفی صدادار و یکی از علائم اسامی مونث است. در جمله:

**В ч е р а у нее было собрание.**

دیروز او جلسه داشت نیز به همین ترتیب. فعل **было** وابسته به **собрание** (جلسه) بکار رفته که کلمه ایست خنثی، زیرا به حرف **е** ختم شده است. و در جمله :

**В ч е р а у них были экзамены.**

دیروز آنها امتحان داشتند، فعل **были** وابسته به **экзамены** بکار رفته که اسمی در حالت جمع است و به **ы** ختم شده است که علامت جمع در اسم مذکر **экзамен** یک امتحان است .

همانطور که در درسهای قبلی برایتان توضیح داده شد زمان آینده نیز از این فعل مشتق می شود .

**Б ы т ь - будет.** توجه کنید :

**З а в т р а у нас будет урок.**



فردا ما درس خواهیم داشت .

З а в т р а у нас будет собрание.

З а в т р а у нас будут экзамены.

فردا ما جلسه و امتحان خواهیم داشت .

توجه کنید که در مورد تمام اسامی مذکر، مؤنث، خنثی و جمع کاربرد у و ضمائر شخصی Родительный падеж عبارتند از меня,тебя,него, нее,нас,вас, них . کلمه امتحانات می شود. будут. افعال روسی در زمان گذشته در رابطه با جنس و حالت‌های مفرد و جمع تغییر می کند و در زمان حال و آینده در رابطه با شخص و حالت‌های مفرد و جمع .

و حالا به تنوع جملات روسی توجه کنید که در آنها فعل رابط وجود ندارد .

В институте

در انستیتو

На уроке

سر درس

Преподаватель спрашивает, студенты отвечают.

معلم می پرسد، دانشجویان جواب می دهند .

Новые слова

کلمات جدید

Старые слова

کلمات قدیمی

Новый текст

متن جدید

Старый текст

متن قدیمی

Делать упражнение

انجام تمرین

و اینک به گفتگوی تلفنی درس گذشته به دقت گوش کنید، تکرار کنید و معانی جملات را به خاطر بسپارید .

Можно поговорить с Еленой?

ممکن است با یلنا صحبت کنم؟ که به دو شکل دیگر نیز می توان این سؤال را مطرح کرد که معنی آن همین است. مثلاً :

Можно Елену?

ممکن است با یلنا صحبت کنم؟ و یا

Елену можно?

...

Елена дома?

یلنا خانه است؟

Здравствуйте. Елену, пожалуйста.

سلام، لطفاً یلنا را صدا کنید .

Мне нужна Елена.

من با یلنا کار دارم .

С кем я говорю?

با کی صحبت می کنم؟ یا شما؟

Пожалуйста, позовите Елену.

لطفاً یلنا را صدا کنید .

Будьте добры, пригласите Елену.

لطف کنید، یلنا را صدا کنید .

Здравствуйте. Мне нужно поговорить с Еленой.

سلام، من می خواهم با یلنا صحبت کنم .

Мне нужно позвонить в Москву.

من می خواهم به مسکو زنگ بزنم،

Как пользоваться этим телефоном?

این تلفن چطور کار میکنه؟

Какой у вас номер?

شماره شما چی است؟

Дайте мне её номер телефона

شماره او را به من بدهید .

Как позвонить Тане?

چطور می شود به تانیا تلفن کرد؟

Дайте код Москвы.

کد مسکو را به من بدهید .

Алло!

الو؟

Это говорит Арман.

آرمان صحبت می کند .

Это Наташа?

ناتاشا؟

Позовите, пожалуйста, Веру.

لطفاً ورا را صدا کنید .

Я бы хотел поговорить с Ольгой.

من می خواستم با اولگا صحبت کنم .

Она там?

او آنجاست؟

Кто говорит?

کی پشت خط است؟

Вас вызывает Тегеран.

از تهران تماس برقرار شده .

А б о н е н т занят.

شماره مشغول است .

И з в и н и т е , в ы о ш и б л и с ь .

ببخشید، شماره را اشتباه گرفتید .

З д е с ь т а к и х н е т .

اینجا همچین کسی نیست .

М и н у т к у

یگ دقیقه .

Н е в е ш а й т е т р у б к у !

گوشی را نگذارید .

В ы п о д о ж д е т е ?

صبر می کنید؟

В а с к т е л е ф о н у .

تلفن با شما کار دارد .

Я в а с п л о х о с л ы ш у .

صدای شما خوب نمی آید .

Я н е м о г у р а з о б р а т ь , ч т о т ы г о в о р и ш ь .

نمی توانم بفهمم شما چی می گوئید .

Г о в о р и т е г р о м ч е .

بلند تر صحبت کنید .

Э т о о п я т ь я .

دوباره من هستم .

Н а с р а з ь е д и н и л и .

قطع شد .

Ж а л ь , е ё н е т .

متأسفانه، او خانه نیست .

Ч т о - н и б у д ь п е р е д а т ь ?

پیغامی برایش دارید؟

П о ж а л у й с т а , п о п р о с и т е е ё п о з в о н и т ь м н е .

لطفاً از او خواهش کنید به من زنگ بزنند .

Я п е р е з в о н ю .

خودم دوباره زنگ می زنم .

К о г д а м н е п е р е з в о н и т ь ?

کی بهتره زنگ بزنم؟

З а п и ш и т е , п о ж а л у й с т а , м о й н о м е р .

لطفاً شماره مرا بنویسید .

П е р е д а й т е е й , ч т о з в о н и л А р м а н

لطفاً به او بگوئید که آرمان تماس گرفت .

Я передам ей.

به او خواهم گفت .

Я скажу, чтобы она позвонила вам.

به او خواهم گفت که به شما زنگ بزند .

Что ты делаешь?

چکار میکنی؟

Куда-нибудь собираешься?

قصد داری جایی بروی؟

Простите, что я вас побеспокоил.

ببخشید که مزاحم شما شدم .

Я не мог к ней дозвониться.

نمی توانستم با او تماس بگیرم.



### درس بیستم

درس بیستم زبان روسی را آغاز می کنیم. ابتدا متنی برای شما خوانده می شود. بدقت گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید معانی جملات را به یاد آورید .

М е н я зовут Сергей.

Е г о зовут Петр.

К а к его зовут?

Е г о зовут Петр.

Е е зовут Катя.

К а к ее зовут?

Е е зовут Катя.

در اینجا از حالت گرامری Винительный падеж استفاده می شود. توجه فرمائید:

М е н я зовут Ольга Петровна.

اسم من اولگا پطرونا است .

Д о ч ь зовут Света (Светлана).

اسم دخترم سوتا سوتلانا است

С ы н а зовут Володя (Владимир).

اسم پسر من والویا (یا ولادیمیر) است،

М у ж а зовут Николай Александрович.

اسم شوهرم نیکلای آکساندروویچ است

Б р а т а зовут Алексей Петрович.

اسم برادرم آکسی پطروویچ

С е с т р у зовут Татьяна Петровна.

اسم خواهرم تاتیانا پطرونا

М а л ь ч и к , как тебя зовут?

پسر، اسمت چیه؟

М е н я зовут Костя.

اسم من کوستیاست .

А меня зовут Ира.

و اسم من ایراست .

Я знаю.

می دونم .

З н а е ш ь ?

می دونی؟

Д а , я слышал, что мама говорила: «Это Ира. Она уже школьница».

آره، وقتی مامان داشت می گفت که: این ایراست و مدرسه می رود» حرفهایش را شنیدم .

А ты тоже школьник?

تو هم مدرسه می روی؟ محصلی؟

Н е т , я еще не школьник.

نه، من هنوز مدرسه نمی روم .

Диалог

گفتگو

Здравствуй, Наташа!

سلام، ناتاشا !

Здравствуй, Юра! Почему ты не был на уроке?

سلام یورا! چرا سر درس نبودی؟

Я был болен.

مریض بودم .

Как ты себя чувствуешь?

حالت چطور؟

Не очень хорошо. Скажи, пожалуйста, что вы делали на уроке?

زیاد خوب نیست. لطفاً بگو سر درس چکار کردید؟

Мы читали текст «Семья», писали новые слова, делали упражнения и

повторяли старые правила. Да, я купила новый учебник персидского языка.

ما متن « خانواده » را خواندیم، کلمات جدید را نوشتیم، تمرین حل کردیم و قواعد قدیمی را تکرار کردیم. آها، من کتاب درسی

جدید زبان فارسی را خریدم .

Хочешь посмотреть?

می خواهی نگاه کنی؟

С удовольствием! Это очень интересно.

با کمال میل! خیلی جالبه !

Преподаватель: Юра, почему вы не были на уроке?

معلم: یورا، چرا شما سر درس حاضر نبودید؟

Юра: Я был болен.

یورا: مریض بودم .

Преподаватель: Как вы себя чувствуете?

معلم: حال شما چطور است؟

Юра: Хорошо.

خوبم .

Преподаватель: Вы уже купили новый учебник персидского языка?

معلم: شما کتاب درسی جدید زبان فارسی را خریدید؟

Юра: Нет, не купил, но я видел этот учебник.

یورا: نخیر، نخریدم، اما این کتاب را دیدم .

Таня: Здравствуй, Юра!

تانیا: سلام، یورا !

Юра: Здравствуй, Таня!

یورا: سلام، تانیا !

Таня: Как ты себя чувствуешь?

تانیا: حالت چطوره؟

Ю р а : Сейчас хорошо. Хочешь посмотреть, что я купил?

یورا: حالا خوبم، می خواهی ببینی من چی خریدم؟

Т а н я : Я знаю, что ты купил. Ты купил новый учебник персидского языка.

تانیا: می دانم تو چی خریدی. تو کتاب درسی جدید زبان فارسی را خریدی .

Ю р а : Да. Вот он.

یورا: بله، اینها .

لغات این درس :

З д р а в с т в у й

سلام !

П о ч е м у т ы н е б ы л н а у р о к е ?

چرا سر درس نبودی؟ یا حاضر نشدی؟

П о ч е м у

چرا؟

т ы н е б ы л

تو نبودی

н а у р о к е

سر درس

Б ы т ь

بودن

Я б ы л б о л е н .

من مریض بودم مذکر .

Б о л е н ,

مریض مذکر

б о л ь н а ,

مریض مؤنث

Б о л ь н ы

مریض جمع

К а к т ы с е б я ч у в с т в у е ш ь ?

حالت چطوره؟ یا معنی تحت اللفظی آن که می شود: چطور تو خودت را حس می کنی؟

С к а ж и , п о ж а л у й с т а , ч т о в ы д е л а л и н а у р о к е ?

لطفاً بگو سر درس چکار کردید؟

ч и т а л и т е к с т

متن را خواندیم

п и с а л и н о в ы е с л о в а

لغات جدید را نوشتیم

д е л а л и у п р а ж н е н и я

تمرینات را انجام دادیم

п о в т о р я л и старые правила

قواعد قدیمی را تکرار کردیم

Д а , я купила новый учебник персидского языка.

بله، من کتاب درسی جدید زبان فارسی را خریدم .

К у п и т ь

خریدن

У ч е б н и к

کتاب درسی

Х о ч е ш ь посмотреть?

می خواهی ببینی؟

С удовольствием!

با کمال میل !

Э т о очень интересно.

خیلی جالب است !

О н на уроке.

او (مذکر) سر درس است .

О н а на уроке.

او (مونث) سر درس است .

О н и на уроке.

آنها سر درس هستند .

О н был на уроке.

او سر درس بود .

О н а была на уроке.

او سر درس بود .

О н и были на уроке.

آنها سر درس بودند .

О н не был на уроке.

او سر درس نبود .

О н а не была на уроке.

او سر درس نبود .

О н и не были на уроке.

آنها سر درس نبودند .

Ю р а был болен.

یورا مریض بود .

Т а н я была больна.



تانیا مریض بود .

Ю р а и Таня были больны.

یورا و تانیا مریض بودند .

باید به این نکته توجه داشته باشید که در زبان روسی زمان گذشته افعال از لحاظ شخص تغییر نمی‌کند بلکه از لحاظ جنس و

افراد و جمع تغییر می‌کند .

و حالا حالت مفعول صریح ضمائر اشاره Это, ЭТОТ

Я видел этот учебник.

من این کتاب درسی را دیدم. مذکر

Я вижу это окно.

من این پنجره را می‌بینم. خنثی

Я видел эти учебники.

من این کتابهای درسی را دیدم. جمع

Я вижу эти окна.

من این پنجره‌ها را می‌بینم. جمع

و حالا چند کلمه و جمله محبت آمیز پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می‌دهیم. به دقت گوش کنید، تکرار کنید به خاطر بسپارید

شاید زمانی به دردتان بخورد :

М и л а я м о я

عزیز من

Л ю б и м а я

عشق من

Л а с к о в а я м о я

شیرین من

С о л н ы ш к о м о ё

خورشید من

Р а д о с т ь м о я

شادی من

М о ё з о л о т ц е

طلای من

Д о р о г а я м о я

عزیز من

А н г е л м о й

فرشته من

Д е в о ч к а м о я

دخترک من

З а й ч и к м о й

ملوس من

Я люблю тебя

دوستت دارم .

Н е могу жить без тебя

بدون تو نمی توانم زندگی کنم .

Т ы нужна мне

به تو احتیاج دارم .

Т ы очень нужна мне

خیلی بهت احتیاج دارم .

Т ы нужна мне всё больше и больше

هر چه بیشتر و بیشتر بهت محتاجم .

Х о ч у , чтобы ты была моей

ای کاش مال من بودی .

Л ю б л ю тебя всем сердцем, всей душой

با تمام قلب و روحم دوستت دارم .

М о я любовь не знает границ

عشق من حد و مرز نمی شناسد .

Л ю б о в ь вошла в моё сердце

عشق قلبم را پر کرده است .

Л е ч у к тебе на крыльях любви

بر بالهای عشق بسویت پرواز می کنم .

Л ю б о в ь всё преодолает

عشق همه چیز را از سر راه بر می داره .

Д л я нашей любви нет преград

هیچ مانعی برای عشق ما وجود ندارد .

Я полюбил тебя с первого взгляда

از همان نگاه اول عاشقت شدم .

Я знал, что найду тебя

می دانستم پیدایت می کنم .

و حالا چندین کلمه و جمله پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم که با تعدادی از آنها در درسهای قبلی آشنا شدید :

Д о свидания!

خداحافظ !

Д о встречи!

به امید دیدار !

П о к а !

خداحافظ دوستانه

Д о скорого!

بزودی می بینمت !

До завтра!

تا فردا !

До следующей недели!

تا هفته آینده !

До понедельника!

تا دوشنبه !

Я надеюсь, мы скоро увидимся.

امیدوارم بزودی همدیگر را ببینیم !

Вы уже уходите?

شما دارید می روید؟

Вы нас уже покидаете?

شما دارید ما را ترک می کنید؟

Побудьте еще немного!

یک کمی دیگر بمانید !

К сожалению, мне пора.

متأسفانه باید بروم .

Мне очень жаль, но я должен идти.

خیلی متأسفم، ولی باید بروم .

Уже поздно.

دیر است .

Я хотел бы попрощаться.

می خواستم خداحافظی کنم .

Мы увидимся завтра?

فردا همدیگر را خواهیم دید؟

Желаю вам благополучно добраться до дома.

آرزو میکنم بخوبی (صحیح و سالم) به خانه برسید .

Привет всем!

به همه سلام برسانید

### درس بیست و یکم

درس بیست و یکم زبان روسی را آغاز می کنیم. امروز شما را با نوع افعال آشنا می کنیم. در زبان روسی دو نوع فعل وجود دارد:

н е с о в е р ш е н н ы й в и д که هر سه زمان حال و گذشته و آینده را دارا می باشد و در واقع بیانگر تکرار درکار است و زمان آینده آن با استفاده از زمان آینده فعل БЫТЬ درست می شود. с о в е р ш е н н ы й в и д که فقط زمان گذشته و آینده دارد و در مورد کاری که فقط یکبار انجام شود و مستمر نباشد با استفاده از پیشوندهای مختلف درست می شود . اما قبل از پرداختن به این مبحث ابتدا چند کلمه و جمله محبت آمیز پر کاربرد را تکرار می کنیم. به دقت گوش کنید، تکرار کنید به خاطر بسپارید شاید زمانی به دردتان بخورد :

М и л я м о я

عزیز من

Л ю б и м я

عشق من

Л а с к о в а я м о я

شیرین من

С о л н ы ш к о м о е

خورشید من

Р а д о с т ь м о я

شادی من

М о е з о л о т ц е

طلای من

Д о р о г а я м о я

عزیز من

А н г е л м о й

فرشته من

Д е в о ч к а м о я

دخترک من

З а й ч и к м о й

ملوس من

Я люблю тебя

دوستت دارم .

Н е м о г у ж и т ь б е з т е б я

بدون تو نمی توانم زندگی کنم .

Т ы н у ж н а м н е

به تو احتیاج دارم .

Х о ч у , ч т о б ы т ы б ы л а м о е й

ای کاش مال من بودی. دلم می خواهد که مال من بودی

Лю б лю тебя всем сердцем, всей душою  
با تمام قلب و روحم دوستت دارم .

Лю б о в ь вошла в моё сердце  
عشق قلبم را پر کرده است .

Л е ч у к тебе на крыльях любви  
بر بالهای عشق بسویت پرواز می کنم .

Лю б о в ь всё преодолает  
عشق همه چیز را از سر راه بر می داره .

Д л я нашей любви нет преград  
هیچ مانعی برای عشق ما وجود ندارد .

Я полюбил тебя с первого взгляда  
از همان نگاه اول عاشقت شدم .

Я знал, что найду тебя  
می دانستم پیدایت می کنم .

و حالا از شما دعوت می کنیم به متنی در باره افعال совершенный вид و несовершенный вид گوش کنید. سعی کنید افعال совершенный вид و несовершенный вид را از هم تشخیص دهید :

М а ш а , сегодня ты отдыхаешь?  
ماشا، امروز استراحت می کنی؟

Н е т , утром и днем я работала.  
نه، صبح و ظهر کار کردم :

С т и р а л а , гладила, готовила, шила.  
رخت شستم، اتو کردم، غذا پختم، خیاطی کردم .

А теперь я все сделала, постирала и погладила белье, приготовила обед и  
с д е л а л а пирог.

و حالا همه کارها انجام شده، رختها را شستم و اتو کردم، پختن غذا را تمام کردم و پاته پختم .

Я вижу, что ты еще сшила платье?  
می بینم دوختن پیراهنت را نیز تمام کردی؟

Д а , хорошо?  
بله، خوب شده؟

П р е к р а с н о ! Ты мастер!  
عالیه! به تو می گویند استاد !

و حالا به چند جمله دیگر در این باره توجه فرمائید :

У р а ! Мама пришла!  
هورا! مامان آمد!

Н а д я , ты сделала уроки?  
نادیا، درسها را تمام کردی؟

М а м о ч к а , я прочитала и перевела текст и выучила стихотворение.  
مامان عزیزم، من خواندن متن و ترجمه آن را تمام کردم و شعر را یاد گرفتم .

А рассказ ты написала?

قصه را تا آخر نوشتی؟

Н е т , я писала долго, но не написала.

نه، من خیلی وقت صرف نوشتن آن کردم، ولی تمامش نکردم .

حالا از شما دعوت می‌کنیم به لغات این درس و توضیحات مربوطه در باره نوع افعال несовершенный вид و совершенный вид توجه کنید که در زبان فارسی چنین نوع تقسیم‌بندی وجود ندارد. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

Т ы отдыхаешь

تو استراحت می‌کنی

я работала

من کار کردم

Д е л а л а - несовершенный вид

کار کردم

С д е л а л а - совершенный вид

کار را تمام کردم زمان گذشته

С т и р а л а - несовершенный вид

رخت شستم

П о с т и р а л а - совершенный вид

رخت شستن را تمام کردم

Г л а д и л а - несовершенный вид

اتو کردم (در اینجا یادآوری می‌کنیم که در مورد فعل несовершенный вид ، پروسه و جریان کار مطرح است. مثلاً شخصی در حال اتو کردن لباس است ولی لباس هنوز اتو نشده است. و وقتی از فعل

П о г л а д и л а - совершенный вид

استفاده می‌شود یعنی لباس اتوشده و آماده استفاده است. در مورد باقی افعال نیز پروسه کاری به این شکل است .

Г о т о в и л а - несовершенный вид

غذا پختم .

П р и г о т о в и л а - совершенный вид

پختن غذا را تمام کردم .

Ш и л а - несовершенный вид

لباس را دوختم .

С ш и л а - совершенный вид

دوختن لباس را تمام کردم .

Ч и т а л а - несовершенный вид

خواندم.

П р о ч и т а л а - совершенный вид

خواندن کتاب را تمام کردم .

П и с а л а - несовершенный вид

نوشتیم .

На пис а ла - совершенный вид

نوشتن را تمام کردم .

Об е да т ь

مصدر- غذا خوردن-ناهار خوردن

По о бе да т ь - совершенный вид

تمام کردن ناهار

К ра с и т ь -

رنگ کردن- مصدر

По кра с и т ь - совершенный вид

تمام کردن رنگ کاری

Е с т ь -

خوردن- مصدر

С ъ е с т ь - совершенный вид

پایان پروسه خوردن- در اینجا مثالی برایتان می زنیم: مثلاً شما وارد رستوران می شوید؟ پشت میز می نشینید و غذا سفارش میدهید. و مشغول خوردن می شوید. تا پروسه خوردن ادامه دارد باید از فعل **Есть** استفاده کنید و وقتی ظرف غذا خالی و شما از رستوران خارج شدید، آنوقت می توانید بگوئید که پروسه خوردن غذا تمام شده است. در این جا از تنها فعلی که باید استفاده کنید **Съест ь - совершенный вид** است که همانطور که قبلاً برایتان توضیح دادیم زمان حال ندارد .

С ни ма т ь -

برداشتم مثلاً برداشتن کلاه از سر

С ня т ь - совершенный вид

پایان کار برداشتن

و حالا به چند جمله دیگر توجه فرمائید:

Ч то ты делал?

چکار کردی؟

Я сдавал экзамен.

امتحان می دادم .

С да л ?

دادی، تمام شد؟

С да л .

دادم .

П о ч е м у ты плачешь?

چرا گریه می کنی؟

Я сдавал экзамен, но не сдал.

من داشتم امتحان می دادم، ولی ندادمش .

Н и ч е го . С дашь завтра.

عیب نداره. فردا خواهی داد.

حتماً شما متوجه شده‌اید که به افعال **совершенный вид** پیشوندهای مختلفی مانند **про,на,с,вы,за,по** و دیگر پیشوندها اضافه می‌شود. گاهی نیز در موارد استثنایی بجای پیشوند پسوند می‌گیرند.

و حالا از شما دعوت می‌کنیم به چند جمله دو فعلی توجه فرمائید. فعل اول بر طبق قوانینی که در درسهای قبلی برایتان توضیح داده شد صرف می‌شود و فعل دوم بصورت مصدر می‌آید. گوش کنید، تکرار کنید و بخاطر بسپارید:

Я хочу спросить.

می‌خواهم بپرسم.

Я могу сказать.

می‌توانم بگویم.

Я люблю читать.

من خواندن را دوست دارم.

С ы н умеет плавать.

پسر من شنا بلد است.

Я хочу позвонить.

می‌خواهم تلفن کنم.

Я прошу вас сесть.

خواهش میکنم بنشینید.

Мы начали работать.

ما کار را شروع کردیم.

Я не умею танцевать.

من رقص بلد نیستم.

Т ы можешь сказать, кто это?

تو می‌توانی بگویی این کیه؟

Я не знаю.

نمی‌دانم.

М а ш а , я хочу спросить: как ты думаешь, кто это?

ماش، می‌خواهم سئوالی بپرسم: چی فکر میکنی، این کیه؟

Я думаю, что это Микки-Маус.

فکر کنم این میکی-مائوس باشد.

Я могу войти?

می‌توانم وارد بشوم؟

П о ж а л у й с т а .

خواهش می‌کنم.

Т ы любишь танцевать?

تو رقصیدن را دوست داری؟

Н е очень. Я люблю смотреть. А ты?

نه خیلی. تماشای آن را دوست دارم. و تو؟

Я очень люблю танцевать.

من خیلی از رقصیدن خوشم می‌آید.



و حالا چندین کلمه و جمله پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم که با تعدادی از آنها در درسهای قبلی آشنا شدید :

Д о свидания!  
خداحافظ !

Д о встречи!  
به امید دیدار !

Д о скорого!  
بزودی می بینمت !

Д о завтра!  
تا فردا !

Д о следующей недели!  
تا هفته آینده !

Я надеюсь, мы скоро увидимся.  
امیدوارم بزودی همدیگر را ببینیم !

В ы уже уходите?  
شما دارید می روید؟

М н е очень жаль, но я должен идти.  
خیلی متأسفم، ولی باید بروم .  
У ж е поздно.  
دیر است .

Я хотел бы попрощаться.  
می خواستم خداحافظی کنم .

М ы увидимся завтра?  
فردا همدیگر را خواهیم دید؟

Ж е л а ю вам благополучно добраться до дома.  
آرزو میکنم بخوبی (صحیح و سالم) به خانه برسید .

П р и в е т всем!  
به همه سلام برسانید .

شنوندگان عزیز، درس بیست یکم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدار تان  
!Д о свидания

درس بیست و دوم

درس بیست و دوم زبان روسی را آغاز می کنیم. امروز شما را با ترکیب دو فعلی در جملاتی که نوع افعال آنها **совершенный вид** و **несовершенный вид** آشنا می کنیم. در این جملات از فعل **хотеть** (خواستن) که صرف مفرد و جمع آن در زمان گذشته می شود:

**хотел, хотела, хотели**

استفاده می کنیم. در ضمن فعل

**Мочь**

به معنی (توانستن) نیز صرف مفرد و جمع آن در زمان گذشته می شود:

**мог, могла, могли.**

ابتدا به صرف این دو فعل در زمان حال توجه فرمائید:

**Я хочу**

من می خواهم

**Ты хочешь**

تو می خواهی

**Он (она) хочет**

او می خواهد

**Мы хотим**

مامی خواهیم

**Вы хотите**

شما می خواهید

**Они хотят**

آنها می خواهند

**Я могу**

من می توانم

**Ты можешь**

تو می توانی

**Он, она, оно может**

او می تواند

**Мы можем**

ما می توانیم

**Вы можете**

شما می توانید

**Они могут**

آنها می توانند

و حالا توجه کنید که افعال  
несовершенный вид و совершенный вид  
بعد از این فعل چگونه قرار می‌گیرد. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

Я хочу нарисовать...

من می‌خواهم نقاشی کنم

Я хочу рисовать всегда.

من می‌خواهم همیشه نقاشی کنم

Ты хочешь погулять.

تو می‌خواهی گردش کنی.

Ты хочешь каждый день гулять.

تو می‌خواهی هر روز گردش کنی.

Мы хотим пить, есть, спать.

ما می‌خواهیم بنوشیم، بخوریم و بخوابیم.

و حالا طرز استفاده کلمه

должен

باید در جملات ترکیبی را مورد توجه شما قرار می‌دهیم. صرف

должен مذکر، مونث و جمع بدین شکل است:

Д о л ж е н

Д о л ж н а

Д о л ж н ы

کاربرد آن در جمله، مثل جملات دو فعلی است، با این تفاوت که فعل در حالت‌های

совершенный вид و несовершенный вид

در جمله قرار می‌گیرد.

Я должен работать

من باید کار کنم

Сестра должна перевести текст

خواهر باید متن را ترجمه کند.

Студенты должны заниматься

دانشجویان باید درس بخوانند.

Что сестра должна сделать?

خواهر چه باید بکند؟

Кто должен перевести текст?

چه کسی باید متن را ترجمه کند؟

Что студенты должны делать?

دانشجویان چکار باید بکنند؟

К т о должен заниматься?

کی باید درس بخواند؟

Я должен переводить текст.

من باید متن را ترجمه کنم.

Т ы хочешь помочь мне?

تو می خواهی به من کمک کنی؟

А что я должен делать?

من چکار باید بکنم؟

Т ы просто должен не мешать и тихо играть. Хорошо?

تو فقط باید اذیت نکنی و آرام بازی کنی. خوب؟

Х о р о ш о . Я не буду мешать.

خوب. من اذیت نخواهم کرد.

Т ы хочешь пойти гулять?

می خواهی بروی گردش کنی؟

О ч е н ь хочу, но не могу.

خیلی دلم می خواهد، امانی توانم.

Я должна приготовить обед.

من باید ناهار را آماده کنم.

В ы хотите перейти улицу? Я могу помочь вам. Мама сказала, что я должна

в с е г д а помогать.

شما می خواهید از خیابان رد شوید؟ من به شما کمک می کنم. مامان گفت که من همیشه باید کمک کنم.

و حالا از شما دعوت می کنیم به متن دیگری توجه کنید که اعداد در آن شامل شده است.

М н е двадцать лет.

من بیست سال دارم.

С к о л ь к о вам лет?

شما چند سال دارید؟

С к о л ь к о тебе лет?

تو چند سال داری؟

Р е б е н к у два года.

بچه دو سال دارد.

С к о л ь к о ему лет?

او چند سال دارد؟

Е м у два года.

او دو سالش است.

Д е в о ч к е пять лет.

دخترم ۵ سال دارد.

Сколько ей лет?

او چند سال دارد؟

Ей пять лет?

او پنج سالش است.

در اینگونه جملات باید از ضمائر شخصی در حالت

дательный падеж

استفاده کرد که امیدواریم شما فراموش نکرده باشید. در هر صورت یکبار دیگر این ضمائر را تکرار می کنیم:

Я - мне

Ты - тебе

Он - ему

Она - ей

Мы - нам

Вы - вам

Они - им

در اینجا چند نمونه می آوریم. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

Мне двадцать шесть лет.

من بیست و شش سال دارم.

Мужу тридцать лет.

شوهرم سی سال دارد.

Сыну два года.

پسرم دو سال دارد.

Дочери пять лет.

دخترم پنج سالش است.

Брату двадцать три года.

برادرم بیست و سه سال دارد.

Сестре двадцать девять лет.

خواهرم بیست و نه سال دارد.

نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کنید این است که در زبان روسی بر خلاف فارسی شمارش اعداد نیز صرف می‌شوند و همیشه یکسان نیستند. مثلاً اگر منظور شما فقط یک سال است باید بگوئید:

Один год.

اما اگر منظورتان ۲ یا ۳ یا ۴ سال باشد باید بگوئید:

два, три, четыре года.

یعنی در واقع از

родительный падеж

بصورت مفرد استفاده می‌شود.

و در صورتی که منظور شما ۵ و یا ۶ سال، زیاد کم و چند تا باشد باید بگوئید:

пять, шесть лет.

یعنی در واقع آنها را مثل رسم معمول در زبانهای دیگر بصورت جمع بکار می‌برید.

و همینطور تمام کلماتی که تعداد آنها را مشخص می‌کنید بنا به دستور گرامری تغییر می‌کنند. در اینجا تعدادی از اعداد را مورد توجه شما قرار می‌دهیم:

Один

یک

два

دو

три

سه

четыре

چهار

пять

پنج

шесть

شش

семь

هفت

восемь

هشت

девять

نه

десять

ده

одиннадцать

یازده

двенадцать

دوازده

тринадцать

سیزده

четырнадцать



چهارده

п я т н а д ц а т ь

پانزده

ш е с т н а д ц а т ь

شانزده

с е м н а д ц а т ь

هفده

в о с е м н а д ц а т ь

هجده

д е в я т н а д ц а т ь

نوزده

д в а д ц а т ь

بیست

т р и д ц а т ь

سی

с о р о к

چهل

п я т ь д е с я т

پنجاه

ш е с т ь д е с я т

شصت

с е м ь д е с я т

هفتاد

в о с е м ь д е с я т

هشتاد

д е в я н о с т о

نود

с т о

صد

д в е с т и

دویست

т р и с т а

سیصد

ч е т ы р е с т а

چهارصد

п я т ь с о т

پانصد

ш е с т ь с о т

ششصد

с е м ь с о т

هفتصد

в о с е м ь с о т

هشت صد

д е в я т ь с о т

نهصد

т ы с я ч а

هزار

д в е т ы с я ч и

دو هزار

п я т ь т ы с я ч

پنج هزار

м и л л и о н

یک میلیون

д в а м и л л и о н а

دومیلیون

حالا به گفتگویی در اینباره توجه کنید:

С к о л ь к о с т о и т к о с т ю м ?

این کت و شلوار چقدر قیمت دارد؟

К о с т ю м с т о и т 5 т ы с я ч р у б л е й .

کت و شلوار ۵ هزار روبل قیمت دارد.

С к а ж и т е , п о ж а л у й с т а , с к о л ь к о с т о и т а л ь б о м « М о с к в а » ?

لطفاً بگوئید آلبوم «مسکو» چقدر قیمت دارد؟

С т о п я т н а д ц а т ь р у б л е й .

صد و پانزده روبل.

А о т к р ы т к и ?

و کارت تبریک؟

Д в а д ц а т ь р у б л е й .

بیست روبل.

Х о р о ш о . В о т с т о т р и д ц а т ь п я т ь р у б л е й .

بسیار خوب. این هم صد و سی روبل.

در درس آینده موارد گرامری دیگر در رابطه با استفاده از اعداد را مورد توجه شما قرار خواهیم داد.

و حالا چند واژه پرکاربرد دیگر: گوش کنید، تکرار کنید و طرز تلفظ و معنی آنها را به خاطر بسپارید:





Обмен валюты

محل تبدیل ارز

метро

مترو

вход

ورود

выход

خروج

переход

محل تعویض خط در مترو

остановка

ایستگاه

стоп

توقف

осторожно

احتیاط

внимание

توجه

Магазин

مغازه

Супермаркет

سوپر مارکت

Открыто

باز است

Закрето

بسته است تعطیل است

Часы работы

ساعات کار

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله پر کاربرد دیگر توجه فرمائید:

Желаю вам приятных выходных

برای شما تعطیلات آخر هفته خوبی آرزومندم.

Приятных выходных

تعطیلات خوبی داشته باشید.

Желаю вам приятного путешествия

سفر خوبی برایتان آرزومندم.

Приятного путешествия

سفر خوبی داشته باشید.

Ж е л а ю вам хорошо отдохнуть

آرزو می کنم خوب استراحت کنید.

Ж е л а ю тебе хорошо отдохнуть

برایت استراحت خوبی را آرزو می کنم.

Ж е л а ю счастья!

خوشبخت باشی!

Ж е л а ю успехов в вашей (твоей) работе!

موفقیت در کار را برای شما (تو) آرزومندم!

П о з д р а в л я ю!

تبریک عرض می کنم!

П о з д р а в л я ю вас (тебя) с днем рождения.

به شما (تو) روز تولدت را تبریک می گویم!

М о и сердечные поздравления с днем рождения!

تبریکات قلبی مرا به مناسبت روز تولدت بپذیر!

Ж е л а ю вам (тебе) всего доброго в Новом году.

در سال نو برایت بهترین ها را آرزومندم.

З а ваше (твое) здоровье!

بسلامتی شما، بسلامتی تو!

З а здоровье!

بسلامتی!

Б у д ь т е здоровы!

سالم باشی (عافیت باشه! که وقتی کسی عطسه می کند این جمله گفته می شود).

Ж е л а ю вам, чтобы вы поскорее поправились

آرزو می کنم که زود خوب شوید.

Ж е л а ю тебе, чтобы ты поскорее поправился

دوستان عزیز درس بیست و دوم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. تا برنامه‌های دیگر خدانگهدارتان.

!Д о свидания

### درس بیست و سوم

درس بیست و سوم زبان روسی را آغاز می کنیم. امروز شما را با موارد گرامری دیگر در رابطه با استفاده از اعداد آشنا می کنیم. همانطور که گفتیم اعداد در زبان روسی بنا به حالت گرامری تغییر می کند که در اینجا چند نمونه دیگر مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید:

<p><b>Бутылки</b> بطریها</p> <p>пять, шесть, семь, много,мало, несколько<b>бутылок</b></p>	<p><b>Бутылка</b> بطری</p> <p>одна <b>бутылка</b> две, три, четыре<b>бутылки</b></p>
<p><b>Девушки</b> دخترها</p> <p>пять, шесть, десять, много, мало, несколько<b>девушек</b></p>	<p><b>Девушка</b> دختر</p> <p>одна <b>девушка</b> две, три, четыре<b>девушки</b></p>
<p><b>Поэты</b> شاعرها</p> <p>пять, шесть, миллион, много мало, несколько<b>поэтов</b></p>	<p><b>Поэт</b> شاعر</p> <p>один <b>поэт</b> два, три, четыре <b>поэта</b></p>

و حالا چند مورد اسامی که مونث هستند. به تغییر شکل آنها توجه کنید:

<p><i>пять, много</i> پنج و خیلی</p>	<p><i>две, три, четыре</i> دو،سه،چهار</p>	<p><i>Одна</i> یک</p>
<p>женщин стран гостиниц газет</p>	<p>женщины страны гостиницы газеты</p>	<p>женщина زن страна کشور гостиница هتل газета روزنامه</p>

## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

حالا نمونه مذکر اسامی را مورد توجه شما قرار می‌دهیم.

Пять, много	два, три, четыре	один
столов стаканов телевизоров	стола стакана телевизора	стол миз стакан استکان Телевизор تلویزیون

در این جا نیز استثنا و مقرراتی وجود دارد. به شما توصیه می‌کنیم فقط کلمات به شکل تغییر یافته را به خاطر بسپارید. چند نمونه برای شما خوانده می‌شود. سعی کنید آنها را همانطور که می‌شنوید به خاطر بسپارید. حالت گرامری آنها همیشه به همین شکل باقی می‌ماند.

пять, много	2, 3, 4	1
братьев	брата	брат
стульев	стула	стул
месяцев	месяца	месяц
музеев	музея	музей
друзей	друга	друг
писем	письма	письмо
тетрадей	тетради	тетрадь
дочерей	дочери	дочь
ночей	ночи	ночь
детей	ребёнка	ребёнок
лет	года	год

نکته دیگری که باید به آن توجه داشته باشید این است که در زبان روسی تغییر موارد گرامری اعداد بنا به آخرین عدد صورت می‌گیرد. مثلاً وقتی شما می‌گوئید ۱۵۱ کتاب یا دانشجو، تغییر گرامری در رابطه با آخرین عدد که در اینجا «یک» است انجام می‌شود. البته با در نظر گرفتن مذکر و مؤنث بودن اسم. به چند نمونه توجه فرمائید:

Двадцать один рубль, день

بیست و یک روبل، روز

(Сто пятьдесят один (одна) студент (студентка, книга, песня

صد و پنجاه و یک دانشجو، کتاب، ترانه

Сто семьдесят четыре дома, платье

صد و هفتاد و چهار خانه، پیراهن  
Тридцать окон, зданий  
سی پنجره، ساختمان

و حالا از شما دعوت می‌کنیم به یک گفتگو توجه کنید:

Диалог

گفتگو

Здравствуй, Юра

سلام، یورا!

Здравствуй, Наташа

سلام ناتاشا!

?Куда ты идешь

کجاداری می‌روی؟

.Я иду на стадион. Там сегодня международная встреча по футболу

به استادیوم می‌روم. امروز آنجا بازی بین‌المللی فوتبال هست.

?Это очень интересно. У тебя нет лишнего билета

خیلی جالبه. (چه جالب). بلیط اضافی نداری؟

.Есть. Мой друг Виктор болен. Это его билет

دارم. دوستم ویکتور مریض شد. این بلیط اوست.

.Большое спасибо

خیلی ممنون.

Юра и Наташа на стадионе.Сегодня международная встреча по футболу. Это

очень интересная встреча. Юра и Наташа любят футбол

یورا و ناتاشا در استادیوم هستند. امروز بازی بین‌المللی فوتبال برگزار می‌شود. این یک دیدار خیلی جالب است. یورا و ناتاشا فوتبال را دوست دارند.

?Таня, у тебя нет лишней тетради

تانیا، بلیط اضافی نداری؟

.Есть. Вот, пожалуйста

دارم. بفرما.

.Большое спасибо

خیلی ممنون.

و حالا معانی لغات این گفتگو. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

?Куда ты идешь

کجا می‌ری

Куда

کجا؟

Идти

رفتن

иду на стадион

به استادیوم می روم

Стадион

استادیوم

Сегодня

امروز

международная встреча по футболу

بازی (دیدار) بین المللی فوتبال

Международный

بین المللی

?У тебя нет лишнего билета

بلیط اضافی نداری؟

Билет

بلیط

Лишний

اضافی

.Большое спасибо

خیلی ممنون

Спасибо

ممنون.

.Это очень интересная встреча

دیدار خیلی جالبی است.

.Это очень интересно

خیلی جالب است.

در جمله اول کلمه интересная صفت و در جمله دوم интересно قید است. بیشتر قیود در زبان روسی پسوند O دارند. چند نمونه صفت و قید مورد توجه شما قرار می دهیم. آنها را به خاطر بسپارید.

Интересный- интересно

جالب

Трудный-Трудно

سخت

Легкий-Легко

آسان

Хороший-хорошо

خوب

Уютный-уютно

راحت

Красивый-красиво

زیبا

و حالا چند کلمه و جمله پر کاربرد سئوالی را مورد توجه شما قرار می‌دهیم. جملات کوتاه هستند و در شرایط مختلف قابل استفاده می‌باشند. از این رو بدقت گوش کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید.

?Когда

کی

?Где

کجا؟

?Откуда

از کجا؟

?Почему

چرا؟ به چه دلیل؟ به چه علت؟

?Как

چطور؟ چگونه؟

?Сколько

چقدر؟

?Сколько времени

چه مدتی؟ برای چه مدتی؟

?Сколько денег

چقدر پول؟

?Кто это

این کیه؟

?Кто там

کی اونجاس؟

?Что это

این چیه؟

?Где мы

ما کجا هستیم؟

?Где это

این کجاست؟

?Как это называется

اسم این چیه؟

?Что вы сказали

چی گفتید؟

?Что вы делаете

چکار می‌کنید؟

?Что вы хотите

چی می‌خواهید؟ چکار دارید؟ کاری دارید؟

?Что вам нужно

فرمایش؟

?В чём дело

موضوع چیه؟

?Что случилось

چه اتفاقی افتاده؟

?Чем я могу вам помочь

چه کمکی می توانم به شما بکنم؟

?Вы можете мне помочь

شما می توانید به من کمک کنید؟

?Здесь можно курить

اینجا می شود سیگار کشید؟

?Хорошо

خوبه؟

?Это всё

همین؟ تمام؟

?Где мужской туалет

توالت آقایان کجاست؟

?Где женский туалет

توالت خانمها کجاست؟

?Не могли бы вы ответить на мой вопрос

شما می توانید به سؤال من جواب بدهید؟

?У вас есть разговорник

شما کتاب محاوره دارید؟

?Вы хотите изучать русский

روسی می خواهید یاد بگیرید؟

و حالا کلمات و جملات سپاسگزاری را مورد توجه شما قرار می دهیم.

Спасибо

ممنون

Большое спасибо

خیلی متشکرم.

Сердечное спасибо

با تشکر قلبی.

вас Благодарю

از شما سپاسگزارم.

.Спасибо. Это очень мило с вашей (твоей) стороны

ممنونم. لطف کردید.



.Спасибо. Это было совсем не обязательно, не стоило беспокоиться

متشکرم. لازم به زحمت شما نبود.

Спасибо за угощение

به خاطر غذا ممنونم.

.Спасибо за гостеприимство

بخاطر مهمان نوازی متشکرم.

.Спасибо за помощь

به خاطر کمکتان سپاسگزارم.

.Спасибо за приглашение

به خاطر دعوتتان ممنونم.

.Спасибо за подарок

به خاطر هدیه سپاسگزارم.

.Спасибо за приятный вечер

به خاطر مهمانی خوب ممنونم.

!Не знаю, как вас и благодарить

نمیدانم چطور از شما تشکر کنم!

!Ну что вы

چه حرفها می زنید!

.Не стоит благодарности

نیازی به تشکر نیست.

.Рад был помочь вам

خوشحالم که توانستم به شما کمک کنم.

و بدین جا درس بیست و سوم زبان روسی به پایان می رسد، خدانگهدارتان.

!До свидания

## درس بیست و چهارم

درس بیست و چهارم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. در این درس یک حالت گرامری دیگر را به شما معرفی می‌کنیم که از ترکیب ضمائر شخصی در حالت گرامری

дательный падеж

و فعل

нравиться

به معنی «خوش آمدن» درست می‌شود. ابتدا ضمائر شخصی در این حالت گرامری را یکبار دیگر برایتان تکرار می‌کنیم:

Я - мне

Т ы - тебе

О н - ему

О н а - ей

М ы - нам

В ы - вам

О н и - им

حالا به چند جمله و یک گفتگو توجه فرمائید. بدقت گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید در حد امکان طرز ساخت جملات را به خاطر بسپارید:

М н е нравится роман «Война и мир».

من از رمان «جنگ و صلح» خوشم می‌آید.

В а м (тебе) нравится роман «Война и мир»?

شما از رمان «جنگ و صلح» خوشتان می‌آید؟

К о м у нравится роман «Война и мир»?

کی از رمان «جنگ و صلح» خوشش می‌آید؟

شایان ذکر است که زمان گذشته و آینده این فعل نیز مانند دیگر افعال به کمک حرف «л» متناسب با جنس مذکر و مونث و خنثی تغییر می‌کند و در زمان آینده از کلمه

будет

استفاده می‌شود. توجه کنید:

Е м у нравился тот фильм.

او از آن فیلم خوشش آمد. مذکر

Е й нравилась та книга.

او از آن کتاب خوشش آمد. مونث

Т е б е будет нравиться фильм.

تو از فیلم خوشت خواهد آمد.

К а т я , тебе нравится это платье?

کاتیا، تو از این لباس خوشت می‌آید؟

О ч е н ь . Ты хочешь купить его?

خیلی. می‌خواهی آن را بخری؟

Д а . Я хочу купить его, только не знаю, сколько оно стоит.

بله، می‌خواهم آن را بخرم، اما نمی‌دانم چقدر قیمت دارد.

С к а ж и т е , пожалуйста, сколько стоит это платье?

لطفاً بگوئید قیمت این پیراهن چقدر است؟

Ч е т ы р е тысячи пятьсот рублей.

چهار هزار و پانصد روبل.

Х о р о ш о . Вот пять тысяч рублей.

بسیار خوب. بفرمائید، این هم پنج هزار روبل.

П о л у ч и т е пятьсот рублей. Это сдача.

بفرمائید، پانصد روبل باقی پول شما.

Вам нравится цирк?

شما از سیرک خوشتان می‌آید؟

Р а н ь ш е мне очень нравился цирк. А теперь не очень. Я люблю театр.

قبلاً از سیرک خیلی خوشم می‌آمد. اما حالا نه زیاد. از تئاتر خوشم می‌آید.

А мне раньше нравился и теперь очень нравится цирк.

من هم قبلاً و هم حالا خیلی از سیرک خوشم می‌آید.

و حالا چند جمله پرکاربرد همدردی و امیدوارکننده برای استفاده در مواردی که دوست و یا یکی از نزدیکان با واقعه ناخوشایندی روبرو شده باشد:

П о м н и , я всегда рядом

یادت باشه که من همیشه کنار تو هستم.

М о ж е ш ь рассчитывать на меня

می‌توانی روی من حساب کنی.

П о л о ж и с ь на меня

روی من حساب کن.

Я всё сделаю как надо

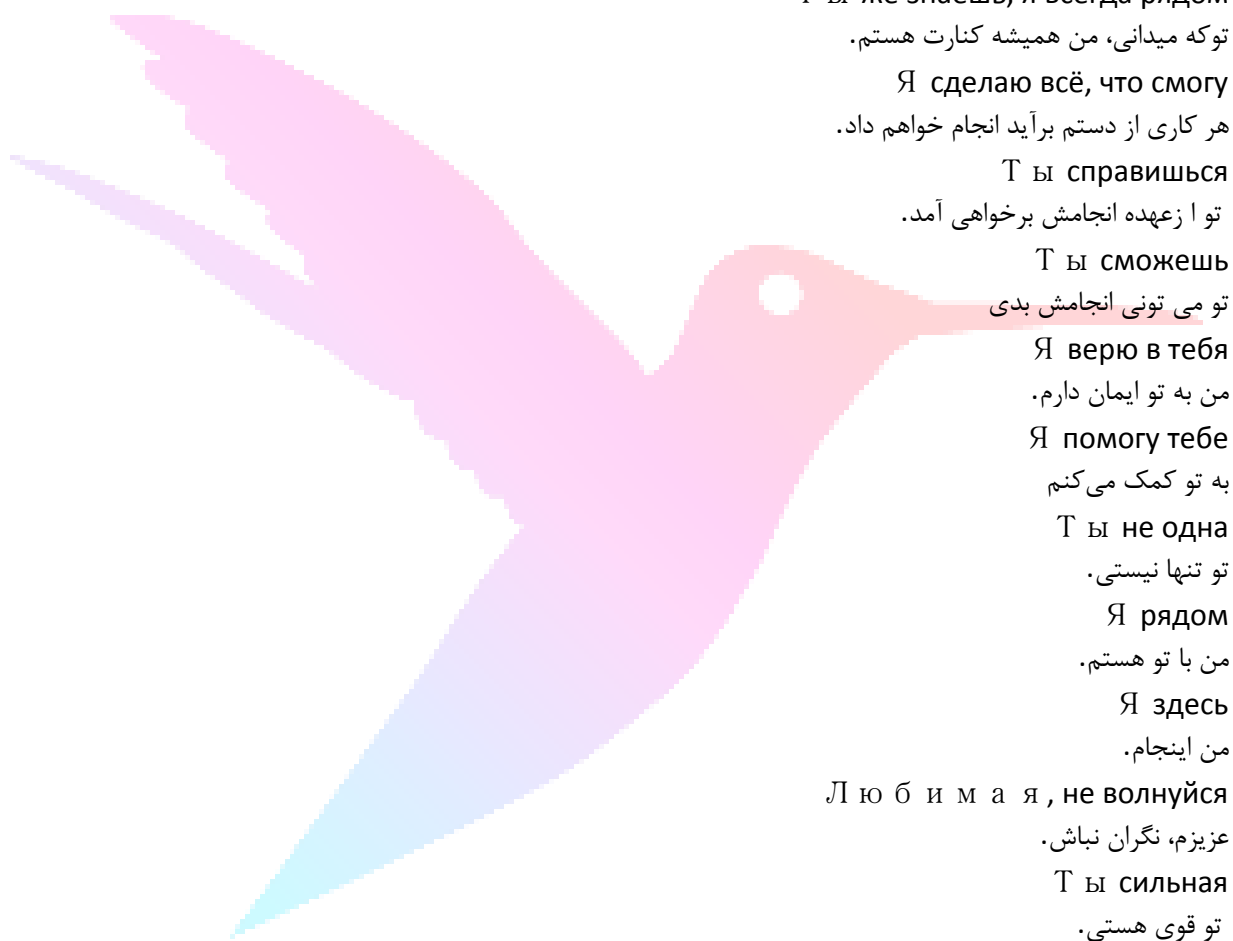
کارها را آنطور که لازم باشد انجام خواهم داد.

Н е волнуйся, я обо всём позабочусь

نگران نباش، همه کارها را روبراه خواه کرد.

Р а с с л а б ь с я , я этим займусь

راحت باش، من به آنها رسیدگی می‌کنم.



Предоставь это мне

اجازه بده من انجامشان بدهم.

Всё под контролем

همه چیز تحت کنترل است.

Доверься мне

به من اعتماد کن.

Всё будет хорошо

همه چیز بخوبی پیش خواهد رفت.

Ты же знаешь, я всегда рядом

تو که میدانی، من همیشه کنارت هستم.

Я сделаю всё, что смогу

هر کاری از دستم برآید انجام خواهم داد.

Ты справишься

تو از عهده انجامش برخواهی آمد.

Ты сможешь

تو می تونی انجامش بدی

Я верю в тебя

من به تو ایمان دارم.

Я помогу тебе

به تو کمک می کنم

Ты не одна

تو تنها نیستی.

Я рядом

من با تو هستم.

Я здесь

من اینجام.

Любимая, не волнуйся

عزیزم، نگران نباش.

Ты сильная

تو قوی هستی.

У нас всё получится

ما از عهده هر کاری بر خواهیم آمد.

Успокойся, всё хорошо

خودت را ناراحت نکن، همه چیز خوب است.

Всё идёт как надо

همه چیز همانطور که باید جریان دارد.

Это нормально

این عادی.

Т ы же знаешь, так и должно быть  
تو که می دانی، همینطور هم باید باشد.

در این درس یک حالت گرامری دیگر را به شما معرفی می کنیم که از ترکیب ضمائر شخصی در حالت گرامری  
дательный падеж

و کلمات

надо (нужно), можно

به معنی «باید و افعال لازم است، ممکن است» درست می شود. با ضمائر شخصی در این حالت گرامری آشنا هستید:

Я - мне

Т ы - тебе

О н - ему

О н а - ей

М ы - нам

В ы - вам

О н и - им

به این مثالها توجه کنید:

М н е надо (нужно) заниматься.

من باید درس بخوانم.

Что вам (тебе) надо делать?

شما باید چکار کنید؟

Кому надо заниматься?

کی باید درس بخواند؟

Я иду в магазин. Мне надо купить тетрадь.

من به مغازه می روم. باید دفتر بخرم.

И мне надо купить тетрадь и карандаши.

و من باید دفتر و مداد بخرم.

С е г о д н я я весь день должна заниматься.

امروز تمام مدت باید درس بخوانم.

М н е надо прочитать и перевести

т е к с т , написать сочинение и выучить стихи.

باید متن را بخوانم و ترجمه کنم، انشا بنویسم و شعر را حفظ کنم.

А мне сегодня не надо работать. Я отдыхаю.

اما من نباید کاری انجام بدهم. من استراحت می کنم.

و حالا معنی لغات این درس:

Мне надо

من باید

Заниматься

درس خواندن

Что

چی

Кому надо

کی باید

В магазин

به مغازه

Купить

خریدن

Тетрадь

دفتر

Карандаши

مدادها

Сегодня

امروز

весь день

تمام روز

Прочитать

خواندن تا پایان متن

перевести текст

ترجمه متن

написать сочинение

نوشتن انشاء تا پایان آن

Стихи

شعر

выучить стихи

یادگرفتن شعر

не надо

نباید (همانطور که متوجه شدید در زبان روسی به کمک کلمه не جمله منفی می شود)

Отдыхаю

استراحت می کنم.

و حالا مثالهایی در رابطه با طرز استفاده) можно ممکن است، می شود) مورد توجه شما قرار می دهیم. شما باید ساختار اینگونه جملات را به خاطر بسپارید زیرا همیشه به یک شکل ساخته می شوند. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

М н е уже можно вставать.

من می توانم از جا بلند شوم.

Ч т о вам можно делать?

شما چکار می توانید بکنید؟

К о м у уже можно вставать?

کی می تواند بلند بشود؟

Я могу работать.

من می توانم کار کنم.

М н е можно работать. (Врач разрешил).

من می توانم کار کنم، دکتر اجازه داد.

Я могу помочь вам.

من می توانم به شما کمک کنم.

Можно помочь вам?

می شود به شما کمک کرد؟

В ы разрешаете?

اجازه می دهید؟

Я очень устал и не могу заниматься. Можно мне не заниматься? Я очень устал.

من خیلی خسته شدم و کاری نمی توانم انجام بدهم. می شود کاری انجام ندهم (یا درس نخوانم)؟ من خیلی خسته شدم.

М о ж н о - нельзя

می شود- نمی شود ممکنه- ناممکنه ، نباید

Д о к т о р , мне можно вставать?

دکتر، می توانم از جا بلند شوم؟

Н е т , вам нельзя вставать. Вам надо лежать.

نخیز، شما نباید از جا بلند شوید. شما باید دراز بکشید.

А читать можно?

می توانم کتاب بخوانم؟

Ч и т а т ь можно.

می توانید.

М о ж н о позвонить?

می شود زنگ بزنم؟

П о ж а л у й с т а .

بفرمائید.

М о ж н о войти?

اجازه ورود می دهید؟ می شود وارد شد؟

Д а , Пожалуйста.

بله، بفرمائید.

Здесь можно курить?

اینجا می‌شود سیگار کشید؟

Можно.

می‌شود.

Извините, можно вас спросить, кто это?

ببخشید، می‌شود از شما پرسید این کیه؟

Не могу сказать. Я не знаю.

چیزی نمی‌توانم بگویم. نمی‌دانم.

Это понятно?

متوجه شدید؟

Простите?

ببخشید؟

Простите, что вы сказали?

ببخشید، شما چی گفتید؟

Понятно. Ясно.

قابل فهمه، روشنه.

Я быстро говорю?

من تند صحبت می‌کنم؟

Вы понимаете меня?

شما متوجه حرف‌های من می‌شوید؟

Я не понимаю вас.

من حرف‌های شما را نمی‌فهمم.

Я вас понимаю.

من حرف‌های شما را می‌فهمم.

Я вас вполне понимаю.

من کاملاً حرف‌های شما را می‌فهمم.

Да, я вас хорошо понимаю.

بله، من حرف‌های شما را خوب می‌فهمم.

Я понимаю каждое ваше слово.

من کلمه به کلمه حرف‌های شما را می‌فهمم.

Да, все понятно.

بله، همه چیز مفهوم است.

Говорите, пожалуйста, громче.

لطفاً بلندتر صحبت کنید.

Говорите, пожалуйста, медленнее.

لطفاً آهسته‌تر صحبت کنید.

Простите, я не совсем понял, что вы сказали.



بیخشید من خوب متوجه نشدم شما چی گفتید.

Напишите, пожалуйста.

لطفاً بنویسید.

Переведите.

ترجمه کنید.

Повторите, пожалуйста.

تکرار کنید.

Как это сказать по-английски?

به انگلیسی این چی می‌شود؟

Нам нужен переводчик.

ما احتیاج به مترجم داریم.

درس بیست و چهارم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. تا برنامه‌ای دیگر خدانگهدار تان.

.До встречи



درس بیست و پنجم

درس بیست و پنجم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. ابتدا از آشنایی شما با چند ضمیر اشاره شروع می‌کنیم.

т о т , то, та, те

آن آنها

т а к о й , такая, такие

از این نوع

Т а к

همچنین،

т а м , туда, оттуда

آنجا، به آنجا، از آنجا

Т о г д а

پس،

С т о л ь к о

این همه

П о т о м у

به این دلیل، زیرا، چون

к т о ?, что?

کی؟ چی؟

к а к о й ?, какая?, какие?

چه نوع؟

к а к ?

چطور؟

г д е ?, куда?, откуда?

کجا؟ به کجا؟ از کجا؟

к о г д а ?

کی؟ چه وقت؟ چه موقع؟

с к о л ь к о ?

چقدر؟

п о ч е м у ?

چرا؟

к т о ?, что?

کی؟ چی؟

ч е й , чья, чьё, чьи

مال کی (مذکر، مونث، خنثی، جمع)

к а к о й , какая, какие

کدام، چه نوع

به این چند جمله سئوالی با استفاده از این ضمائر توجه کنید:

К т о открыл дверь?

کی در را باز کرد؟

Ч т о открыло дверь?

چی در را باز کرد؟ چه چیزی باعث باز شدن در شد؟

Ч ь я это лягушка?

این قورباغه کیست؟ یا این قورباغه مال چه کسی است؟ توجه داشته باشید که ضمیر ملکی

Чья

وابسته به کلمه

лягушка

که مونث است مورد استفاده قرار گرفته است.

К а к а я она женщина?

او چه نوع زنی است؟

К а к сказать по-русски ...?

به روسی چطور می توان گفت...؟

нравиться

خوش آمدن

К а к сказать по-русски «нравиться»?

«خوشم می آید» به روسی چه می شود؟

О ч е н ь легко! Просто надо сказать: Мне нравится...

خیلی ساده! فقط باید گفت: از...خوشم می آید.

Н а п р и м е р : вы мне нравитесь.

برای نمونه: من از شما خوشم می آید.

Г д е ты нашла его?

کجا آن را پیدا کردی؟

К у д а он девался?

کجا غیبش زد؟

О т к у д а ты взяла его?

از کجا آن را گرفتی؟

К о г д а он родился?

کی به دنیا آمده؟

С к о л ь к о ты хочешь за машину?

چقدر در ازای ماشین می خواهی؟

П о ч е м у ты настолько её хочешь?

چرا اینقدر برای داشتن آن اصرار می کنی؟

Н а чём сидит твоя лягушка?

قورباغه تو روی چی نشسته؟

К о м у ты дал свою лягушку?

قورباغهات را به کی دادی؟

و حالا شما را با مثالهایی در رابطه با « مدت زمان » در زبان روسی آشنا می‌کنیم. ملاحظه فرمائید که این جملات به شکلی که مورد توجه شما قرار می‌گیرند همیشه به این صورت در زبان روسی استفاده می‌شوند، به این دلیل خوب گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید.

М ы работали там целую неделю/пять часов/долгое время.

ما در آنجا یک هفته کامل، پنج ساعت، مدت طولانی، کار کردیم.

ц е л у ю неделю

یک هفته کامل

п я т ь часов

پنج ساعت

д о л г о е время

مدت طولانی

О н и ехали туда шесть часов/три дня/долгое время.

آنها شش ساعت، سه روز، مدت طولانی برای رسیدن به آنجا در راه بودند.

О н а поехала в деревню на месяц.

او (مونث) برای یک ماه به ده رفت.

И в а н пошёл в библиотеку на два часа.

ایوان برای دو ساعت به کتابخانه رفت.

Н а т а ш а принесет нам закуску через пять минут.

ناتاشا بعد از پنج دقیقه چیزی برای تهنیدی می‌آورد.

Я позвоню ему на работу через неделю.

من بعد از یک هفته به او سر کار تلفن خواهم کرد.

و حالا حالت استمراری و یا تکرار در انجام کاری با استفاده از قید

каждый

М ы встречаемся каждую неделю/каждый день/каждый вечер.

ما هر هفته، هر روز و هر عصر همدیگر را ملاقات می‌کنیم.

حالت استمراری بدون استفاده از قید مشخص

Я гуляю по вечерам/по пятницам/по средам.

من عصرها، روزهای جمعه و چهارشنبه به هواخوری می‌روم.

تکرار در یک چارچوب مشخص زمانی

Я хожу в кино раз в неделю/два раза в месяц/пять раз в год.  
من یکبار در هفته، دوبار در ماه، پنج بار در سال به سینما می‌روم.

در ساختار جملات زمانی کمتر از یک هفته از حرف В باضافه حالت گرامری

именительный падеж

استفاده می‌شود

М и т я придёт в пять часов/в субботу/в ту же минуту.  
میتیا در ساعت پنج، شنبه، همین الان می‌آید.

در ساختار جملات زمانی چارچوب یک هفته از حرف на باضافه حالت گرامری

предложный падеж

استفاده می‌شود.

Я не работаю на этой неделе/на следующей неделе.

من در این هفته، در هفته آینده کار نمی‌کنم.

Я не работал на прошлой неделе.

من هفته گذشته کار نکردم.

در ساختار جملات زمانی بیش از یک هفته از حرف В باضافه حالت گرامری

предложный падеж

استفاده می‌شود.

Я уезжаю в этом месяце/в ноябре/в следующем году.

من در این هفته، در ماه نوامبر، سال آینده اینجا را ترک خواهم کرد.

در صورت استفاده از فصول سال و زمان های مختلف روز مانند صبح، ظهر و عصر جملات بدون استفاده از حرف В و на و فقط بصورت حالت گرامری

творительный падеж

ساخته می‌شود.

М а ш а поедет туда завтра утром/летом/следующей осенью.

ماشای فردا صبح، تابستان، پاییز آینده به آنجا خواهد رفت.

و حالا از شما دعوت می‌کنیم به چند جمله در رابطه با استفاده از فعل

ПРИБЫВАТЬ

توجه کنید.

Мы приехали в составе делегации ученых.

ما در ترکیب هیأت علمی آمدیم.

А мы прибыли на международную выставку.

و ما برای شرکت در نمایشگاه بین المللی آمدیم.

Очень приятно!

عالیه!

Я давно хотел побывать на вашем предприятии.

مدتها بود که می خواستم از مؤسسه شما دیدن کنم.

Очень приятно с вами познакомиться! Я много слышал о вас.

از آشنایی با شما خیلی خوشحالم. تعریف شما را زیاد شنیده بودم.

Мне тоже очень приятно!

من هم از آشنایی با شما خیلی خوشحالم.

در اینجا به معانی چند کلمه و جمله کوتاه متن گذشته توجه فرمائید:

Приезжать

آمدن به

Куда?

کجا؟

Откуда?

از کجا؟

Прибывать

رسیدن، وارد شدن

Я приехал - КУДА? - в Москву

من آمدم. به کجا؟ به مسکو.

Я прибыл - ОТКУДА? - из Ирана

من رسیدم. از کجا؟ از ایران.

و حالا به صرف این دو فعل حرکتی گوش کنید.

Я приехал (прибыл)

Ты приехал (прибыл)

Он приехал (прибыл)

Она приехала (прибыла)

Мы приехали (прибыли)

Вы приехали (прибыли)

Они приехали (прибыли)

Познакомиться

آشنا شدن

С кем?

با کی؟

с тобой

با تو

с ним

با او مذکر

с ней

با او مونث

с вами

با شما

Мне очень приятно с вами познакомиться

من از آشنایی با شما خیلی خوشحالم.

Я рад познакомиться с вами

آشنایی با شما برایم شادی آور است.

Мы рады познакомиться с вами

ما از آشنایی با شما خوشحالیم.

Мне очень приятно встретиться с вами!

من خیلی از آشنایی با شما خوشحالم.

Слышать

شنیدن، آگاه شدن، خبر داشتن

О ком?

در باره کی؟

о тебе

در باره تو

о нем

در باره او مذکر

о ней

در باره او مونث

о вас

در باره ما

Я много слышал о вас

خیلی چیزها در باره شما شنیده بودم.

Я давно хотел побывать

خیلی وقت بود می خواستم به... بیایم.

Г д е ?

کجا؟

В России

به روسیه

В Москве

به مسکو

Н а выставке

به نمایشگاه

Н а фирме

به شرکت

Я давно хотел побывать в Москве

مدتها بود می خواستم به مسکو سفر کنم.

Я давно хотел побывать на вашей фирме

مدتها بود می خواستم به شرکت شما بیایم.

Знакомство

آشنایی

Знакомиться

آشنا شدن

Познакомиться

آشنا شوید

Встреча

دیدار، ملاقات

Встречаться

ملاقات کردن

Делегация

هیأت نمایندگی

Международная выставка

نمایشگاه بین‌المللی

Общение

معاشرت

Общаться

معاشرت کردن

Организация

سازمان، ارگان

Приглашать

دعوت کردن

Приглашение

دعوتنامه



П р и е х а т ь по приглашению

سفر از طریق دعوتنامه

П р и е з д

آمدن

П р и е х а т ь на выставку

به نمایشگاه آمدن

С о т р у д н и ч е с т в о

همکاری

П о б ы в а т ь на предприятии

دیدن از مؤسسه

Х о т е т ь побывать

تمایل به دیدار

Н и пуха, ни пера!

چشم و گوش شیطان کور!

У с п е х а !

موفق باشی!

Ж е л а е м у д а ч и !

برایت آرزوی موفقیت می کنیم!

Мы желаем вам успехов в изучении русского языка.

ما در یادگیری زبان روسی برای شما آرزوی موفقیت می کنیم.

درس بیست و پنجم زبان روسی د اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

!Д о с к о р о г о



درس بیست و ششم

درس بیست و ششم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. در یکی از درسهای گذشته زبان روسی یک حالت گرامری را به شما یاد داده بودیم که از ترکیب دو کلمه ساخته می‌شد: У. و родительный падеж حالت گرامری ضمیر شخصی. توجه کنید:

У нее есть 3 курицы.

او (مونث) سه مرغ دارد.

У меня есть 4 книги и 9 тетрадей.

من ۴ کتاب و ۹ دفتر دارم.

У этой девочки есть 5 котят и 2 кошки.

این دختریچه ۵ بچه گربه و دو گربه دارد.

У тебя есть мяч?

تو توپ داری؟

Да, у меня есть.

بله، دارم.

Покажи мне мяч!

توپ را به من نشان بده!

Кот, кот, поймай летучую мышь!

گربه، گربه، خفاش را بگیر!

Лови того мальчика!

پسر را بگیر!

Покажи мне этого кролика!

این خرگوش را به من نشان بده!

У тебя есть кукла?

تو عروسک داری؟

Нет, у меня нет.

نه، ندارم.

У нас есть торт.

ما کیک داریم.

Сколько у вас уроков?

چند درس دارید؟

Где моя ручка?

خودکارم کجاست؟

Она на столе.

روی میز است.

Где моя книга?

کتابم کجاست؟

Она на столе тоже.

آنهم روی میز است.

Г д е ваш автомобиль?

اتومبیل شما کجاست؟

О н на улице.

در خیابان.

Г д е вы (ты)?

شما کجائید؟

Я у себя в комнате.

من توی اتاق خودم هستم.

Я в душе.

من توی حمام هستم.

В а ш а белая коза стоит под тем деревом.

بز سفید شما زیر درخت ایستاده است.

П о к а ж и т е мне ту вазу!

آن گلدان را به من نشان بدهید.

С п а с и б о .

متشکرم .

معانی لغات این قسمت:

У нее есть

او دارد

К у р и ц а

مرغ

5 котят

پنج گربه

К о т е н о к

بچه گربه

К о ш к а

گربه ماده

К о т

گربه نر

М я ч

توپ

П о к а ж и

نشان بده! حالت امر

П о й м а й

بگیر! حالت امر

Л е т у ч а я м ы ш ь

خفاش

Л о в и

بگیر! امر

К р о л и к

خرگوش

К у к л а

عروسک

Т о р т

کیک

н а с т о л е

روی میز

Т о ж е

همچنین

А в т о м о б и л ь

اتومبیل

н а у л и ц е

در خیابان

б е л а я к о з а

بز سفید ماده

К о з е л

بز نر

п о д д е р е в о м

زیر درخت

В а з а

گلدان

در یکی از درسهای گذشته در باره

надо, нужно, можно

باید، ضروری و ممکن است برایتان توضیح دادیم. در درس امروز شما را با

н е л ь з я

نباید نوع منفی آن آشنا می کنیم.

М н е н е л ь з я в с т а в а т ь .

من نباید از جا بلند بشوم.

М а л ь ч и к у н е л ь з я к у р и т ь .

پسر نباید سیگار بکشد.

Ч т о м а л ь ч и к у н е л ь з я д е л а т ь ?

پسر چه کاری نباید انجام دهد؟

К о м у нельзя курить?

کی نباید سیگار بکشد؟

Т е б е нельзя разговаривать.

تو نباید صحبت کنی.

Е й нельзя бегать.

او (مونث) نباید بدود.

И м нельзя работать.

آنها نباید کار کنند.

В р а ч : Вам нельзя много разговаривать и пить вино!

پزشک: شما نباید زیاد حرف بزنید و شراب بنوشید!

А что мне нужно делать?

پس چکار باید بکنم؟

Н у ж н о пить молоко и молчать.

باید شیر بنوشید و ساکت باشید.

Н о я так люблю разговаривать и не люблю пить молоко.

اما من خیلی از حرف زدن خوشم می آید ولی از شیر خوشم نمی آید.

Н о вы хотите выздороветь?

ولی شما می خواهید خوب شوید؟

К о н е ч н о .

البته.

Т о г д а делайте то, что я вам говорю!

پس هر چه می گویم انجام بدهید!

М н е холодно.

من سردم است.

К о м у холодно?

کی سردش است؟

В а м холодно?

شما سردتان است؟

М н е больно!

درد دارم!

М н е жарко!

گرمم است!

Т е б е грустно.

دلت گرفته است.

Е м у плохо.

او حالش خوب نیست.

Е й хорошо.

او حالش خوب است.

И м тепло.

آنها جایشان گرم است.

Б р а т у трудно.

برادرم سختش است.

М н е трудно читать.

خواندن برایم سخت است.

К о м у трудно читать?

خواندن برای کی سخت است؟

В а м трудно читать?

خواندن برای شما سخت است؟

Е й трудно было говорить.

حرف زدن برایش سخت بود. زمان گذشته

И м трудно будет говорить.

حرف زدن برای آنها سخت خواهد بود. زمان آینده

С к а ж и т е , пожалуйста, где находится Большой театр?

لطفاً بگوئید، بالشوی تئاتر کجا واقع شده است؟

П р о с т и т е , я не понимаю.

ببخشید، من متوجه نمی شوم.

В ы не говорите по-русски?

شما روسی حرف نمی زنید؟

Н е т , я немного говорю, но мне трудно понять, что вы спрашиваете.

نخیر، کمی حرف می زنم، اما فهم آنچه شما پرسیدید برایم سخت است.

И з в и н и т е , я думал, что вы москвич.

ببخشید، من فکر کردم که شما اهل مسکو هستید.

حالات امر چندین فعل در زبان روسی:

С к а ж и т е , пожалуйста, ...!

لطفاً بگوئید! (حالت مؤدبانه)

С а ш а , скажи...!

ساشا، بگو! (حالت دوستانه و خودمانی)

К а т я , скажи...!

کاتیا، بگو!

А л е к с а н д р Иванович, скажите...!

الکساندر ایوانوویچ، بگوئید! (حالت محترمانه) که در این موارد نام و نام پدر شخص بیان می شود.

Е к а т е р и н а Сергеевна, скажите...!

یکاترینا سرگیونا، بگوئید! (حالت محترمانه)

چند نمونه دیگر از افعال امر در شرایط مختلف:

На улице

در خیابان (برای دریافت کمک برای پیدا کردن آدرس و غیره)

Скажите ...!

بگوئید!

Извините ...!

ببخشید!

Покажите ...!

نشان بدهید!

В магазине

در مغازه

Покажите ...!

نشان بدهید!

Выпишите ...!

قبض خرید را بنویسید!

Дайте ...!

بدهید!

Заверните ...!

بپیچید!

поменяйте ...!

عوض کنید!

Взвесьте ...!

وزن کنید، بکشید!

В поликлинике

در پلی کلینیک

Запишите ...!

بنویسید!

Посоветуйте ...!

توصیه کنید!

Откройте рот.

دهانتان را باز کنید!

Горло болит?

گلویتان درد می کند؟

Закройте рот.

دهانتان را ببندید.

Разденьтесь ...!

لخت شوید، لباستان را درآورید!



По телефону

در رابطه با تلفن

Позвоните ...!

تلفن کنید! زنگ بزنید، تماس بگیرید!

Попросите ...!

بخواهید، خواهش کنید!

Передайте ...!

بدهید (در اینجا منظور پیغام تلفنی است)

В гостинице

در هتل

Отнесите ...!

از اینجا ببرید!

Возьмите ...!

بردارید!

Войдите ...!

وارد شوید!

Принесите ...!

به اینجا بیاورید.

Разбудите ...!

بیدار کنید.

Постирайте ...!

بشورید.

Почистите ...!

تمیز کنید.

На уроке

سر درس

Вспомните ...!

به یاد آورید.

Выучите ...!

حفظ کنید، یاد بگیرید.

Переведите ...!

ترجمه کنید.

Запомните ...!

به خاطر بسپارید.

Напишите ...!

بنویسید، یادداشت کنید.

Обратите внимание ...!

توجه کنید.

Прочитайте ...!  
بخوانید.

Расскажите ...!  
تعریف کنید.

Сделайте ...!  
انجام دهید.

Спойте ...!  
آواز بخوانید!

Скажите, пожалуйста, это метро?  
لطفاً بگوئید این مترو است؟

Да.  
بله.

Дайте, пожалуйста, два конверта и четыре марки.  
لطفاً دو پاکت و چهار تمبر بدهید.

Повторите, пожалуйста, две или четыре марки?  
لطفاً تکرار کنید، دو یا چهار تمبر؟

Четыре.  
چهار تا.

Вот, пожалуйста, 25 рублей.  
بفرمائید، ۲۵ روبل می‌شود.

Как поживает ваш муж?  
شوهر شما چطور است؟

Спасибо, ничего.  
ممنون، بد نیست.

Передайте ему привет.  
بهش سلام برسانید.

درس بیست و ششم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

!До скорого

### درس بیست و هفتم

درس بیست و هفتم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. در درس قبلی شما را با حالت‌های مختلف فعل امر آشنا کردیم. حالا شما را با مثال‌های افعال امر آشنا می‌کنیم. گوش کنید، تکرار کنید بخاطر بسپارید. به یاد داشته باشید طرز ساخت جملات امر همیشه به همان شکلی است که مورد توجه شما قرار داده می‌شود.

Откройте тетради и пишите!

دفترها را باز کنید و بنویسید!

Повторите, пожалуйста!

لطفاً تکرار کنید!

Прочитай этот рассказ!

این داستان را بخوانید!

Пиши нам чаще!

بیشتر برایمان نامه بنویس!

Купи мне, пожалуйста, книгу!

لطفاً برایم کتاب را بخر!

Купи билеты в кино!

بلیط سینما را بخر!

Не кури в комнате!

توی اتاق سیگار نکش!

Расскажи нам, как ты учился в Москве!

برامون تعریف کن، چطور در مسکو درس خواندی!

давать (v) بدهند شدن:      ставить (v) بگذارند شدن      знать (v) آگاه شدن، دانستن

даю даём	Встаю встаём	узнаю	узнаём
даёшь даёте	Встаёшь встаёте	узнаёшь	узнаёте
даёт дают	Встаёт встают	узнаёт	узнают
давай!	вставай!	узнавай!	

حالا به صرف فعل انجام دادن توجه کنید:

Делаю

انجام می‌دهم

Делаешь

انجام می‌دهی

Делает

انجام میدهد

Делаем

انجام می‌دهیم

Делаете

انجام بدهید

делают

انجام می دهند

و حالا صرف فعل گذاشتن را مورد توجه شما قرار می دهیم:

Оставлю

من می گذارم

Оставишь

می گذاری

Оставит

می گذارد

Оставим

می گذاریم

Оставьте

بگذارید

оставят

می گذارند

делай- بگذار، ترک کردن ' остави- انجام بده!

делать کردن درست کردن оставить گذاشتن، ترک کردن

делал گذاشت، ترک کرد оставил انجام داد (مذکر)

Делай! بگذار! оставь! انجام بده! (امر)

сделан گذاشته شد оставлен انجام داده شد

اینک از شما دعوت می کنیم به حالت نفی افعال امر توجه فرمائید:

Не беспокойтесь!

خودتان را ناراحت نکنید!

Не болейте!

مریض نشوید!

Не волнуйтесь!

نگران نشوید!

Не забывайте нас!

ما را فراموش نکنید!

Не кричите!

داد نزنید!

Не курите!

سیگار نکشید!

Не мешайте!

مزاحم نشوید!

Не опаздывайте!

دیر نکنید!

Здравствуй, Ира! Как давно мы не встречались! Как ты живешь? Замужем? И дети у тебя есть?

سلام، ایرا! خیلی وقته همدیگر را ندیدیم! حال و احوالت چطور است؟ ازدواج کردی؟ فرزندی داری؟

Спасибо, все хорошо. У меня два сына и дочь. А у тебя есть дети? Я слышала, что ты тоже вышла замуж.

مرسی، همه چیز خوبه. من دو تا پسر و یک دختر دارم. توچی، فرزندی داری؟ شنیدم تو هم ازدواج کردی؟

Да, у меня уже есть сын. Его зовут Иван, но мы его зовем Ванюша. Ему два года.

بله، من یک پسر دارم. اسمش ایوان است. اما ما او را وانوشا صدا می‌کنیم. دو سالش است.

حالا به صرف چند فعل دیگر توجه فرمائید:

Могу می‌توانم	Можем می‌توانیم	Люблю دوست دارم	Любим دوست داریم
Можешь می‌توانی	Можете می‌توانید	Любишь دوست داری	Любите دوست دارید
Может می‌تواند	Могут می‌توانند	Любит دوست دارد	Любят دوست دارند

я пишу	من می‌نویسم	я напишу	من خواهم نوشت
ты пишешь	تو می‌نویسی	ты напишешь	تو خواهی نوشت
он(а) пишет	او می‌نویسد	он(а) напишет	او خواهد نوشت (مذکر و مؤنث)
мы пишем	ما می‌نویسیم	мы напишем	ما خواهیم نوشت
вы пишете	شما می‌نویسید	вы напишете	شما خواهید نوشت
они пишут	آنها می‌نویسند	они напишут	آنها خواهند نوشت

همانطور که از متن قبلی متوجه شدید فعل **есть** داشتن همراه **у меня** حالت گرامر خاصی را تشکیل می‌دهد که در توضیح می‌توان گفت به معنی «من دارم» است. نکته‌ای که در رابطه با اینگونه جملات در حالت نفی باید به آن توجه داشت باشید این است که فعل **есть** با کلمه **нет** در یک جمله قرار نمی‌گیرد. برای نفی اینگونه جملات، فعل **есть** حذف می‌شود و به جای آن **нет** می‌آید.

به این مثالها گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

У меня есть друзья.

من دوستانی دارم.

У меня есть хорошие друзья.

من دوستان خوبی دارم.

У меня есть дети.

من فرزند دارم.

У меня нет детей.

من فرزندی ندارم.

У тебя есть сын.

تو پسر داری.

У тебя нет сына.

تو پسر نداری.

У нас трое детей.

ما سه تا بچه داریم.

У тебя есть дети?

تو فرزندی داری؟

Да, есть.

بله، دارم.

Сколько у тебя детей?

چندتا بچه داری؟

Трое. Два сына и дочь.

سه تا، دو تا پسر، یک دختر.

У вас есть журнал «Москва»?

شما مجله «مسکو» را دارید؟

Да, есть.

بله، داریم.

Это журнал «Москва»?

این مجله «مسکو» است؟

Да, «Москва».

بله، «مسکو».

У нее есть билеты в театр?

او بلیط تئاتر دارد؟

Да, есть.

بله، دارد.

Скажите, пожалуйста, у вас есть русско-персидский словарь?

لطفاً بگوئید، شما فرهنگ لغات روسی-فارسی دارید؟

Сейчас русско-персидского словаря у нас нет. Я вам советую зайти завтра.

الآن، فرهنگ روسی-فارسی نداریم. به شما توصیه می‌کنم فردا بیایید.

А завтра у вас будут словари?

فردا فرهنگها خواهند بود؟

Думаю, что да.

فکر کنم، بله.

Спасибо, я обязательно зайду!

ممنونم، حتماً سری می‌زنم.

حالا که صحبت از فرهنگ لغات شد بد نیست اسامی زبانهای مختلف را به زبان روسی مورد توجه شما قرار بدهیم.



Немецкий	آلمانی
Английский	انگلیسی
Датский	دانمارکی
Шведский	سوئدی
Норвежский	نروژی
Исландский	ایسلندی
Испанский	اسپانیولی
Французский	فرانسوی
Итальянский	ایتالیایی
Португальский	پرتغالی
Латынь	لاتینی
Молдавский	مِلداوی
Чешский	چکی
Словацкий	اسلوواکی
Белорусский	بلاروسی
Русский	روسی
Украинский	

اوکرائینی

Болгарский

بلغاری

Польский

لهستانی

Пушту

پشتو

Таджикский

تاجیکی

Осетинский

استینی

Персидский

فارسی

Бенгали

بنگالی

Хинди

هندی

Урду

اردو

و حالا بخش اول یک داستان به زبان روسی را مورد توجهتان قرار می دهیم.

Старушка

پیرزن

Старушка подметала свой дом и нашла изогнутую маленькую денежку.

پیرزن داشت کف اتاقش را جارو می زد که یک سکه کوچک کج و معوج پیدا کرد.

Что,- сказала она, я сделаю с этим грошиком?

اوگفت: با این سکه کوچک چکار کنم؟

Я пойду на базар и куплю козленка.

می روم بازار و یک بزغاله می خرم.

معانی لغات و بخش دیگر داستان را در برنامه بعدی خواهید شنید.

До скорого!



### درس بیست و هشتم

درس بیست و هشتم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. ابتدا از شما دعوت می‌کنیم به یک متن گوش کنید:

В субботу в институте, где учатся Наташа, Таня и Юра, будет вечер. Студенты будут читать стихи на персидском языке, петь иранские народные песни. Они уже знают персидский язык. Наташа будет читать стихи Омара Хайяма. Она очень любит его стихи. Таня будет петь иранскую народную песню, а Юра будет играть на иранском народном инструменте. Преподаватели тоже будут на вечере, они будут смотреть, как выступают студенты.

روز شنبه، در انستیتویی که ناتاشا، تانیا و یورا درس می‌خوانند، مجلسی برپا خواهد شد. دانشجویان اشعاری به زبان فارسی و ترانه‌های ملی ایرانی را خواهند خواند. آنها زبان فارسی را بلد هستند. ناتاشا اشعار عمر خیام را خواهد خواند. او خیلی از اشعار خیام خوشش می‌آید. تانیا ترانه ملی ایرانی را خواهد خواند و یورا ساز ملی ایرانی را خواهد نواخت. استادان هم در این مجلس شرکت خواهند داشت. آنها هنرنمایی دانشجویان را تماشا خواهند کرد.

-Юра, ты был на вечере в субботу?

یورا، در مجلس روز شنبه حضور داشتی؟

-Да. Было очень интересно. А почему ты не был?

بله، خیلی جالب بود، تو چرا نبودی؟

-Я был болен.

من مریض بودم.

و حالا لغات متن:

в субботу

روز شنبه

С у б б о т а

شنبه

в институте

در انستیتو

Г д е

کجا

б у д е т вечер

مجلسی خواهد بود

В е ч е р

مجلس، مهمانی، شب نشینی

В е ч е р а

مجلس‌ها (جمع)

С т и х и

شعر

н а персидском языке

به زبان فارسی

П е т ь

آواز خواندن که صرف آن بدین شکل است:

п о ю

п о е ш ь

п о е т

п о е м

п о е т е

п о ю т

и р а н с к и е народные песни

ترانه‌های ملی ایرانی

П е с н я

ترانه (مفرد)

с т и х и Омара Хайама

اشعار عمر خیام

и р а н с к и й народный инструмент

ساز ملی ایرانی

И г р а т ь

نواختن (بازی کردن)

В ы с т у п а т ь

هنرنمایی کردن

н а вечере

در مجلس

о н и будут смотреть, как выступают студенты

آنها هنرنمایی دانشجویان را تماشا خواهند کرد.

Б у д ь весел, ведь невзгодам нет конца

И вечно звездам на небе мерцать.

Умрем -- и некто кирпичи из праха

Уложит в стены своего дворца.

خوش باش که غصه بیکران خواهد بود

در چرخ قران، اختران خواهد بود

خشتی که ز خاک تو بخواهند زدن

دیوار سرای دگران خواهد بود

Б Ы Т Ь

زمان آینده فعل جمله از زمان آینده فعل БЫТЬ و مصدر فعل اصلی ساخته می‌شود، برای نمونه:

Я буду петь

من آواز خواهم خواند

Т ы будешь петь

تو آواز خواهی خواند

صیغه‌های زمان آینده فعل БЫТЬ بطور مستقل هم استعمال می‌شود، در این مورد فعل روسی БЫТЬ با فعل فارسی «بودن» معادل است، توجه کنید:

В субботу будет вечер.

Преподаватели будут на вечере.

برای بیان زمان عمل در جواب سؤال **когда?** چه وقت؟ حالت مفعول صریح استفاده می‌شود.

Сегодня суббота.

امروز شنبه است.

Когда будет вечер?

مهمانی کی است؟

Вечер будет в субботу.

مهمانی روز شنبه خواهد بود.

اسامی مونث مختوم به **А, Я** در حالت مفعول صریح پسوند **У, Ю** می‌گیرند. حالت مفعول صریح اسامی مونث مختوم به **а** از لحاظ شکل با حالت فاعلی آنها معادل است.

صفات مونث در حالت مفعول صریح پس از حروف بیصدای سخت پسوند **УЮ** و پس از حروف بیصدای نرم پسوند **ЮЮ** دارند. توجه کنید:

Вечер будет в субботу.

Таня будет петь иранскую народную песню.

Я купила лишнюю тетрадь.

حالت جمع اسامی و صفات مونث از لحاظ شکل با حالت جمع اسامی و صفات مذکر معادل است، توجه فرمائید: مذکر

Студенты будут читать трудные русские тексты.

مونث

Студенты будут петь русские народные песни.

در پاسخ به سؤال کی؟

Когда?

В воскресенье

روز یکشنبه

В субботу

روز شنبه

Ч и т а т ь стихи на русском языке  
Н а персидском языке  
П е т ь русские народные песни  
И р а н с к и е народные песни

و حالا کلمه ربط « что » که در زبان روسی را به شما معرفی می‌کنیم. در زبان روسی همیشه قبل از что ویرگول گذاشته می‌شود. حالا به چند جمله با استفاده از что توجه فرمائید.

Г о в о р я т , что у тебя три сестры?  
می‌گویند که تو سه تا خواهر داری؟

К т о говорит? Нет, у меня две сестры и брат.  
کی می‌گوید؟ نخیر، من دو تا خواهر و یک برادر دارم.

П и ш у т , что скоро будет тепло.  
می‌نویسند که بزودی گرم می‌شود.

Н е думаю. Не закончился февраль.  
فکر نمی‌کنم، فوریه هنوز تمام نشده است.

Э т о зима. Еще будет холодно.  
زمستان است، باز سرد خواهد شد.

Р а с с к а з ы в а ю т , что раньше здесь было море.  
تعریف می‌کنند که قبلاً اینجا دریا بود.

Э т о правда?  
حقیقت دارد؟

Д а , так говорят ученые.  
بله، دانشمندان اینطور می‌گویند.

و حالا جملاتی در باره وضعیت جسمانی مورد توجه شما قرار می‌دهیم.

У меня болит голова.  
سرم درد می‌کند.

Ч т о у вас (у тебя) болит?  
کجای شما (تو) درد می‌کند؟

У кого болит голова?  
سر کی درد می‌کند؟

У меня болят ноги.  
پاهایم درد می‌کند.

Ч т о у вас (у тебя) болит?  
چی درد می‌کند؟

У кого болят ноги?

پاهای کی درد می کند؟

У меня болит зуб.

دندان من درد می کند.

У тебя болит горло.

گلوئی تو درد می کند.

У него болят зубы.

دندانهای او (مذکر) درد می کند.

У брата болят руки.

دستهای بردارم درد می کند.

У сестры болят ноги.

پاهای خواهرم درد می کند.

Доктор, я плохо себя чувствую.

دکتر، حالم خوب نیست.

Что у вас болит? У вас есть температура?

کجای شما درد می کند؟ تب دارید؟

Нет, у меня нет температуры, но у меня очень болит голова, болят руки и ноги.

تب ندارم، سرم خیلی درد می کند، دستها و پاهایم درد می کند.

Вы простудились. Надо сидеть дома и принимать лекарство. Вот рецепт.

شما سرما خورده‌اید. باید در خانه بمانید و دارو مصرف کنید. این هم نسخه.

А лежать мне нужно?

باید دراز بکشم؟

Можно не лежать, но гулять вам нельзя.

دراز کشیدن ضروری نیست، اما نباید گردش کنید.

Спасибо, доктор. До свидания.

مرسی دکتر، خداحافظ.

و حالا یک شعر روسی کودکانه

Котёнок

Принесли котенка в дом,

Белый, мягкий, теплый ком.

Хвост и ушки черные,

Лапоники проворные.

Любит есть сметану,

Бежать по дивану,

Ласково мурлыкать,

На колени прыгать.

Он для нас для всех дружок,  
Назовем его Пушок

گره اومد تو خونه  
سفید و نرم، یه گوله گرم  
با گوش و دم سیاه  
با پنجه‌های فرفری  
عاشق خامه، خامه  
می پره رو کاناپه  
میو میو می کنه  
رو زانوهای می پره  
دوست من و دوست ما  
اسمشو می داریم پشمکی

و حالا بعد از تکرار بخش اول داستان پیرزن به بخش دوم آن می‌پردازیم.

Старушка

پیرزن

Старушка подметала свой дом и нашла изогнутую маленькую денежку.

پیرزن داشت کف اتاقش را جارو می‌زد که یک سکه کوچک کج و معوج پیدا کرد.

Что,- сказала она, я сделаю с этим грошиком?

اوگفت: با این سکه کوچک چکار کنم؟

Я пойду на базар и куплю козленка.

می روم بازار و یک بزغاله می‌خرم.

Когда она шла домой, подошла к перелазу; козленок не захотел перелезть через перелаз.

پیرزن وقتی به خانه برمی‌گشت به حصار کم ارتفاعی رسید، اما بزغاله نمی‌خواست از روی آن رد شود.

Она прошла немного дальше и встретила собаку. И вот она сказала собаке:

собака, собака, укуси козленка. Но собака не захотела.

پیرزن کمی دورتر رفت و به سگی برخورد. در این موقع به سگ گفت: سگ، سگ، بزغاله را گاز بگیر. اما سگ نمی‌خواست اینکار را بکند.

معانی لغات

Подметала

جارو می‌کرد (زمان گذشته)

Дом

خانه

Н а ш л а

پیدا کرد

м а л е н ь к у ю д е н е ж к у

سکه کوچک

н а б а з а р

به بازار

К у п и т ь

خریدن

К о з л е н о к

بزغاله

Н е м н о г о

کمی

Д а л ь ш е

دورتر

С о б а к а

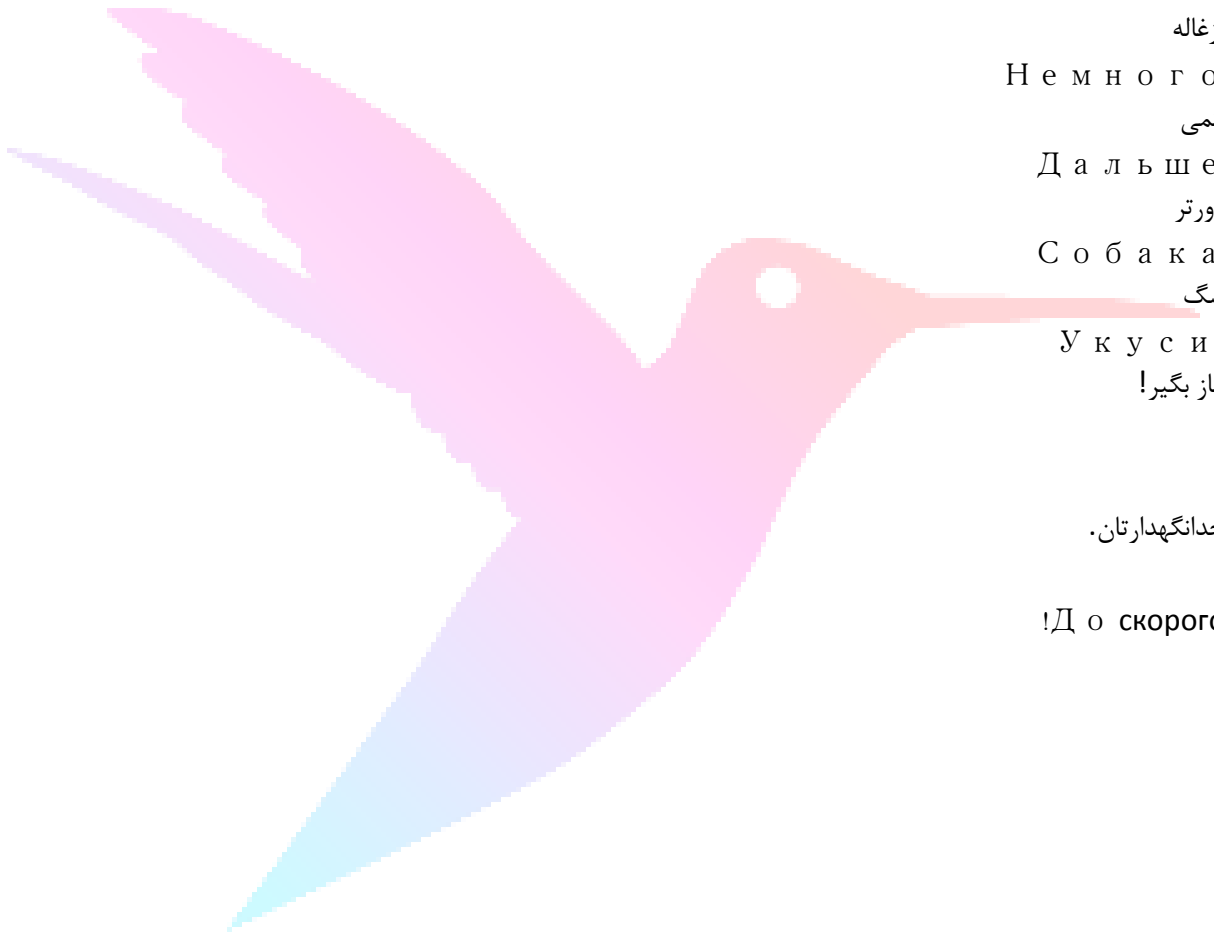
سگ

У к у с и !

گاز بگیر!

خدانگهدارتان.

!Д о с к о р о г о



درس بیست و نهم

درس بیست و نهم زبان روسی را آغاز می‌کنیم. ابتدا از شما دعوت می‌کنیم به یک گفتگو توجه فرمائید:

Н а т а ш а : Здравствуй, Анна!

ناتاشا: سلام آنا!

А н н а : Здравствуй, Наташа!

آنا: سلام ناتاشا!

Н а т а ш а : Мы давно не виделись. Как ты живешь?

ناتاشا: خیلی وقته همدیگر را ندیده‌ایم. اوضاع و احوال چطوره؟

А н н а : Хорошо. А ты?

آنا: خوبه، تو چطوری؟

Н а т а ш а : Тоже хорошо. Что ты будешь делать в воскресенье?

ناتاشا: من هم خوبم. برای یکشنبه چه برنامه ای داری؟

А н н а : Я пойду на выставку современной живописи. Хочешь пойти вместе со мной?

آنا: من به نمایشگاه نقاشی معاصر می‌روم. می‌خواهی با من بیایی؟

Н а т а ш а : С удовольствием. Я не была на этой выставке.

ناتاشا: با کمال میل. من این نمایشگاه را ندیده‌ام.

А н н а : Выставка находится недалеко. Мы пойдем туда пешком. Будем идти медленно и разговаривать. Это будет хорошая прогулка.

آنا: نمایشگاه زیاد دور نیست. ما پیاده به آنجا می‌رویم. آهسته می‌رویم و صحبت می‌کنیم. گردش خوبی خواهد بود.

В воскресенье Наташа и Анна пойдут на выставку современной живописи. Они давно не виделись и хотят пойти на выставку вместе. Они пойдут туда пешком, потому что выставка находится недалеко.

روز یکشنبه ناتاشا و آنا به نمایشگاه نقاشی معاصر می‌روند. آنها مدت‌ها بود که همدیگر را ندیده بودند و می‌خواهند باهم به نمایشگاه بروند. آنها پیاده به آنجا می‌روند، زیرا نمایشگاه نزدیک است.

و حالا معانی لغات و جملات این متن:

Мы давно не виделись

مدتهاست که همدیگر را ندیده‌ایم.

Что ты будешь делать в воскресенье?

روز یکشنبه چکار خواهی کرد؟

Пойду на выставку современной живописи

به نمایشگاه نقاشی معاصر خواهیم رفت

Пойти

رفتن، آمدن

Выставка

نمایشگاه

Хочешь пойти вместе со мной?



می خواهی با من بیایی؟

Хотеть

خواستن

Я не была на этой выставке.

من در این نمایشگاه نبوده‌ام.

Недалеко

در این نزدیکی، دور نیست

Пойдем

برویم

Туда

به آنجا، آنجا

Пешком

پیاده

Медленно

آهسته، آرام

Разговаривать

صحبت کردن، حرف زدن

Это будет хорошая прогулка.

این گردش خوبی خواهد بود

Прогулка

گردش

پسوند ضمیر اشاره этот,эта در حالت راجعیت یا پسوند صفات در حالت راجعیت یکسان است.

Я был на этом вечере.

من در این مهمانی بودم.

Я был на этой выставке.

من در این نمایشگاه بودم.

و حالا صرف فعل Хотеть خواستن:

Я хочу пойти на выставку.

Ты хочешь пойти на выставку

Он, она хочет пойти на выставку.

Мы хотим пойти на выставку

Вы хотите пойти на выставку

Они хотят пойти на выставку

توجه داشته باشید که در مفرد حرف «ت» به حرف «چ» تبدیل شده است و دارای پسوند صرف اول است و در جمع دوباره حرف «ت» می آید و دارای پسوند صرف دوم است. پس از فعل хотеть اغلب مصدر افعال دیگر می آید.  
باید به تفاوت بین دو قید туда, там توجه کنید. Там مبین سمت حرکت و туда مبین محل انجام عمل است. ملاحظه بفرمائید:

Мы пойдем туда пешком.

ما پیاده به آنجا می رویم.

Мы живем там.

ما در آنجا زندگی می کنیم.

Он был студентом.

او (مذکر) دانشجو بود.

Кем он был?

او کی بود؟

Он был студентом.

او دانشجو بود.

Он будет инженером.

او مهندس خواهد بود.

Кем он будет?

او کی خواهد بود.

Он будет инженером?

او مهندس خواهد بود؟

Он студент.

او دانشجو است.

Он был студентом.

او دانشجو بود.

Он будет студентом.

او دانشجو خواهد بود.

Она студентка.

او «مونث» دانشجو است.

Она была студенткой.

او دانشجو بود.

Она будет студенткой.

او دانشجو خواهد بود.

مذکر

Он был (будет)...

او بود (خواهد بود)

Архитектором

آرشیست، طراح، نقشه‌کش

Врачом

پزشک

Журналистом.

خبرنگار

Летчиком

خلبان

Математиком

ریاضی‌دان

Рабочим

کارگر

Ученым

دانشمند

که همه اینها творительный падеж هستند و به ом ختم می شوند.

مونث

Она была (будет)...

او «مونث» بود (خواهد بود)

Артисткой

آر티ست

Балериной

بالرین

Врачом

پزشک

Дедушка, ты был мальчиком?

پدربزرگ، تو پسرچه بودی؟

Конечно.

البته.

А я кем тогда был?

پس من کی بودم؟

Костя, кем ты будешь?

کوستیا تو کی خواهی بود (یا چکاره خواهی شد؟)

Я буду летчиком. Это моя мечта.

من خلبان خواهم شد. این آرزوی من است.

Маша, кем ты хочешь быть?

ماشا تو چکاره می خواهی بشوی؟

Я хочу быть балериной.

من می خواهم بالرین بشوم.

А ты умеешь танцевать?

تو رقص بلدی؟

Да, я умею и очень люблю танцевать.

بله، بلدم و خیلی رقصیدن را دوست دارم.

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند اسم روسی و تغییرات آنها توجه کنید. همانطور که در زبان فارسی نیز رسم است، معمولاً در خانه و یا در بین دوستان و یا افراد نزدیک بهم اسامی به شکل های مختلف بکار برده می شوند، برای مثال، فریدون، می شود فری و یا فرحناز می شود فرح و مهرداد را بعضی ها «مهی» صدا می کنند و غیره. در زبان روسی اشکال مختلف یک اسم بسیار رایج است و معمولاً فقط در موارد رسمی اسم اصلی و نام پدر و نام فامیل به شکل اولیه آنها بر زبان می آید. در موارد دیگر از انواع مختلف یک اسم استفاده می شود. تلفظ اسامی روسی را گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید.

Anastasia

آناستاسیا

А н а с т а с и я , Настя, Настенька, Настюша, Настёна, Настасья

Daria

داریا

Д а р ь я , Даша, Дашенька, Дашечка, Дашуня

Eugenia

یوگنیا

Е в г е н и я , Женя, Женька, Женечка

Irina

ایرینا

И р и н а , Ира, Иринка, Ириночка, Иришка, Иринчик, Ирунчик

Julia

جولیا

Ю л и я , Юля, Юленька, Юлька, Юльчик

Ekaterina

یکاترینا

Е к а т е р и н а , Катя, Катюша, Катенька, Катерина, Катюшка

Lena

لنا

Е л е н а , Лена, Леночка, Ленок, Еленушка

Ludmila

لودمیلا

Л ю д м и л а , Люда, Люся, Людочка, Мила, Милочка

Maria

ماریا

М а р и я , Маша, Машенька, Машуша, Машуня

Natalia

ناتالیا

Н а т а ш а , Наташенька, Наташечка, Ната, Натусенька, Натусик  
Oksana

اوکسانا

О к с а н а , Оксаночка, Ксюша, Ксюшенька, Ксана  
Olga

اولگا

О л ь г а , Оля, Оленька, Олюшка  
Sophia

صوفیا

С о ф ь я , Соня, Сонечка, Софочка, Софи  
Svetlana

سوتلانا

С в е т л а н а , Света, Светочка, Светланка, Светик  
Tanya

تانیا

Т а т ь я н а , Таня, Танечка, Танюшенька, Танюшка, Танюська  
Vera

ورا

В е р а , Верочка, Веруня, Верок  
Inna

اینا

И н н а , Инночка, Иннуля, Иннulenька, Инсуя, Инок  
Marina

مارینا

М а р и н а , Мариша, Мариночка, Маришка  
Nadezhda

نادژدا

Н а д е ж д а , Надя, Наденька, Надюша, Надюшка  
Galina

گالینا

Г а л и н а , Галочка, Галчонок, Галенька, Галюшка  
Anna

آنا

А н н а , Аня, Анюта, Анечка, Аннушка  
Alexandra

الکساندرا

А л е к с а н д р а , Саша, Сашенька, Сашка, Шура, Шурочка  
Polina

پولینا

П о л и н а , Поля, Полинка

Larisa

لاریسا

Л а р и с а , Лара, Ларочка

Lyubov

لوبوف

Л ю б о в ь , Люба, Любонька, Любаша, Любочка

Alyona

آلیونا

А л ё н а , Алёнушка, Алёнка, Аля

Diana

دیانا

Д и а н а , Дианушка, Дианочка, Дина

Valeria

والریا

В а л е р и я , Лера, Лерчик, Лерунчик, Леруся, Лерок, Леруня

Valentina

والنتینا

В а л е н т и н а , Валя, Валюша, Валюшка, Валенька, Валечка

Elvira

الویرا

Э л ь в и р а , Эля

Eleonora

الئنورا

Э л е о н о р а , Эля

Alla

آلا

А л л а , Аля, Аллочка, Аллушка

چند جمله پر کاربرد هنگام شروع گفتگو:

К а к дела?

چطوری؟

К а к и е новости?

چه خبرا؟

К а к семья?

خانواده چطورن؟

К а к твоя мама?

مامانت چطوره؟

У тебя всё в порядке?

همه چیز روبراهه؟

П р е к р а с н о , спасибо.

عالیه، مرسی.

О ч е н ь хорошо.

بسیار خوب.

Н е п л о х о .

بد نیست.

Н о р м а л ь н о .

عادیه.

Н е о ч е н ь хорошо.

زیاد خوب نیست.

Т а к ж е .

به همچنین.

Н е м н о г о устал

کمی خسته شدم.

Я занят, много дел.

سرم شلوغه، کارها زیاده.

Я не здоров

حالم خوب نیست

А ты?

و شما؟

Ж а л ь .

حیف!

Р а д за тебя

به خاطر تو خوشحالم.

پیرزن

С т а р у ш к а подметала свой дом и нашла изогнутую маленькую денежку.

پیرزن داشت کف اتاقش را جارو می زد که یک سکه کوچک کج و معوج پیدا کرد.

Ч т о , - сказала она, я сделаю с этим грошиком?

اوگفت: با این سکه کوچک چکار کنم؟

Я пойду на базар и куплю козленка.

می روم بازار و یک بزغاله می خرم.

К о г д а она шла домой, подошла к перелазу; козленок не захотел перелезть через перелаз.

پیرزن وقتی به خانه برمی گشت به حصار کم ارتفاعی رسید، بزغاله نمی خواست از روی آن رد شود.

О н а прошла немного дальше и встретила собаку. И вот она сказала собаке:

с о б а к а , собака, укуси козленка. Но собака не захотела.

پیرزن کمی دورتر رفت و به سگی برخورد. در این موقع به سگ گفت: سگ، سگ، بزغاله را گاز بگیر. اما سگ نمی‌خواست اینکار را بکند.

و حالا ادامه ماجرا:

И она прошла немного дальше и встретила палку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و چوبی را دید.

И вот она сказала: «Палка, палка, побей собаку! Но палка не захотела.

او گفت: چوب، چوب، سگ رو بزن!» اما چوب نمی‌خواست اینکار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила огонь.

او کمی دورتر رفت و آتش را دید.

И вот она сказала: «Огонь, огонь, сожги палку!» Но огонь не захотел.

پیرزن گفت: «آتش، آتش، چوب را بسوزان!» اما آتش نمی‌خواست این کار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила водичку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و به آب برخورد.

Т о г д а она сказала: «Водичка, водичка, потуши огонь!» Но вода не захотела.

او گفت: «آب، آب، آتش را خاموش کن!» اما آب نمی‌خواست اینکار را بکند.

خدانگهدارتان.

!Д о свидания



درس سی ام

شنوندگان عزیز درس سی ام زبان روسی را آغاز می کنیم.

К а т ю ш а

Р а с ц в е т а л и я б л о н и и г р у ш и,  
П о п л ы л и т у м а н ы н а д р е к о й.  
В ы х о д и л а н а б е р е г К а т ю ш а,  
Н а в ы с о к и й б е р е г , н а к р у т о й.

В ы х о д и л а , п е с н ю з а в о д и л а  
П р о с т е п н о г о с и з о г о о р л а,  
П р о т о г о , к о т о р о г о л ю б и л ا,  
П р о t o g o , ч ь и п и с ь м а б е р е г л а.

О й т ы , п е с н я , п е с е н к а д е в и ч ь я,  
Т ы л е т и з ا я с н ы м s o л n ц e m v c л e d  
И б о й ц у н a d a л ь n e m п o г р а n и ч ь e  
O t K a т ю ш и п e р e d a й п р и в e t .

П у с т ь o n v c п o m n и t d e в у ш к у п р o c т у ю ,  
П у с т ь u c л ы ш и t , k a k o n a п o e t .  
П у с т ь o n z e m л ю б e р e ж e t p o d n о ю ,  
А л ю б о в ь K a т ю ш a c б e р e ж e t .

Р а с ц в e t a л и я б л o n и и г р у ш и ,  
П o п л ы л и t u m a n ы n a d r e k o й .  
В ы х o d и л а n a b e r e г K a т ю ш a ,  
Н a v ы c o k и й б e r e г , n a k р u t o й .

معنی تحت اللفظی این شعر زیبا و همیشه ماندگار روسی که تعداد زیادی از شنوندگان قدیمی و جدید ما با آن آشنا هستند چنین است:

درختهای سیب و گلابی شکوفه کردند  
مه بر رودخانه شناور بود  
کاتیوشا بر ساحل شیب دار بلند  
رودخانه برآمد

روی تپه

آمد و آواز خواند

در باره عقاب خاکستری دشت  
در باره کسی که دوستش داشت  
در باره کسی که حافظ نامه اش بود

هی، تو، ترانه، ترانه دخترانه  
بدنبال خورشید تابان پرواز کن  
سلام کاتیوشا را  
به سرباز آن مرز دور برسان

بگذار آن دختر ساده به یادش آید  
بگذار ترانه او را بشنود  
بگذار او حافظ خاک وطن باشد  
و کاتیوشا حافظ عشق

درختهای سیب و گلابی شکوفه کردند  
مه بر رودخانه شناور بود  
کاتیوشا روی ساحل بلند سیب دار  
کنار رودخانه آمد

معانی لغات و جملات شعر « کاتیوشا »

К а т ю ш а

کاتیوشا اسم دختر کاتیا

Р а с ц в е т а л и

شکوفه کردند

Р а с ц в е т а т ь

شکوفه کردن، دادن

я б л о н и ,

درخت سیب

и

و

Г р у ш и

درخت گلابی

Т у м а н ы

مه



н а д рекой

روی رودخانه، بر رودخانه

П о п л ы л и

شناور بودند، گذشتند

В ы х о д и л а

بیرون آمد، درآمد، برآمد

н а берег

بر ساحل

На высокий берег

ساحل بلند

К р у т о й

شیب دار، دارای شیب تند

п е с н ю заводи́ла

آواز خواند (فعل در حالت مونث)

П р о

درباره

с т е п н о г о сизого орла

دشت عقاب خاکستری دشتی

П р о т о г о

درباره آنی که

Л ю б и л а

دوست داشت (فعل در حالت مونث)

Л ю б и т ь

دوست داشتن، عشق ورزیدن

ч ь и письма

نامه کسی که

Б е р е г л а

حفظ کرد (زمان گذشته)

Б е р е ч ь

حفظ کردن، مواظبت کردن، مراقب بودن

П е с н я

ترانه

п е с е н к а деви́чья

ترانه کوچک (کوتاه) دخترانه

Л е т и

پرواز کن

я с н ы м солнцем

خورشید تابان، درخشان

В с л е д

در پی، به دنبال

Б о й ц а

سرباز،

н а д а л ь н е м п о г р а н и ч ь е

در مرز دور

П у с т ь

بگذار

В с п о м н и т д е в у ш к у п р о с т у ю

دختر ساده را به یاد داشته باشد

р о д н у ю з е м л ю б е р е ж е т

از خاک وطن دفاع کند

к а к о н а п о е т

او چطور آواز می خواند

و حالا شما را با چند فعل حرکتی که تعداد آنها در زبان روسی ۲۴ فعل است آشنا می کنیم.

И д т и

رفتن (در حال حاضر، یکبار رفتن) با پای پیاده

Х о д и т ь

تکرار، همیشه رفتن، (مثلاً هر روز به مدرسه رفتن)

Е х а т ь

رفتن ولی با وسیله نقلیه (یکبار)

Е з д и т ь

رفتن با وسیله نقلیه (تکرار)

Л е т е т ь

پرواز کردن یکبار

Л е т а т ь

پرواز کردن «تکرار»

П л ы т ь

شنا کردن، حرکت کشتی و قایق (یکبار)

П л а в а т ь

شنا کردن، حرکت کشتی و قایق (تکرار)

Б е ж а т ь

دویدن (یکبار)

Б е г а т ь

دویدن (تکرار)

Н е с т и

بردن

Н о с и т ь

پوشیدن، (با) بر خود حمل کردن

В е з т и

بردن با وسیله نقلیه

В о з и т ь

بردن با وسیله نقلیه (تکرار)

В е с т и

بردن

В о д и т ь

رانندگی کردن

К у д а вы идете?

کجا می روید؟

М ы идем в театр. А ты?

ما به تئاتر می رویم. تو کجا می روی؟

А я иду в кино.

من به سینما می روم.

К у д а летят эти птицы?

این پرندگان به کجا پرواز می کنند؟

С к о р о будет зима. Они летят на юг.

بزودی زمستان فرا می رسد. آنها به جنوب پرواز می کنند.

К у д а плывет этот теплоход?

این کشتی به کجا حرکت می کند؟

О н плывет в порт.

به سمت بندر حرکت می کند.

К у д а ты едешь?

تو کجا می روی؟

М ы с мамой едем в Киев. В Киеве живет моя бабушка.

من و مامان به کیف می رویم. مادربزرگم در کیف زندگی می کند.

و حالا گفتگویی در رابطه با افعال حرکتی مورد توجه شما قرار می دهیم:

С е й ч а с ...

حالا- زمان حال، در حال حاضر

К у д а ты бежишь?

به کجا می دوی؟

Я бегу в школу. Опаздываю на урок.

به سمت مدرسه می‌دوم. دیرم شده است.

К у д а ты несешь книги?

کتابها را به کجا می‌بری؟ (که در اینجا فعل بردن گویای حمل کتاب در بغل است)

З а к о н ч и л и с ь э к з а м е н ы .

امتحانات به پایان رسیدند.

И я несу книги в библиотеку.

و من کتابها را به کتابخانه می‌برم.

К а к ты думаешь, куда везут это дерево?

چی فکر می‌کنی، این درخت را به کجا می‌برند؟ (که در اینجا منظور حمل با وسیله نقلیه است)

Я думаю, что его везут в парк.

فکر کنم آن را به پارک می‌برند.

К у д а ты ведешь сына?

پسرت را کجا می‌بری؟

В детский сад.

به کودکستان.

В ч е р а ...

دیروز

К у д а ты ходил вчера?

دیروز کجا رفتی؟

Я ходил в театр .

من به تئاتر رفتم (زمان گذشته که همیشه از فعل ХОДИТЬ استفاده می‌شود)

(я был в театре).

یعنی من در تئاتر بودم، حضور داشتم.

К у д а вы ездили летом?

تابستان به کجا رفتید؟

М ы с мамой ездили в Киев.

من و مامان به کی‌یف رفتیم.

М ы были в Киеве.

یعنی ما در کی‌یف بودیم.

В ч е р а вы водили сына в детский сад?

دیروز پسرتان را به کودکستان بردید؟

Д а , водил.

بله، بردم.

О н был в детском саду.

یعنی او در کودکستان بود. (که در واقع گویای یک عمل انجام شده است)

З а в т р а ...

فردا

З а в т р а мы пойдем в театр. А ты?

فردا به تئاتر می رویم. تو کجا می روی؟

А мы поедем в Минск.

ما به مینسک خواهیم رفت. (زمان آینده)

پیشوند По بعلاوه идти می شود پойти که مربوط به زمان آینده می شود: совершенный вид  
و همین قانون در مورد поехать صدق می کند که آن هم به زمان آینده مربوط می شود و فرقی آن است که حرکت با وسیله نقلیه رادر نظر دارد. در درسهای آینده توضیحات بیشتری در باره افعال حرکتی برای شما خواهیم داد. حالا ادامه داستان پیرزن را مورد توجه شما قرار می دهیم:

پیرزن

Старушка подметала свой дом и нашла изогнутую маленькую денежку.

پیرزن داشت کف اتاقش را جارو می زد که یک سکه کوچک کج و معوج پیدا کرد.

Что, - сказала она, я сделаю с этим грошиком?

او گفت: با این سکه کوچک چکار کنم؟

Я пойду на базар и куплю козленка.

می روم بازار و یک بزغاله می خرم.

Когда она шла домой, подошла к перелазу; козленок не захотел перелезть через перелаз.

پیرزن وقتی به خانه برمی گشت به حصار کم ارتفاعی رسید، اما بزغاله نمی خواست از روی آن رد شود.

Она прошла немного дальше и встретила собаку. И вот она сказала собаке:

собака, собака, укуси козленка. Но собака не захотела.

پیرزن کمی دورتر رفت و به سگی برخورد. در این موقع به سگ گفت: سگ، سگ، بزغاله را گاز بگیر. اما سگ نمی خواست اینکار را بکند.

و حالا ادامه ماجرا:

И она прошла немного дальше и встретила палку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و چوبی را دید.

И вот она сказала: «Палка, палка, побей собаку!» Но палка не захотела.

او گفت: چوب، چوب، سگ را بزن!» اما چوب نمی خواست اینکار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила огонь.

او کمی دورتر رفت و آتش را دید.

И вот она сказала: «Огонь, огонь, сожги палку!» Но огонь не захотел.

پیرزن گفت: «آتش، آتش چوب را بسوزان!» اما آتش نمی خواست این کار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила водичку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و به آب برخورد.

Тогда она сказала: «Водичка, водичка, потуши огонь!» Но вода не захотела.

او گفت: «آب، آب آتش را خاموش کن!» اما آب نمی خواست اینکار را بکند.

И она пошла немного дальше и встретила быка.

او کمی جلوتر رفت و به گاو نری برخورد.

И вот она сказала: «Бык, бык, выпей воду!». Но бык не захотел.  
پیرزن گفت: « گاو، گاو، آب را بنوش!» اما گاو نمی‌خواست اینکار را بکند.

И она пошла немного дальше и встретила мясника.  
پیرزن کمی جلوتر رفت و به قصاب برخورد.

Т о г д а она сказала: «Мясник, мясник, убей быка».  
و گفت: « قصاب، قصاب، گاو را بکش!»

Н о мясник не захотел.  
اما قصاب نمی‌خواست اینکار را بکند.

И вот она пошла немного дальше и встретила веревку.  
پیرزن کمی جلوتر رفت و به طناب برخورد.

И она сказала: « Веревка , веревка, повесь мясника!» Но веревка не захотела.  
او گفتک « طناب، طناب، قصاب را آویزان کن!» اما طناب نمی‌خواست اینکار را بکند.

И вот она пошла немного дальше и встретила крысу.  
در این موقع پیرزن کمی جلوتر رفت تا موشی را دید.

Т о г д а она сказала: «Крыса, крыса, перегрызи веревку!» Но крыса не захотела.  
در این موقع او گفت: « موش، موش، طناب را بجو!» اما موش نمی‌خواست اینکار را بکند.

تا اینجا داستان را به خاطر بسپارید تا در برنامه بعدی شما را با قسمت دیگری از آن آشنا کنیم. خدانگهدارتان.  
!Д о скорого



درس سی و یکم

ابتدا به چند جمله دارای فعل حرکتی در زمانهای حال، گذشته و آینده توجه فرمائید.

С т у д е н т ы и д у т н а в ы с т а в к у .

دانشجویان به نمایشگاه می روند. (زمان حال)

С т у д е н т ы х о д и л и н а в ы с т а в к у .

دانشجویان به نمایشگاه رفتند. (زمان گذشته)

С т у д е н т ы п о й д у т н а v ы с т а в к у .

دانشجویان به نمایشگاه خواهند رفت. (زمان آینده)

Я и д у н а v ы с т а в к у .

من به نمایشگاه می روم.

Я х о д и л н а v ы с т а в к у .

من به نمایشگاه رفتم.

Я п о й д у н а v ы с т а в к у .

من به نمایشگاه خواهم رفت.

К о г д а v ы х о д и л и н а v ы с т а в к у с о в р е м е н н о й ж и в о п и с и ?

چه وقت به نمایشگاه هنرهای زیبا رفتید؟

У т р о м .

صبح

К о г д а v ы п о й д е т е в и н с т и т у ت ?

کی به دانشگاه خواهید رفت؟

В с у б б о т у .

روز شنبه.

К о г д а с т у д е н т ы х о д и л и н а v e ч е р ?

کی دانشجویان به مهمانی رفتند؟

В ч е р а .

دیروز

К о г д а т ы п о й д е ш ь т у д а ?

کی به آنجا می روی؟

З а в т р а .

فردا.

Э т о б у д е т и н т е р е с н ы й в e ч е р .

این مهمانی، مجلس جالبی خواهد بود. (مذکر در ارتباط با کلمه مهمانی)

Э т о б у д е т i н т е р е с н а я п р о г у л к а .

این گردش جالبی خواهد بود. (مونث در ارتباط با کلمه گردش)

Э т о б у д у т i н т е р е с н ы е у р о к и .

این ها درسهای جالبی خواهند بود. (جمع در ارتباط با درسها)

В ы х о т и т е v ы с т у п и т ь н а v e ч е р е ?

شمامی خواهید در مهمانی هنرنمایی کنید؟ یا سخنرانی کنید؟

Да, я хочу выступить на вечере.

بله، من می خواهم در مهمانی هنرنمایی کنم.

Нет, я не хочу выступать на вечере.

نخیر، من نمی خواهم در مهمانی سخنرانی کنم.

Кто как двигается?

کی چگونه حرکت می کند؟

Люди ходят.

مردم راه می روند.

Птицы летают.

پرنندگان پرواز می کنند.

Рыбы плавают.

ماهی ها شنا می کنند.

Страусы бегают.

شترمرغ ها می دوند.

شنوندگان عزیز، لطفاً به طرز استفاده افعال حرکتی مطابق با زمان انجام آن توجه فرمائید.

Сейчас я иду на работу.

الان، من سر کار می روم.

Вчера я ходил на работу.

دیروز سر کار رفتم. (استفاده از فعل ходил به معنی رفتن و برگشتن و کاری است که تکرار می شود، در این مورد یعنی هر روز سر کار می روم.)

Каждый день я хожу на работу.

هر روز سر کار می روم.

Я умею ходить быстро.

من می توانم سریع حرکت کنم.

Я хожу туда и обратно, гуляю.

من به آنجا می روم و برمی گردم، گردش می کنم.

Завтра я пойду на работу.

فردا سر کار خواهم رفت.

Завтра я должен пойти на работу.

فردا باید سرکار بروم.

Почтальон идет и несет почту.

پستچی می رود و نامه ها را می برد.

یعنی الان پستچی می رود و نامه ها را می برد (حمل می کند) (استفاده از دو فعل идет и несет در جمله به این معناست که کار یکبار انجام می شود و تکرار ندارد یعنی همین الان نامه ها را می دهد و تمام).

و در جمله ( Почтальоны ходят и носят почту ) پستیچی ها می روند و نامه ها را می برند) دو فعل ХОДЯТ И НОСЯТ هم جمع و هم به معنی تکرار عمل است یعنی پستیچی ها همیشه می روند و نامه ها را می برند. به نمونه های دیگر افعال حرکتی توجه فرمائید:

М а т ь и д е т и н е с е т р е б е н к а .

مادر می رود و کودک را می برد. (در اینجا منظور این است که مادر بچه را در بغل، روی دست حمل می کند و با توجه به فعل حرکتی جمله، کار یکبار انجام می گیرد)

М а т ь х о д и т и н о с и т р е б е н к а .

مادر می رود و کودک را می برد. (در اینجا با توجه به فعل حرکتی، منظور تکرار در کار است، مثلاً هر روز)

И д е т и н е с е т

می رود و می برد (با پای پیاده)

Е д е т и в е з е т

می رود و می برد (سواره، با وسیله نقلیه)

И д е т и в е з е т

می رود و چرخ را همراه می کشد. (چون این وسیله چرخ دارد و خودش حرکت می کند از فعل حرکتی وسایل نقلیه استفاده می شود)

И д е т и в е д е т

می رود و همراهی می کند. در اینجا فعل в е д е т در نمونه پدر دست کودک را گرفته و او را با خود می برد مورد استفاده قرار می گیرد. در واقع اگر کسی راهنمای حرکتی برای کس دیگری باشد از این فعل استفاده می شود، البته در صورت پیاده.

حالا از شما دعوت میکنیم به متن دیگری توجه فرمائید:

В с т р е ч а в а в т о б у с е

دیدار در اتوبوس

З д р а в с т в у й , Ю р а !

سلام، یورا!

З д р а в с т в у й , В и к т о р !

سلام، ویکتور!

К у д а т ы е д е ш ь ?

کجا می روی؟

Я е д у н а с т р о и т е л ь н у ю в ы с т а в к у . А т ы к у д а ?

من به نمایشگاه فناوری های ساختمانی می روم. و تو کجا می روی؟

Я е д у д о м о й .

من به خانه می روم. (توجه داشته باشید که فعل حرکتی وسایل نقلیه استفاده شده است).

Т ы с п е ш и ш ь ?

عجله داری؟

Н е т , я н е с п е ш у .

نخیر، عجله ندارم.

Х о ч е ш ь поехать вместе со мной?

می خواهی همراه من بروی؟

С удовольствием поеду. Я не был на этой выставке. А где она находится?

با کمال میل می روم. من در این نمایشگاه نبودم. کجا واقع شده است؟

Н а площади Гагарина.

در میدان گاگارین.

Я знаю эту площадь. А как туда ехать?

میدانم این میدان کجاست. چطور آنجا می رسیم؟

Н а д о ехать на этом автобусе дальше, а потом идти пешком. Там красивое место. Это будет приятная прогулка.

باید با این اتوبوس برویم و بعد پیاده. آنجا جای خوبی است. گردش خوبی خواهد بود.

Юра и Виктор едут на автобусе. Это интересная встреча. Они поедут на строительную выставку вместе.

یورا و ویکتور با اتوبوس می روند. این دیدار جالبی است. آنها با هم به نمایشگاه فناوری های ساختمانی می روند.

Встреча в автобусе

دیدار در اتوبوس

Автобус

اتوبوس

К у д а ты едешь?

کجا می روی؟

Е х а т ь

رفتن با وسیله نقلیه یا سواره (مهم نیست سوار بر چی، فیل، اسب و یا ماشین)

е д у на строительную выставку

به نمایشگاه فناوریهای ساختمانی می روم.

С т р о и т е л ь н ы й

ساختمانی

Д о м о й

خانه

Т ы спешешь?

عجله داری؟

С п е ш и т ь

عجله داشتن

С п е ш у

عجله دارم

С п е ш и ш ь

عجله داری

П о е х а т ь

رفتن (زمان آینده، سواره)

По е д у

می روم (زمان آینده، سواره)

По е д е ш ь

می روی

Я знаю эту площадь

من این میدان را می شناسم.

А как туда ехать?

چطور به آنجا رفت؟

Н а д о ехать на этом автобусе дальше

باید با این اتوبوس رفت.

Н а д о

باید

П о т о м

بعد، سپس، پس از آن

к р а с и в о е м е с т о

جایی زیبا

М е с т о

جا، محل، مکان

м е с т а

جا، محل (جمع)

п р и я т н а я п р о г у л к а

گردش خوب

П р и я т н ы й

خوب، دل انگیز

فعل ехать به معنی سواره رفتن سواره آمدن مبین حرکت با وسایل نقلیه است و مانند فعل Идти با حروف اضافه на و в استفاده می شود و مفعول آن در حالت مفعول صریح قرار می گیرد. توجه کنید:

К у д а ты е д е ш ь?

کجا می روی؟

Я еду на строительную выставку.

من به نمایشگاه فناوری های ساختمانی می روم.

Н а стадион

به استادیوم

Я еду в центр

من به مرکز می روم

Т у д а

آنجا

Д о м о й

خانه

Н а площадь Гагарина

به میدان گاگارین

اگر وسیله نقلیه‌ای که به وسیله آن حرکت انجام می‌گیرد ذکر گردد، اسم مبین وسیله نقلیه در حالت راجعیت قرار می‌گیرد و با حرف اضافه На می‌آید. توجه فرمائید:

К а к туда ехать?

چطور به آنجا رفت؟

Н а чем туда ехать?

با چه وسیله‌ای به آنجا رفت؟

Н а д о ехать на этом автобусе.

باید باین اتوبوس به آنجا رفت.

فعل ехать فعل صرف اول است:

Я еду

من می‌روم

Т ы едешь

تو می‌روی.

О н , она едет

او، مذکر و مونث می‌رود.

М ы едем

ما می‌رویم.

В ы едете

شما می‌روید

О н и едут

آنها می‌روند.

مقایسه کنید:

Я еду домой.

که سؤال آن می‌شود Куда

Я люблю заниматься дома.

که سؤال آن می‌شود где

باید تفاوت میان قید **ДОМА** و **ДОМОЙ** را تمیز دهید **ДОМОЙ**. نشانه سمت حرکت است و **ДОМА** نشانه محل انجام عمل است.

خوب حالا تنفسی به افعال حرکتی می‌دهیم و به بخش دیگری از داستان «پیرزن» می‌پردازیم.

تا آنجا گفتیم که

**И вот она пошла немного дальше и встретила крысу.**

در این موقع پیرزن کمی جلوتر رفت تا موشی را دید.

**Т о г д а она сказала: «Крыса, крыса, перегрызи веревку!»** Но крыса не захотела.

در این موقع او گفت: «موش، موش، طناب را بجو!» اما موش نمی‌خواست اینکار را بکند.

و حالا ادامه ماجرا

**З а т е м она встретила кошку. И вот она сказала: «Кошка, кошка, съешь крысу.»**

بعد پیرزن به گربه‌ای برخورد و گفت: کربه، گربه، موش را بخور.

**К о ш к а сказала ей: «Если ты пойдешь вон к той корове и принесешь мне**

**б л ю д е ч к о** молока, я съем крысу».

گربه به او گفت: «اگر تو بروی آنجا و از آن گاو نعلبکی شیر بیاوری من موش را خواهم خورد».

**И вот пошла старушка к корове и сказала: «Корова, корова, дай мне блюдечко молока.»**

پیرزن به سراغ گاو رفت و گفت: گاو، گاو، یه نعلبکی شیر به من بده».

**Н о корова сказала ей: «Если ты пойдешь вон к тем косарям и принесешь мне**

**к л о к с е н а**, я дам тебе молоко».

اما گاو گفت: اگر تو بروی سراغ آن دروگر و از او علف بگیری و بیاوری من به تو شیر خواهم داد.

**И вот пошла старушка к косарям и сказала: «Косари, косари, дайте мне клочок сена.»**

به این ترتیب پیرزن سراغ دروگران رفت و گفت: دروگران، دروگران کمی علف به من بدهید.

**Н о косари сказали ей: « Если ты пойдешь вон к той речке и принесешь нам ведро воды,**

**мы дадим тебе сено.»**

اما دروگران به او گفتند: «اگر بری آنجا و از آن رودخانه سطلی آب بیاوری ما به تو علف خواهیم داد.»

**И вот прочь старушка пошла, но, когда она добралась до речки, она обнаружила в ведре**

**много дыр.**

پیرزن رفت، اما وقتی به رودخانه رسید متوجه شد که ته سطل پر از سوراخ است.

تا اینجای داستان را به خاطر بسپارید تا در برنامه دیگری شما را با قسمت بعدی آن آشنا کنیم.

خدانگهدار تان.

**!Д о скорого**

درس سی و دوم

ابتدا چند جمله را مورد توجه شما قرار میدهم.

Мой брат не играет на музыкальных инструментах.

برادرم هیچ ساز موزیکالی را نمی نوازد.

Я бы не хотел, чтобы она пела. У нее нет музыкального слуха.

دلم نمی خواست که او آواز بخواند، صدای موزیکال ندارد.

играть с листа (по нотам)

از روی نت نواختن

Она - певица от Бога.

او(مونث) خواننده ای است که استعداد خدادادی دارد.

و حالا کمی در باره ورزش فوتبال

Они играют дома (на своем поле).

آنها در خانه، در زمین خودشان بازی می کنند.

на поле противника

در زمین رقیب

очень способный футболист.

فوتبالیست های خیلی با استعدادی هستند.

Он всегда в эпицентре (в самой гуще) событий.

او همیشه در مرکز رویدادهاست.

Он живет футболом. Вся его жизнь - это футбол. Он просто помешан на футболе.

زندگی اش به فوتبال وابسته است. فوتبال تمام زندگی اوست. فوتبال برای او همه چیز است.

играет в обороне.

در تیم بازی می کند

Он надежно защищает ворота.

او دروازه بان مطمئنی است.

Он превосходно забивает мяч головой.

او بشکل شگفت آوری توپ را با سر می زند.

мощный удар по воротам

ضربه قوی به دروازه

Он "дразнит" защиту, удерживая мяч.

او با نگه داشتن توپ دفاع تیم رقیب را «کلافه می کند.»

حالت مختصر صفت مقایسه منظم



## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

حالت مختصر صفت مقایسه منظم			
مقایسه	مونث	مذکر	حالت اولیه
умнее	умна	умён	Умный عاقل
быстрее	быстра	быстр	Быстрый سریع
медленнее	медленна	медлен	Медленный آهسته
новее	нова	нов	Новый نو، جدید
скучнее	скучна	скучен	Скучный کسل کننده

حالت مختصر نامنظم صفت مقایسه

حالت مختصر نامنظم صفت مقایسه				
مقایسه	مونث	قید	معنی	صفت
ближе	близка	близко	تزدیک	близкий
дальше	далека	далеко	دور	далёкий
больше, более	велика	велико	بزرگ، حجیم	большой
меньше, менее	мала	мало	کوچک، خردا	маленький
выше	высока	высоко	بلند، دراز	высокий
ниже	низка	низко	کوتاه	низкий
глубже	глубока	глубоко	عمیق	глубокий
мельче	мелка	мелко	کم عمق	мелкий
громче	громка	громко	بلند (صدا)	громкий
тише	тиха	тихо	آرام	тихий
дороже	дорога	дорого	گران	дорогой
дешевле	дешева	дёшево	ارزان	дешёвый

короткий	فاصله کم	коротко	коротка	короче
краткий	زمان کم	кратко	кратка	кратче
длинный	فاصله دراز	длинно	длинна	длиннее
долгий	مدت طولانی	долго	долга	дольше, долее
крепкий	قوی	крепко	крепка	крепче
слабый	ضعیف	слабо	слаба	слабее
лёгкий	سبک، آسان	легко	легка	легче
тяжёлый	سنگین	тяжело	тяжела	тяжелее
трудный	مشکل	трудно	трудна	труднее
молодой	جوان	молодо	молода	моложе
старый	پیر	старо	стара	старше, старее
мягкий	نرم	мягко	мягка	мягче
твёрдый	سخت، سفت	твёрдо	тверда	тверже
жёсткий	سفت (صندلی)	жёстко	жестка	жёсче
простой	ساده	просто	проста	проще
сложный	پیچیده	сложно	сложна	сложнее
редкий	نادر، کمیاب	редко	редка	реже
частый	دائمی، مکرر	часто	часта	чаще
густой	غلیظ، ضخیم	густо	густа	гуще
толстый	کلفت، چاق	толсто	толста	толще
тонкий	لاغر، کشیده	тонко	тонка	тоньше
хороший	خوب	хорошо	хороша	лучше
плохой	بد	плохо	плоха	хуже
широкий	عریض	широко	широка	шире

узкий	باریک، تنگ	узко	узка	уже
поздний	دیر	поздно	поздна	позже
ранний	زود	рано	...	раньше
богатый	ثروتمند	богато	богата	богаче
бедный	فقیر	бедно	бедна	беднее
чистый	پاک، صاف	чисто	чиста	чище
грязный	کثیف، ناپاک	грязно	грязна	грязнее

لازم به ذکر است که هنگام ساخت جملات مقایسه از **так** و **как** و **такая** همراه با کلمه **(же)** و **чем** استفاده می شود. چند مثال می آوریم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید این جملات را به همین شکل به خاطر بسپارید.

У него сестра **так же крепка, как и** моя.

خواهرش مثل خواهر من قوی است. و یا

У него сестра **такая же крепкая, как и** моя.

که معنی اش همان است.

Саша более ленивый рабочий, **чем я**.

ساشا کارگری تنبل تر از من است.

Саша более ленивый, **чем брат**.

ساشا تنبل تر از برادر است.

گروه کوچکی از اسامی هستند که بیشتر به مواد غذایی مربوط می شوند و در حالت گرامری **родительный падеж** پسوند «و» می گیرند. البته تمام اسامی مواد غذایی به چنین پسوندی ختم نمی شوند، به این دلیل شما مجبورید آنها را به خاطر بسپارید.

родительный падеж (-у)		
معنی	حالت گرامری	اسم (مفرد)
شکر	сахар-у	сахар
برنج	рис-у	рис
تنباکو	табак-у	табак
پنیر	сыр-у	сыр
چای	ча-ю	чай
شکلات	шоколад-у	шоколад

و حالا چند اسم در حالت گرامری предложный падеж که به پسوند «او» ختم می‌شود.

предложный падеж -у)		
اسم (مفرد)	حالت گرامری	Gloss
пол	на полу	بر کف (اتاق)
сад	в саду	در باغ
лес	в лесу	در جنگل
угол	на/в углу	در گوشه
мост	на мосту	روی پل
Дон	на Дону	بر ساحل دن
Крым	в Крыму	در کریمه
край	на краю	در لبه، در کنار
ряд	на ряду	در ردیف
год	в прошлом году	در سال گذشته
порт	в порту	در بندر

و حالا کمی از گرامر خستگی در می‌کنیم و از آنجائیکه ممکن است در بین شنوندگان ما دوستان کم سن و سالی هم به برنامه درس زبان روسی گوش کنند اولین چند حرف الفبای روسی را بصورت شعرگونه مورد توجه شما قرار میدهیم. البته به این شکل هم حروف بهتر به یاد می‌مانند و هم کلمات جدید را می‌توانید به راحتی به خاطر بسپارید. سعی کنید چندین بار آنها را تکرار کنید تا بخوبی در حافظه‌تان جا بیفتد.

"А"

-Знаю я наверняка-  
(мне сынишка говорит)  
-Знаешь, папа, буква"А"  
Открывает Алфавит!

آ

حتماً می‌دونم که

پسرکم به من گفت

بابا می‌دونی

حرف آ، حرف اول الفباست!

"Б"

ب

Барабанит барабан:

طبل داره می زنه

Бам-Бам Бам!

بام، بام، بام

Бам-Бам-Бам!

بام بام بام

Барабанит, чтоб тебе

می زنه می زنه تا تو

Не забыть про букву

حرف ب یادت نره

- "Б" -

"В"

و

Буква "В" сказала: вы

حرف «و» گفت:

Не рычите словно львы.

مثل شیر نغزید

Чтобы не было вреда –

برای دوری از ضرر

Будьте вежливы всегда!

همیشه مودب باشید!

معانی لغات:

Знаю

می دانم

Наверняка

حتماً

Сынишка

پسرکم

Говорит

می گوید

Папа

پایا، بابا

Буква

حرف

Открывает

باز می کند، می گشاید



Алфавит

الفبا

Барабанит

طبل می زند

Барабан

طبل

чтоб тебе

تا تو

Не забыть

فراموش نکردن

Сказала

گفت (مونث)

Не рычите

غرش نکنید

СЛОВНО ЛЬВЫ

مثل شیر

Вреда

زیان، ضرر

Будьте вежливы всегда!

همیشه مودب باشید!

Вежливый

مودب

Всегда

همیشه

و حالا چند جمله و لغت پر کاربرد دیگر:

парень

جوان، پسر

Она симпатичная (сексуальная).

او دختر زیبا و سکسی ای است.

Она настоящая красotka.

دختر واقعاً زیبایی است.

любител ь повеселиться

دوستدار تفریح و خوشگذرانی

беззаботный человек, с которым легко иметь дело

آدم بی خیالی که می شود با او راحت بود.

с широким кругозором, терпимый к различным взглядам

با دید وسیع، با برخوردی صبورانه نسبت به دیدگاه های مختلف افراد

люди, придерживающиеся одинаковых взглядов, имеющие общие интересы

افرادی که از دیدگاه ها و منافع یکسانی برخوردارند.

### Наши намерения

مقاصد و نیات و تمایلات ما

идти на свидание с незнакомым человеком

قرار گذاشتن با آدم ناآشنا

пригласить кого-нибудь на свидание

دعوت از کسی برای ملاقات

### У нас может быть

ما می توانیم از چنین چیزهایی برخوردار باشیم:

хорошее чувство юмора

حس خوب بذله گویی

длительные отношения

رابطه طولانی

### Когда мы влюблены, мы говорим

وقتی ما عاشقیم می گوئیم:

Я схожу по нему с ума.

دارم دیوانه می شوم

Он - любовь всей моей жизни.

او عشق تمام زندگی من است.

Я о нем высокого мнения.

نظر خوبی نسبت به او دارم.

Я влюблен по уши.

معنی تحت اللفظی این جمله چنین است: تا خرخره عاشقش هستم.

Он - тот самый, единственный, неповторимый.

او همان مرد یگانه‌ای است که مثل او وجود ندارد.

Мы собираемся пойти на решительный шаг.

ما قصد داریم تصمیم جدی بگیریم.

помолвка

نامزدی

### Иногда у нас не все гладко

بعضی مواقع همه چیز روبراه نیست

Мы перестали ладить друг с другом (наши отношения дали трещину).

ما نمی توانیم باهم کنار بیائیم (روابط ما ترک خورده است)

Мы все время ссоримся по пустякам.

تمام مدت به خاطر چیزهای کوچیک و بیهوده دعوا می کنیم.

Я уверен, он с кем-то встречается (у него есть любовница)!

مطمئن هستیم که او سر و سری داره (او معشوقه ای دارد)

Давай разведемся.

بیا از هم جدا شویم.

Но я не могу.

نمی توانم.

Почему?

چرا؟

Потому что я тебя люблю и не могу без тебя жить!

چون دوست دارم و بدون تو نمی تونم زندگی کنم.

Шутишь!

شوخی می کنی!

Нет, Нет, поверь мне!

نه،نه، باور کن!

А как же та, другая?

پس آن یکی چی می شود؟

Ты о ком говоришь?

منظورت کیه؟

Неужели ты хочешь сказать, что у тебя никого нет?

نکنند می خواهی بگی که با هیچ کس رابطه نداری؟

Что мне надо делать, чтобы ты поверил?

چکار باید بکنم تا تو باور کنی؟

Поцелуй меня, как в тот первый раз!

مثل باراول منو ببوس!

Но тогда я был настолько влюблен в тебя что...

من آن موقع چنان عاشق تو بودم که...

Ага, забыл, как это было?

آها، یادت رفته چطور بود؟

Нет, помню!

نه، یادمه!



### درس سی و سوم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار داده می شود و سپس در باره حالات گرامری **винительный падеж** و حالت گرامری **Именительный падеж** به کمک مثال توضیحاتی خواهیم داد.

اینک به متن گفتگویی گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید حالت ساخت جملات را به خاطر بسپارید:

Я читаю роман.

Что вы читаете?

Что ты читаешь?

Мать любит сына.

Кого она любит?

توجه داشته باشید که در زبان روسی در اکثر موارد برای دانستن حالت گرامری مورد استفاده در جملات معمولاً از کلمه سئوالی **Что** و **Кого** کمک گرفته می شود. زیرا هر حالت گرامری کلمات سئوالی خاص خود را دارد که البته در بعضی حالات متأسفانه این کلمات شبیه بهم هستند ولی بهرحال به کمک آنها می توان حالت گرامری را مشخص کرد. به این ترتیب باید به کلمات سئوالی توجه زیادی شود. در مثالهای بعدی شما را با کلمات سئوالی **Что** و **Кого** که مربوط به **винительный падеж** هستند آشنا می کنیم. توجه کنید:

Художник рисует портрет.

نقاش پرتره می کشد.

Художник рисует картину.

نقاش تابلو می کشد.

Рабочие строят дом.

کارگران خانه می سازند.

Рабочие строят школу.

کارگران مدرسه می سازند.

Я купил словарь.

من لغت نامه خریدم.

Я купил книгу.

من کتاب خریدم.

Что ты купил там?

آنجا چه چیزی خریدی؟

О! очень много. Во-первых, я купил подарки, а во-вторых, я купил костюм, пальто, рубашку, галстук и шляпу.

اوه! خیلی چیزها. اولاً هدایا. دوماً کت و شلوار، پالتو، پیراهن مردانه، کراوات و کلاه خریدم.

И ботинки?

چکمه چطور؟

Да, и ботинки купил.

بله، چکمه هم خریدم.

Что ты хочешь купить?

تو چی می خواهی بخری؟

Машину.

ماشین.

Машину? Но это очень дорого!

ماشین؟ این که خیلی گران است!

Ничего. Подожди меня.

مهم نیست. منتظرم بمان.

Хорошо, подожду.

بسیار خوب، منتظرت می مانم.

Ну как? Уже купил?

خوب چی شد؟ خریدی؟

Да. Вот она.

بله، آنجاست.

винительный падеж

حالت گرامری مفعول بواسطه

در این حالت گرامری کلمات سئوالی **кто** و **кого** هستند. مثلاً:

он купил...

او خرید

что?

چه چیزی را؟

Костюм

کت و شلوار (مذکر-مفرد)

Галстук

کراوات (مذکر-مفرد)

Пальто

پالتو (خنثی - مفرد)

Рубашку

پیراهن (مونث-مفرد)

Шляпу

کلاه (مونث-مفرد)

و در مورد سئوال **кого** در همین حالت گرامری:

Он любит

او دوست دارد

кого?

چه کسی را؟

Брата

برادر را (مذکر)

Друга

دوست را (مذکر - که در اینجا منظور دوست پسر است)

Сестру

خواهر را (مونث)

Подругу

دوست دختر (مونث)

و حالا تصور کنید که دو نفر با دوربین در حال نظاره جایی هستند.

Что ты там видишь?

تو چه چیزی آنجا می بینی؟

Я вижу лес, поле, озеро, деревню.

من جنگل، دشت، دریاچه و دهکده را می بینم.

А кого ты видишь? Я слышу, что там поют.

تو چه کسی را می بینی؟ من می شنوم آنجا آواز می خوانند.

Я вижу туристов.

من توریستها را می بینم.

Что они делают?

چکار دارند می کنند؟

У них горит костер. Я думаю, что они готовят ужин.

آتش روشن کردند. فکر کنم دارند شام درست می کنند.

Именительный падеж

حالت اسمی

Это брат.

این برادر است.

Это Андрей.

این آندری است.

Это учитель.

این معلم است.

Это сестра.

این خواهر است.

Это Таня.

این تانیاست.

تغییرات همین اسامی در

винительный падеж

я вижу брата

من برادر را می بینم.

я вижу Андрея

من آندری را می بینم.

я вижу учителя

من معلم را می بینم.

я вижу сестру  
من خواهر را می بینم.  
я вижу Таню  
من تانیا را می بینم.

مثالهای دیگری در همین باب:

Именительный падеж

حالت اسمی

Это отец и сын.

این پدر و پسر است.

Это мать и дочь.

این مادر و دختر است.

Это тетрадь.

این دفترچه است.

و حالا همین اسامی در حالت винительный падеж  
مفعول بواسطه

Я люблю отца (папу) и сына.

من پدر و پسر را دوست دارم.

Я люблю мать (маму) и дочь.

من مادر و دختر را دوست دارم.

Я купил тетрадь.

من دفتر را خریدم.

Это дедушка.

این پدر بزرگ است.

Я вижу дедушку.

من پدر بزرگ را می بینم.

Я люблю тебя!

من تو را دوست دارم.

Я купаюсь.

من حمام می کنم.

Я купаю ребенка.

من کودک را حمام می دهم.

Я одеваюсь.

من لباس می پوشم.

Я одеваю сына.

من پسر را لباس می پوشانم.

Я причёсываюсь.

من موهایم را شانه می کنم.

Я причесываю дочь.  
من موهای دختر را شانه می زنم.

و حالا کمی از حالات گرامری استراحت می کنیم و چند حرف دیگر روسی را بصورت شعرگونه مورد توجه شما قرار می دهیم.

"Г"

حرف «گ»

Горемыка буква "Г"  
Ходит на одной ноге.  
В длинном, узком сапоге  
неудобно букве "Г"

حرف «گ» بیچاره است

یک پا بیشتر نداره

چکمه اش دراز و تنگه

اصلاً حرف راحتی نیست.

"Д"

حرف «د»

"Д"-два года строит дом,  
دوساله دارند خونه می سازن  
Чтоб зимой согреться в нем.

تا زمستون توش گرم بشن

Доводила до ума –

بالاخره تموم شد

Стала домиком сама!

یه خونه خوشگل شد!

"Е"

حرف «ی»

Еле-еле буква "Е"

حرف «ی» زورزورکی

Разместилась на софе.

جا گرفت رو کاناپه

У нее излишний вес,

وزنش خیلی زیاده

Потому что - много ест!

چون خیلی خیلی می خوره

و حالا جملاتی در مورد غذا

Еда

غذا

Давай пойдём поедем как следует .

بیا بریم یک غذای درست و حسابی بخوریم.

наедимся до отвала

شکمی سیر بخوریم.

Я умираю с голоду .

من دارم از گرسنگی تلف می شوم.

Я жутко голоден ( готов съесть слона ).

من بطور وحشتناکی گرسنه هستم. حاضرم فیل را هم بخورم.

Я слегка проголодался .

من کمی گرسنه شدم.

забегаловка, закусочная

کافه غذای مختصر و سریع

Меню было смешанным .

لیست غذا قاطی باطی بود.

Я бы предпочел острую индийскую еду карри .

من غذای هندی (کاری) را ترجیح می دادم.

классический английский завтрак (обжаренные на сковороде или гриле бекон, яйца, сосиски, помидоры, грибы, фасоль и др.)

صبحانه کلاسیک انگلیسی (کالباس، تخم مرغ، سوسیس، گوجه فرنگی و قارچ و لوبیا سرخ شده توی تابه یا کباب شده، و غیره)

А русский?

روسی چطور؟

Каша, кофе , чай, хлеб с маслом, иногда мед и джем.

کاشا (نوعی شیربرنج)، قهوه، چای، نان و کره، گاهی عسل و مربا.

еда, которую можно заказать в пабе

غذایی که می توان در کافه سفارش داد

закуска

پیش غذا

основные блюда

غذای اصلی

пудинг, запеканка

پاته

десерт

دسر

чаевые

پاداش گارسن

**Я утолил голод .**

گرسنگی خودم را رفع کردم.

**Я наелся досыта .**

شکم سیری غذا خوردم.

**Я сыт !**

سیرم!

**Я объелся ( больше не лезет ).**

خیلی خورم، دیگر جا ندارم.

**Я переел .**

زیادی خوردم.

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله پرکاربرد دیگر توجه فرمائید:

**Желаю вам приятных выходных**

برای شما تعطیلات آخر هفته خوبی آرزومندم.

**Приятных выходных**

تعطیلات خوبی داشته باشید.

**Желаю вам приятного путешествия**

سفر خوبی برایتان آرزومندم.

**Приятного путешествия**

سفر خوبی داشته باشید.

**Желаю вам хорошо отдохнуть**

آرزو می کنم خوب استراحت کنید.

**Желаю тебе хорошо отдохнуть**

برایت استراحت خوبی را آرزو می کنم.

**Желаю счастья!**

خوشبخت باشی!

**Желаю успехов в вашей (твоей) работе!**

موفقیت در کار را برای شما (تو) آرزومندم!

**Поздравляю!**

تبریک عرض می کنم!

**Поздравляю вас (тебя) с днем рождения.**

به شما (تو) روز تولدت را تبریک می گویم!

**Мои сердечные поздравления с днем рождения!**

تبریکات قلبی مرا به مناسبت روز تولدت بپذیر!

**Желаю вам (тебе) всего доброго в Новом году.**

در سال نو برایت بهترین ها را آرزومندم.

**За ваше (твое) здоровье!**

بسلامتی شما، بسلامتی تو!

За здоровье!

بسلامتی!

Будьте здоровы!

سالم باشی (عافیت باشه! که وقتی کسی عطسه می کند این جمله گفته می شود)

Желаю вам, чтобы вы поскорее поправились

آرزو می کنم که زود خوب شوید.

Желаю тебе, чтобы ты поскорее поправился

دوستان عزیز درس سی و سوم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. تا برنامه‌ای دیگر خدانگهدار تان.

До свидания!





### درس سی و چهارم

ابتدا به ادامه مبحث حالت گرامری **винительный падеж** مفعول بواسطه می پردازیم. سعی می کنیم با آوردن نمونه هایی شما را بهتر با این حالت گرامری آشنا کنیم. شایان ذکر است که کلمه سئوالی کمک زیادی به تشخیص حالت گرامری می کند که در این مورد کلمات سئوالی **что?, ко г о ?** می باشند. به مثالهایی در این باره توجه فرمائید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید آنها را به همین شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید.

#### И м е н и т е л ь н ы й п а д е ж

حالت اسمی

**Э т о к о с т ю м ы .**

اینها کت و شلوارها هستند.

**в и н и т е л ь н ы й п а д е ж**

حالت مفعول بواسطه همین کلمه.

**я к у п и л к о с т ю м ы .**

من کت و شلوارها را خریدم.

همانطور که متوجه شدید در اینجا تغییری در کلمه **КОСТЮМЫ** رخ نمی دهد، زیرا این کلمه بی جان است و در این حالت گرامری کلمات بیجان جمع و مفرد مذکر تغییر نمی کنند.

**Э т о с л о в а р и .**

اینها لغتنامه ها هستند.

**Я к у п и л с л о в а р и .**

من لغتنامه ها را خریدم.

**Э т о к о л ь ц а .**

اینها انگشترها هستند.

**Я к у п и л к о л ь ц а .**

من انگشترها را خریدم.

**Э т о п л а т ь я .**

اینها پیراهن ها هستند.

**Я к у п и л п л а т ь я .**

من پیراهن ها را خریدم.

همانطور که توجه فرمودید، با وجود آنکه کلمه جمع انگشترها به حرف صدادر «آ» ختم شده است، تغییری در این حالت گرامری نمی کند، زیرا بیجان و جمع است. همینطور در مورد پیراهن ها که به حرف «یا» ختم شده است.

و حالا نمونه هایی در رابطه با کلمات جاندار جمع.

#### И м е н и т е л ь н ы й п а д е ж

حالت اسمی

Э т о артисты.

اینها آرتیستها هستند.

в и н и т е л ь н ы й падеж

حالت مفعول بواسطه همین اسم.

я вижу артистов.

من آرتیستها را می بینم.

Э т о учителя.

اینها معلمان هستند.

Я вижу учителей.

من معلمان را می بینم.

Э т о сестры.

اینها خواهران هستند.

Я вижу сестер.

من خواهران را می بینم.

Э т о подруги.

اینها دوست دخترها هستند.

Я вижу подруг.

من دوستانم را می بینم.

Я очень люблю маму, папу, брата, сестру, бабушек, дедушек и подруг.

من خیلی مامان، بابا، برادر، خواهر و مادر بزرگها، پدر بزرگها و دوستانم را دوست دارم.

А еще я люблю виноград, мороженое и конфеты.

علاوه بر آن، من انگور، بستنی و آبنباتها را دوست دارم.

فراموش نکنید که **что? кого?** کلمات سئوالی **винительный падеж** می باشند.

و حالا **дательный падеж** که کلمات سئوالی آن **кому, чему** به معنی به چه کسی و به چه چیزی است. توجه فرمائید:

Он пишет другу.

او به دوستش نامه می نویسد.

К о м у он пишет?

به کی نامه می نویسد؟

О т е ц читает сыну.

پدر برای پسر کتاب می خواند.

С ы н отвечает отцу.

پسر به پدر جواب می دهد.

К а т я звонит Маше.

کاتیا به ماشا تلفن می کند.

Д е в у ш к а машет подруге.

دختر به (برای) دوستانش دست تکان میدهد.

اگر پاکت پستی را مجسم کنید روی آن نوشته شده: آدرس فرستنده که به روسی می شود **куда** :  
و نام گیرنده که به روسی می شود **кому**. حالا از شما دعوت می کنیم به یک متن کوتاه توجه فرمائید:

**Ты опять пишешь письмо?**

تو دوباره نامه می نویسی؟

**Да, я люблю писать письма.**

بله، من نامه نوشتن را دوست دارم.

**Вчера ты писал брату и сестре, а кому ты пишешь сегодня? Родителям?**

دیروز تو به برادر و خواهرت نامه نوشتی، امروز به کی نامه می نویسی؟ به والدینت؟

**Нет. Это секрет.**

نه. این سری است.

**Секрет? Я понимаю: ты пишешь девушке.**

سری است؟ آه، فهمیدم. به دوست دخترت می نویسی.

**Ты угадал.**

حدست درست بود.

**Катя, не мешай мне, пожалуйста!**

کاتیا، لطفاً مزاحم من نشو!

**Что ты говоришь, мамочка? Я помогаю тебе.**

مامان جون، چه حرفها می زنی؟ من دارم بهت کمک می کنم.

و حالا توضیحاتی در باره **дательный падеж** با استفاده از مثالها. یک نکته مثبت این حالت گرامری این است که تمام اسامی جاندار و بیجان جمع در این حالت پسوندهای «آم» و «یام» می گیرند که تا اندازه ای کار را راحت می کند. ولی در حالت مفرد هر اسمی بنا به مذکر و مؤنث و خنثی بودن آن پسوند خاص خود را دارد که باید به خاطر سپرده شوند. توجه فرمائید:

**Именительный падеж**

حالت اسمی

**Кто? Что?**

کی؟ چی؟

**Это брат.**

این برادر است.

**дательный падеж**

**кому?**

به کی

**я помогаю брату.**

من به برادرم کمک می کنم.

Э т о Андрей.

این آندری است.

Я помогаю Андрею.

من به آندری کمک می کنم.

Э т о учитель.

این معلم است.

Я помогаю учителю.

من به معلم کمک می کنم.

Д е л о

کار.

Э т о помогает делу.

این به کار کمک می کند.

З д о р о в ь е

سلامتی.

Э т о помогает здоровью.

این به سلامتی کمک می کند.

بدین ترتیب پسوندهای اسامی مذکر و خنثی در حالت مفرد Ю, у می باشند. و امدار مورد اسامی مونث مفرد که پسوند آن e است اکنون یکی دو نمونه برایتان می آوریم.

Э т о сестра.

این خواهر است.

Я помогаю сестре.

من به خواهر(م) کمک می کنم.

Э т о Таня.

این تانیاست.

Я помогаю Тане.

من به تانیا کمک می کنم.

Э т о дедушка.

این پدربزرگ است.

Я пишу дедушке.

من به پدربزرگ (نامه) می نویسم.

در این جا با وجود آنکه پدربزرگ مذکر است اما چون به حرف «آ» علامت مونث ختم شده تغییر آن در این حالت گرامری مانند اسامی مفرد مونث صورت گرفته و پسوند «ی» می گیرد.

و حالا چند مثال جمع را مورد توجه شما قرار می دهیم:

Э т о артисты.

اینها آرتیستها هستند.

Я помогаю артистам.

من به آرتیستها کمک می کنم.

Это учителя.

اینها معلمان هستند.

Я помогаю учителям.

من به معلمان کمک می کنم.

Д е л а .

کارها

Э т о помогает делам.

این به کارها کمک می کند.

Э т о сестры.

اینها خواهران هستند.

Я помогаю сестрам.

من به خواهران کمک می کنم.

Это дочери.

اینها دختران (فرزندان دختر) هستند.

Я помогаю дочерям.

من به دخترها کمک می کنم.

و حالا چند متن دیگر را مورد توجه شما قرار می دهیم. لطفاً گوش کنید، سعی کنید تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

"Здоровье" .

سلامتی، تندرستی

П л о х о е самочувствие

احساس ناراحتی جسمی

М н е худо.

حالم جا نیست.

Я чувствую себя разбитым .

احساس می کنم بدنم خرد و خمیر شده است.

Я валюсь с ног.

دارم از پا درمی آم.

Т ы выглядишь нездоровым .

به نظر مریض می آیی.

В ы г л я д и т е ужасно.

رنگ و رویت وحشتناک است.

Т ы выглядишь плохо .

قیافه ات جالب نیست.

Х о р о ш е е самочувствие

حال خوب

Я чувствую себя прекрасно ( превосходно ).

احساس می کنم حالم عالی است.

О н излучает здоровье .

از او سلامتی می درخشد.

О н а - само воплощение здоровья .

او(مونث) تجسم گر سلامتی است.

و حالا ادامه داستان پیرزن

И вот пошла старушка к косарям и сказала: «Косари, косари, дайте мне клочок сена».

به این ترتیب پیرزن سراغ دروگران رفت و گفت: دروگران، دروگران کمی علف به من بدهید.

Н о косари сказали ей: « Если ты пойдешь вон к той речке и принесешь нам ведро воды, мы дадим тебе сено».

اما دروگران به او گفتند: « اگر بری آنجا و از آن رودخانه سطلی آب بیاوری ما به تو علف خواهیم داد.

И вот прочь старушка пошла, но, когда она добралась до речки, она обнаружила в ведре много дыр.

پیرزن رفت، اما وقتی به رودخانه رسید متوجه شد که ته سطل پر از سوراخ است.

Т о г д а покрыла она дно камешками, а затем наполнила ведро водой.

پیرزن ته سطل را با سنگریزه ها پوشاند و بعد آنرا پر از آب کرد.

И вот пошла она обратно с ним к косарям, и они дали ей клочок сена.

سطل را بلند کرد و نزد دروگران برگشت و آنها به او یک بسته علف دادند.

С т а р у ш к а поблагодарила их от всего сердца.

پیرزن از ته قلب از آنها تشکر کرد.

О н а понесла клочок сена назад корове и положила его на землю.

او علف را برای گاو برد و روی زمین گذاشت.

К а к только корова съела сено, она дала старушке молока, и вот пошла она с блюдечком

м о л о к а к кошке.

همینکه گاو علفها را خورد، به پیرزن شیر داد و پیرزن با یک نعلبکی شیر پیش گربه رفت.

К а к только кошка вылакала молоко...

و همینکه گربه شیر را خورد.

В с е прошло гладко для старушки, и она наконец добралась в ту ночь домой с козленком.

همه کارهای پیرزن روبراه شد و او توانست آن شب با بزغاله بالاخره به خانه برگردد .

درس سی و چهارم زبان روسی در اینجا به پایان می رسد. خدانگهدارتان.

!Д о скорого



## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

### درس سی و پنجم

ابتدا چند جمله پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم. توجه کنید کدام یک از این جملات برای شما آشناست.

#### Скажите, пожалуйста, ...

لطفاً بگوئید...

1) Вы говорите по-русски? شما فارسی صحبت می کنید؟	Да, немного. بله، کمی. - Очень плохо. خیلی بد.
2) Как вас зовут? اسم شما چیست؟	- Меня зовут Дарьюш. اسم من داریوش است.
3) Кто вы по национальности? ملیت شما چیست؟	- Я иранец (иранка). من ایرانی هستم.
4) Сколько вам лет? چند سال دارید؟	- Мне 33 года. من ۳۳ سال دارم.
5) Когда вы родились? کی به دنیا آمدید؟	- Я родился (родилась) в 1973 (в семьдесят третьем) году. من در سال ۱۹۷۳ به دنیا آمده‌ام.
6) Вы учитесь или работаете? شما درس می خوانید یا کار می کنید؟	[- Я учусь.] من درس می خوانم.
[- Я работаю.] من کار می کنم.	[- Я работаю.] من کار می کنم.
Где вы учитесь? کجا شما درس می خوانید؟	Где вы работаете? شما در کجا کار می کنید؟
- Я учусь в Тегеранском университете. من در دانشگاه تهران درس می خوانم.	- Я работаю в компании Белла. من در کمپانی بلا کار می کنم.
Какая у вас специальность? رشته شما چیست؟	Какая у вас должность? مقام شما چیست؟
- Моя специальность - менеджмент. رشته تخصصی من مدیریت است.	- Я - начальник отдела. من رئیس بخش هستم.
7) Вы женаты (замужем)? شما متأهل هستید؟	Да, я женат (замужем). بله، من متأهل هستم. - Нет, я не женат (не замужем). نخیر، من متأهل نیستم.
8) Из кого состоит ваша семья? خانواده شما از چه کسی تشکیل شده است؟	- У меня есть ... [отец, мать, жена, муж, бабушка, дедушка, (младший, старший)]



	брат, (младшая, старшая) сестра, сын, дочь] خانواده من از پدر، مادر، همسر، شوهر، مادر بزرگ، پدربزرگ، برادر کوچک و بزرگ و خواهر کوچک و بزرگ، پسر و دختر تشکیل شده است.
--	--

## II. Неформальный диалог.

گفتگوی غیر فرمال

- Здравствуйте, давайте познакомимся, меня зовут Дарьюш.  
سلام، بیائید باهم آشنا شویم، اسم من داریوش است.
- Очень приятно. А меня зовут Евгений Штефан. Можно просто Женя.  
خیلی خوشوقتم. اسم من یوگنی شتفان. می توانید مرا ژنیا صدا کنید.
- Очень рад с вами познакомиться. Вы из России?  
از آشنایی با شما خوشحالم. شما از روسیه هستید؟
- Да. А вы живёте в Тегеране?  
بله، و شما در تهران زندگی می کنید؟
- Да, конечно.  
بله، البته.
- А где вы живёте в Тегеране?  
کجای تهران؟
- В Дараке.  
در که.
- А где это? Я не знаю.  
کجاست؟ بجا نمی آورم.
- Это недалеко от горы Точал.  
نزدیک کوههای توچال.
- Понятно.  
آها.
- Между прочим, вы неплохо говорите по-русски. Вы давно изучаете русский язык?  
روسی شما بدک نیست. خیلی وقته دارید روسی یاد می گیرید؟
- Что вы! Я ещё совсем не умею говорить - я изучал только грамматику. Всего 3 месяца.  
چه حرفها می زنید؟ من اصلاً بلد نیستم حرف بزنم. فقط گرامر را خواندم. فقط سه ماه.
- А где?  
کجا؟
- В русском центре.  
در مرکز فرهنگی روسیه.
- Правда? А кто у вас преподаватель?  
جدی؟ راست می گوئید؟ معلم شما کیه؟
- Госпожа Екатерина.

خانم یکاترینا.

- Госпожа Екатерина? Я её знаю. Она очень хороший преподаватель. А вы студент или уже работаете?

خانم یکاترینا؟ می شناسمش. معلم خیلی خوبیه. شما دانشجوئید یا کار می کنید؟

- Я студент. Я учусь в Тегеранском университете.

من دانشجو هستم. من در دانشگاه تهران درس می خوانم.

Я работаю в компании Белла.

من در کمپانی بلا کار می کنم.

- Извините, могу я спросить, сколько вам лет?

می بخشید، می توانم بپرسم چند سال دارید؟

- Мне 25. А вам?

25 سال و شما؟

- Мне 28.

28 سال.

- Вам нравится Россия?

شما از روسیه خوشتان می آید؟

О! Да, да, Очень. Хотя там холодновато!

آه، بله، بله، هر چند سرده!

و حالا مثال هایی در باره حالت گرامری **дательный падеж** که در درس قبلی در باره آن توضیحاتی برایتان دادیم در اینجا مورد توجه شما قرار می دهیم تا بهتر با این حالت گرامری آشنا شوید و تکراری بر طرز استفاده آن باشد. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را به همان شکلی که بیان می شوند به خاطر بسپارید.

Он пишет письмо другу.

او به دوستش نامه می نویسد.

Что он пишет другу?

چی او به دوستش می نویسد؟

Кому он пишет письмо?

به کی نامه می نویسد؟

Почтальон принес мне письмо.

پستچی برایم نامه آورد.

Мать купила сыну мороженое.

مادر برای پسرش بستنی خرید.

Саша подарил другу альбом.

ساشا به دوستش آلبومی هدیه کرد.

Письмо матери

نامه به مادر

Подарок жене

هدیه به همسر

Цветы девушке

گل به دوست دختر

Он написал письмо другу, сестре  
او به دوستش، خواهرش نامه نوشت.

Он дал книгу мальчику, девочке  
او کتاب را به پسر بچه، دختر بچه داد  
Он подарил цветы учителю, девушке  
او گل به معلم، دوست دختر هدیه کرد.

Кому ты несешь цветы?

گلها را برای کی می بری؟

Я несу их Тане.

برای تانیا می برم.

Эти цветы (ты принес) мне?

این گلها را تو برای من آوردی؟

Да, Танечка, и не только цветы. Я дарю тебе мое сердце.

بله، تانیای عزیز، نه فقط گل، بلکه قلبم را به تو هدیه می کنم.

Спасибо, Коля. Я не могу и не хочу отказываться.

ممنونم کولیا. نمی توانم و نمی خواهم دست رد به تقاضای تو بزنم.

### Заболевания

#### بیماری

Лиза вывихнула / подвернула лодыжку.

پای لیزا ضرب دیده، پیچ خورده است.

Она сломала руку и теперь долго будет ходить в гипсе .

او دستش را شکست و حالا برای مدت طولانی در گچ خواهد بود.

У меня боли в спине ( пояснице ).

پشتم (کمرم) درد می کند.

зубная боль

دندان درد

головная боль

سردرد

боль в желудке

معدده درد

У меня пищевое отравление .

من مسموم شدم.

У Славы сильная простуда (как правило, с температурой, больным горлом и насморком).

اسلاوا بدجوری سرما خورده است (مثل همیشه، با تب، گلودرد و ریزش بینی)

### Медицинская помощь

کمک پزشکی

записаться на прием к врачу

از دکتر وقت گرفتن

Меня направили к **врачу-консультанту** .

من را بسراغ پزشک مشاور فرستادند.

медосмотр

چکاب پزشکی

рентгеноскопическое исследование

معاینات رنتگنی

обследование, анализы

معاینات، آزمایشات

Поговорите с врачом, если **по-прежнему чувствуете себя плохо** .

با دکتر صحبت کنید، اگر مثل گذشته احساس ناراحتی می کنید.

**Доза принимаемых вами лекарств не должна превышать предписанную врачом** .

دوز داروی مصرفی شما نباید از آنچه دکتر در نسخه شما نوشته بیشتر باشد.

Перед тем, как принимать лекарство, обязательно **ознакомьтесь с рекомендацией на упаковке** .

قبل از اینکه دارویی را مصرف کنید، حتماً با دستور داخل جعبه آشنا شوید.

**Храните лекарства в недоступном для детей месте** .

دارو را دور از دسترس کودکان نگه دارید.

و حالا اولین رنگ (رنگ قرمز) و حالات گرامری آن را مورد توجه شما قرار می دهیم:

حالت	جنس	کلمه
فاعلی	مذکر مونث خنثی جمع	красный красная красное красные
اضافه	مذکر مونث خنثی جمع	красного красной красного красных
مفعول بواسطه	مذکر مونث خنثی جمع	красному красной красному красным
مفعول صریح	مذکر مونث خنثی جمع	красного/красный красную красное красных/красные
معیت	مذکر	красным

	مونث خنثی جمع		красной красным красными
تخصیص	مذکر مونث خنثی جمع	o o o o	красном красной красном o красных

### АНЕКДОТЫ

طنز

1. - Где ты работаешь?

- Нигде не работаю.

- А что ты делаешь?

- Ничего не делаю.

- Какая хорошая работа!

- Да, но какая большая конкуренция!

کجا کار می کنی؟

هیچ جا کار نمی کنم.

چکار می کنی؟

بیکاری.

چه کار خوبی!

آره، ولی رقبا خیلی زیاده!

2. - Вовочка, куда ты идёшь?

- На работу.

- А где ты работаешь?

- В детском саду.

- А кем?

- Ребёнком.

ووچکا کجا داری می ری؟

سر کار.

کجا کار می کنی؟

کودکستان.

چکاره ای؟

کودکم.

3. - Тебе сколько лет?

- Пять. А тебе?

- Не знаю.

- Ты интересуешься девочками?

- Нет.

- Значит, тебе четыре года.

چند سالته؟

پنج، تو چی؟

نمی‌دونم،

اهل دختر بازی هستی؟

نه،

پس چهار سالته.

درس سی و پنجم در اینجا به پایان می‌رسد. خدانگهدارتان.

До скорого!

### درس سی و ششم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگو توجه فرمائید.

Т е к с т

متن

В ч е р а Юра и Виктор ездили на строительную выставку. Они ездили туда на автобусе. Выставка открылась в сентябре и работает уже два месяце. Там можно увидеть много интересного. Юра и Виктор долго ходили по выставке. Гид объяснял, какие дома уже строят в Моск в е и какие будут строить.

دیروز یورا و ویکتور، به نمایشگاه فناوری ساختمانی رفتند. آنها با اتوبوس به آنجا رفتند. نمایشگاه ماه سپتامبر گشایش یافت و دو ماه است که کار می کند. در آنجا می توان خیلی چیزهای جالب را دید. یورا و ویکتور مدت طولانی در نمایشگاه گردش کردند. راهنما توضیح داد چه خانه هایی در مسکو می سازند و چه خانه هایی خواهند ساخت.

С т у д е н т ы : Юра и Виктор, где вы были вчера?

دانشجویان: یورا و ویکتور، دیروز کجا بودید؟

Мы ездили на строительную выставку. Она находится на площади Гагарина.

ما به نمایشگاه فناوری های ساختمانی رفتیم. نمایشگاه در میدان گاگارین واقع است.

Н а чем вы ездили туда?

با چی رفتید؟

Н а автобусе.

با اتوبوس.

А когда открылась эта выставка?

کی نمایشگاه باز شد (گشایش یافت)؟

В сентябре.

ماه سپتامبر.

و حالا معنی لغات و جملات این متن:

О н и

آنها

е з д и л и на строительную выставку

به نمایشگاه فناوری ساختمانی رفتند

Е з д и т ь

رفتن (سواره)

В ы с т а в к а открылась в сентябре

نمایشگاه ماه سپتامبر باز شد (گشایش یافت)

С е н т я б р ь

سپتامبر

д в а м е с я ц а

دو ماه

М е с я ц

ماه

м о ж н о у в и д е т ь

می توان دید (مشاهده کرد، تماشا کرد)

м н о г о и н т е р е с н о г о

خیلی چیزهای جالب.

д о л г о х о д и л и п о в ы с т а в к е

مدت طولانی در نمایشگاه گردش کردن (راه رفتن)

Г и д о б ь я с н я л , к а к и е д о м а у ж е с т р о я т в М о с к в е и к а к и е б у д у т с т р о и т ь .

راهنما توضیح داد چه خانه هایی در مسکو می سازند و چه خانه هایی خواهند ساخت.

Г и д

راهنما

О б ь я с н я л

توضیح داد (زمان گذشته، مذکر)

О б ь я с н я т ь

توضیح دادن (مصدر)

С т р о и т ь

ساختن که سؤال آن می شود

ч т о ?

چی

و صرف آن برای نمونه چنین است:

С т р о - ю

می سازم

С т р о - и ш ь

می سازی

توجه داشته باشید که فعل ездил, ездил, ездил که مصدر آن ездить

به معنی سواره رفتن و سواره آمدن است مانند فعل ХОДИТЬ در زمان گذشته مبین حرکت بسوی هدف و برعکس است، ولی نه پیاده، بلکه سواره. این فعل نیز معادل فعل БЫТЬ به معنی بودن در زمان گذشته می باشد. توجه کنید:



Ю р а и Виктор ездил на выставку.

یورا و ویکتور به نمایشگاه رفتند (سواره)

Ю р а и Виктор были на выставке.

یورا و ویکتور در نمایشگاه بودند.

Ю р а и Виктор ходили на выставку.

یورا و ویکتور به نمایشگاه رفتند (منظور رفتند و برگشتند)

Ю р а и Виктор были на выставке.

فعل ХОДИТЬ ممکن است مبین حرکت در جهات مختلف باشد:

Ю р а и Виктор долго ходили по выставке.

یورا و ویکتور مدت زیادی در نمایشگاه گردش کردند، حرکت کردن، راه رفتند.

Т у р и с т ы ходили по городу.

توریستها در شهر گردش کردند، راه رفتند (پیاده)

по городу و по выставке شکل حالت مفعول بواسطه هستند. حالت مفعول بواسطه با حرف اضافه по برای بیان محل استعمال می شود.

حالت مفعول بواسطه اغلب اسامی مذکر مفرد دارای پسوند ы می باشد و اسامی مونث در این حالت پسوند е می گیرند.

و حالا یک جمله سئوالی:

К о г д а открылась выставка?

کی نمایشگاه باز شد؟

В ы с т а в к а открылась в сентябре.

نمایشگاه ماه سپتامبر باز شد یا گشایش یافت.

برای تعیین زمان عمل وقتی زمان با ماه تعیین و بیان می شود حالت راجعیت بکار برده می شود. مقایسه کنید:

В ы с т а в к а открылась в субботу.

نمایشگاه روز شنبه گشایش یافت (روز هفته، حالت مفعول صریح)

بعد از اعداد اصلی اسم در حالت اضافه بکار می رود:

Выставка работает уже два месяца.

نمایشگاه دو ماه است که کار می کند.

و اما در این جملات:

Преподаватель объяснял новое правило.  
معلم دستورات جدید را توضیح داد.

Что?

چی را؟

Гид объяснял, какие дома будут строить в Москве.  
راهنما توضیح داد چه خانه هایی در مسکو ساخته خواهند شد.

Что?

چه چیزی؟

در مثال دوم مفعول فعل (объяснял توضیح می داد) که-

какие дома будут строить в Москве.

است بخودی خود یک جمله کامل است. به این ترتیب این جمله را می توان جمله ترکیبی و مکمل دانست.

به خاطر دارید که در یکی از برنامه های قبلی زبان روسی شما را با ترکیب کلماتی У МЕНЯ ЕСТЬ به معنی داشتن (در اینجا من دارم) آشنا کردیم. مثلاً:

У меня есть тетрадь.

من دفتر دارم.

У вас есть книга.

شما کتاب دارید.

У нее есть кукла.

او (مونث) عروسک دارد.

У него есть мяч.

او(مذکر) توپ دارد.

برای ساخت جملات منفی در این حالت گرامری فقط از کلمه нет استفاده می شود.

У нас нет торта.

ما کیک نداریم.

حالا به مثالهای دیگری توجه فرمائید: گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

У этого мальчика есть кролик, он в ящике.

این پسر بچه خرگوش دارد. او در جعبه است.

У той девочки есть кукла, она большая.

آن دختر عروسک دارد، آن بزرگ است.

У нее есть лента, лента красная.

او روبان دارد، روبان قرمز است.

У них есть два котенка, восемь утят и двенадцать цыплят.

آنها دو بچه گربه، هشت اردک و ۱۲ جوجه دارند.

و در حالت سوالی:

Что у этой девочки в саду?

آن دختر توی باغ چه دارد؟

У нее много цветов в саду?

او گلهای زیادی در باغ دارد.

و حالا جملات دیگری در حالت سوالی:

Какого цвета твой карандаш?

مدادت چه رنگی است؟

Мой карандаш зеленый.

مداد من سبز است.

Папа, где красный флаг?

بابا پرچم سرخ کجاست؟

Он на доме.

روی پشت بام. (اما معنی تحت اللفظی می شود: روی خانه)

Мама, возьми мое пирожное.

مامان شیرینی مرا بردار.

Оно хорошее?

خوبه؟

Да, очень хорошее.

بله، خیلی خوبه.

Но я люблю лимоны.

اما من لیمو دوست دارم.

Ваш зонт новый или старый?

چتر شما نو است یا کهنه؟

Он новый.

نو است.

Те белые колокольчики серебряные?

آن زنگهای سفید نقره هستند؟

Да, те белые колокольчики серебряные.

بله، آن زنگهای سفید از نقره هستند.

Т в о и папа и мама дома?

بابا و مامانت خانه هستند؟

Да , они дома.

بله، آنها خانه هستند.

У наших детей есть 16 желтых цыплят и 15 утят.

بچه های ما ۱۶ جوجه زرد دارند و ۱۲ بچه اردک.

И х автомобиль очень старый.

ماشین آنها خیلی قدیمی است.

П р и н е с и свои игрушки!

اسباب بازی خودت را بیاور.

و حالا چند حرف دیگر روسی به شعر. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید:

"Е"

Е л е -еле буква "Е"

Р а з м е с т и л а с ь на софе.

У нее излишний вес,

П о т о м у что - много ест!

.. یواش یواش حرف «ی»

رو سر قهوه نشست

وزن اضافی داره

چون یه کمی پرخوره!

"Ё"

О ч е н ь схожа буква "Ё"

С о своей сестричкой "Е"

Н о взглядишь - на голове

Е с т ь прическа у нее!

حرف «یو»

خیلی شبیه خواهرش

«ی است»

امانگاه کنی می بینی

موهاشو درست کرده!

"Ж"

Н а четвертом этаже

Пр о ж и в а е т буква "Ж",  
А машина, запороЖец,  
Пр о ж и в а е т в гараже.

طبقه چهارم  
خونه حرف «ژه»!  
ماشین زاپاروژتس  
خونش توی گاراژه

"з"

Б у к в а "з" с отцом идет,  
В зоопарк его зовет:  
З у б р ы.Зебры.Змеи там.  
Д а ж е есть - гиппопотам!

حرف «ز» با بابا می ره  
به باغ وحش صداس می کنن  
گورخرها، مارها و گاوهای وحشی  
و حتی اسب آبی

Е л е -еле  
یوآش یوآش، سلانه سلانه

Б у к в а  
حرف

Р а з м е с т и л а с ь  
جا گرفت (زمان گذشته (مونث) (قرار گرفت، نشست)

н а софе  
روی قهوه (آخر کلمه قهوه در زبان روسی حرف «ی» اس)

и з л и ш н и й в е с  
وزن اضافی

П о т о м у ч т о  
چون

м н о г о е с т !  
خیلی می خورد!

О ч е н ь  
خیلی

С х о ж а  
شبيه است، شباهت دارد

С о своей сестричкой

با خواهر کوچکش

Но

اما

В глядись

نگاه کن

на голове

روی سرش

Прическа

آرایش مو

Этаж

طبقه

Проживает

زندگی می کند، بسر می برد

Машина

ماشین، اتومبیل

Гараж

گاراژ

Зоопарк

باغ وحش

Зубр

گاو وحشی

Зебра

گورخر

Змеи

مارها

Даже есть

حتی هست

Гиппопотам

اسب آبی

و حالا یکی دو تا طنز روسی گوش کنید:

На рынке:

- У вас куры свежие?

- Да, только вчера чихали!

در بازار

مرغای شما تازه هستن؟

آره، همین دیروز بود که عطسه می کردن!

С т а к а н воды, пожалуйста.

- С сиропом или без?

- Без сиропа.

- А без лимонного или без апельсинового?

یک استکان آب لطفاً.

با شربت یا بدون شربت؟

بدون شربت.

بدون شربت لیمو یا بدون شربت پرتقال؟

خدانگهدارتان.

!Д о скорого



### درس سی و هفتم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک متن توجه کنید. در این متن بر حالت گرامری معیت یا Творительный падеж تکیه می شود. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را به همان شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید.

Он разговаривает с братом.

او با برادرش حرف می زند.

С кем он разговаривает?

او با کی حرف می زند؟

Он разговаривает с другом.

او با دوستش حرف می زند.

Он играет с чемпионом.

او با قهرمان (ورزشی) بازی می کند.

Катя спорит с Машей.

کاتیا با ماشا بحث می کند.

Он знакомится с девушкой.

او با یک دختر آشنا می شود.

Разговор с другом

صحبت با دوست

Игра с чемпионом

بازی با قهرمان

Встреча с коллегами

دیدار با همکاران

Отец с сыном

پدر با پسر

Брат с сестрой

برادر با خواهر

Мы с тобой

من با تو

Этот ученый изучает лингвистику.

این دانشمند علم زبان شناسی را مطالعه می کند.

Я очень хочу с ним познакомиться.

خیلی دلم می خواهد با او آشنا شوم.

С кем ты поздоровался?

با کی احوالپرسی کردی؟

Это мой коллега. Мы работали вместе и много лет дружили с ним, а потом переписывались. Недавно я встретился с ним опять.

او همکار من است. ما با هم کار می کردیم ، سالها با او دوست بودیم و بعد مکاتبه کردیم. چندی پیش دوباره او را ملاقات کردم.



Ты не знаешь, с кем он разговаривает?

نمی دانی با کی حرف می زند؟

Нет, я не знаю, с кем он разговаривает.

نخیر، نمی دانم با کی حرف می زند.

و حالا حالات گرامری در زبان روسی همراه کلمات سئوالی آنها را مورد توجه شما قرار می دهیم:

Именительный (кто?)		падеж что?)
Родительный (кого?)		падеж чего?)
Дательный (кому?)		падеж чему)
Винительный (кого?)		падеж что?)
Творительный (кем?)		падеж чем?)
Предложный		падеж (о ком? о чем?)

یا می تون این حالات گرامری را به کمک این کلمات به خاطر سپرد:

Существует  
Нет  
Дать  
Вижу  
Доволен  
думаю

вспомогательные			слова:
И.п.	существует	кто?	что?
Р.п.	нет	кого?	чего?
Д.п.	дать	кому?	чему?
В.п.	вижу	кого?	что?
Т.п.	доволен	кем?	чем?
			П.п. думаю о ком? о чем?

معمولاً هنگام تدریس گرامر زبان روسی در مدارس بچه ها به کمک این کلماتی که مورد توجه شما قرار داده شد پسوندهای حالت گرامری مربوطه را پیدا کرده و به اسم باصطلاح می چسبانند.  
و اما یکبار دیگر اسامی مذکر و مونث و خنثی را برایتان یادآوری می کنیم.

آخرین حرف	خنثی	آخرین حرف	مونث	آخرین حرف	مذکر
-o	-окно	-a	-комната	--	Стол
-e	-море	-a	-студентка	--	Студент
		-я	-земля	--	Музей
		-я	-семья	--	Герой
		-ь	-дверь	-ь	День
		-ь	-новость	-ь	Словарь

стол, студент

مذکر سخت هستند (از لحاظ دارابودن حرف بیصدای سخت)

музей, герой

مذکر نرم هستند (از لحاظ دارابودن حرف صدادار نرم)

اسامی مونث معمولاً به «А, Я» ختم می شوند، مانند комната و земля.

اسامی خنثی به حروف صدادار О, Е ختم می شوند. مانند окно و море.

و اما این موارد استثنا را باید به خاطر بسپارید:

اسامی مذکری که به «А, Я» ختم می شوند، مانند юноша، جوان، мужчина، مرد، дядя.

و اما تمام اسامی که به پسوند МЯ ختم می شوند به گروه اسامی خنثی تعلق دارند مانند имя: اسم، نام، пламя، شعله

آتش، племя، قبیله، время، زمان، وقت، знамя، پرچم.

و اما یک مورد دیگر نیز وجود دارد که باعث دردسر می شود و آن اینکه اگر اسم به حرف -ь ختم شده باشد می تواند هم مذکر

باشد و هم مونث. به این دلیل باید آنها را حفظ کرد و بخاطر سپرد که هنگام استفاده پسوند در حالات گرامری دچار اشتباه نشد.

در این جا چند مثال مورد توجه شما قرار می دهیم، گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید:

مذکر	مونث
1.	Ночь شب Мышь موش
2. словарь لغتنامه	
3. учитель معلم	
4. январь ژانویه февраль فوریه	

апрель آوریل	
июнь ژوئن	
Июль ژوئیه	
Сентябрь سپتامبر	
Октябрь اکتبر	
Ноябрь نوامبر	
Декабрь دسامبر	
5.	Гордость غرور، تکبر Скорость سرعت Жидкость مایع
6. день روز	Дверь در
Корень ریشه	Тетрадь دفتر
циркуль پرگار	

و اما اسامی که به -b- و حروف Ч,Ш,Ж ختم می شوند به گروه اسامی مونث تعلق دارند و اگر بدون -b- باشند مذکر هستند مانند:

مذکر	مونث
- луч - اشعه	ночь شب
- карандаш - مداد	мышь موش
- нож چاقو، کارد	

و اما در این موارد استثنایی می توان به کمک پسوندها نیز جنس اسامی را تشخیص داد. مثلاً اسامی که به پسوند های - АРЬ - ТЕЛЬ - ختم می شوند و ماهها مذکر هستند. مانند словарь: لغتنامه، учитель - معلم و писатель نویسنده.  
و اسامی که پسوند -ОСТЬ دارند به گروه اسامی مونث تعلق دارند مانند: жидкость, гордость:

و حالا چند جمله پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم تا با طرز صحبت مردم عادی و به ویژه جوانان آشنا شوید.  
در مغازه و کافه

Я думаю, я возьму эту серую блузку...

فکر کنم این بلوز خاکستری را بخرم...

- А я бы купила вот это платье - жёлтое с большими зелёными пуговицами - смотри - как круто!

من این پیراهن را می خریدم - زرد با دکمه های بزرگ سبز. ببین، چه باحاله!

- Ты что такой кислый? Может, ещё кофе?

چرا اینقدر دمقی؟ شاید یک فنجان قهوه دیگر سفارش بدهیم؟

- Слушай, почему бы нам не пойти на дискотеку вместо того, чтобы торчать в этом дурацком кафе?

هی، گوش کن، چطور به برویم به دیسکو، به جای اینکه توی این کافه احمقانه درجا بنزیم؟

Да всё будет хорошо - чего ты волнуешься?

همه چیز روبراه خواهد شد - چرا نگرانی؟

Да ты гонишь! Я чё - машину ни разу не водил?

دروغ نگو! فکر می کنی بار اول که رانندگی می کنم؟

СОГЛАСИЕ

موافقت

Хорошо, хорошо, я согласен. Но фильм всё равно дурацкий.

خوب، خوب، موافقم. اما هر چی بگی، فیلم خیلی مزخرفی بود.

Ну, ладно, уговорил!

خوب، باشه، راضیم کردی!

Ну, если так, тогда я согласен.

خب، اگر اینطور، پس من موافقم.

Ну, если так поставить вопрос, тогда конечно.

خب، پس اگر مسأله اینطور مطرح بشود، من موافقم.

ОТКАЗ

رد

Извини, но - я знаю - ты уже разбил три машины, как я могу тебе дать свою?

ببخش، اما من می دونم - تو تا بحال سه تا ماشین را خرد و خمیر کردی، چطور می توانم ماشین خودم را به تو بدهم؟

Ты что - с ума сошёл?

چی میگی - دیوونه شدی؟

Да отстань ты / да отвяжись ты / да иди ты отсюда (со своей дурацкой идеей)!

راحتم بذار، مزاحم نشو، برو از اینجا (گمشو) با این ایده های احمقانهات!

Отвали!

مزاحم نشو! (گورتو گم کن!)

Я бы на твоём месте больше занимался в университете, вместо того чтобы ездить на всякие там острова.

اگر به جای تو بودم بیشتر به دانشگاه می رفتم تا به این جاهای جورواجور.

Ты бы лучше к экзаменам готовился, а не занимался всякой ерундой.

بہتر بود برای امتحانات آماده می شدی تا اینکه خودت را با این چیزهای پوچ مشغول کنی.

Ну, щас, разбежался я тебе давать машину! Ты сначала водить научись!

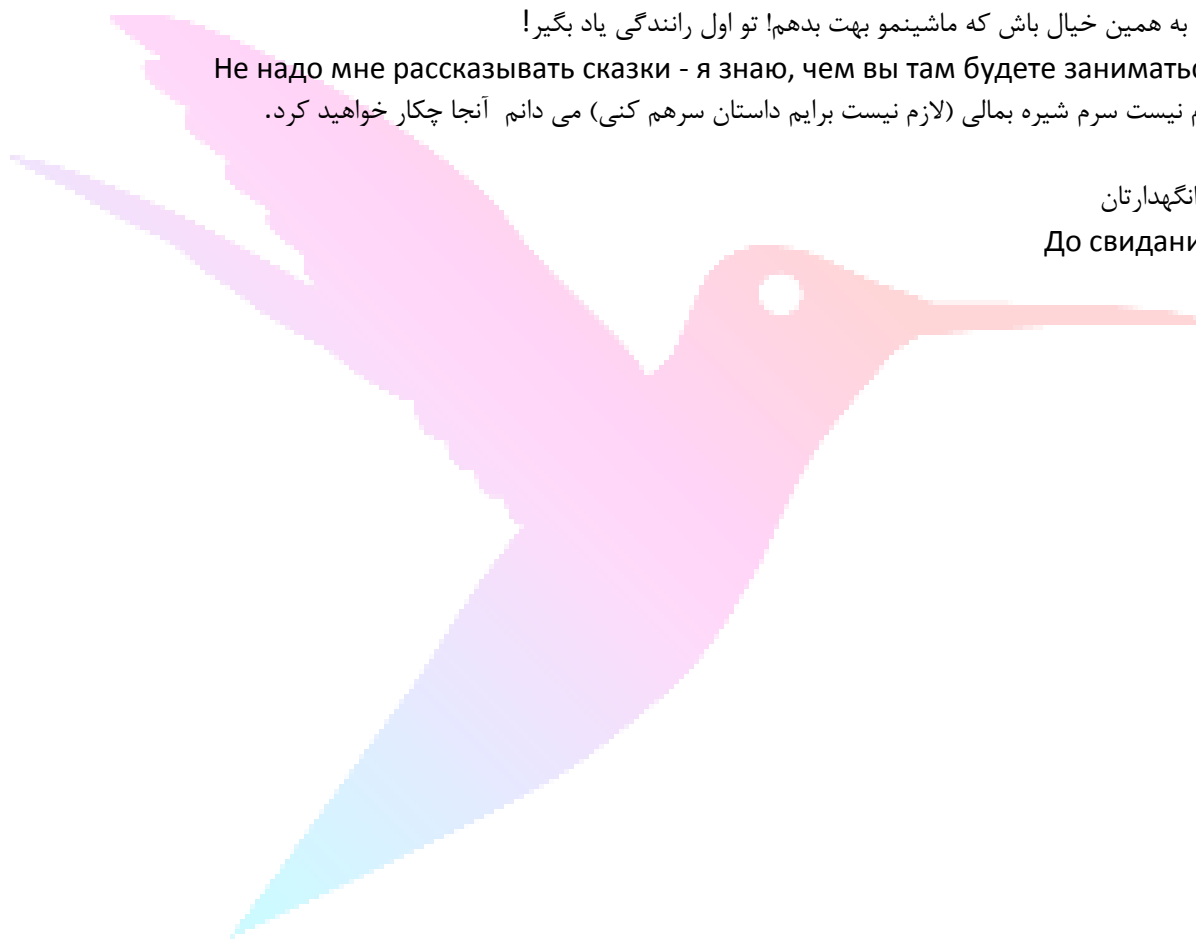
آها! به همین خیال باش که ماشینمو بہت بدهم! تو اول رانندگی یاد بگیر!

Не надо мне рассказывать сказки - я знаю, чем вы там будете заниматься.

لازم نیست سرم شیرہ بمالی (لازم نیست برایم داستان سرهم کنی) می دانم آنجا چکار خواهید کرد.

خدانگہدارتان

До свидания!



### درس سی و هشتم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک متن توجه کنید:

Во вторник вечером Наташа и ее брат Володя были дома. Наташа занималась, в Володя отдыхал. Наташа читала новый персидский текст и писала в тетради новые слова. Она прочитала две страницы и написала все новые слова. Потом она делала упражнения, учила новые правила и повторяла старые. Она сделала два упражнения, хорошо выучила новые правила и повторила старые. Потом Наташа и Володя смотрели телевизор.

روز سه شنبه عصر ناتاشا و برادرش والودیا خانه بودند. ناتاشا درس حاضر می کرد و والودیا استراحت می کرد. ناتاشا متن جدید فارسی را می خواند و کلمات جدید را در دفترش می نوشت. او دو صفحه را خواند و تمام لغات جدید را نوشت. بعداً او تمرینات را انجام داد، دستورات جدید را یاد گرفت و قدیمی ها را تکرار کرد. او دو تمرین انجام داد، بخوبی دستورات جدید را یاد گرفت و قدیمی ها را تکرار کرد. بعد ناتاشا و والودیا تلویزیون نگاه کردند.

#### Диалог

گفتگو

Наташа, что ты делала вчера вечером?

Наташа، دیروز عصر چکار کردی؟

Сначала занималась, а потом смотрела телевизор.

ابتدا درسهها را حاضر کردم و بعد تلویزیون تماشا کردم.

Ты повторила второй урок?

تو درس دوم را تکرار کردی؟

Да, я буду завтра отвечать.

بله، فردا باید جواب بدهم.

#### Во вторник

روز سه شنبه

Вечером

عصر

Наташа занималась, в Володя отдыхал

ناتاشا درس حاضر می کرد و والودیا استراحت می کرد

Отдыхать

استراحت کردن

Отдыхаю

استراحت می کنم

Отдыхаешь

استراحت می کنی

Прочитать

خواندن

две страницы

دو صفحه

Страница

صفحه، ورق، برگ

Написать

نوشتن

все новые слова

تمام لغات جدید

Учить

یاد گرفتن

Выучить

یاد گرفتن

что?

چی را؟

Сделать

انجام دادن، کردن

Повторить

تکرار کردن

Ты повторила второй урок?

تو درس دوم را تکرار کردی؟

Я буду завтра отвечать

من فردا جواب خواهم داد.

افعال استمراری		افعال غیر استمراری	
читать	خواندن	прочитать	خواندن
писать	نوشتن	Написать	نوشتن
делать	کردن، انجام دادن	Сделать	کردن، انجام دادن
учить	یاد گرفتن	Выучить	یاد گرفتن
повторять	تکرار کردن	Повторить	تکرار کردن

در زبان روسی بیشتر افعال از یک زوج عبارتند که یکی را فعل استمراری و دیگری را فعل غیر استمراری می نامند و هر دو فعل دارای معنای یکسانی هستند ولی از لحاظ خصوصیت عملی متفاوتند. مقایسه کنید:

Вечером Наташа занималась: она читала текст, писала и учила слова, делала упражнения.  
عصر ناتاشا درس حاضر می کرد: او متن را می خواند، کلمات را می نوشت و یاد می گرفت، تمرینات را انجام می داد.

و در مورد دیگر که زمان گذشته است افعال همین جملات به شکل متفاوتی استفاده می شود:

Она прочитала текст, написала и выучила слова, сделала упражнения.

او متن را خواند، کلمات را نوشت و یاد گرفت، تمرینات را انجام داد.

افعال جمله اول افعال استمراری هستند و نشاندهنده جریان عمل می باشند. افعال جمله دوم افعال غیر استمراری و مبین عمل تمام شده و به پایان رسیده می باشند و توجه را به نتیجه عمل معطوف می دارند. написала слова بدان معنی است که اولاً عمل نوشتن تمام شده و دوماً تمام کلمات در دفتر او نوشته شده است. در متن ممکن است کلماتی باشد که بخصوص نشان دهنده نتیجه عملی است که به وسیله فعل غیر استمراری بیان گردیده است. توجه کنید:

Она прочитала две страницы и хорошо выучила новые слова.

او دو صفحه خواند و کلمات تازه را خوب یاد گرفت.

توجه داشته باشید که با وجود زمان مشخص گذشته اما منظور از افعال پیشوند دار بیشتر پایان عمل است. افعال غیر استمراری به کمک پیشوندها و پسوندهای مختلف از افعال استمراری ساخته می شوند. قبلاً تعدادی از آنها را برایتان خواندیم. و حالا زمان گذشته فعل با پسوند СЯ پس از حروف بیصدا پسوند СЯ قرار می گیرد و پس از حروف صدادار پسوند Сь توجه فرمائید:

Заниматься

Я,ты,он занимался

Я, ты, она занималась

Мы,вы,они занимались

و اما در مورد عدد «۲». این عدد به دو شکل استعمال می شود ДВА: برای مذکر و خنثی و ДВЕ برای مؤنث. مقایسه کنید:

Наташа прочитала два текста.

ناتاشا دو متن را خواند.

Она сделала два упражнения.

او دو تمرین را انجام داد.

Она прочитала две страницы.

او دو صفحه را انجام داد.

اشکال حالت اضافی اسامی خنثی در حالت مفرد چنین است:

Два упражнения, два воскресенья, два правила.



تعداد شخص	Падеж	
	Именительный حالت فاعلی	Объектный
Единственное مفرد	1	я من меня, мне به من
	2	Ты تو тебя, тебе به تو
	3	он Его, او (مذکر) ему به او она ее, او (مونث) ей به او Оно его, ее, ему, ей آن به آن
Множественное جمع	1	мы ما нас, нам به ما
	2	Вы شما вас, вам به شما
	3	они آنها их, им به آنها

Притяжательные местоимения:

Личные местоимения ضمایر شخصی	Притяжательные местоимения ضمایر ملکی	
	1-я -форма شکل اول	2-я- форма شکل دوم
	Единственное число مفرد	
я من	мой, моя, мое, мои مال من	мой, моя, мое, мои
он او (مذکر)	его مال او	его
Она او (مونث)	Ее مال او	ее
оно آن (خنثی)	его, ее مال آن	его, ее

## دوره آموزش زبان روسی به فارسی صدای روسیه

		Множественное число جمع
Мы ما	наш, наша, наше, наши مال ما	наш, наша, наше, наши
вы شما	ваш, ваша, ваше, ваши مال شما	ваш, ваша, ваше, ваши
Они آنها	их مال آنها	их

Лицо شخص	Единственное число مفرد	Множественное число جمع
1	себя, сам(а) خودم	себя, сами خودمان
2	себя, сам(а), сами خودت	себя, сами خودتان
3	себя, сам خودش себя, сама خودش (مونث) себя, сам, сама, само خودش	себя, сами خودشان

Один другого, друг друга. به ضمائر متقابل مربوط می شوند. و حالا ضمائر اشاره را تکرار می کنیم.

### Указательные местоимения

ضمير اشاره

Единственное число مفرد	Множественное число جمع
этот, эта, это این (مذکر، مونث، خنثی)	эти اینها
тог, та, то آن	те آنها

### Вопросительно-относительные местоимения

ضمير استفهامی و نسبیت

кто -whom کого, кому, что, какой; чей; который.

و حال به داستان درس امروز می پردازیم.

پیرزن

Старушка подметала свой дом и нашла изогнутую маленькую денежку.

پیرزن داشت کف اتاقش را جارو می زد که یک سکه کوچک کج و معوج پیدا کرد.

Что,- сказала она, я сделаю с этим грошиком?

او گفت: با این سکه کوچک چکار کنم؟

Я пойду на базар и куплю козленка.

می روم بازار و یک بزغاله می خرم.

Когда она шла домой, подошла к перелазу; козленок не захотел перелезть через перелаз.

پیرزن وقتی به خانه برمی گشت به حصار کم ارتفاعی رسید، اما بزغاله نمی خواست از روی آن رد شود.

Она прошла немного дальше и встретила собаку. И вот она сказала собаке: собака, собака, укуси козленка. Но собака не захотела.

پیرزن کمی دورتر رفت و به سگی برخورد. در این موقع به سگ گفت: سگ، سگ، بزغاله را گاز بگیر. اما سگ نمی خواست اینکار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила палку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و چوبی را دید.

И вот она сказала: «Палка, палка, побей собаку!» Но палка не захотела.

او گفت: چوب، چوب، سگ رو بز!» اما چوب نمی خواست اینکار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила огонь.

او کمی دورتر رفت و آتش را دید.

И вот она сказала: «Огонь, огонь, сожги палку!» Но огонь не захотел.

پیرزن گفت: « آتش، آتش چوب را بسوزان!» اما آتش نمی خواست این کار را بکند.

И она прошла немного дальше и встретила водичку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و به آب برخورد.

Тогда она сказала: «Водичка, водичка, потуши огонь!» Но вода не захотела.

او گفت: « آب، آب آتش را خاموش کن!» اما آب نمی خواست اینکار را بکند.

И она пошла немного дальше и встретила быка.

او کمی جلوتر رفت و به گاو نری برخورد.

И вот она сказала: «Бык, бык, выпей воду!». Но бык не захотел.

پیرزن گفت: « گاو، گاو، آب را بنوش!» اما گاو نمی خواست اینکار را بکند.

И она пошла немного дальше и встретила мясника.

پیرزن کمی جلوتر رفت و به قصاب برخورد.

Тогда она сказала: «Мясник, мясник, убей быка».

و گفت: « قصاب، قصاب، گاو را بکش!»

Но мясник не захотел.

اما قصاب نمی خواست اینکار را بکند.

И вот она пошла немного дальше и встретила веревку.

پیرزن کمی جلوتر رفت و به طناب برخورد.

И она сказала: « Веревка , веревка, повесь мясника!» Но веревка не захотела.

او گفتک «طناب، طناب، قصاب را آویزان کن!» اما طناب نمی‌خواست اینکار را بکند.

И вот она пошла немного дальше и встретила крысу.

در این موقع پیرزن کمی جلوتر رفت تا موشی را دید.

Тогда она сказала: «Крыса, крыса, перегрызи веревку!» Но крыса не захотела.

در این موقع او گفت: «موش، موش، طناب را بجو!» اما موش نمی‌خواست اینکار را بکند.

Затем она встретила кошку. И вот она сказала: «Кошка, кошка, съешь крысу.»

بعد پیرزن به گربه‌ای برخورد و گفت: کربه، گربه، موش را بخور.

Кошка сказала ей: «Если ты пойдешь вон к той корове и принесешь мне  
блюдечко молока, я съем крысу.»

گربه به او گفت: «اگر تو بروی آنجا و از آن گاو یک نعلبکی شیر بیاوری من موش را خواهم خورد.»

И вот пошла старушка к корове и сказала: «Корова, корова, дай мне блюдечко молока.»

پیرزن به سراغ گاو رفت و گفت: گاو، گاو، یه نعلبکی شیر به من بده.»

Но корова сказала ей: «Если ты пойдешь вон к тем косарям и принесешь мне  
клок сена, я дам тебе молоко.»

اما گاو گفت: اگر تو بروی سراغ آن دروگر و از او علف بگیری و بیاوری من به تو شیر خواهم داد.

И вот пошла старушка к косарям и сказала: «Косари, косари, дайте мне клочок сена.»

به این ترتیب پیرزن سراغ دروگران رفت و گفت: دروگران، دروگران کمی علف به من بدهید.

Но косари сказали ей: «Если ты пойдешь вон к той речке и принесешь нам ведро воды,  
мы дадим тебе сено.»

اما دروگران به او گفتند: «اگر بری آنجا و از آن رودخانه سطلی آب بیاوری ما به تو علف خواهیم داد.»

И вот прочь старушка пошла, но, когда она добралась до речки, обнаружила в ведре  
много дыр.

پیرزن رفت، اما وقتی به رودخانه رسید متوجه شد که ته سطل پر از سوراخ است.

Тогда покрыла она дно камешками, а затем наполнила ведро водой.

پیرزن ته سطل را با سنگریزه‌ها پوشاند و بعد آنرا پر از آب کرد.

И вот пошла она обратно с ним к косарям, и они дали ей клочок сена.

سطل را بلند کرد و نزد دروگران برگشت و آنها به او یک بسته علف دادند.

Старушка поблагодарила их от всего сердца.

پیرزن از آنها تشکر کرد.

Она понесла клочок сена назад корове и положила его на землю.

او علف را برای گاو برد و روی زمین گذاشت.

Как только корова съела сено, она дала старушке молока, и вот пошла она с  
блюдечком  
молока к кошке.

همینکه گاو علفها را خورد، به پیرزن شیر داد و پیرزن با یک نعلبکی شیر پیش گربه رفت.

Как только кошка вылакала молоко...

و همینکه گربه شیر را خورد.

.Все прошло гладко для старушки, и она наконец добралась в ту ночь домой с козленком

همه کارهای پیرزن روبراه شد و او توانست آن شب با بزغاله بالاخره به خانه برگردد.

درس سی و هشتم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان  
До свидания



### درس سی و نهم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار می دهیم:

توجه داشته باشید که معنای جملات روسی تا حدودی ممکن است از حالت تحت اللفظی برخوردار باشند. این کار عمداً انجام می شود تا معنای لغات روسی دقیقاً به همان شکلی که در روسی آمده است برگردانده شوند و برای علاقمندان به یادگیری این زبان پیدا کردن واژه ها و معانی آنها راحت تر باشد.

В четверг Таня не была в институте. Когда кончился последний урок, Наташа позвонила ей по телефону. Оказалось, что Таня больна. Наташа рассказала ей, что они делали в институте, и передала привет от Юры и Виктора.

Она обещала Тане позвонить в субботу.

روز پنجشنبه تانیا در انستیتو نبود. وقتی درس آخر تمام شد ناتاشا به او تلفن کرد. معلوم شد تانیا بیمار است. ناتاشا برایش تعریف کرد در انستیتوی چکار کردند و سلام یورا و ویکتور را به او رساند. او به تانیا قول داد روز شنبه زنگ بزند.

Диалог

گفتگو

Наташа, ты не знаешь, почему Таня не была в институте?

ناتاشا، تو نمی دانی چرا تانیا در انستیتو نبود؟

Она больна. Я звонила ей по телефону.

او مریض است. من به او تلفن کردم.

Передай ей привет!

بهش سلام برسون!

و حالا معانی لغات و جملات:

В четверг

روز پنجشنبه

Когда кончился последний урок

وقتی درس آخر تمام شد

Кончиться

تمام شدن، به پایان رسیدن (مصدر)

Последний

آخری، آخرین

позвонила ей по телефону

به او تلفن کرد

Позвонить

تلفن کردن، زنگ زدن (غیر استمراری)

Звонить

تلفن کردن، زنگ زدن (استمراری)

Звоню

زنگ می زنم

Звонишь

زنگ می زنی

Телефон

تلفن

Оказалось, что

معلوم شد که

рассказала ей, что они делали в институте

برایش تعریف کرد آنها در انستیتو چکار کردند

Рассказать

تعریف کردن، حکایت کردن

передала привет от кого-то

سلام رساندن از طرف کسی

обещала Тане позвонить в субботу

به تانیا قول داد روز شنبه زنگ بزند

Обещать

قول دادن

Обещаю

قول می دهم

Обещаешь

قول می دهی

Передай ей привет!

به او سلام برسان!

توجه داشته باشید که اگر با علائم مختصر Сов.в. ، Несов.в.، روبرو شدید بدانید که آنها علائم اختصاری  
Совершенный вид، несовершенный вид، علائم اختصاری افعال غیر استمراری و استمراری هستند.  
و حالا به مقایسه دو جمله می پردازیم:

урок закончился.

درس تمام شد.

Что?

چی؟

Преподаватель закончил урок.

استاد درس را تمام کرد.(استاد مذکر)

Что делать?

چکار کردن

Мы закончили заниматься.

ما درس را تمام کردیم.

فعل закончиться با فعل بدون پسوند **СЯ** یعنی فعل закончить مطابقت دارد. توجه داشته باشید که فعل دارای پسوند **СЯ** با فاعلی بکار می رود که مبین اسامی غیرجاندار است. فعل بدون **СЯ** با فاعلی بکار می رود که مبین اسامی جاندار بوده و مفعولی دارد که عبارت است از اسم در حالت مفعول صریح و یا مصدر فعل. برای تعیین مخاطب یا گیرنده، حالت مفعول بواسطه بکار می رود که سؤال آن **Кому?** یعنی به کی؟ است.

звонить-позвонить

Тане, Анне, Юре  
Аббасу, Ахмаду, Фатиме

به خاطر داشته باشید که اسامی مذکر مختوم به حرف بیصدای نرم پسوند **Ю** دارند. کلمه **Юра** مانند اسامی مونث صرف می شود.

و حالا حالت مفعول بواسطه ضمائر شخصی سوم شخص را به خاطر بسپارید:

Она-ей  
Наташа позвонила ей по телефону  
Он-ему  
Наташа позвонила ему по телефону  
Они-им  
Наташа позвонила им по телефону

برخی افعال بیش از یک مفعول دارند:

Рассказать-кому? Что?  
Обещать-кому? Что?

مفعول فعل **Рассказать** در جواب سؤال **Что?** اغلب یک جمله کامل است و مفعول فعل **Обещать** مصدر فعل دیگر:  
Наташа рассказала ей, что они делали в институте.  
Она обещала Тане позвонить в субботу.

Наташа передала привет от Юры и Виктора.  
ناتاشا از طرف یورا و ویکتور سلام رساند.

حرف اضافه **от** با حالت اضافه برای بیان شخصی که منشأ عمل است بکار می رود. و حالا جمله‌ای که مخاطب از متن معلوم می شود:

Передала Тане (ей) привет от Юры и Виктора.  
و اگر شخصی که منشأ عمل است خود گوینده باشد ممکن است مفعول دوم نیز حذف گردد:  
Передай ей привет от меня, от нас.  
از طرف من، از طرف ما سلام برسان.



افعال غیر استمراری اغلب برای بیان یک سلسله اعمالی بکار می‌رود که یکی پس از دیگری صورت گرفته و هر عمل بعد از انجام عمل ماقبل آغاز می‌گردد:

Урок кончился, Наташа позвонила Тане, рассказала ей, что..., передала привет от Юры.  
افعال استمراری اغلب برای بیان یک عمل تنها در گذشته بدون ارتباط با خاتمه عمل قبلی بکار می‌رود.  
Таня больна. Я звонила ей по телефону.

Оказалось, что она больна.  
звонить-позвонить  
подруге, другу,...по телефону  
передай  
передайте  
ей,ему,им привет!

و حالا از شما دعوت می‌کنیم به چند جمله در رابطه با ضمائر شخصی در حالات مختلف گرامری توجه فرمائید:

Не можете ли Вы сказать мне, где живет Юра?

می‌توانید به من بگوئید یورا کجا زندگی می‌کند؟

Что тебе от него надо, мальчик?

پسر، چکارش داری؟

Они (безработные) подбирали корки апельсинов, кожуру яблок и ели их.

آنها (بیکاران) پوست پرتقال و سیب را جمع می‌کردند و می‌خوردند.

Он сказал мне, что он еще ничего не ел сегодня.

او به من گفت که امروز هنوز هیچی نخورده است.

Им невозможно было уехать.

آنها نمی‌توانستند بروند.

Они радовались своим успехам, и я радовался вместе с ними.

آنها به خاطر موفقیت خود خوشحال بودند و من هم در شادی آنها شریک شدم (یا با آنها شاد شدم)

чей?

مال کی؟

Это ее дело, не ваше.

این کار اوست، نه مال شما (یا این امر به او مربوط می‌شود نه به شما)

Вот ваша шляпа, а где моя?

کلاه شما اینهاش، مال من کو؟

Я принес свой словарь.

من فرهنگ لغات خودم را آوردم.

Студент (он) принес свой словарь.

دانشجو، (او- مذکر) فرهنگ لغات خودش را آورد.

Студентка (она) принесла свой словарь

دانشجو (او- مؤنث) فرهنگ لغات خودش را آورد.

Мы принесли свои словари.

ما فرهنگ لغات خودمان را آوردیم.

Студенты (они) принесли свои словари.

دانشجویان (آنها-جمع) فرهنگ لغات خودشان را آوردند.

Он сует руки в карманы и прохаживается по комнате.

او دستانش را توی جیبش می کند و توی اتاق قدم می زند.

و حالا توجه فرمائید که себя ضمیر شخصی (خودم) در اول شخص و دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع چگونه به کار برده

می شود و هیچ تغییری نمی کند.

Я спросил себя.

من از خودم پرسیدم.

Он спросил себя.

او از خودش پرسید.

Она спросила себя.

آنها از خودشان پرسیدند.

Мы спросили себя.

ما از خودمان پرسیدیم.

Вы спросили себя.

تو از خودت پرسیدی.

Вы спросили себя.

شما از خودتان پرسیدید.

Они спросили себя.

آنها از خودشان پرسیدند.

Это такая вещь, которую нельзя сделать самому.

این چیزی است که نباید خودم انجامش بدهم.

Улицы были так похожи одна на другую, что можно было легко

заблудиться.

خیابانها آنقدر شبیه یکدیگر بودند که براحتی می شد گم شد.

Они посмотрели друг на друга и улыбнулись.

آنها بهم (به یکدیگر) نگاه کردند و لبخند زدند.

“Мы остановимся здесь, на этом месте... Но, смотри, что это на реке..., там, на той скале?”

ما در اینجا توقف می کنیم، در همینجا. اما، ببین آنجا روی آن صخره چه رودخانه ای روان است؟

Что это такое?

این چیست؟

Эти люди также верят в будущее, но они и борются за него.

این آدمها هم به آینده باور دارند اما آنها برایش مبارزه می کنند.

Кто помогает вам в работе?

کی در کارها به شما کمک می کند؟

Кто изобрел радио?

مخترع رادیو کی بود؟

Кто они (эти люди)?

آنها (این آدمها) کی هستن؟

Кто она (эта девушка)?

او (این دختر) کیست؟

Эта девушка, которой едва исполнилось 20, уже проработала 5 лет.

این دختر که تازه بیست سالش شده پنج سال است که کار می کند.

Кого вы представляете?

شما چه کسی را معرفی می کنید؟

Кем был открыт этот закон?

این قانون توسط کی اختراع شد؟

Кому вы отдали книгу?

کتاب را به کی دادید؟

و حالا چند حرف الفبای روسی را بصورت شعر مورد توجه شما قرار میدهیم. گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید و سعی

کنید معانی آنها را برایمان از طریق ایمیل یا نامه ارسال کنید.

"И"

"И" - известная игрунья:

И - певунья, и - плясунья.

Буква "И" уже с утра

Говорит:-Играть пора!..

"Й"

Попрыгуншка воробей,

Голосистый соловей,

Даже бильярдный кий -

Все кончаются на "Й"

"К"

Быть мечтает космонавтом

Маленькая буква "К"

Кушай кашку, буква "К" -

Полетишь наверняка!

"Л"

Очень много разных дел

У малютки буквы "Л":

Поливает огород -

Слезы попусту не льет.

و بدینجا درس سی ونهم زبان روسی به پایان می رسد. خدانگهدارتان

До свидания!

درس چهارم

ابتدا چند لغت و جمله پر کاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید:

Спасибо.

متشکرم

Большое спасибо.

خیلی متشکرم

Спасибо за угощение.

خیلی ممنون به خاطر غذا.

За гостеприимство.

به خاطر مهماننوازی

За помощь.

به خاطر کمک

За приглашение.

به خاطر دعوت

За подарок.

به خاطر هدیه

За приятный вечер.

به خاطر عصری خوب یا مهمانی خوب

Не стоит благодарности.

نیازی به تشکر نیست

Рад был помочь вам.

از کمک به شما خوشحال شدم (خوشحال شدم توانستم به شما کمک کنم) (مذکر)

Рада была помочь вам.

همان معنی ولی فاعل مونث است

Прошу прощения.

ببخشید. (تقاضای بخشش می کنم)

Простите, не понял?

ببخشید نفهمیدم؟

Кто это?

این کیه؟

Что это такое?

این چیه؟

Почему?

چرا؟

Зачем? Для чего?

به چه دلیل؟ برای چه؟

Когда?

کی، چه وقت؟

Где?

کجا؟

В чем дело?

موضوع از چه قراره؟ چی شده؟

Что здесь происходит?

اینجا چه خبره؟

Что случилось?

چه اتفاقی افتاده است؟

Куда вы едете? Куда вы идете?

کجا می روید (سواره)؟ کجا می روید (پیاده)؟

Откуда вы прибыли?

شما از کجا آمدید؟ (وارد شدید؟)

Из какой вы страны?

از چه کشوری هستید؟

Текст

متن

В пятницу занятия кончились рано, потому что не было последнего урока.

روز جمعه درسها زود تمام شدند، زیرا درس آخر نبود.

Наташа позвонила домой и сказала, что пойдет к Тане.

ناتاشا به خانه تلفن کرد و گفت می رود سراغ تانیا.

Наташа шла пешком. Сначала она шла по проспекту Победы, а потом по улице Тверской.

По дороге она купила Тане цветы. Таня была очень рада, что пришла Наташа. Они давно

не виделись. Наташа ушла поздно.

ناتاشا پیاده رفت. ابتدا خیابان «پابدا» (پیروزی) را طی کرد بعد خیابان «تورسکایا» را. در راه برای تانیا گل خرید. تانیا از اینکه

ناتاشا سراغش رفته بود خیلی خوشحال شد. خیلی وقت بود همدیگر را ندیده بودند. ناتاشا مدت طولانی پیش او بود. (یا دیروقت

خانه او را ترک کرد.)

گفتگو بین ناتاشا و مادرش

Мама, это ты?

ماما، خودتی؟

Да, что ты хочешь, Наташа?

آره، چکار داری ناتاشا؟

Занятия уже кончились. Я пойду к Тане. Приду домой поздно.

درسها تمام شده است. من می روم خانه تانیا. دیر برمی گردم خانه.

Хорошо. Передай Тане привет!

باشه. سلام مرا به تانیا برسان!

و حالا معانی لغات و جملات این متن:

В пятницу

روز جمعه

Занятия

درس

Рано

زود

потому что не было последнего урока

چون درس آخر نبود

сказала, что пойдет к Тане

گفت که سراغ تانیا می رود

Сказать

گفتن

шла пешком

پیاده رفت

по дороге

در راه

Цветы

گلها

она была очень рада, что пришла Наташа

او خیلی خوشحال بود که ناتاشا آمد

рад, рада, рады

خوشحال بودن (مذکر، مؤنث و جمع)

Прийти

آمدن

Ушла

رفت

Уйти

رفتن

приду домой поздно

دیر به خانه می آیم

куда?

کجا؟

К кому?

پیش کی؟ نزد کی؟

Пойдет к Тане.

می رود پیش تانیا.

این شکل مفعول بواسطه با حرف اضافه K می باشد و برای بیان حرکت بطرف کسی بکار می رود. سؤال? куда? یا? кому? K  
نزد کی؟ می باشد. مقایسه کنید:

حرکت به جایی

Пойду

می روم

Куда?

کجا؟

В институт.

به انستیتو

На выставку.

به نمایشگاه

صیغه های زمان گذشته فعل ИДТИ عبارتند از: шел, шла, шли :

مقایسه کنید:

Наташа идет в институт.

ناتاشا به انستیتو می رود.

Наташа шла медленно.

ناتاشا آهسته می رود.

فعل шел, шла, шли که مبین جریان حرکت در سمت معین می باشد را با فعل ХОДИТЬ که ممکن است مبین حرکت در  
سمت‌های مختلف باشد مقایسه کنید:

Сначала она шла по проспекту Победы, а потом по улице Тверской.

Юра и Виктор долго ходили по выставке.

دو فعل حرکتی

Прийти

آمدن

Уйти

رفتن

پیشوند При نشانه آمدن فاعل به جایی است. پیشوند У نشانه ترک محلی است که فاعل در آنجا بوده است. هر دو فعل افعال  
غیر استمراری هستند. و حالا صرف زمان آینده این دو فعل:

Я приду

من می آیم

Ты придешь

تو می آیی و الی آخر

Он, она придет

Мы придем

Вы придете

Они придут

Я уйду

من می روم

Ты уйдешь

تو می روی و الی آخر

Он, она уйдет

Мы уйдем

Вы уйдете

Они уйдут

زمان گذشته

Пришел

Пришла

Пришли

Ушел

Ушла

Ушли

افعال استمراری زمان حال، زمان گذشته و زمان آینده مرکب دارند. افعال غیراستمراری فقط دو زمان دارند: زمان گذشته و زمان آینده ساده.

توجه کنید:

استمراری

писать

زمان حال

Я пишу

زمان گذشته

Я писал

زمان آینده

Я буду писать

غیر استمراری

Придти, уйти

زمان حال ندارد

Я пришел, ушел

زمان گذشته

Я приду, уйду

زمان آینده

برخی از افعال غیراستمراری به وسیله پیشوندهایی از افعال استمراری مشتق می گردند. زمان آینده افعال غیراستمراری از لحاظ شکل درست مانند زمان حال افعال استمراری می باشد که از آنها مشتق گردیده اند. مقایسه کنید:

زمان حال



Я пишу

من می نویسم

Ты читаешь

تو می خوانی

Он учит

او یاد می دهد

Мы делаем

ما انجام می دهیم

Вы звоните

شما زنگ می زنید

و زمان آینده همین افعال به این شکل می باشد:

Я напишу

Ты прочитаешь

Он выучит

Мы сделаем

Вы позвоните

و اما صیغه های زمان آینده افعال استمراری را که به وسیله پسوندهایی از افعال استمراری مشتق می شوند، باید بطور جداگانه به خاطر سپرد. مقایسه کنید:

Повторять

تکرار کردن (زمان حال)

Я повторяю

تکرار می کنم

Ты повторяешь

تکرار می کنی

Повторить

زمان آینده که صرف آن به این شکل می شود:

Я повторю

Ты повторишь

نمونه دیگر:

Звонить-позвонить домой

زنگ زدن، به خانه زنگ زدن (تلفن کردن)

По дороге я купила цветы

سر راه گل خریدم

Рано-поздно

زود-دیر

Прийти-уйти

آمدن-رفتن

و حالا قطعه شعری مورد توجه شما قرار داده می شود.

ЧЕРНЫЙ ЧЕЛОВЕК  
Друг мой, друг мой,  
Я очень и очень болен.  
Сам не знаю, откуда взялась эта боль.  
То ли ветер свистит  
Над пустым и безлюдным полем,  
То ль, как рощу в сентябрь,  
Осыпает мозги алкоголь.

Голова моя машет ушами,  
Как крыльями птица.  
Ей на шее ноги  
Маячить больше невмочь.  
Черный человек,  
Черный, черный,  
Черный человек  
На кровать ко мне садится,  
Черный человек  
Спать не дает мне всю ночь.

آدم سیاه

دوست من، دوست من  
خیلی بیمارم  
نمی دانم این درد  
از کجا بر سرم نازل شده.  
یا باد سوت زنان از روی مزرعه خشک و بی حاصل درگذر است  
یا مثل بیشه در ماه سپتامبر  
مغزم از درد مستی فرو می ریزد  
کلهام  
گوشها را مثل بالهای پرندگان  
تکان می دهد  
و دیگر نمی تواند به راست و چپ  
بچرخد.  
آدم سیاه  
آدم سیاه  
آدم سیاه  
روی تخت

کنارم می نشیند  
آدم سیاه  
شب و خواب  
از چشمم برمی گیرد.

درس چهلّم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. تا برنامه ای دیگر خدانگهدارتان  
До свидания!



درس چل و یکم

درس امروز را با توضیحات بیشتری در باره حالت گرامی معیت در زبان روسی آغاز می کنیم که سؤال آن **С кем? Чем? یا С кем? С чем?** است. گوش کنید، در چند ثانیه مکث معرفی شده تکرار کنید و سعی کنید ساختار جملات را به همان شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید.

**Он интересуется ботаникой.**

او از گیاهشناسی خوشش می آید.

**Чем он интересуется?**

او از چه چیزی خوشش می آید؟

**Он занимается спортом.**

او به ورزش اشتغال دارد.

**Она работает библиотекарем.**

او (مونث) کتابدار است.

**Он ест ложкой.**

او (مذکر) با قاشق غذا می خورد.

**Она машет рукой.**

او (مونث) دستش را تکان می دهد.

**Он режет ножницами.**

او با قیچی می برد.

**Она любит море.**

او به نظاره دریا نشسته است.

**Чем занимаются ваши дети?**

بچه های شما چکار می کنند؟ یا به چه کاری اشتغال دارند؟

**Сын филолог. Он заведует кафедрой. Дочь еще не решила, кем она будет.**

**Она увлекается физикой, химией, любит заниматься музыкой и языками. Я очень люблю своих детей и горжусь ими.**

پسرم زبان شناس است. او رئیس کرسی است. دخترم هنوز تصمیم نگرفته چکاره می خواهد بشود. او از فیزیک و شیمی خوشش می آید و یادگیری موسیقی و زبانها را دوست دارد. من خیلی بچه هایم را دوست دارم و به آنها افتخار می کنم.

و حالا صرف ضمائر شخصی حالت گرامری در جواب به سؤال **Кем? یا کی?**

**Он-им**

**Они-ими**

**Она-ею**

**С кем?**

**С ним**

**С ней (с нею)**

С ними

حالت تخصیص

Предложный падеж

О чем?

در باره چی؟

О ком?

در باره کی؟

Именительный падеж

حالت فاعلی

Я, Ты, Он, Она

Предложный падеж

حالت تخصیص

о б о мне, о тебе, о нем, о ней

جمع

Именительный падеж

Мы, Вы, Они

Предложный падеж

О нас, о вас, о них

حالا به نمونه‌های این حالت گرامری توجه فرمائید .

О н а мечтает о сцене.

او آرزو رفتن روی صحنه را دارد.

О чем она мечтает?

او چه آرزویی دارد؟

О н а мечтает о сцене.

О ком он рассказывает?

او در باره کی حرف می زند؟

О н рассказывает о друге.

او در باره دوستش تعریف می کند.

Они говорят о матче.

آنها در باره بازی صحبت می کنند.

Он думает о сыне.

او به پسرش فکر می کند.

Она рассказывает о Пушкине.

او (مونث) در باره پوشکین تعریف می کند.

Разговор о Москве

صحبت در باره مسکو

Рассказ о Пушкине

تعریف در باره پوشکین

Мечта о полетах

آرزوی پرواز

Екатерина Петровна, расскажите нам о Москве!

یکاترینا پطروونا در باره مسکو برایمان تعریف کنید!

С удовольствием. Вы должны много знать об этом городе.

با کمال میل. شما باید خیلی چیزها در باره این شهر بدانید.

О чем ты думаешь?

به چی فکر می کنی؟

Не о чем, а о ком. Я думаю о Тане. У нее завтра экзамен, а она не думает о нем. Танцует, слушает музыку и не занимается.

نه در باره چی، در باره کی. فردا امتحان دارد و او (مونث) به آن فکر نمی کند. می رقصد، موسیقی گوش می کند و درس نمی خواند.

Надо поговорить с ней.

باید با او حرف زد.

Таня, ты забыла, что у тебя завтра экзамен?

تانیا یادت رفته که فردا امتحان داری؟

Нет, папочка. Я, конечно, помню об экзамене, но не надо о нем говорить. У меня еще есть время. Вечером я буду заниматься.

نه، باباجون، البته که امتحان یادمه، اما بهتره درباره اش حرفی نزنیم. هنوز وقت دارم. شب درسها را حاضر خواهم کرد.

حالا ترکیب Вам нравится را تکرار می کنیم که از ضمائر شخصی در حالت گرامری Дательный падеж و فعل ساخته می شود. توجه فرمائید:

Вам нравится

شما خوشتان می آید

- Вам нравится футбол?

شما از فوتبال خوشتان می آید؟

- Мне не очень нравится футбол. Но я люблю смотреть, когда играет российская сборная.

من زیاد از فوتبال خوشم نمی آید، اما دوست دارم بازی تیم روسیه را تماشا کنم.

- Вы любите русскую литературу?

شما ادبیات روسی را دوست دارید؟

- Да, я обожаю Пушкина, Толстого, Достоевского.

بله، ما شیفته پوشکین، تولستوی و داستایوسکی هستیم.

- Что вы не любите?

چه چیزی را دوست ندارید؟

- О, я терпеть не могу бейсбол, любовные романы и фильмы ужасов!

از بیسبال، رمان های عاشقانه و فیلم های ترسناک بدم می آید!

- Вам нравится жить в Тегеране?

شما از زندگی در تهران خوشتان می آید؟

- Не знаю... Это интересный город, но слишком шумный.

نمی دانم، شهر جالب اما زیاد از حد شلوغی است.

Я обожаю...

من عاشق، شیفته...

Я без ума от...

من دیوانه...

Я очень люблю...

من خیلی دوست دارم...

Мне очень нравится...

من خیلی خوشم می آید...

Мне нравится...

خوشم می آید

Я люблю...

دوست دارم

Не знаю. / Мне не очень нравится... / Я не очень люблю...

نمی دانم. زیاد خوشم نمی آید... زیاد دوست ندارم

Мне не нравится...

خوشم نمی آید

Я не люблю

دوست ندارم

Я терпеть не могу...

تحملش را نمی توانم بکنم...

Я ненавижу...

متنفرم از

Я не выношу...

چشم دیدن...ندارم

Вам нравится ... ?

شما از...خوشتان می آید؟

Бейсбол

بیسبال

есть гамбургеры

خوردن هامبورگر

ваш университет

دانشگاه خودتان

Пушкин

پوشکین

футбол

فوتبال

изучать русский язык

یادگیری زبان روسی

ваша работа

کار خودتان

و حالا فرمول مورد استفاده برای ساخت جملات با فعل «خوشم می آید»:»

"Я люблю (мне нравится) + глагол".

دوست دارم و یا خوشم می آید باضافه فعل بعلاوه مفعول. چند نمونه مورد توجه شما قرار می دهیم.

Я люблю играть в ...

من بازی...را دوست دارم

Я не люблю играть в ...

من بازی...را دوست ندارم

Биллиард

بیلیارد

видео-игры

بازیهای ویدئویی

Бейсбол

بیسبال

Мне нравится читать ...

من خواندن...را دوست دارم

Я не люблю читать ...

من خواندن...را دوست ندارم

Моя сестра (мой брат) любит читать ...

خواهرم (برادرم) خواندن...را دوست دارد

Комиксы

مجلات کمیکس

Фантастика

کتابهای تخیلی



Р о м а н ы

رمان‌ها

О н л ю б и т п и т ь ...

او از نوشیدن...خوشش می‌آید

Я л ю б л ю п и т ь ...

من از نوشیدن...خوشم می‌آید

П и в о

آبجو

К о к т е й л ь

کوکتیل

С о к

آب میوه

Я ч а с т о е м ...

من اغلب...می‌خورم

Я л ю б л ю е с т ь ...

من خوردن... را دوست دارم

Б а р а н и н а

گوشت گوسفند

Ц ы п л ё н о к

جوجه مرغ

В и н о

شراب

С П О Р Т

ورزش

М У З Ы К А

موزیک

К Н И Г И

کتب

Ф И Л ь М ы

فیلم‌ها

б е й с б о л

بیسبال

б а с к е т б о л

بسکتبال

в о л е й б о л

والیبال

ф у т б о л

فوتبال

т е н н и с

تنیس

п л а в а н и е

شنا

г о л ь ф

گلف

ф и г у р н о е

к а т а н и е

ژیمناستیک هنری

л ы ж и

اسکی

с у м о

سومو

Т э к в а н д о

تکواندو

к л а с с и ч е с к а я

کلاسیک

с о в р е м е н н а я

معاصر

т а н ц е в а л ь н а я

رقصی

н а р о д н а я

ملی، مردمی

р о к - м у з ы к а

موزیک روک

п о п - м у з ы к а

موزیک پاپ

д ж а з

جاز

х и п - х о п

هیپ-هپ

т е х н о

تخنو

р э п

رپ

А в а н г а р д

آوانگارد

к о м и к с ы

کمیکس

фантастика

تخیلی

детективы

پلیسی

любовные романы

رمانهای عاشقانه

исторические

تاریخی

романы

رمان

Мемуары

خاطرات

комедии

کمدی

фильмы ужасов

فیلم های ترسناک

боевики

جنگی

мультфильмы

کارتون

эротика

عشقی

драмы

درام

мыльные оперы

سریال

و حالا چند سؤال مطرح می کنیم که شما به کمک متن این درس باید پاسخ داده و آنها را برای ما بفرستید:

Какие виды спорта вы любите?

Какая музыка вам нравится?

Какие книги вы любите?

Какие фильмы вам нравятся?

Кто ваш любимый бейсболист (футболист, теннисист, теннисистка, баскетболист, баскетболистка)?

К т о ваш любимый писатель (поэт, певец, певица, актёр, актриса, художник, драматург, режиссёр)?

Ваша любимая группа?

К а к и е виды спорта популярны в Иране?

К а к и е писатели (газеты, политики, актёры, актрисы, модели) наиболее популярны в Иране?

...

## А Н Е К Д О Т Ы

جوک

1. - Я не понимаю, - говорит жена. Ты сказал, что любишь картошку. В понедельник на обед была картошка. Ты сказал: "Вкусно!" Ты ел картошку во вторник, в среду, в четверг, в пятницу. А в субботу вдруг сказал, что ты ненавидишь картошку!

زن می گوید: حالیم نمی‌شه، تو که گفتی سیبزمینی دوست داری. روز دوشنبه ناهار سیبزمینی داشتیم، تو گفتی « آه چه خوشمزه ! تو سه‌شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هم سیبزمینی خوردی و روز شنبه یکدفعه گفتی که از سیبزمینی متنفری!

2. - Дорогой, у меня такое впечатление, что футбол ты любишь больше меня.

- Не волнуйся, дорогая, зато тебя я люблю больше, чем хоккей.

عزیزم احساس می‌کنم که تو فوتبال را بیشتر از من دوست داری.

عزیزم، خودتو ناراحت نکن، هر چه باشه تو رو بیشتر از هاکی دوست دارم.

درس چهل و دوم

ابتدا متن و گفتگویی مورد توجه شما قرار داده می شود.

Текст

متن

Сегодня понедельник. Начинается рабочая неделя. Люди идут на работу.

امروز دوشنبه است، هفته کار شروع می شود، مردم سر کار می روند.

Понедельник, вторник, среда, четверг и пятница- это рабочие дни. Суббота и воскресенье- нерабочие дни. Два дня люди отдыхают.

دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه روزهای کار هستند، شنبه و یکشنبه روزهای تعطیل. مردم دو روز استراحت می کنند.

Сегодня понедельник. Анна на работе. Во вторник, в среду, в четверг и в пятницу она тоже будет на работе, а в субботу и в воскресенье она будет дома. Это нерабочие дни.

امروز دوشنبه است. آنا سر کار است. روز سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هم او کار می کند و شنبه و یکشنبه خانه خواهد بود. اینها روزهای تعطیل هستند.

Юра: Какой сегодня день?

یورا: امروز چه روزی است؟

Виктор: Пятница.

ویکتور: جمعه

Какой сегодня день? Неделя прошла очень быстро.

چی روزی؟ هفته چه زود گذشت.

و حالا معانی لغات. گوش کنید و در مکث کوتاه تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید:

Понедельник

دوشنبه

Начинается рабочая неделя

هفته کار شروع می شود

Начинается

شروع شدن، آغاز شدن

Рабочий

کار

Неделя

هفته

Люди идут на работу

مردم سر کار می روند.

вторник,

سه شنبه



Среда

چهارشنبه

Четверг

پنجشنبه

Пятница

جمعه

рабочие дни

روزهای کار

Суббота

شنبه

Воскресенье

یکشنبه

нерабочие дни

روزهای تعطیل

День

روز

Дни

روزها

Анна на работе

آنا سر کار است

Какой сегодня день?

امروز چه روزی است؟

Неделя прошла очень быстро.

هفته خیلی سریع گذشت.

Понедельник, вторник, среда, четверг, пятница, суббота и воскресенье,

Какой сегодня день?

Сегодня четверг.

امروز پنجشنبه است.

Какой день был вчера?

دیروز چه روزی بود؟

Вчера была среда.

دیروز چهارشنبه بود.

Какой день будет завтра?

فردا چه روزی خواهد بود؟

Завтра будет пятница.

فردا جمعه خواهد بود.

برای بیان روزهای هفته در جواب سؤال **Какой день** ، چه روزی؟ حالت فاعلی بکار می‌رود. بیاد داشته باشید که زمان گذشته فعل **Быть** از لحاظ جنس، افراد، جمع و زمان آینده آن با فاعل مطابقت دارد. از فعل **начинаться** شروع شدن، آغاز گردیدن، فقط دو صیغه (سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع) استعمال می‌شود. توجه کنید:

Урок начинается.  
Уроки начинаются.

برخی اسامی در حالت مفرد و در حالت جمع بکلی با یکدیگر متفاوتند. این اسامی را باید به خاطر سپرد:

Человек

انسان

Люди

مردم

در زبان روسی ترتیب کلمات در جمله نسبتاً آزاد است. این بدان معنی است که جای برخی از اعضای جمله چندان ثابت و استوار نیست.

Начинается рабочая неделя

که همچنین می‌توان گفت:

Рабочая неделя начинается.

Рабочая неделя начинается в понедельник.

В понедельник начинается рабочая неделя.

В понедельник рабочая неделя начинается.

ترتیب عادی کلمات در جمله روسی این است که ابتدا در اول جمله و خبری را که می‌خواهد بدهد بلافاصله پس از آن قرار داشته باشد. اما جای صفت در جمله همیشه ثابت است: صفت همیشه پیش از موصوف قرار می‌گیرد و از لحاظ جنس، افراد، جمع و حالت با موصوف مطابقت دارد.

Идти на работу

سر کار می‌روم

Быть на работе

بودن سر کار

Рабочий день-нерабочий день

روز کار-روز تعطیل

Неделя прошла очень быстро

Медленно-быстро

آهسته-سریع (تند)

و حالا در باره حالت گرامری تخصیص **предложный падеж, О ком?** توضیحات مفصل تری برایتان می‌دهیم. سؤال این حالت گرامری **О ком? О чем?** است. به مقایسه نمونه‌های حالت فاعلی و تخصیص توجه فرمائید.

مفرد

**Предложный падеж**

حالت گرامری تخصیص

**Именительный падеж**

حالت فاعلی

Он рассказывает о (б) брате, учителе, Андрее

Это брат, учитель, Андрей

این برادر، معلم، آندری است

Он рассказывает о море

Это море

این دریاست.

Он рассказывает о сестре, Тане

Это сестра, Таня

این خواهر، تانیاست.

موارد استثنا:

О брате, о сестре

در باره برادر، خواهر

Об отце, об экзамене

در باره پدر، امتحان

Тетрадь, площадь

دفتر، میدان

О тетради, о площади

در باره دفتر و میدان

جمع

**Предложный падеж**

حالت تخصیص

**Именительный падеж**

حالت فاعلی

Он рассказывает о(б) артистах, учителях

Это артисты, учителя

اینها آرتیستها، معلمها هستند

Он рассказывает о морях

Это моря



اینها دریاها هستند

Он рассказывает о сестрах, подругах

Это сестры, подруги

اینها خواهرها، دوستان دختر هستند.

Он рассказывает нам о друге.

او درباره دوستش برایمان تعریف می کند.

О ком он вам рассказывает?

او درباره کی برای شما تعریف می کند؟

Кому он рассказывает о друге?

او برای کی در باره دوستش تعریف می کند؟

Он рассказывает нам о друге.

Он рассказывает нам о матче.

او درباره مسابقه برایمان تعریف می کند.

О чем он вам рассказывает?

Кому он рассказывает о матче?

Он написал, (напомнил, объявил, рассказал, сказал, сообщил) нам о встрече.

او در باره ملاقات، دیدار نوشت (یادآوری کرد، اعلام کرد، تعریف کرد، گفت، خبر داد)

Ты знаешь, что сегодня будет концерт?

تو می دانی که امروز کنسرت خواهد بود؟

Да, знаю. Мне о нем сказал мой коллега.

بله، می دانم. همکارم این خبر را به من داد یا در باره آن به من خبر داد.

О чем ты мечтаешь?

در چه خیالی هستی؟

Вчера учительница очень интересно рассказывала нам о космосе и

космонавтах. Теперь я мечтаю о полете.

دیروز خانم معلم خیلی جالب در باره فضا برایمان تعریف کرد. حالا من آرزوی پرواز بسرم زده است.

و حالا چند جمله دیگر:

Твой отец знает о том, что ты уже работаешь?

پدرت می داند که تو کار می کنی؟

Да, я написал ему о работе.

بله، در باره کارم برایش نوشتم.

Извините, но я, к Вам говорите по-английски? Доброе утро

. Боюсь, что я очень сожалению, не говорю по-английски. متأسفم، من انگلیسی حرف نمی زنم

- плохо говорю по-русски. می ترسم زبان روسی من خیلی بد باشد. Ничего, ничего. عیب نداره، عیب نداره .  
Вас прекрасно получается. لا خیلی خوب دارید حرف می زنید Я всегда чувствую себя не в своей тарелке, когда говорю по-русски.  
Я очень хорошо понимаю Вас خیلی خوب حالتون را می فهمم



حالت گرامری
ستاک فعل
صرف افعال
مصدر
(по)ид-
ходи-
(по)шёл, шла, шло, шли
پیاده رفتن
(по)бежа-
бегай-
(по)бегу, бежишь, бегут
دویدن
(по)лез-
лази-/лазай-
(по)лез, лезла, лезли
از جایی بالا کشیدن
(по)ед-
езди-
(по)ехать, ехал, ехала
با وسیله نقلیه رفتن
(по)лете-
летай-
(по)лететь, летел, летела
پرواز کردن
(по)полз-
ползай-
(по)полз, ползла, ползли
خزیدن
(по)пływ-
плавай-
(по)плыл, плыла
شنا کردن، شناور بودن

"М" Обожаает буква "М"  
Есть мороженое и джем.  
Любит мед и мармелад,  
Ест все сладости подряд.

"Н" "Н" - ночами не до сна -  
Смотрит "НОВОСТИ" она.  
Всюду "Н" свой нос сует,  
Нам покоя - не дает.

"О" Буква "О" глядит в окно:  
В небе солнышко взошло.  
На меня оно похоже,  
А меня согреть не может.  
Я болею тяжело...

"О" вздохнула: О-хо-хооо.

"П" Буква "П" упала на пол.  
Позвала на помощь папу.  
Опоздала на обед -  
Шлет всем буковкам  
-ПРИВЕТ-

"Р" "Р" - рисует на рассвете  
В черном бархатном берете.  
"Р" - решила рано встать  
Чтобы розы рисовать.

До свидания!

### درس چهل و سوم

ابتدا یکی از داستانهای ملی روسی برای شما خوانده می شود و بعد معانی لغات آن مورد توجه شما قرار داده می شود. لطفاً خوب گوش کنید، در چند ثانیه مکث داده شده جملات و لغات را تکرار کنید و سعی کنید معانی و طرز تلفظ کلمات و آهنگ جملات را بخوبی به خاطر بسپارید.

#### Как муж дома хозяйничал

Каждый день муж работал в поле, а жена дома хозяйничала.

Муж часто говорил ей:

- Я целый день в поле работаю, а ты что делаешь? Ты ничего не делаешь! Целый день дома сидишь!

- Хорошо, - сказала она однажды. - Ты оставайся дома, а я пойду в поле.

Так и сделали. Жена в поле работать пошла, а муж дома остался хозяйничать.

Пришла жена домой на обед и видит: коза капусту ест, все куры в огороде, корова мычит голодная, кошка молоко разлила, печка холодная и обеда нет.

Пошла жена мужа искать. А он около колодца стоит, ведро уронил в колодец и достать не может...

Жена посмотрела и говорит:

- Нечего сказать, нахозяйничал! Хорошо, что сам жив остался!

Как

چطور

Муж

شوهر

Дома

خانه

Хозяйничал

خانه داری کرد (زمان گذشته، مذکر)

Хозяйничать

خانه داری کردن، به کارهای خانه رسیدن

Каждый день

هر روز

Работал

کار کرد (زمان گذشته، مذکر)

Работать

کار کردن

в поле

در مزرعه

А

و

Жена

زن، همسر

Хозяйничала

خانه داری کردن (زمان گذشته، مونث)

Часто

اغلب

Говорил

گفت (زمان گذشته، مذکر)

Говорить

گفتن

целый день

تمام روز

а ты что делаешь?

تو چکار می کنی؟

Ничего

هیچی

дома сидишь!

توی خانه نشستی

Сказала

گفت (زمان گذشته مونث)

Сказать

گفتن

Однажды

یک روز، یکبار، زمانی، یکدفعه

Ты оставайся дома

تو خانه بمان

Пойду

می روم (زمان آینده)

Пойти

رفتن

Так и сделали

همین کار را هم کردند

Пошла

رفت

Остался

ماند، باقی ماند

Остаться

باقی ماندن، ماندن

Пришла

آمد (زمان گذشته، مونث)

Прийти

آمدن

на обед

وقت ناهار

коза капусту ест

بز در حال خوردن کلم بود

все куры в огороде,

تمام مرغها توی جالیزار بودند

корова мычит голодная,

گاو از گرسنگی مومو می کرد

кошка молоко разлила,

گرچه شیر را ریخته بود

печка холодная и обеда нет.

تنور سرد و از ناهار خبری نبود

Пошла

رفت

Искать

پیدا کردن

Около

نزدیک، کنار

Колодца

چاه (آب)

стоит,

ایستاده است

Ведро

سطل

Уронил

انداخته بود

Уронить

انداختن

в колодец и достать не может...

توی چاه و نمی تواند آن را بیرون بکشد

Жена посмотрела и говорит:

زن نگاه کرد و گفت

Нечего сказать, нахозяйничал!

چشم و دلم روشن، عجب خانه داری!

Хорошо, что сам жив остался!  
خوبه که خودت زنده موندی!

### Как муж дома хозяйничал

Каждый день муж работал в поле, а жена дома хозяйничала.

Муж часто говорил ей:

- Я целый день в поле работаю, а ты что делаешь? Ты ничего не делаешь! Целый день дома сидишь!

- Хорошо, - сказала она однажды. - Ты оставайся дома, а я пойду в поле.

Так и сделали. Жена в поле работать пошла, а муж дома остался хозяйничать.

Пришла жена домой на обед и видит: коза капусту ест, все куры в огороде, корова мычит голодная, кошка молоко разлила, печка холодная и обеда нет.

Пошла жена мужа искать. А он около колодца стоит, ведро уронил в колодец и достать не может...

Жена посмотрела и говорит:

- Нечего сказать, нахозяйничал! Хорошо, что сам жив остался!

چگونه شوهر به کار خانه داری پرداخت

هر روز شوهر در مزرعه کار می کرد و زن به کارهای خانه مشغول بود.

شوهر اغلب به او می گفت:

-من تمام روز در مزرعه کار می کنم و تو چکار می کنی؟ تو هیچ کاری نمی کنی! تمام روز توی خانه نشستی!

-یکروز زن به او گفت: باشه، تو خانه بمان من می رم مزرعه.

همین کار را هم کردند. زن رفت در مزرعه کار کند و شوهرش ماند تا به کارهای خانه برسد. وقتی

زن برای ناهار به خانه آمد دید: بز داره کلم می خوره، مرغ ها توی جالیزار هستند و گاو از گرسنگی مومو می کنه و گربه شیر را ریخته، تنور سرد است و از ناهار خبری نیست. زن رفت شوهرش را پیدا کند. شوهر کنار چاه ایستاده بود، سطل را انداخته بود

توی چاه و نمی دانست چطور بیرونش آورد.

زن نگاهی به او انداخت و گفت: چشم و دلم روشن، عجب خانه داری! حالا خوبه که خودت زنده موندی!

و حالا چند جکله دیگر برای کمک به یادگیری یک حالت گرامری دیگر زبان روسی

Они достигли вершины.

آنها به قله رسیدند.

Чего они достигли?

آنها به چه چیزی دست یافتند؟

Студент добился успехов.

دانشجو به موفقیت دست یافت.

Мальчик просит извинения.

پسرک معذرت خواهی می کند.  
Люди ждут автобуса.  
مردم منتظر اتوبوس هستند.

Родительный падеж  
حالت گرامری ملکی، اضافه  
مفرد

Родительный падеж  
حالت گرامری ملکی، اضافه

Именительный падеж  
حالت فاعلی  
(а-я)

брата, учителя, Андрея  
کостюма, чая, словаря  
брат, учитель, Андрей  
برادر، معلم، آندری  
костюм, чай, словарь  
کت و شلوار، چای، فرهنگ لغات  
(а-я)

Моря  
Море  
دریا

(ы-и)

сестры, Тани  
реки, деревни  
Это сестра, Таня  
این خواهر است، تانیا  
Река, деревня  
رودخانه، روستا، ده

موارد استثنا:

Мать, дочь- матери, дочери  
مادر، دختر  
جمع



Родительный падеж

حالت اضافه، ملکی

Именительный падеж

حالت فاعلی

(ов-ей)

артистов, учителей

کостюмов, словарей

артисты, учителя

آرتیستها، معلمها

костюмы, словари

کت و شلوارها، فرهنگ‌های لغات

(ов-ей)

Морей

Моря

دریاها

сестер, подруг

Рек, деревень

сестры, подруги

خواهران، دوستان دختر

Реки, деревни

رودخانه ها، روستاها، دهات

Я жду автобуса номер 5.

من منتظر اتوبوس شماره ۵ هستم.

Я не люблю шума.

من از سر و صدا خوشم نمی آید، یا سرو صدا را دوست ندارم.

Он просит извинения (помощи, внимания).

او طلب عذرخواهی می کند (طلب کمک و توجه می کند)

He

نه

He встречать сочувствия

با حس همدردی روبرو نشدن

He знать боли

آشنانبودن با درد

He любить шума

سرو صدا دوست نداشتن

Не видеть интереса

توجه (منفعت) را ندیدن

و حالا گفتگو و یا پیام موبایلی

Ты в порядке?

حالت خوبه؟

Да, а ты?

آره، تو چی؟

Я в норме. Сегодня встречаемся?

منم خوبم، همه چیز نرمال، امروز همدیگر رو می بینیم؟

Нет, давай завтра. Но где?

نه، بذار برای فردا، اما کجا؟

У Маши. Увидимся позже.

خونه ماشا، به امید دیدار.

Люблю тебя. Твой Андрей.

دوست دارم، آندری تو.

Ты можешь общаться сейчас?

حالا می تونی حرف بزنی؟

Нет, а ты где?

نه، تو الان کجایی؟

На работе. А ты?

سر کار. تو کجایی؟

Я дома. Ну что, позже увидимся?

من خونم، پس بعداً همدیگر رو می بینیم.

Да, а во сколько?

باشه، چه ساعتی؟

Давай в семь. Все, пока. До встречи.

ساعت هفت، فعلاً خداحافظ، تا دیدار بعدی.

Ну, договорились. Пока.

پس قرارمون را گذاشتیم. خداحافظ.

кстати

هی، راستی

по моему мнению

به نظر من

Ну все, пока.

بسه بسه، خداحافظ.

یک قطعه شعر زیبا

Черный человек  
Водит пальцем по мерзкой книге  
И, гнусая надо мной,  
Как над усопшим монах,  
Читает мне жизнь  
Какого-то прохвоста и забулдыги,  
Нагоняя на душу тоску и страх.  
Черный человек  
Черный, черный!

"Слушай, слушай,-  
Бормочет он мне,-  
В книге много прекраснейших  
Мыслей и планов.  
Этот человек  
Проживал в стране  
Самых отвратительных  
Громил и шарлатанов.

آدم سیاه  
انگشتانش را روی کتابهای نفرت انگیز می کشد  
و با تمسخر من  
انگار دارد به راهبه‌ای نیشخند می زند  
برایم درس زندگی می خواند.  
هر چه بگویند  
از غم و هراس روح و روان  
نمی کاهد  
آدم سیاه  
آدم سیاه  
گوش کن، گوش کن  
او در گوشم زمزمه سر داده  
می گوید  
نقشه ها  
اندیشه ها  
در کتابها  
خوب و زیادند.

این آدم  
در سرزمین بدترین  
حقه‌بازها و بی‌خردان  
زیسته است.

خدانگهدارتان،  
До встречи



## درس چهل و چهارم

ابتدا متن کوتاهی بصورت گفتگو را مورد توجه شما قرار می‌دهیم، لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید همانطور که جملات تلفظ می‌شوند، آنها را به خاطر بسپارید.

На Улице

در خیابان

- Девушка, скажите, пожалуйста, где метро?

- دختر خانم، لطفاً بگید، مترو کجاست؟

- Идите прямо, потом налево.

مستقیم، بعد سمت چپ.

Или

و یا

- Идите прямо, потом поверните налево.

مستقیم و بعد به سمت چپ بپیچید.

- Молодой человек, вы не скажете, где Российская государственная библиотека?

جوان، لطفاً بگید کتابخانه دولتی روسیه در کجا واقع شده است؟

- За углом направо.

در پیچ سمت راست.

- Простите, пожалуйста, как пройти к Большому театру?

می‌بخشید چطور می‌شود به بالشوی تئاتر رسید؟

- Вам надо перейти на другую сторону.

شما باید به آنطرف خیابان بروید.

- Скажите, пожалуйста, как доехать до Сухаревской площади?

لطفاً بگید چطور می‌توان به میدان سوخارفسکی رسید (سواره)

- Можно на метро.

با مترو می‌شود رفت.

- Вы не знаете, как попасть на улицу Арбат?

شما می‌دانید چطور می‌توان به خیابان آربات رسید؟

- Это недалеко отсюда.

از اینجا زیاد دور نیست.

- Скажите, какая это улица?

لطفاً بگید، این چه خیابانی است؟

- Это Тверская

خیابان تورسکایا.

و حالا می‌پردازیم به بخش گرامر این درس. با شنیدن و تکرار این جملات گرامری سعی کنید همانطور که آنها را می‌شنوید به خاطر بسپارید.

استفاده از ضمیر «خود» در رابطه با دوست داشتن خواهر خود:

من خواهر خودم را دوست دارم  
تو خواهر خودت را دوست داری و الی آخر.

Я	люблю <b>свою</b> сестру
Ты	любишь <b>свою</b> сестру
Мы	любим <b>свою</b> сестру
Вы	любите <b>свою</b> сестру
Он	любит <b>свою</b> сестру
Она	любит <b>свою</b> сестру
Они	любят <b>свою</b> сестру
=Я	люблю <b>мою</b> сестру
=Ты	любишь <b>твою</b> сестру
=Мы	любим <b>нашу</b> сестру
=Вы	любите <b>вашу</b> сестру

ضمیرمبهم از ضمیر های استفهامی **кто, что, какой, чей, сколько** به کمک حرف **то-нибудь** استفاده می شود.  
(=либо).

Кто-то забыл книгу на столе.  
یه نفر کتابش را روی میز جا گذاشته است.  
Антон принёс какие-то журналы.  
آنتون چند تا مجله آورد.  
Дайте мне что-нибудь поесть!  
یه چیزی بدین بخورم!  
Давай посмотрим какой-нибудь новый фильм!  
بیا یه فیلم جدید ببینیم!  
Кто-нибудь звонил мне?  
کسی به من زنگ زد؟

دسته ضمائر

1. شخصی

я, ты, мы, вы, он, она, оно, они.

2. استفهامی، سئوالی

кто, что, какой, чей, сколько, который

کی، چی، چگونه، مال چه کسی، چند تا، کدام

3. ضمیر خودی

Себя

مال خودم

4. مالکیت

мой, твой, наш, его, её, их, свой

مال من، مال تو، مال ما، مال او (مذکر)، مال او (مونث)، مال آنها، خودی

5. اشاره

этот, эта, это, эти, тот, та, те, такой, такая, такое, такие

این، این (مونث) این (مذکر)، اینها، آن، آن (مونث)، آن (مذکر)، آنطوری (مذکر) آنطوری (مونث) آنطوری (خنثی)، آنطوری (جمع)

6. صریح، قطعی

каждый, весь, вся, всё, все

هر، همه، همه (در سه نوع آخر مونث، خنثی و مذکر)

7. منفی

никто, ничто, никакой, ничей

هیچ کس، هیچ چیز، هیچ کدام، مال هیچ کس

8. ضمیر یا صفت نامعلوم

кто-то, что-то, что-нибудь, какой-нибудь

کسی، چیزی، یه چیزی، یه کسی

Борис - студент. Он изучает русский язык. Я познакомился с ним на вечере.

Некоторые студенты были на экскурсии.

بوریس-دانشجو است. او زبان روسی می آموزد. من در یک مهمانی با او آشنا شدم. چند نفر از دانشجویان به گردش رفتند.

حالت مفعولی در جمله

عمل

مثال

1. مفعول

Я люблю сестру.

من خواهرم را دوست دارم.

جا، مکان

Я приехал в Москву.

من به مسکو آمدم (مذکر)

Он положил книгу на стол.

او کتاب را روی میز گذاشت.

Мы перешли улицу.

ما از خیابان رد شدیم.

زمان

Я буду учиться 5 лет.

من ۵ سال درس خواندم.

Я хожу в бассейн каждую неделю.

من هر هفته به استخر می روم.

Лекция начнется в 2 часа.

درس ساعت ۲ شروع می شود.

Я был в кино в среду.

روز چهارشنبه به سینما رفتم.

Я был в Москве в дни каникул.

من روزهای تعطیل در مسکو بودم.

Я занимаюсь музыкой 2 раза в неделю.

من دو بار در هفته درس موسیقی دارم.

Мы пригласили друзей на субботу.

ما دوستانمان را به مهمانی روز شنبه دعوت کردیم.

Я приехал в Москву на 5 лет.

من برای پنج سال به مسکو آمدم.

Он решил задачу за минуту.

او مسأله را طی یک دقیقه حل کرد.

Я приеду через час.

من یکساعت بعد خواهم آمد.

За 2 дня до праздника он заболел.

دو روز قبل از جشن، او مریض شد.

Через неделю после экзаменов она уехала.

یک هفته بعد از امتحانات او رفت.(مونث)

حالت مفعولی با حروف اضافه

عمل

سؤال

حروف اضافه

مثال

سمت هدف، حرکت

куда?



کجا

-в

به، در، داخل، درون

-на

بر، روی، سر

-за

پشت، عقب

-под

زیر

Приехать в Москву

آمدن به مسکو

Пойти на занятие

بودن سر درس

Пойти за угол

رفتن پشت پیچ کوچه یا خیابان

Положить под книгу

گذاشتن زیر کتاب

مفعولی که باید برطرف شود، از میان برداشته شود

через?

что?

как?

через

از میان

Сквозь

از میان، از بین

Перейти через улицу

عبور از میان خیابان

Идти сквозь толпу

رفتن از میان جمع

زمان

ساعات

когда?

-в

В 2 часа

سر ساعت دو

روزهای هفته

когда?

-в

В среду

در چهارشنبه  
دوره خاصی از زمان  
когда?

-В

В годы войны

در سالهای جنگ

تکرار

как часто?

-В

2 раза в неделю

دوبار در هفته

زمان مشخص

на какое? время?

-на

Пригласить на среду на 21-ое октября.

دعوت به روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر

### Глаголы

Приехать на два

Оставаться на 2

### движения:

افعال حرکتی

дня

آمدن برای دو روز

дня

ماندن برای دو روز

Дать на 2 дня, и т.п.

دادن برای دو روز

زمان مشخص دریافت نتیجه

за какое время?

-за

Решить задачу за минуту

حل مسأله در عرض یک دقیقه

فاصله زمانی مشخص

когда?

-через

Приеду через час

بعد از یکساعت می آیم.

حالت مفعولی با حروف اضافه همراه با حالت اضافه و حروف اضافه مورد استفاده

زمان مشخص – دوره مربوط به شروع کاری

کی؟

за.

до

За день до праздника

زمان مشخص-دوره بعد از نقطه آغاز

کی؟

через

после

Через неделю послеэкзаменов

و حالا چند حرف دیگر زبان روسی را به شعر مورد توجه شما قرار می دهیم. سعی کنید با پیدا کردن معانی کلمات جملات را معنی کنید:

"С" Собралась однажды в лес По орехи буква "С" Думала найти орешки - Принесла две сыроежки. "Т" Тук-тук-тук!Тук-тук-тук! Что случилось?Что за стук! -Вы меня в беде не бросьте, Букву "Т" - пустите в гости. У меня сломался зонт - "Т" стоит и слезы льет... "У" Потерялась буква "У" Мама плачет на лугу:- Вдруг она в лесу дремучем? Где ты,доченька, а-УУУ! "Ф" Буква "Ф" с мячом бежит- На футбол она спешит. На трибуне - не фырчит, не филонит:Голл!-кричит. "Х" Ха-ха-ха - хохочет "Х"- Я,пожалуй,неплоха! Говорят - дурной характер. Ой,какая чепуха!

Хорошее у вас настроение или плохое - вы всегда сможете выразить свои чувства, используя разговорные выражения из нашей серии "Живой язык".

اگر روحیه شما خوب باشد یا بد شما همیشه می توانید با استفاده از کلمات و جملات واصطلاحات از قسمت «زبان زنده و رایج در بین مردم عادی» برای بیان احساس خود بهره بگیرید. چند نمونه دیگر در اینجا مورد توجهتان قرار می دهیم. لطفاً بدقت گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید طرز تلفظ و معانی آنها را به خاطر بسپارید:

**Хорошее настроение**

روحیه خوب

У меня все просто здорово.

اوقاتم خوش خوش است.

Я превосходно провожу время.

به بهترین وجه وقت را می گذرانم.

Я на седьмом небе от счастья!

از خوشحالی دارم پر درمی آورم!

Это просто блаженство!

بهتر از این نمی شود!

Я безумно счастлив!

بحد جنون خوشبختم!

Все здорово (отлично)!

همه چیز عالی است!

Меня ничто не тревожит (мне не о чем беспокоиться).

هیچ چیزی باعث نگرانی من نمی شود (هیچ چیزی مرا ناراحت نمی کند)!

**Плохое настроение**

روحیه بد

У меня была ужасная неделя.

هفته وحشتناکی را پشت سر گذاشتم.

кошмарная неделя

هفته‌ای مثل یک کابوس.

Мне совершенно безразлично (наплевать).

من قید همه چیز را زدم، دیگر هیچ چیزی برایم مهم نیست.

Он ужасно раздражителен (готов наброситься на кого угодно без причины).

او به حد زیادی عصبی است (آماده است بی دلیل خشمش را سر همه خالی کند)

Она не в себе.

او حال خودش را نمی فهمد.

Меня не на шутку разозлили.

خوب عصبانیم کردند.

У нее "крыша" поехала.

او که اصلاً عقلش را از دست داده است.

Даниэль приводит меня в бешенство.

دانیئل مرا سخت خشمگین می کند (دیوانه می کند)

**Разногласия**

اختلاف عقیده

Они все утро ссорятся.

آنها تمام روز دعوا کردند.

Здесь плохая (тяжелая) атмосфера.

جو اینجا سنگین و بد است.

Начались серьезные разногласия (ссоры).

دعوا و اختلاف جدی شروع شد.

Новость о том, что Мило получил работу, расстроила Андрея. Ему было

очень обидно. Новость выбила Андрея из колеи.

خبر اینکه میلو کار پیدا کرده اوقات اندری را تلخ کرد، او اصلاً از این خبر خوشش نیامد (این خبر باعث رنجش زیاد او شد). این

خبر خوب حال آندری را گرفت.

Я больше не собираюсь слушать тебя!

من دیگر نمی خواهم به حرفهای تو گوش کنم .

**Решение проблем/ Устранение разногласий**

حل مسائل، رفع اختلافات

Мы поцеловались и помирились.

ما همدیگر را بوسیدیم و آشتی کردیم.

Они вновь общаются.

آنها دوباره همدیگر را می بینند.

Мы все уладили.

ما همه چیز را روبراه کردیم.

Забудь это. Все прошло (конфликт исчерпан).

فراموشش کن. همه چیز تمام شد (اختلاف برطرف شد)

خدانگهدارتان.

До скорого!



درس چهل و پنجم

ابتدا متنی را بصورت گفتگو مورد توجه شما قرار می دهیم. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید:

На автобусной остановке

در ایستگاه اتوبوس

-Вы не скажете, где остановка автобуса (Или автобусная остановка)?

لطفاً بگویید ایستگاه اتوبوس کجاست؟

- Вот она.

اینهاش.

- Здесь останавливается 111-й автобус?

اتوبوس شماره ۱۱۱ اینجا توقف می کند؟

- Да.

بله.

- Этот автобус идет до метро?

این اتوبوس تا مترو می رود؟

- Нет, вам нужен 41-й.

نخیر، شما باید سوار شماره ۴۱ بشوید.

- На чем можно доехать до Парка культуры?

با چی می شود تا پارک فرهنگ رفت؟

- На 10-м троллейбусе или 108-м автобусе.

با اتوبوس برقی شماره ۱۰ یا اتوبوس شماره ۱۰۸.

- Этот автобус идет в сторону центра?

این اتوبوس به سمت مرکز می رود؟

- Нет, в противоположную.

نخیر، به سمت عکس.

Научитесь общаться по-русский

معاشرت به زبان روسی را بیاموزید

Говорить в неофициальной обстановке

گفتگو در محیط غیر رسمی

- Разговор в неофициальной обстановке может быть с другом или незнакомым человеком. Давайте подробно рассмотрим разговор с незнакомым человеком в неофициальной обстановке.

صحبت و گفتگو در محیط غیر رسمی می تواند با دوست یا فرد ناآشنایی رخ دهد. بیائید بطور مفصل گفتگو با فرد ناآشنا در شرایط غیر رسمی را بررسی کنیم.

- Например, мы хотим познакомиться с незнакомым человеком в автобусе. Такой разговор может быть начат с общего замечания об обстановке - о:

برای نمونه، ما می خواهیم با یک فرد ناآشنا در اتوبوس آشنا شویم. چنین گفتگویی می تواند با تذکرات عمومی در باره وضعیت موجود، در باره:

- по погоде

آب و هوا

- о том, сколько людей путешествует в нашем автобусе

در باره اینکه چند نفر آدم در اتوبوس ما سفر می کند

- как много сегодня в автобусе людей

امروز چقدر آدم توی اتوبوس زیاد است، همراه باشد.

در چنین مواردی بهتر است که جملات باصطلاح « ادامه دار» شوند و با ترکیب کلماتی "не так ли?" ، اینطور نیست، به پایان برسند. برای نمونه:

- Ужасная погода, не так ли?

هوای خیلی بدی است، اینطور نیست؟

- Ну и жарко же здесь, не так ли?

اینجا چقدر گرمه، اینطور نیست؟

یا می توان از اینگونه جملات برای دریافت پاسخ های مشخص تری به سئوالاتی مانند نمونه هایی که اکنون مورد توجه شما قرار داده می شود، استفاده کرد.

В ы откуда?

شما اهل کجائید؟

- Сколько времени вы уже в Москве?

چه مدتی است که شما در مسکو اقامت دارید؟

- Вы здесь на каникулах? По делам? Вы тут учитесь?

برای تعطیلات اینجا آمدید؟ برای کار؟ اینجا درس می خوانید؟

Д а т ь сведения о себе в официальной обстановке

دادن اطلاعات در باره خود

- Что могут обо мне спросить?

چه سئوالاتی ممکن است در باره من پرسیده شود؟

- Вашу фамилию:

نام فامیل

- могут попросить продиктовать по буквам:

ممکن است از شما بخواهند آن را حرف به حرف تکرار کنید.

В а ш е имя:

نام شما

- Ваш адрес:

آدرس شما

- Ваш возраст:

سن شما

- Когда Вы родились (год, месяц, день).

کی بدنیا آمده‌اید (سال، ماه، روز)

- Вашу профессию:

شغل شما

- Как долго Вы там работаете?

چه مدتی است که در آنجا کار می‌کنید؟

- могут попросить расписаться:

ممکن است از شما بخواهند امضا کنید

- Выражения для специальных случаев

اصطلاحات مربوط به مناسبت‌های ویژه

П о з д р а в и т ь к о г о - л и б о с Н о в ы м г о д о м

تبریک به کسی به مناسبت سال نو

п о з д р а в и т ь к о г о - л и б о с д н ё м р о ж д е н и я

تبریک به کسی به مناسبت جشن تولد

п о ж е л а т ь у д а ч и (друзьям, сдающим экзамены или переходящим на новую работу)

آرزوی موفقیت کردن (برای دوستان، دادن امتحان و یا انتقال به کار جدید)

п о о с о б ы м с л у ч а я м

رویدادهای ویژه

П о д п и с ы в а т ь о т к р ы т к и

امضای کارت

С н а и л у ч ш и м и п о ж е л а н и я м и

با بهترین آرزوها

П о ж е л а т ь у д а ч и

آرزوی موفقیت کردن

П р и о б о д р и т ь (з а б о л е в ш е г о)

بالا بردن روحیه کسی که بیمار شده

С о ж а л е ю , ч т о В ы з а б о л е л и . Н а д е ю с ь , В ы с е й ч а с ч у в с т в у е т е с я л у ч ш е и с к о р о п о л н о с т ь ю в ы з д о р о в е е т е .

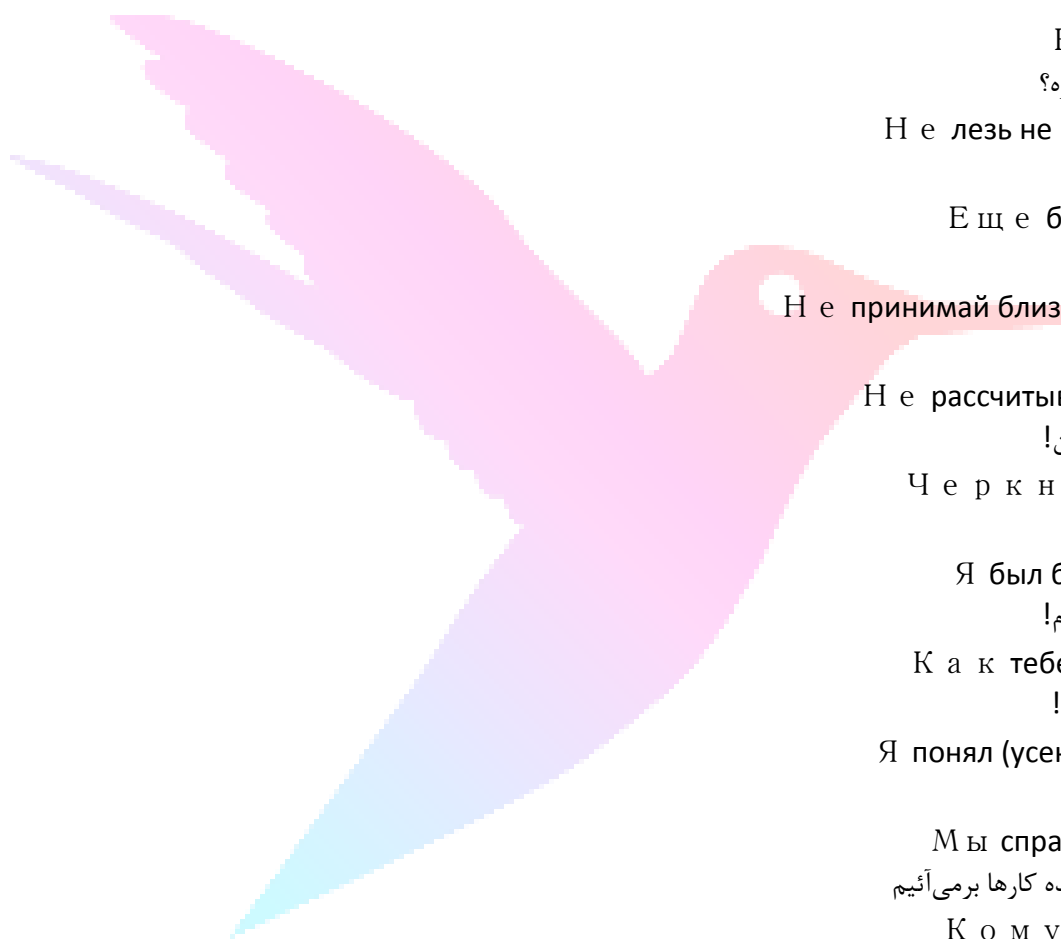
متأسفم که شما بیمار شدید. امیدوارم، الان حالتون بهتر شده باشد و بزودی کاملاً خوب بشوید

Н и ч е г о с е б е !

نگاش کن!

Е щ е с п р а ш и в а е ш ь !





باز می‌پرسی!

К а к хочешь.

هر طور دلت بخواد

Д а в а й без фокусов!

بیا، بدون کلک!

Д а кто ты вообще такой?

تو اصلاً کی هستی (که بخودت اجازه می‌دی...)

П о с л у ш а й!

گوش کن!

В чем дело?

موضوع از چه قراره؟

Н е лезь не в свое дело!

دخالت نکن!

Е щ е бы! Конечно!

البته، حتماً!

Н е принимай близко к сердцу!

زیاد فکرشو نکن!

Н е рассчитывай на меня.

رو من حساب نکن!

Ч е р к н и т е м н е.

خبرم کن!

Я был бы польщен!

خوشحال می‌شدم!

К а к тебе не стыдно!

خجالت نمی‌کشی!

Я понял (усек, врубился).

دستگیرم شد!

М ы справимся сами.

ما خودمون از عهده کارها برمی‌آئیم

К о м у это нужно?

به درد کی می‌خوره؟

А д с к и болит!

بدجوری درد می‌کند!

Н у и что теперь?

حال چی؟

С п и с о к наиболее употребительных русских фраз

فهرست جملات پرکاربرد روسی

Р а с с л а б ь с я .

راحت باشید .

Отвали.

راحتم بگذار.

Договорились.

قرار را گذاشتیم .

Вопросы принимаете?

می شه از شما سئوالی بپرسم؟

Без проблем.

البته.

Часы есть?

ساعت چنده؟

Я занят.

وقت ندارم .

Ну, входи.

خب، بیا تو (وارد شو)

Говори медленнее, ничего не понятно.

آهسته تر حرف بزن، هیچی نمی فهمم .

В точку!

درست به هدف خورد!

Понятно.

فهمیدم (که اینطور)

Серьезно?

جدی؟

Пока.

خداحافظ (دوستانه)

Увидимся.

به امید دیدار

Хватит.

بس، دیگه! کافیه!

Согласен.

قبول دارم .

Ерунда.

فکر نمی کنم. حرف مفته.

Согласен?

موافقی؟

Вот об этом я как раз и забыл.

این همونی بود که فراموشش کردم.

Зайди попозже.

الان مشغولم، دیرتر بیا .

Ч е г о встал в такую рань?

چرا به این زودی بیدار شدی؟

З д р а с ь т е , я к в а м .

سلام، با شما کار دارم.

Д о р о г а я , выключи свет.

عزیزم، چراغ را خاموش کن.

Н и ч е г о не знаю, отвалите.

از هیچی خبر ندارم، دست از سرم بردارید .

С кем это ты сейчас говорил?

الان با کی حرف زدی؟

Х о т и т е на колени встану?

متأسفم. عذرخواهی می کنم .

Э т о как?

منظورت چیه؟

На з о в и с ь !

اسم شما !

П о з н а к о м и м с я ?

با هم آشنا بشویم؟

Ж д и .

صبر کنید!

Х о р о ш о , если так.

اگر اینطوره، پس خوب است.

Ф и г н я .

بیخوده .

М н е по барабану.

بی خیال.

Н е т уж, спасибо.

خیلی ممنون، نمی خواهم .

Е щ е раз и помедленней.

یکبار دیگه تکرار کنید، اما آهسته تر .

У вас какие-то проблемы?

با مشکلی روبرو شدید؟

Н у ка, подойди.

هی، بیا اینجا ببینم .

У ж е в пути.

دارم می آم.

Н у ты вообще ничего.

بدک نیستی ها!

О п я т ь т ы?

باز تو؟

Н е болеешь?

حالت خوبه؟

М н е как-то не так.

حالم یه جوریه.

С л у ш а й внимательно и не перебивай.

بدقت گوش کن و حرفم را قطع نکن.

В и д а л!

از این چیزا زیاد دیدم!

Я сваливаю.

باید برم.

И почём?

قیمتش چنده؟

Л а д н о , пусть будет по-твоему.

باشه، هر چه تو بگی.

Ч е г о хотел?

چکار داشت؟

یک قطعه شعر

В декабре в той стране

С н е г до дьявола чист,

И метели заводят

В е с е л ы е прялки.

Б ы л человек тот авантюрист,

Н о самой высокой

И лучшей марки.

Б ы л он изящен,

К тому ж поэт,

Х о т ь с небольшой,

Н о ухватистой силою,

И какую-то женщину,

С о р о к а с лишним лет,

Н а з ы в а л скверной девочкой

И свою милою.

С ч а с т ь е , - говорил он,-

Е с т ь ловкость ума и рук.

В с е неловкие души  
З а несчастных всегда известны.  
Э т о ничего,  
Ч т о много мук  
П р и н о с я т изломанные  
И лживые жесты.  
В грозы, в бури,  
В житейскую стынь,  
П р и тяжелых утратах  
И когда тебе грустно,  
К а з а т ь с я улыбчивым и простым -  
С а м о е высшее в мире искусство".



دسامبر در آن سرزمین  
برف تمیز است و شفاف  
بوران است  
و دوک شادمانه  
ترانه می‌سراید.  
او  
آدمی ماجراجو  
ولی از نوع خوب و زیبایش بود  
او ظریف و شاعر بود.  
هر چند نه زیاد  
اما اراده‌ای قوی داشت  
و زنی را حدود چهل و چند سال  
دختر بد و محبوب  
خود نامید.  
خوشبختی از زبان او یعنی  
مهارت عقل و دست.  
علت همه بدبختی‌ها  
روان تنبل است.  
حرکات دروغین  
ژسته‌های دروغین  
که بس مشکل آفرینند  
ارزشی ندارند.  
در رعد، در طوفان  
در گرداب مسائل زندگی

در اندوه جانکاه  
در غم و درد سنگین  
عالی ترین هنر در جهان  
به نظر ساده و مسخره می آید.



درس چهل و ششم

ابتدا متن و گفتگوی کوتاهی را مورد توجه شما قرار می دهیم:

День рождения Наташи

روز تولد ناتاشا

Сегодня у Наташи день рождения. Ей исполнилось 20 (двадцать) лет. В гости к ней пришли родные, подруга Анна и студенты.

امروز روز تولد ناتاشاست. او ۲۰ ساله می شود. خویشاوندان، آنا دوست دخترش و دانشجویان مهمانان او هستند.

Из Петербурга приехал дядя.

عمویش از پتر بورگ آمد.

Сколько лет ей исполнилось?

او چند سالش شد؟

Ей исполнилось двадцать лет.

او بیست سالش شد.

Откуда приехал дядя?

عمو از کجا آمد؟

Он приехал из Петербурга.

او از پتربورگ آمد.

Диалог

گفتگو

Таня: Здравствуй, Наташа! Поздравляю тебя с днем рождения!

تانیا: سلام، ناتاشا! به مناسبت روز تولدت به تو تبریک می گویم!

Наташа: Спасибо, Таня. Я очень рада, что ты пришла.

ناتاشا: مرسی، تانیا. خیلی خوشحالم که تو آمدی.

Юра: Наташа, твой дядя живет в Москве?

یورا: ناتاشا، عموی تو در مسکو زندگی می کند؟

Наташа: Нет, в Петербурге. Он приехал в Москву на два дня.

ناتاشا: نخیر، در پتربورگ. او برای دو روز به مسکو آمد.

Юра: Он, кажется, долго был в Иране?

یورا: به نظر می رسد مدت زیادی در ایران بوده است.

Наташа: Да, сегодня он расскажет нам много интересного.

ناتاشا: بله، امروز او خیلی چیزهای جالب برایمان تعریف خواهد کرد.

День рождения

روز تولد

Ей исполнилось 20 (двадцать) лет

او بیست ساله شد

Прийти в гости

رفتن به مهمانی

Родные

خویشاوندان

Приехать, приеду, приедешь

آمدن

Дядя

عمو، دایی

Сколько

چقدر

Откуда

از کجا

Поздравляю тебя с днем рождения!

تبریک به مناسبت روز تولد

приехать на два дня

آمدن برای دو روز

Кажется

به نظر می رسد

у кого сегодня день рождения?

امروز جشن تولد کیست؟

Сколько ей лет?

چند سالش است؟

Год

سال

Долго- недолго

زیاد-کم

فرمول این حالت گرامری

«او» باضافه حالت گرامری اضافه-ملکی

У+ Родительный падеж

у кого сегодня день рождения?

У Наташи.

У Виктора.

و اما در مورد ضمائر شخصی: من کتاب دارم، تو کتاب داری و الی آخر.

У меня есть книга.

У тебя есть книга.

У него (у нее) есть книга.




У нас есть книга.  
У вас есть книга.  
У них есть книга.

و حالا به ترکیب حروف اضافه از الت گرامری اضافه توجه کنید. در این جملات پسوند کلمات تغییر می کند و در موارد گوناگون می بایست از حرف اضافه مربوطه استفاده کرد. به این صورت که اگر در زبان فارسی فقط از یک «از» در مورد شهر و نمایشگاه و استادیوم و غیره استفاده می شود، در زبان روسی «از» بصورت استفاده از حروف اضافه گوناگون در جمله نمایان می شود. لطفاً گوش کنید، توجه فرمائید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید.

Из, С, Со, + Родительный падеж  
Откуда он приехал? Из Петербурга.  
Из Москвы.  
С выставки.  
Со стадиона.

و اما یکبار دیگر ضمائر شخصی و ضمائر ملکی مربوطه را مورد توجه شما قرار می دهیم:



Я-мне  
Ты-тебе  
Он-ему  
Она-ей  
Мы-вам  
Вы-вам  
Они- им  
К кому пришли друзья?  
К ней пришли друзья.  
Ко мне  
К тебе  
К нему  
К ней  
К нам  
К вам  
К ним

و اما باید به یک نکته دیگر در باره پاسخ به سؤال « چند سال دارید یا دارد؟» نیز توجه شود. و آن اینکه در زبان روسی بنا به تعداد سالهای عمر باید از دو کلمه год, лет به معنی سن استفاده کرد. به این ترتیب که اگر کودک فقط یک، دو و سه و یا چهار سال دارد باید از год استفاده کرد و پنج و شش و شش الی بیست از лет . توجه کنید.

Сколько ей лет?  
Один год  
Два года  
Три года  
Четыре года  
Пять лет

Шесть лет  
Двадцать лет

و حالا اعداد و ترتیب آنها را مورد توجه شما قرار می دهیم:

один  
два  
три  
четыре  
пять  
шесть  
семь  
восемь  
девять  
десять

یک

دو

سه

چهار

پنج

شش

هفت

هشت

نه

ده

Первый

Второй

Третий

Четвертый

Пятый

Шестой

Седьмой

Восьмой

Девятым

Десятым

اولی

دومی

سومی

چهارمی

پنجمی

ششمی

هفتمی

هشتمی

نهمی

دهمی

одиннадцать

двенадцать

тринадцать

четырнадцать

пятнадцать

шестнадцать

семнадцать

восемнадцать

девятнадцать

двадцать

یازده

دوازده

سیزده

چهارده

پانزده

شانزده

هفده

هجده

نوزده

بیست

Одиннадцатый

Двенадцатый

Тринадцатый

Четырнадцатый

Пятнадцатый

Шестнадцатый

Семнадцатый

Восемнадцатый

Девятнадцатый

Двадцатый

یازدهمی

دوازدهمی

سیزدهمی

چهاردهمی

پانزدهمی

شانزدهمی

هفدهمی

هجدهمی

نوزدهمی

بیستمین

و حالا چند نمونه مشخص با استفاده از اعداد و تغییر پسوند در حالت گرامری:

**Бутылка**

بطری، شیشه (مفرد)

**Бутылки**

بطری (جمع)

одна **бутылка**

две, три, четыре **бутылки**

пять, шесть, семь, много, мало, несколько **бутылок**

**Девушка**

دختر

**Девушки**

одна **девушка**

две, три, четыре **девушки**

пять, шесть, десять, много, мало, несколько **девушек**

**Поэт**

شاعر

**Поэты**

один **поэт**

два, три, четыре **поэта**

пять, шесть, миллион, много, мало, несколько **поэтов**

و اما با استفاده از حروف اضافه Из, С, Со, + Родительный падеж چند مثال بادر نظر داشت اعداد مورد توجه شما قرار می دهیم.

С трёх часов до пяти он смотрел телевизор.

از ساعت سه تا پنج او تلویزیون تماشا کرد.

Мама сварила варенье из четырёх килограммов клубники и пятикилограммов сахара.

مامان از چهار کیلو توت فرنگی و پنج کیلو شکر مربا درست کرد.

Цена билетов на концерт была от пятидесяти пяти до восьмидесяти тысяч рублей.

قیمت بلیط کنسرت از پنجاه و پنج تا هشتاد هزار روبل بود.

На стадионе было около ста тысяч болельщиков.

حدود صد هزار هوادار در استادیوم بودند.

Мужчина входит в ресторан, садится за стол и говорит:

-Официант, мне бы пару яиц и доброе слово.

Тот приносит 2 яйца.

- А доброе слово?!

- Не ешьте эти яйца.

مردی وارد رستوران می شود پشت میز می نشیند و می گوید: گارسن دو تا تخم مرغ و به حرف نیکو

گارسن دو تا تخم مرغ را می آورد. مرد می گوید: پس حرف نیکو چی شد؟

حرف نیکو؟

آها!

این را نخورین.

В ресторане итальянец заказывает курицу с гарниром. Ему приносят.

Через пару минут он зовет официанта и говорит ему:

- Вы не могли бы прожарить курицу получше?

- А что случилось?...

- Она съела весь мой гарнир.

در رستوران ایتالیایی سفارش مرغ با سس می دهد. برایش می آورند

بعد از چند دقیقه او گارسن را صدا می کند و می گوید:

شما نمی توانستید مرغ را بهتر سرخ کنید؟

مگه چی شده؟

مرغه همه سس ها را خورد.

Один мужик спрашивает у другого:

- Почему ты разводишься с женой.

Тот отвечает:

- Она у меня слишком хозяйственная.

- Так это же хорошо.

- Ничего хорошего, ночью встаю воды попить, возвращаюсь, а постель уже застелена

مردی از اون یکی می پرسد:

چرا می خوای از زنت طلاق بگیری

زیاده از حد خانه داره

اینکه خیلی خوبه

هیچم خوب نیست، شبها بلند می شم آب بخورم تا بر می گردم می بینم رختخواب جمع و مرتب شده است.

Летит компьютер с 50 этажа.

И думает: "Вот бы сейчас зависнуть"

کامپیوتر از طبقه پنجاه در حال فرود است و پیش خود فکر می کند، حالا وقتشه که دی.سی کنم!

هنرپیشگان تنها دورویان صادق هستند  
ویلیام هازلایت

Актеры - единственные честные лицемеры.

عشق جدالی بین واکنش ها و تراوش افکار است.

دن هرالد

Любовь - это конфликт между рефлексами и размышлениями.

نبوغ یک درصد الهام و ۹۹ درصد کار عرق ریختن است.

ادیسون

Гений - это одни процент вдохновения и девяносто девять процентов потения.

فقدان پول ریشه تمام شرهاست.

برنارد شائو

Отсутствие денег - вот корень всех зол.

دوستی بین زنان - یک آتش بس موقت است.

کنت ریوارول

Дружба между женщинами - это просто временное перемирие.

عقل سلیم آنقدرها هم سلیم نیست.

ولتر

Здравый смысл не так уж здрав.

زنان مدرن و معاصر از همه چیز و همه کس سر درمی آورند بغیر از شوهران خود.

اسکار وایلد

Современные женщины понимают всё и всех, кроме своих мужей.

ازدواج دوم، پیروزی امید بر تجربه است.

جونسون

Второй брак - это победа надежды над опытом.

خیال اولین لذت است.

ولتر

Иллюзии - первое из удовольствий.

همه نادانند، اما فقط در رشته های مشخصی

روجرز

Все - невежды, просто в определенных областях.

من به وقت شناسی ایمان دارم، هر چند مرا خیلی تنها می کند.

لوکاس

Я верю в пунктуальность, хотя это и делает меня очень одиноким.

مرد درست مثل افتادن از پله، عاشق می شود- مثل یک اتفاق ناگوار

ساتلی

Человек влюбляется точно так же, как и падает с лестницы. Это - несчастный случай.

تمرین بهترین معلم است

پابلیئوس

Практика - наилучший учитель.

هر چیزی تا وقتی مضحک است که برای دیگران اتفاق بیفتد.

روجرز

Все смешно, пока это происходит с другими.

یک زن ایده‌آل زنی است که شوهر ایده‌آلی داشته باشد.

تارکینگتون

Идеальная жена - это любая женщина, у которой идеальный муж.

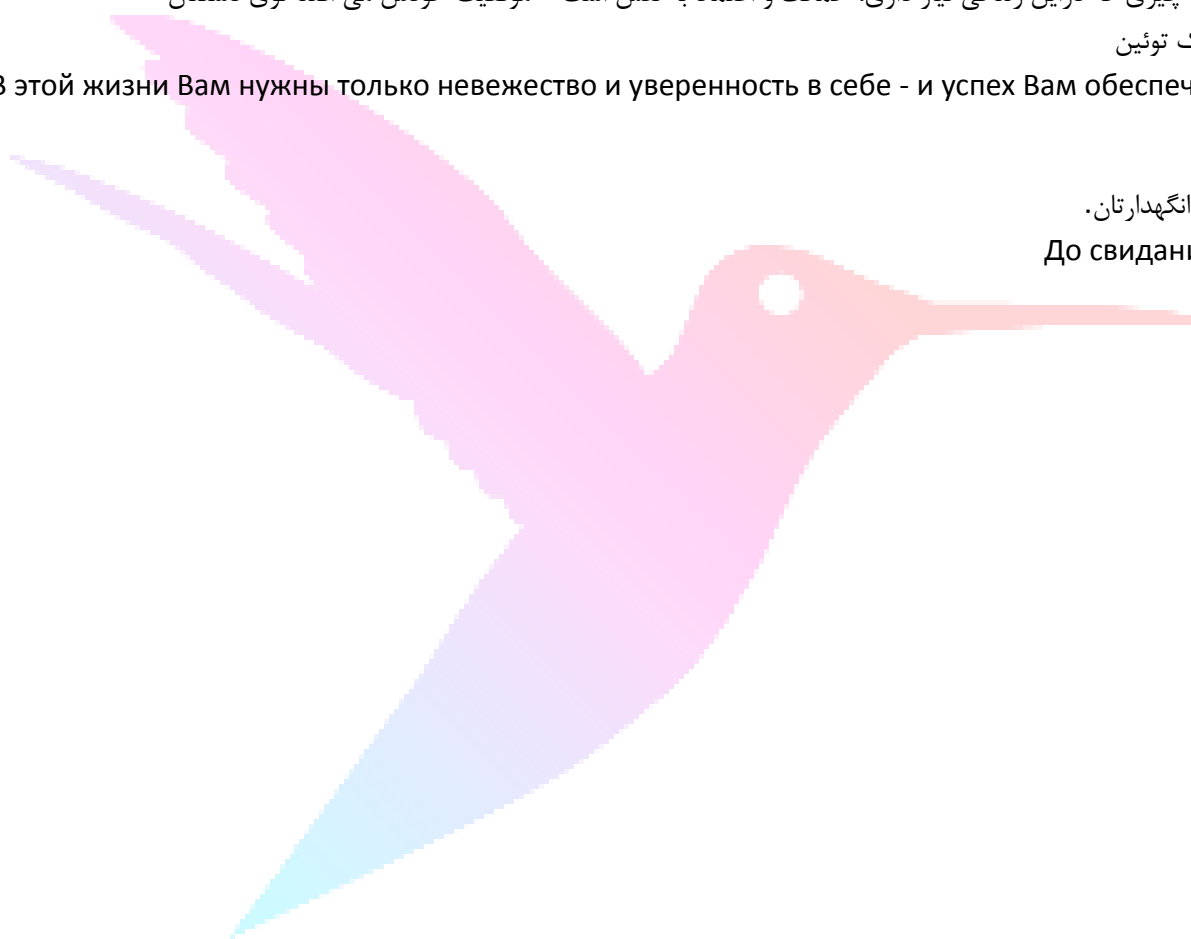
تنها چیزی که در این زندگی نیاز داری، حماقت و اعتماد به نفس است – موفقیت خودش می افتد توی دستت

مارک توئین

В этой жизни Вам нужны только невежество и уверенность в себе - и успех Вам обеспечен

خدانگهدارتان.

До свидания!



درس چهل و هفتم

ابتدا متنی را مورد توجه شما قرار می‌دهیم. لطفاً توجه کنید، گوش کنید و سعی کنید جملات را به خاطر بسپارید.

День рождения Наташи

جشن تولد ناتاشا

(продолжение)

ادامه

Студенты были в гостях у Наташи. У нее был день рождения. Там был дядя Наташи, который недавно вернулся из Ирана. Он корреспондент, много ездил по стране, хорошо говорит по-персидски. Было очень интересно.

دانشجویان مهمان ناتاشا بودند. جشن تولد او بود. عموی ناتاشا هم آنجا بود که چندی پیش از ایران برگشته بود. او خبرنگار است. زیاد در کشور سفر کرده بود، زبان فارسی را خوب حرف می‌زند. همه چیز خیلی جالب بود.

Откуда вернулся дядя Наташи?

عموی ناتاشا از کجا برگشته بود؟

Он вернулся из Ирана.

او از ایران برگشته بود.

О чем рассказывал дядя?

عمو در باره چی تعریف کرد؟

Он рассказывал об Иране.

او در باره ایران تعریف کرد.

Какой дядя?

کدوم عمو؟

Дядя, который недавно вернулся из Ирана.

عمویی که چندی پیش از ایران برگشته بود.

Диалог

گفتگو

- Таня, как вы провели время у Наташи?

تانیا، شما خانه ناتاشا چطور وقت‌گذرانی کردید؟ یا خانه ناتاشا به شما خوش گذشت؟

- Очень хорошо. Ее дядя много рассказывал нам об Иране. Он корреспондент.

خیلی خوب. عمویش خیلی چیزها در باره ایران برایمان تعریف کرد. او خبرنگار است.

- Как интересно!

چه جالب!

- В субботу он будет выступать в нашем институте.

روز شنبه او در انستیتوی ما سخنرانی خواهد کرد.



و حالا لغات این متن

Продолжение

ادامه

быть в гостях

مهمان بودن

дядя Наташи, который

عموی ناتاشا که...

Который

که...

Недавно

چندی پیش

Вернулся

برگشته بود

Вернуться

برگشتن

Корреспондент

خبرنگار

Страна

کشور

ездить по стране

در کشور مسافرت کردن، به نواحی کشور سفر کردن

Рассказывать

تعریف کردن، حکایت کردن، که سؤال آن می شود، о чем? О ком?

در باره چه؟ در باره کی؟

О чем рассказывал дядя?

عمو در باره چی تعریف کرد؟

Показывать

نشان دادن

Что?

چی؟ چه چیزی؟

Цветные диапозитивы

اسلایدهای رنگی

как вы провели время?

وقت را چطور گذراندید؟

Как интересно!

چه جالب!

О ком рассказывала Наташа?

ناتاشا در باره کی تعریف کرد؟ یا صحبت کرد؟

Цвет-ы

رنگ، که در حالت‌های شخصی متفاوت مذکر، مونث و خنثی و جمع پسوندهای آن گوناگون خواهد بود ولی معنی یکی (رنگی)

Цветной

رنگی (مذکر)

Цветная

رنگی مونث

Цветное

خنثی

Цветные

جمع

Давно-недавно

خیلی وقت پیش – چندی پیش

Где будет выступать дядя Наташи?

عموی ناتاشا کجا سخنرانی خواهد کرد؟

Он будет выступать в нашем институте.

او در انستیتوی ما سخنرانی خواهد کرد.

در اینجا ما با حالت گرامری تخصیص سر و کار داریم. لطفاً به نمونه‌های دیگر با در نظر داشت شکل ساخت ضمائر توجه فرمائید:

В моем доме- в нашем доме

در خانه من، در خانه ما

В твоем доме- в вашем доме

در خانه تو- در خانه شما

В его (ее) доме- в их доме

در خانه او- در خانه آنها

توجه داشته باشید که حرف «در» در زبان روسی در رابطه با کلمات گوناگون متفاوت است. به نمونه دیگری توجه فرمائید:

На моем месте- на нашем месте

در جای من- در جای ما و همینطور الی آخر...

В моей комнате- в нашей комнате

В твоей комнате- в вашей комнате

В его(ее) комнате- в их комнате

و حالا جملاتی که فرمول ساخت آنها ترکیبی از «об+предложный падеж»، «او» و «اوب» به معنی در باره و حالت گرامری تخصیص است مورد توجه شما قرار داده می‌شود.

Дядя рассказывал об Иране.

عمو در باره ایران تعریف کرد.

Преподаватель говорил об институте.

معلم در باره انستیتو صحبت کرد.

Друзья писали о Москве.

دوستان در باره مسکو نوشتند.

Мы читали о выставке.

ما در باره نمایشگاه خواندیم.

ضمایر شخصی:

Обо мне-о нас

О тебе- о вас

О нем (ней)- о них

فعل Рассказать ، Рассказывать، به معنی تعریف کردن دارای سئوالات

Кому? Что? О чем? О ком?

می‌باشد که در تعیین پسوند کلمات در این حالت گرامری کمک می‌کند. توجه کنید:

Студент рассказывал

دانشجو تعریف کرد

Кому?

برای کی؟

Преподавателю

برای معلم

Что?

چی را؟

Текст.

متن را.

Дядя рассказывал

عمو تعریف کرد

Кому?

برای کی؟

Нам

برای ما

О чем?

در باره چی؟

Об Иране.

در باره ایران.

Наташа рассказывала

О ком?

О ней.

Об Анне.

Именительный падеж+родительный падеж  
حالت فاعلی + حالت اضافه

Дядя Наташи- корреспондент.

Дядя

در حالت فاعلی در جمله قرار دارد و

Наташи

در حالت اضافه.

در جمله:

У Наташа был день рождения.

День

در حالت فاعلی

Рождения

در حالت اضافه آمده است.

Это комната брата.

Комната

حالت فاعلی

Брата

حالت اضافه

Студенты купили новый учебник персидского языка.

دانشجویان کتاب آموزشی جدید زبان فارسی را خریدند.

Который (которая, которое, которые)

کدام (مذکر، مونث، خنثی و جمع)

Какой?

کدام؟

Друг Наташи, который недавно вернулся из Ирана, выступал в нашем институте.

دوست ناتاشا که چندی پیش از ایران برگشت در انستیتوی ما سخنرانی کرد. مثالهای دیگر گویای ضمیر مونث و جمع هستند.

توجه فرمائید:

Какая?

Подруга Наташи, которая недавно вернулась из Ирана, выступала в нашем институте.

Какие?

Друзья Наташи, которые недавно вернулись из Ирана, выступали в нашем институте.

و حالا صرف فعل برگشتن:

Вернуться

Будущее время

زمان آینده

Я вернусь- мы вернемся

Ты вернешься- вы вернетесь  
Он (она) вернется- они вернуться

Прошедшее время

زمان گذشته

Я,ты,он вернулся

Она вернулась

Мы, вы, они вернулись

و حالا از شما دعوت می کنیم به یک نظر خواهی کوتاه توجه فرمائید:

1-Вы оптимист(ка) или пессимист(ка)?

شما آدمی خوشبین هستید یا بدبین؟

Я оптимист. И мне кажется, что каждый человек в этой жизни должен быть оптимистом. Потому что тем, кто пессимисты, очень сложно будет жить в нашем и так не очень радостном мире.

من خوشبین هستم. به نظرم، هر آدمی در این زندگی باید خوشبین باشد، زیرا زندگی در این دنیای نه چند شاد ما برای کسانی که بدبین هستند دشوار خواهد بود.

2. Вы доверчивый человек?

شما خوش باورید؟

Да, очень. И это моя самая большая проблема.

بله، خیلی. و این بزرگترین مشکل من است.

3. Вы когда-нибудь влюблялись? В кого? Кто был вашей первой любовью?

شما تا کنون عاشق شدید؟ عاشق کی؟ عشق اول شما کی بود؟

Да. Было дело в первом классе. Девочка была белокурая, с голубыми глазами, одним словом, эталон красоты. Очень смешная. Так я в нее сразу и влюбился. Но как это всегда бывает, она меня считала только другом. А потом 11 класс, выпускной и...Вы не поверите, где она сейчас. Вот как раз сидит рядом со мной и играет с ребенком, таким же белокурый, как и она сама.

آه، بله. کلاس اول دبستان بود. دختری بور بور با چشمانی آبی آبی، خلاصه مثل یک تابلوی زیبا. خیلی هم بامزه. من از همان نگاه اول عاشقش شدم. اما مثل هر ماجرای دیگری از این نوع او فقط به چشم دوست به من نگاه می کرد. بعد کلاس یازده و تمام شدن مدرسه... باورتان نمی شود اگر بگویم او الان کجاست. کف اتاق نزدیک من نشسته و داره با فرزند ما که مثل خودش بور بوره بازی می کند.

4. Что вы не любите? Что мешает вам жить?

شما از چی خوشتان نمی آید؟ چه چیزی مانع از زندگی شما می شود؟

Я не люблю предательства. По работе мне иногда приходилось встречаться с предательством, притом иногда самых близких друзей. И это наносило очень большие

раны. Потом просто перестаешь верить людям. А без доверия не может быть даже нормальных рабочих отношений.

من از خیانت بدم می‌آید. سر کار اتفاق افتاده که با آن روبرو شدم و آنهم از طرف دوستان نزدیکم که صدمه بزرگ روحی برایم بوده است. به این ترتیب بعداً دیگر به چیزی باور نمی‌کنی. و بدون باور، هیچ‌گونه رابطه نرمال کاری وجود نخواهد داشت.

5. Являетесь ли вы членом какого-нибудь клуба или организации?

آیا شما عضو کلوب یا سازمانی هستید؟

Я являюсь членом клуба верховой езды.

من عضو باشگاه اسبسواری هستم.

6. Довольны ли вы своей жизнью? Если нет, то что бы вы хотели изменить в своей жизни?

آیا شما از زندگی خود راضی هستید؟ اگر نه، چه چیزی را می‌خواستید در آن تغییر دهید؟

Я полностью доволен своей жизнью. У меня прекрасная семья, хорошая работа, хорошие доходы. Может быть, конечно, хотелось бы побольше развлечений в жизни, но мне кажется, что это придет еще со времен. Все впереди!

من کاملاً از زندگی خود راضی هستم. من خانواده خوبی دارم، کار خوب و درآمد خوبی. شاید یک کمی تفریح بیشتر در زندگی، اما به نظرم زمان آن را هم برایم روبراه خواهد کرد. هنوز وقت هست!

7. Какое ваше самое большое желание?

بزرگترین آرزوی شما چیست؟

Мое самое большое желание, чтобы были в здравии мои самые близкие люди. Чтобы они всегда были счастливы и никогда не испытывали грусть. А также, чтобы я как можно дольше был рядом с ними и помогал им на их жизненном пути.

بزرگترین آرزوی من این است که نزدیکان من سالم باشند. اینکه آنها همیشه خوشبخت باشند و هیچوقت غم و اندوه را احساس نکنند و اینکه من بتوانم هر چه بیشتر کنارشان باشم و به آنها در جاده زندگی کمک کنم.

8. Кто помог вам в жизни больше всех?

کی بیشتر از بقیه در زندگی به شما کمک کرده است؟

В жизни, как и большинству людей, мне помогли родители. Но самую большую помощь себе оказал я сам.

در زندگی مثل اکثر مردم، والدینم به من کمک کردند. اما بزرگترین کمک را خودم به خودم کردم.

9. У вас есть кумир или человек, на которого вы хотите быть похожим (похожей)?

شما بت یا شخصی را در خیال دارید که دلتان بخواهد شبیه به او باشید.

Честно говоря, я не очень люблю фанатизм. Мне кажется, что человек должен беречь и радоваться тому, что ему дали и какой он есть сам. Потому что в каждом из нас есть какая-то изюминка, и она играет очень важную роль. Поэтому у меня нет кумира как такового.

راستش را بگویم من از فانتزی زیاد خوشم نمی آید. به نظرم انسان باید از آنچه به او داده شده خوب محافظت کند و از داشتن آن شاد باشد. زیرا در هر یک از ما چیزی هست که در دیگری نیست و نقش مهمی را بازی می کند. به این دلیل من بت آنطوری ندارم.

10. Вы когда-нибудь списывали на экзамене?

تا بحال سر امتحان تقلب کرده اید؟

Но кто же не списывал на экзамене? Конечно, списывал, и меня чуть не запалили. Ох, было страшно!!!!

کسی را می توانید پیدا کنید که تقلب نکرده باشد؟ البته که تقلب کردم و کم مانده بود گیر بیفتم. خیلی وحشتناک بود!

11. Когда вы хотите жениться (выйти замуж)?

کی خیال ازدواج دارید؟

А я уже женат! И женился я в 22 года.

من متأهلم. در سن ۲۲ سالگی زن گرفتم.

12. Что может напугать вас?

چی می تونه شما را بترساند؟

Это сложный вопрос... Меня пугают хищные животные. А еще такие люди, которые смотрят на всех исподлобья. Прямо мурашки по коже, когда их видишь и когда они смотрят на тебя.

سؤال سختی است... من از حیوانات درنده می ترسم. دیگه از آدمهایی که زیر چشمی همه را زیر نظر دارند. آه، وقتی آنها را می بینی و یا آنها به تو نگاه می کنند، مو بر تن آدم سیخ می شود.

خدانگهدارتان.

До скорого!

درس چهل و هشتم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگو در رابطه با آشنایی توجه فرمائید:

ПОЗНАКОМИМСЯ;

آشنایی

-Антон,я хочу вас познакомить с Виктором.

آنتون، من می خواهم شما را با ویکتور آشنا کنم.

-Здравствуйте

سلام.

-Здравствуйте.Очень приятно.

سلام، خیلی از آشنایی با شما خوشوقتم.

-Виктор-друг Влада.Он несколько недель тому назад прибыл в Тегеран.

ویکتور دوست ولاد است. او چند هفته پیش به تهران آمد.

-Откуда вы?(приехали)

شما از کجا آمده اید؟

-Я из Москвы.

از مسکو.

-Из России? Вы эмигрант или гостите у родственников?

از روسیه؟ شما مهاجر هستید و یا مهمان خویشاوندان؟

-Я приехал сюда на постоянное жительство.Я ждал восемь лет получения визы.

من برای اقامت دائم به اینجا آمده ام. من هشت سال منتظر دریافت ویزا شدم.

Простите.Вот пришли Кузнецовы.

بخشید، خانواده کوزنیتسووها آمدند.

Я должен с ними поздороваться.

من باید با آنها احوالپرسی کنم.

-Вам нравится Иран?

شما از ایران خوشتان می آید؟

-Мне здесь очень нравится.Но пока у меня куча забот.

من از اینجا خیلی خوشم می آید. اما فعلاً با مسائل زیادی روبرو هستم.

-Вы здесь с семьей?

شما با خانواده آمده اید؟

-Да.С женой и сыном.

بله، با همسر و پسر.

-Какие ваши первоочередные проблемы?

مسائل درجه اول شما کدام هستند؟

-Прежде всего я должен найти работу.

قبل از هر چیز باید کاری پیدا کنم.

-Ваша профессия?

حرفه شما؟



-Я-инженер-электрик, моя жена--чертежница.

من مهندس برق و همسر نقشه کش.

-Может быть, я сумею вам помочь найти работу. Я работаю в агентстве по трудоустройству. Вот моя визитная карточка. Позвоните мне во вторник утром, если вам удобно.

شاید من بتوانم به شما کمک کنم. من در آژانس کاربایی کار میکنم. این کارت ویزیت من. اگر برایتان مناسب بود سه شنبه صبح به من تلفن کنید.

-В какое время лучше всего вам позвонить?

در چه ساعتی بهتر است با شما تماس بگیریم؟

-После 10 часов утра.

بعد از ساعت ده صبح.

-Большое спасибо. Я непременно вам позвоню.

خیلی متشکرم. حتماً با شما تماس خواهم گرفت.

-Вы хорошо говорите по-персидски.

شما فارسی خوب حرف می زنید.

-Спасибо, вы очень любезны.

ممنون. لطف دارید.

-Уже поздно. Думаю, что у вас еще нет машины. Я с удовольствием подвезу вас.

دیگر دیر است. فکر کنم شما هنوز ماشین ندارید. من با کمال میل شما را می رسانم.

-Очень признателен.

خیلی ممنون می شوم.

و حالا از شما دعوت می کنیم به یک متن توجه فرمائید:

Москва- большой и красивый город. Вы уже знаете, что в центре Москве находится Красная площадь и Кремль. Есть еще одна красивая площадь в центре Москвы. Она называется «Театральная площадь». На этой площади находится Большой театр. Большой театр знают и любят в России. Здесь можно посмотреть балет, послушать оперу.

مسکو شهر بزرگ و قشنگی است. شما می دانید که میدان سرخ و کرملین در مرکز مسکو قرار دارد. یک میدان زیبای دیگر در مرکز مسکو هست. اسم آن «میدان تئاتری» است. بالشوی تئاتر در این میدان واقع است. همه در روسیه بالشوی تئاتر را می شناسند و دوست دارند. در اینجا می توان باله تماشا کرد و اوپرا گوش داد.

Диалог

گفتگو

- Скажите, пожалуйста, что сегодня идет в Большом театре?

لطفاً بگوئید برنامه امروز تئاتر بالشوی چیست؟

- Балет «Спартак».

باله اسپارتاکوس.

- У вас есть билет?

بلیط هست؟

- Есть.

بله.

- Дайте, пожалуйста, два билета.

لطفاً دو تا بلیط بدهید.

- Пожалуйста.

بفرمائید.

- Сколько они стоят?

چقدر باید بپردازم؟

- 1600 рублей.

1600 روبل.

- Большое спасибо.

خیلی ممنون.

Виктор, здравствуй! Куда ты идешь?

ویکتور، سلام! کجا داری می ری؟

К нашей новой преподавательнице. А ты куда?

نزد خانم معلم جدید. و تو کجا؟

Домой. Я купил билеты в Большой театр.

خانه. من بلیط تئاتر خریدم.

معانی لغات و جملات

Большой театр

تئاتر بالشوی

Еще одна площадь

یک میدان دیگر

Она называется «Театральная площадь»

نام آن « میدان تئاتری » است.

Большой театр знают и любят в России

بالشوی تئاتر را در روسیه می شناسند و دوست دارند

Здесь

اینجا

Посмотреть

دیدن، تماشا کردن

Балет

باله

послушать оперу

شنیدن اوپرا، گوش دادن به اوپرا

Послушать

شنیدن

Опера

اوپرا

Кассир

بلیطفروش

что сегодня идет в театре?

برنامه امروز تئاتر چیست؟

Балет «Спартак»

باله اسپارتاک

Сколько стоит билет?

قیمت بلیط چقدر است؟

Рубль

روبل

Копейка

کوپک

Он преподаватель

او معلم است (مذکر)

Она преподавательница

او معلم است (مونث)

Дательный падеж

مفعول بواسطه با سئوالهای **Чему?** **кому?** و با حرف اضافه **К** باضافه همین سئوالها

**К кому?**, **к чему?** توجه کنید:

К кому идет Виктор?

ویکتور نزد کی می رود؟

Виктор идет к новому студенту.

ویکتور نزد دانشجوی جدید می رود.

К хорошему студенту.

نزد دانشجوی خوب.

К новой студентке.

نزد دانشجوی (دختر) جدید.

К хорошей студентке.

نزد دانشجوی خوب.

توجه داشته باشید که پسوندهای مورد استفاده در این حالت گرامری برای اسامی مذکر **ОМУ, ЕМУ** و برای اسامی مونث **ОЙ, ЕЙ** می باشد. و حالا همین قانون را در جملات دارای کلمه اشاره مقایسه کنید .

К кому идет Виктор?  
Виктор идет к этому студенту.  
К этой студентке.

К кому  
مذکر

К моему другу- к нашему другу  
К твоему другу- к вашему другу  
К его (ее) другу- к их другу

مونث

К моей подруге- к нашей подруге  
К твоей подруге- к вашей подруге  
К его (ее) подруге- к их подруге

Что это? Это центр Москвы.  
این چیست؟ این مرکز مسکو است.

در این جمله مرکز در حالت فاعلی آمده و مسکو در حالت اضافه، ملکی

Где Большой театр? Он в центре Москвы.  
بالشوی تئاتر کجاست؟ در مرکز مسکو.

و اما در این جمله مرکز در حالت تخصیص قرار دارد و مسکو در حالت اضافه

و در جمله

Откуда он приехал? Он приехал из центра Москвы.  
او از کجا آمد؟ او از مرکز مسکو آمد.

مرکز و مسکو هر دو در حالت اضافه، ملکی قرار می گیرند.

و حالا به استفاده از اعداد در حالت گرامری زبان روسی توجه کنید.

مذکر

Один город  
یک شهر

مونث

Одна площадь  
یک میدان

خنثی

Одно место

یک جا

Сколько стоит?

چقدر قیمت دارد؟

Один рубль

یک روبل

Два, три, четыре рубля

دو، سه، چهار روبل

Пять, шесть...двадцать рублей

پنج، شش...بیست روبل

در اینجا باید توجه داشته باشید که پسوند گرامری اعداد بعد از عدد بیست نه بر حسب بیست، بلکه بر حسب عددی که بعد از آن می آید تغییر می کند. توجه کنید:

Двадцать один рубль

بیست و یک روبل

Двадцать три рубля

بیست و سه روبل

Двадцать пять рублей

بیست و پنج روبل

Одна копейка

یک کوپک

Две, три, четыре копейки

دو، سه، چهار کوپک

Пять, шесть...двадцать копеек

پنج، شش...بیست کوپک

Тридцать одна копейка, тридцать три копейки, тридцать пять копеек

و حالا تمام شش حالت گرامری زبان روسی با مثالهایی در این رابطه. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید.

Именительный падеж

حالت فاعلی

Это дом. Сын студент. Мальчик играет.

این خانه است. پسر دانشجویست. پسر بچه بازی می کند.

در این جملات، خانه، دانشجو و پسر بچه در حالت فاعلی قرار گرفته اند.

Я люблю читать. Студенты должны заниматься.  
من خواندن را دوست دارم. دانشجویان باید کار کنند.  
در این جملات، کلمه من و دانشجویان در حالت فاعلی هستند.

Костюм стоит тысячу рублей. У меня есть журнал. У меня болит горло.  
کت و شلوار هزار روبل قیمت دارد. من مجله دارم. گلویم درد می کند.  
و در این جملات کت و شلوار (یا دامن) و مجله و گلو در حالت فاعلی آمده اند.

Родительный падеж  
حالت اضافه یا ملکی

У меня есть журнал. У меня нет журнала.  
در این جملات کلمات ترکیبی « من دارم » و مجله در حالت اضافه آمده اند.  
Они достигли вершины. Он взял книгу у друга.  
آنها به قله رسیدند. او کتاب را از دوستش گرفت.  
و در این جملات قله و «از دوست» در این حالت گرامری قرار گرفته اند.

Дательный падеж  
مفعول بواسطه

Мне двадцать лет. Мне нравится роман.  
من بیست سال دارم. من از کتاب رمان خوشم می آید.  
Мне надо заниматься. Мне можно (нельзя) вставить.  
من باید درس بخوانم. من باید (نباید) از جا بلند شوم.  
Девочке весело. Он пишет другу.  
دختر شاد است. او به دوستش نامه می نویسد.  
در این جملات کلمه «من» و «دختر» در این حالت گرامری قرار دارند.

Винительный падеж  
مفعول صریح

Меня зовут Сергей. Я читаю роман.  
اسم من سرگی است. من در حال خواندن کتاب رمان هستم.  
و در این جمله کلمه «من» و «رمان» در حالت مفعول صریح قرار گرفته اند.

Творительный падеж  
معیت

Он был студентом. Он разговаривает с братом.  
او دانشجو بود. او با برادرش صحبت می کند.  
Он интересуется ботаникой.  
او به گیاهشناسی علاقه دارد.  
در این جملات کلمات «دانشجو»، «با برادر» و «گیاهشناسی» در حالت گرامری معیت می باشد.

Предложный падеж

تخصیص

Она мечтает о сцене.

او در آرزوی صحنه است.

و بالاخره در این جمله « در باره صحنه» بصورت حالت گرامری تخصیص آمده است.

و حالا طبق معمول چند حرف دیگر زبان روسی به شعر برایتان خوانده می شود. سعی کنید خودتان معانی آنها را به کمک دیکشنری بنویسد.

"Ц" Вместе с табором цыган "Ц" объездила сто стран. Говорит:-Идем со мной - Покажу весь шар земной! А в одном его конце - Злая муха есть:ЦЕ-ЦЕ! "Ч" Буква "Ч" - наш часовой. Если в дом идет чужой - на него она ворчит:- Я должна Вас огорчить - Нарушаете покой. Не пущу Вас в час ночной! "Ш" У шалуны буквы "Ш" Очень добрая душа. Шепотом нам говорит:- Не шумите - мама спит. "Щ" Съем сказала буква "Щ" Я ! До свидания!

свидания!

درس چهل و نهم

برنامه امروز را با چند کلمه و جمله پر کاربرد آغاز می‌کنیم. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید.

с удовольствием

با کمال میل

я вполне согласен

کاملاً موافقم

надеюсь вас снова увидеть

امیدوارم شما را دوباره ببینم.

как жаль

حیف! افسوس!

когда вам угодно

هر وقت برای شما مناسب باشد.

будьте добры

لطفاً، لطف کنید

сейчас; минутку

همین الان، یک دقیقه

очень приятно познакомиться

از آشنایی با شما خیلی خوشحال شدم

КАК СПРОСИТЬ ДОРОГУ

چطور آدرس پرسید

Простите. Не могли бы вы мне сказать, как попасть на автобусную станцию (на почту, в библиотеку и т.д.)

بخشید، می‌توانید به من بگوئید چطور به ایستگاه اتوبوس برسم (یا ایستگاه اتوبوس، پست، کتابخانه و غیره کجاست؟)

Поверните налево (направо) на следующем углу.

به سمت چپ (راست) بچرخید سر نیش بعدی

-Спасибо.

ممنوم

-Пожалуйста.

قابلی ندارد.

-Простите. Где ближайшая станция метро (остановка автобуса)?

بخشید، نزدیکترین ایستگاه مترو (اتوبوس) کجاست؟

-В конце улицы

آخر خیابان

-Через квартал

بعد از یک محله

-На ближайшем углу.

سر نزدیکترین نیش



-Как лучше всего к вам добраться?  
بهترین راه برای رسیدن به شما کدام راه است؟

-Поезжайте на метро.Выходите на остановке "Ленинский проспект",  
п о в е р н и т е направо и пройдите два квартала.  
سوار مترو شوید تا ایستگاه لنینسکی پراسپکت، به سمت راست بپیچید و دو محله را که طی کنید رسیدید.

-Добрый день.Я хотел бы узнать, как мне добраться до колледжа номер 5.  
روز بخیر، می خواستم بپرسم چطور می توانم به کالج شماره ۵ برسم.

-Откуда вы едете?

مسیرتان از کجاست؟

-Из Перово.

از خیابان «پررووا».

-То есть с Проспекта Мира?

یعنی از اتوبان «میر»؟

-Совершенно верно.

کاملاً درسته.

-Садитесь в поезд, доезжайте до станции Новокузнецкая и пересаживайтесь на другой  
поезд. Выходите на последней остановке.

سوار قطار شوید، تا ایستگاه نوکوزنیتسکایا بروید و بعد خط عوض کنید و سوار قطار دیگری شوید و تا آخرین ایستگاه بروید.

-Оттуда можно добраться до колледжа номер 5 пешком?

از آنجا می توان پای پیاده به کالج شماره پنج رسید؟

-Да.

بله.

-Спасибо.

متشکرم.

-Пожалуйста.

قابلی ندارد.

А л е к с а н д р не может найти дорогу к дому Эдуарда.Эдуард объясняет ему по  
телефону,как ехать.

الکساندر نمی تواند راه خانه ادوارد را پیدا بکند. ادوارد با تلفن برایش توضیح می دهد چطور به آنجا برسد.

-Привет,Александр!Где ты? На углу Тверской и Маяковской? Подожди меня там.Через  
пять минут я там буду.

سلام، الکساندر! تو کجایی؟ سر نبش خیابان تورسکایا و مایاکوفسکایا؟ همانجا منتظرم باش. بعد از پنج دقیقه آنجا خواهیم بود.

-Не нужно.Я на машине.Скажи мне,как ехать,и я сам найду дорогу к твоему дому.

لزومی نداره. من با ماشین هستم. بگو چطور بروم، خودم راه تا خانه تو را پیدا خواهم کرد.

-Ладно.Поезжай в северном направлении. Ты не сможешь не заметить большого супермаркета.Там поверни налево.Продолжай ехать до Четвертой улицы. Поверни затем направо и поезжай до середины квартала.Я буду тебя ждать перед домом. باشد. بسمت شمال حرکت کن. حتماً سوپر مارکت را خواهی دید. به آنجا که رسیدی بپیچ دست چپ. تا خیابان چهارم برو و بعد به سمت راست بپیچ و تا وسط محله برو. جلوی خانه منتظرت خواهم بود.

-Понял.До скорой встречи,Эдуард!

فهمیدم. به امید دیدار، ادوارد!

-Боюсь,что мы едем не туда.

فکر کنم راه را درست نمی رویم.

- Нам бы лучше спросить дорогу.

بهتره از یکی بپرسیم.

-Хорошо.Я спрошу, как нам ехать, на следующей бензоколонке.

باشد. نزدیک پمپ بنزین بعدی از یکی راه را خواهم پرسید.

О с т а н а в л и в а я с ь у бензоколонки:

در مقابل پمپ بنزین توقف کردند

-Как нам проехать по этому адресу?

چطور به این آدرس می توانیم برسیم؟

-Вы едете на запад, а вам надо ехать в восточном направлении.

شما دارید به سمت جنوب می روید، در حالی که باید به سمت شمال بروید.

-Мы должны развернуться?

ما باید برگردیم؟

-Да.Развернитесь и поезжайте вперед.У светофора поверните направо. Вы не сможете пропустить нужное вам место.

بله. برگردید و مستقیم بروید. سر چراغ قرمز به سمت راست بپیچید. حتماً آدرس را پیدا خواهید کرد.

-Большое спасибо.

خیلی ممنون.

О н а живет в Москве.

او در مسکو زندگی می کند.

Г д е она живет?

او کجا زندگی می کند.

В Москве.

در مسکو.

О н был на стадионе.

او در استادیوم بود.

Г д е он был?

او کجا بود؟

Н а стадионе.

در استادیوم.

Где?

کلمه سئوالی کجا؟ فقط در حالت سکون و نه حرکت برای تعیین جای قرار داشتن مورد استفاده قرار می گیرد و با حروف اضافه В-На به معنی در و یا روی می آید. این قید در حالت گرامری تخصیص مورد استفاده قرار می گیرد. به مثالهایی در این رابطه توجه فرمائید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید همانطور آنها را به خاطر بسپارید.

В столе – на столе

در داخل میز- روی میز

В чемодане – на чемодане

در چمدان – روی چمدان

В конверте – на конверте

در پاکت – روی پاکت

О н жил в городе, в деревне, в доме, в квартире...

او در شهر، روستا، خانه و آپارتمان زندگی کرد

О н был на улице, на площади, на балконе...

او در خیابان، میدان و سر بالکن (یا در بالکن) بود

О н находился дома, здесь, там, справа, слева, внизу...

او در خانه، اینجا، آنجا، سمت راست، سمت چپ و پایین بود

Г д е ты живешь?

تو کجا زندگی می کنی؟

Я живу в Москве, на улице Кедрова, в доме номер 5, на втором этаже.

من در مسکو در خیابان کدروو، در خانه شماره پنج در طبقه دوم زندگی می کنم.

Г д е вы были?

شما کجا بودید؟

Я был в Большом театре на опере.

من نمایش باله ای در بالشوی تئاتر را دیدم.

А я был в университете на лекции.

و من سر درس دانشگاه بودم.

Н у а я был дома, сидел с друзьями в комнате и слушал музыку.

و من خانه بودم و با دوستانم در اتاق نشستیم و موسیقی گوش دادیم.

К у д а ?

کجا؟

و اما این کلمه نیز که به معنی کجاست بصورت تعیین کننده جا ولی در حال حرکت و با افعال حرکتی بکار برده می شود و حروف اضافه آن مانند Где ، همان В-На می باشد. این کلمه استفهامی در حالت گرامری مفعول صریح می آید که باید به تغییرات پسوندها نیز توجه شود. به مثالهایی در این رابطه توجه فرمائید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید همانطور آنها را به خاطر بسپارید.

О н а едет в Москву.

او به مسکو می رود.

К у д а она едет?

او کجا می رود؟

В Москву.

به مسکو.

О н идет на стадион.

او به استادیوم می رود

К у д а он идет?

او کجا می رود؟

Н а стадион.

به استادیوم.

К у д а ?

О н идет в город, в деревню, в страну

О н едет на улицу, на площадь, на север

О н летит домой, сюда

О н бежит туда, направо...

В е щ и лежат в чемодане.

Я кладу вещи в чемодан.

Ц в е т ы стоят на столе.

Я ставлю цветы на стол.

حالا دو کلمه استفهامی Где و Куда را در جملات دیگری با هم مقایسه کنید.

Я был в театре.

من تئاتر بودم (یا در تئاتر بودم)

Я ходил в театр.

من به تئاتر رفتم.

К у д а вы идете?

شما کجا می روید؟

Я иду в Большой театр на оперу.

من برای شنیدن اپرا به بالشوی تئاتر می روم.

А я иду в университет на лекцию.  
و من برای شنیدن سخنرانی به دانشگاه می روم.  
Ну а я иду домой.  
ولی من به خانه می روم.

و حالا چند جمله سئوالی و متن کوتاهی را مورد توجه شما قرار می دهیم.

На моей тарелке яблоко.  
توی بشقاب من سیب هست،  
В этом лесу сова.  
توی این جنگل جغد هست،  
На столе орехи.  
گردو روی میز است،  
Эта вода кипяченая?  
این آب جوشیده است؟  
Да.  
بله،

Во дворе много детей?  
بچه ها توی کوچه زیاد هستند؟  
У кого глаза большие, как блюдца?  
چشم کی مثل نعلبکی بزرگ است؟  
Конечно, у совы!  
البته که چشمهای جغد!  
Есть хлеб дома?  
توی خانه نان هست؟  
Да, есть (сколько-то).  
بله، هست (یک کمی)

У меня в тарелке слишком много масла.  
توی بشقابم کره خیلی زیاد است،  
К чаю нет пирожных.  
شیرینی نداریم که با چای بخوریم،  
Принеси сыру к обеду!  
پنیر را برای نهار بیاور.  
Поставь чайник на стол!  
کتری را روی میز بگذار!

و حالا متن دیگری را مورد توجه شما قرار می دهیم. سعی کنید جملات آن را همانطور که می شنوید تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

В лесу много грибов. Они бывают под деревьями и кустами. Там также много ягод. В лесу много птиц, бабочек, пчел и божьих коровок. Там много животных: лис, летучих мышей, волков и зайцев. Деревья в лесу зеленые. Они очень большие и крепкие. Их листья зеленые. В полях много цветов. Цветы бывают красные, желтые, белые и голубые. در جنگل قارچ زیاد است. آنها زیر درختان و بوته ها قرار دارند. در آنجا دانه های جنگلی هم زیاد هستند. در جنگل پرندگان ، پروانه ها، زنبور و کفشدوز هم زیاد هست. جانوران دیگر هم هست: روباه، خفاش، گرگ و خرگوش. درختان توی جنگل سبز است. آنها خیلی بزرگ و محکم هستند. برگهای آنها سبز است. در دشت و صحرا گل‌های زیادی هست. گلها قرمز و زرد و سفید و آبی هستند.

Сколько дней в неделе?

هفته چند روز دارد؟

В неделе 7 дней.

هفته هفت روز دارد.

Сколько дней в месяце?

ماه چند روز دارد؟

В месяце 30 или 31 день.

ماه سی روز و سی و یک روز دارد.

В году 12 месяцев. В месяце 4 недели.

هر سال ۱۲ ماه دارد. هر ماه ۴ هفته.

Ночью небо бывает очень темное. Сейчас на небе много серых облаков.

شب، آسمان خیلی تاریک به نظر می رسد. الان در آسمان ابرهای خاکستری زیاد هست.

Ночью на небе бывает луна. Звезды на небе бывают тоже ночью.

شب ماه در آسمان پدیدار می شود. ستارگان هم شبها در آسمان ظاهر می شوند.

و حالا به قسمت دیگری از شعر « آدم سیاه » نوشته سرگی یسنین، شاعر معروف روس گوش کنید:

"Черный человек!

Ты не смеешь этого!

Ты ведь не на службе

Живешь водолазовой.

Что мне до жизни

Скандального поэта.

Пожалуйста, другим

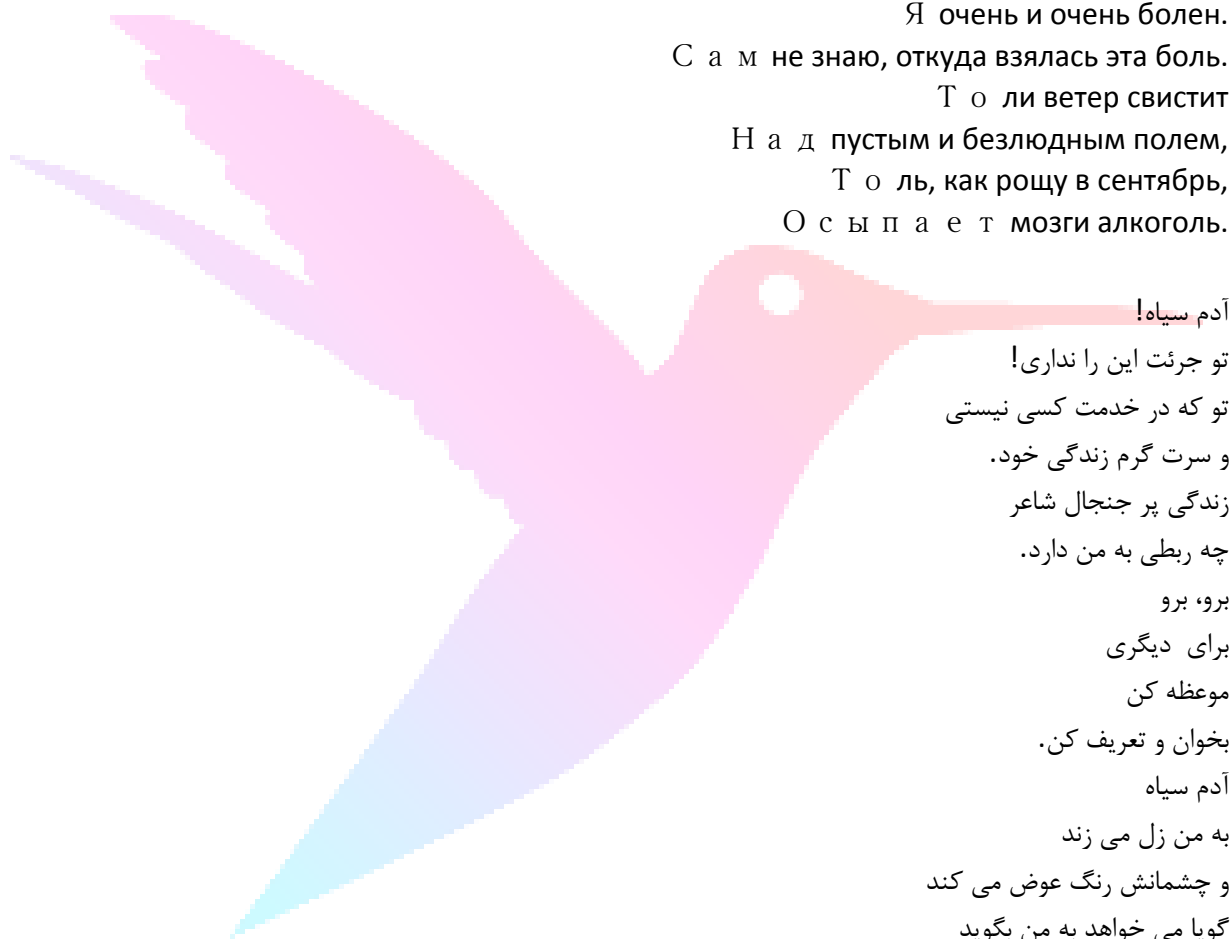
Читай и рассказывай".

Черный человек

Глядит на меня в упор.

И глаза покрываются  
Г о л у б о й блевотой,-  
С л о в н о хочет сказать мне,  
Ч т о я жулик и вор,  
Т а к бесстыдно и нагло  
О б о к р а в ш и й кого-то.  
.....

Д р у г мой, друг мой,  
Я очень и очень болен.  
С а м не знаю, откуда взялась эта боль.  
Т о ли ветер свистит  
Н а д пустым и безлюдным полем,  
Т о ль, как рощу в сентябрь,  
О с ы п а е т мозги алкоголь.



آدم سیاه!

تو جرئت این را نداری!  
تو که در خدمت کسی نیستی  
و سرت گرم زندگی خود.  
زندگی پر جنجال شاعر  
چه ربطی به من دارد.  
برو، برو  
برای دیگری  
موعظه کن  
بخوان و تعریف کن.  
آدم سیاه  
به من زل می زند  
و چشمانش رنگ عوض می کند  
گویا می خواهد به من بگوید  
که من دزد و سارقم  
که با پررویی و گستاخی  
به غارت کسی دست زدم.  
دوست من، دوست من  
خیلی بیمارم  
نمی دانم این درد  
از کجا بر سرم نازل شده.

یا باد سوت زنان از روی مزرعه خشک و بی حاصل درگذر است

یا مثل بیشه در ماه سپتامبر  
مغزم از درد مستی فرو می‌ریزد





درس پنجاهم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک متن و گفتگوی کوتاه توجه فرمائید:

Большой Театр

تئاتر بالشوی

И москвичи, и гости столицы стремятся побывать в Большом театре. هم مسکویی ها و هم مهمانان پایتخت سعی می کنند به بالشوی تئاتر بروند. Сегодня в Большом театре идет новый балет «Спартак». Юра и Таня слышали, что это прекрасный балет, и хотят пойти в Большой театр. امروز، باله جدید « اسپارتاک » در بالشوی تئاتر روی صحنه می رود. یورا و تانیا شنیدند که این باله خوبی است و می خواهند به بالشوی تئاتر بروند.

Диалог

گفتگو

- Таня, ты свободна вечером?  
تانیا، تو امروز عصر آزادی؟
- Я хочу пойти в библиотеку. А ты?  
من می خواهم به کتابخانه بروم، تو چی؟
- У меня есть два билета в театр на балет «Спартак». Ты не хочешь пойти?  
من دوتا بلیط باله « اسپارتاک » دارم. می خواهی با من بروی تئاتر؟
- На «Спартак»? Конечно, хочу. Я очень люблю балет. А в библиотеку пойду завтра.  
باله اسپارتاک؟ البته که می خواهم. من خیلی باله دوست دارم. فردا به کتابخانه خواهم رفت.
- Прекрасно! Жду тебя у Большого театра.  
عالیه! جلوی بالشوی تئاتر منتظر تو خواهم شد.
- Хорошо.  
بسیار خوب.

و حالا معانی لغات و جملات متن:

Москвич

اهل مسکو

гости столицы

مهمانان پایتخت

Гость

مهمان

Столица

پایتخت

И москвичи, и гости столицы стремятся побывать в Большом театре

مسکویی ها و مهمانان پایتخت سعی می کنند به بالشوی تئاتر بروند

Побывать

بودن، رفتن، حضور داشتن

Они слышали

آنها شنیدند

Слышать

شنیدن که صرف آن می شود:

Слышу, слышишь...

و سؤال آن

Что?

چی را؟

Прекрасный

عالی، خوب

Свободен

آزاد

Библиотека

کتابخانه

А что?

و چی؟ خوب که چی؟

Ты не хочешь пойти?

می خواهی بروی؟

Конечно

البته

Ждать

انتظار کشیدن، منتظر شدن که نمونه صرف آن چنین است:

Жду, ждешь...

Кого?

چه کسی؟

Прекрасно!

عالیه!

Жду тебя у Большого театра

جلوی بالشوی تئاتر منتظر شما خواهم بود

Кого он ждет?

او منتظر کیست؟

و حالا به طرز ساخت کلمات مشتق شده از کلمه «مسکو» توجه فرمائید:

Москва-московский

مسکو- مسکویی

Московский Кремль

کرمیلین مسکو

Московские улицы

خیابان های مسکو

در این جملات از حالت های گرامری استفاده شده‌اند که توجه شما را به آنها جلب می کنیم:

مفعول صریح

Винительный падеж

Кого он ждет?

او منتظر چه کسی است؟

Он ждет ее.

او منتظر اوست. ضمائر در این حالت گرامری به قرار ذیل هستند:

Я-меня

من در حالت فاعلی و حالت گرامری مفعول صریح و ضمائر دیگر به همین ترتیب.

Ты-тебя

Он-его

Она-ее

Мы-нас

Вы-вас

Они-их

Где Юра будет ждать Таню?

یورا در کجا منتظر تانیا خواهد شد؟

Юра будет ждать Таню у театра.

یورا روبروی تئاتر منتظر تانیا خواهد شد.

حالت اضافه-ملکی

Родительный падеж

Где он будет ждать вас?

Он будет ждать меня у Большого театра.

У последнего дома

У большой выставки

У последней квартиры

پسوندهای این حالت گرامری برای اسامی مذکر ОГО, ЕГО: و برای اسامی مونث ОИ, ЕИ می باشند. و اما همین حالت گرامری

در حالت اشاره:

У кого был день рождения?

جشن تولد کی بود؟

У этого студента.

این دانشجو ا. (مذکر)

У этой студентки.

این دانشجو ا. (مونث)

У кого?

کی؟ مال کی؟

У моего друга – у нашего друга

دوست من – دوست ما و الی آخر.

У твоего друга – у вашего друга

У его (ее) друга – у их друга

У моей подруги – у нашей подруги

У твоей подруги – у вашей подруги

У его (ее) подруги – у их подруги

Он москвич – они москвичи

Она москвичка – они москвички

Он москвич и она москвичка - они москвичи.

حرف ربط И

И москвичи, и гости столицы стремятся побывать в Большом театре.

هم مسکوی‌ها و مهمانان پایتخت سعی می کنند به بالشوی تئاتر بروند.

И преподаватели, и студенты были на вечере.

معلمان و دانشجویان در مهمانی شرکت داشتند.

И Юра, и Виктор ходили на стадион.

یورا و ویکتور به استادیوم رفتند.

Занят, свободен

مشغول، آزاد (مذکر)

Я,ты, он занят - Я, ты, он свободен

مونث

Я,ты, она занята - Я, ты, она свободна

جمع

Я,ты, они заняты - Я, ты, они свободны

Вы сейчас заняты?

شما الان مشغولید؟ کار دارید؟ سرگرمید؟

Да, я сейчас занят.

بله، من مشغول هستم.

Нет, я сейчас свободен.

نخیر، من الان آزاد هستم.

Это место занято?

اینجا اشغال شده؟ یا این جا را گرفتن؟

Да, это место занято.

بله، این جا اشغاله.

Нет, это место свободно.

نخیر، این جا آزاد است.

و حالا متنی در باره سواری با اتوبوس مورد توجه شما قرار می گیرد. سعی کنید جملات را به همان شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید.

ПОЕЗДКА НА АВТОБУСЕ

سواری با توبوس (سفر با اتوبوس)

-Простите, автобусы здесь останавливаются?

ببخشید، اتوبوس اینجا توقف می کند؟

-Да. Большая часть автобусов, отправляющихся в деловую часть города, останавливается здесь.

بیشترین اتوبوس هایی که به سمت بخش اداری- کاری شهر حرکت می کنند در اینجا توقف می کنند.

-Мне надо попасть на улицу Бухарина. Мне подходит любой из автобусов, которые здесь останавливаются?

من باید به خیابان بوخانوو برسم. می توانم سوار هر یک از اتوبوس هایی بشوم که در اینجا توقف می کند؟

-Вы можете сесть на любой из них, за исключением номера 12. Автобус номер 12 сворачивает на площади Безымянного.

شما می توانید سوار هر یک از آنها بشوید، البته به غیر از شماره ۱۲. اتوبوس شماره ۱۲ در میدان بزیامیانوو توقف می کند.

-Как часто ходят автобусы?

فاصله بین حرکت اتوبوس ها چقدر است؟

-Считается, что они придерживаются расписания, которое висит вон там. Но фактически автобусы не всегда ходят по расписанию.

فرض می شود که آنها بر طبق برنامه ای حرکت می کنند که آنجا آویزان است. اما در عمل اتوبوس ها همیشه سر وقت حرکت نمی کنند.

-Через какие интервалы обычно прибывают автобусы?

در چه فاصله زمانی معمولاً اتوبوس ها می رسند؟

-Примерно каждые 15 минут.

تقریباً هر ۱۵ دقیقه.

Но вам уже не придется ждать. Вон идет автобус. Это номер 5. Он вам подходит.

اما شما مجبور نیستید منتظر شوید. اتوبوس دارد می آید. این اتوبوس شماره پنج است که به درد شما می خورد.

-Билет, пожалуйста.

بلیط لطفاً.

-Сколько стоит поездка?

قیمت بلیط چقدر است؟

- 15 рублей.

15 روبل.

-Отойдите от дверей. Продвиньтесь. Не мешайте пассажирам при выходе.

از نزدیک در کنار بروید، بروید کنار. مزاحم مسافران موقع خروج نشوید.

-Боюсь, как бы мне не пропустить (остановку у) библиотеки.

می ترسم ایستگاه کتابخانه را رد کنم.

-Какой именно?

دقیقا کدام ایستگاه؟

- Детской библиотеки.

کتابخانه کودکان.

-Ладно. Я вам скажу, когда надо выйти.

باشد. وقتی برسیم شما را خبر خواهیم کرد.

Несколько минут позже.

چند دقیقه بعد.

-Выходите на следующей остановке. Перейдите затем улицу. Перед вами будет большое здание библиотеки, вы непременно его увидите.

ایستگاه بعدی پیاده شوید. بروید آنطرف خیابان. ساختمان بزرگ کتابخانه را در مقابل خود خواهید دید. حتماً آن را خواهید دید.

-Вы не могли бы сказать мне, когда мы подъедем к городскому театру?

شما می توانید بگوئید کی به تئاتر شهر می رسیم؟

- Это следующая остановка.

ایستگاه بعدی.

-Спасибо.

متشکرم.

-Продвигайтесь, пожалуйста.

لطفاً بروید کنار.

-Много народа ждет у входа. Хватит. Я закрываю дверь. Через пять минут придет другой автобус.

خیلی ها نزدیک در اتوبوس منتظر هستند. کافیه. در بسته می شود. پنج دقیقه بعد اتوبوس دیگری می آید.

و حالا بخش دیگری از شعر «آدم سیاه» سرگی یسنین شاعر نامدار روس را مورد توجه شما قرار می دهیم.

Ночь морозная.

Тих покой перекрестка.

Я один у окошка,

Ни гостя, ни друга не жду.

Вся равнина покрыта

Сыпучей и мягкой известкой,

И деревья, как всадники,

Съехались в нашем саду.

Где-то плачет

Ночная зловещая птица.

Деревянные всадники  
Сеют копытливый стук.  
Вот опять этот черный  
На кресло мое садится,  
Приподняв свой цилиндр  
И откинув небрежно сюртук.

"Слушай, слушай! -  
Хрипит он, смотря мне в лицо,  
Сам все ближе  
И ближе клонится.-  
Я не видел, чтоб кто-нибудь  
Из подлецов  
Так ненужно и глупо  
Страдал бессонницей.

Ах, положим, ошибся!  
Ведь нынче луна.  
Что же нужно еще  
Напоенному дремой мирику?  
Может, с толстыми ляжками  
Тайно придет "она",  
И ты будешь читать  
Свою дохлую томную лирику?

شب سرد و سوزان است  
چهار راه ساکت و آرام است  
من تنها پشت پنجره  
در انتظار  
نه مهمانی، نه دوستی  
تمام دشت پوشیده  
از آشنای نرم و لطیف است.  
و درختان مثل سوارها  
در باغ ما جمع شدند  
در جایی  
پرنده نامهربان شب  
گریه سر داده  
سوارها پاهای چوبی بر زمین می کوبند  
نگاه کن، نگاه کن  
این سیاه دوباره در صندلی من لم داده

کلاه از سر بر گرفته  
و دکمه‌های کت آزاد کرده  
گوش کن، گوش کن،  
به من زل زده  
خروپف می کند  
سرش هی نزدیکتر و نزدیکتر  
می آید  
من تا بحال آدم رذیلی را  
سراغ نداشتم که اینقدر احمقانه  
از بیخوابی رنج ببرد.  
آه، بر فرض که من اشتباه کردم  
امشب که ماه آمده  
دیگر به چه نیاز است  
شاید "او"  
بی‌سر و صدا بیاید  
و تو برایش اشعار تیره و تار و خراب خود را بخوانی؟  
آه، که چقدر شاعران را دوست دارم!  
آدمهای جالبی هستند  
همیشه ماجراجو  
آدمهایی که همیشه قلبی  
آشنا در آنها  
می‌یابم.

خدانگهدارتان!  
До свидания!



## درس پنجاه و یکم

ابتدا متن و گفتگوی کوتاهی را مورد توجه شما قرار می دهیم:

### Туристы в Москве

توریستها در مسکو

В Москву приехали иностранные туристы. Они уже бывали в Москве раньше.

توریستهای خارجی به مسکو آمدند. آنها قبلاً نیز به مسکو آمده بودند.

Теперь они хотят посмотреть, как изменилась Москва, хотят побывать в новых районах, на новых проспектах и площадях. Они ходят по городу вместе с Анной.

حالا آنها می خواهند ببینند مسکو تا چه حد تغییر کرده است، می خواهند از اماکن و خیابانها و میادین جدید دیدن کنند. آنها همراه آنا به گردش می روند.

Вот проспект Новый Арбат. Анна говорит, что это красивый проспект. Туристы видят красивые современные дома, широкие тротуары. Москвичи любят гулять по этому проспекту.

آنا می گوید این خیابان زیبای کالینین است. توریستها ساختمانهای زیبای مدرن و پیاده‌روهای عریض را می بینند. مسکویی ها دوست دارند در این خیابان گردش کنند.

### Диалог

گفتگو

- Скажите, пожалуйста, сколько лет строили этот проспект?

لطفاً بگوئید چند سال برای ساخت این خیابان وقت صرف شد؟

- Два года.

دو سال.

- Какие дома здесь были раньше?

چه جور خانه‌هایی قبلاً در آنجا بودند؟

- Здесь были небольшие старые дома и узкие улицы.

در اینجا خانه های کوچک و خیابانهای کم عرض و تنگ وجود داشتند.

- Анна, вы живете в центре?

آنا شما در مرکز زندگی می کنید؟

- Да, в центре.

بله، در مرکز.

- Вы ходите на работу пешком?

شما پیاده سرکار می روید؟

- Обычно я хожу пешком, а иногда езжу на автобусе.

معمولاً پیاده می روم و گاهی با اتوبوس.

معانی لغات و جملات

Р а н ь ш е  
قبلاً

Т е п е р ь  
حالا

Р а й о н  
محله، جا، مکان

И з м е н и т ь с я  
تعییر می کند

о н и х о т я т п о с м о т р е т ь , к а к и з м е н и л а с ь М о с к в а  
آنها می خواهند ببینند مسکو چه تغییری کرده است.

О н и х о д я т п о г о р о д у с А н н о й  
آنها با آنا در شهر گردش می کنند

С о в с е м н о в ы й  
کاملاً نو

С о в р е м е н н ы й  
معاصر، مدرن

Ш и р о к и й  
عریض، گشاد

Т р о т у а р  
پیاده رو

Г у л я т ь  
گردش کردن

У з к и й  
تنگ، باریک

О б ы ч н о  
معمولاً

И н о г д а  
گاهی

С т р о и т ь – с т р о и т е л ь н ы й  
ساختن - ساختمانی

С т р о и т е л ь н а я в ы с т а в к а  
نمایشگاه ساختمانی

Р а н ь ш е – т е п е р ь  
قبلاً - حالا

Ш и р о к и е у л и ц ы – у з к и е у л и ц ы  
خیابانهای گشاد - خیابانهای تنگ

Предложный падеж  
حالت گرامری تخصیص

Где побывали туристы?

توریستها از کجا دیدن کردند؟

Туристы побывали в новых районах.

توریستها از محلات جدید دیدن کردند.

На широких улицах

در خیابانهای گشاد

На красивых площадях

در میدین زیبا

На интересных занятиях

سر درسهای جالب

В интересных местах

در جاهای جالب

در این حالت گرامری باید به پسوندها توجه داشته باشید که در مورد اسامی AX, ЯX است و در مورد صفات. BX, IX

و حالت اشاره و صفت در یک جمله:

Где побывали туристы?

توریستها به کجا رفتند؟

Они побывали в этих районах.

آنها در این محلات بودند.

На этих улицах

در این خیابانها

В этих местах.

در این جاها.

Где?

کجا؟

В моих комнатах – в наших комнатах

در اتاقهای من - اتاقهای ما و الی آخر.

В твоих комнатах - В ваших комнатах

В его (ее) комнатах – в их комнатах

Глаголы движения

افعال حرکتی

И д т и – ехать

رفتن پیاده و سواره

Он идет в институт.

او به انستیتو می رود (پیاده)

Он едет в институт.

او به انستیتو می رود (سواره)

Х о д и т ь – ездить

رفتن (تکرار)

Он обычно ходит в институт утром.

او معمولاً صبحها پیاده به انستیتو می رود.

Он обычно ездит в институт утром.

او معمولاً صبحها سواره به انستیتو می رود.

Он долго ходил по выставке.

او مدت طولانی در نمایشگاه گردش کرد. (یا تحت اللفظی آن- اینور و آنور رفت)

Он много ездил по стране.

او خیلی زیاد در کشور سفر کرد. (سواره)

صرف این فعل بدین شکل است:

Я хожу – мы ходим

Т ы ходишь – вы ходите

Он , она ходит – они ходят

Я езжу – мы ездим

Т ы едешь – вы едете

Он , она едет – они ездят

حالا از شما دعوت می کنیم به متنی در رابطه با یافتن آپارتمان توجه فرمائید:

### В ПОИСКАХ КВАРТИРЫ

در جستجوی آپارتمان

-Агентство по продаже (и аренде) недвижимого имущества. Говорит Антон Колесников.

آژانس فروش و اجاره خانه. آنتون کالسینیکوف صحبت می کند.

-Добрый день. Это Игорь Колтунов. Я звоню в связи с вашим объявлением.

روز بخیر، من ایگور کولتونوف، من در رابطه با آگهی شما زنگ زدم.

-Каким именно?

کدام آگهی؟

-Относительно квартиры с двумя спальнями. Сколько составляет квартплата?

آگهی مربوط به آپارتمان دو اتاق خوابه، قیمتش چنده؟

-700 долларов в месяц. Вы также должны внести залог в размере 700 долларов, которые будут вам возвращены, когда вы будете выезжать. Агенство взимает плату, равняющуюся сумме квартплаты за месяц.

700 دلار در ماه. شما همچنین باید ۷۰۰ دلار وثیقه بگذارید که بعد از ترک آپارتمان به شما برگردانده خواهد شد. آژانس نیز مبلغی برابر کرایه یک ماه دریافت می کند.

-Арендный договор подписывается?

قرارداد اجاره به امضا می رسد؟

-Да. Договор на два года.

بله، برای دو سال.

-Когда я смогу посмотреть квартиру?

کی می توانم آپارتمان را ببینم؟

-Вы ее сможете осмотреть сегодня же, после трех часов.

شما می توانید آن را همین امروز بعد از ساعت ۳ ببینید.

-В четыре часа вас устраивает?

ساعت چهار مناسب است؟

-Хорошо. Встретимся у входа в квартиру на улице Косыгина, дом номер 5-А.

خوبه. پس جلوی در ورودی ساختمان شما را می بینم. خیابان کاسیگینا، خانه شماره ۵-آ.

- Очень хорошо. Благодарю вас.

عالیه. متشکرم.

و حالا از شما دعوت می کنیم به اولین بخش میحثی گوش کنید که طی آن شما با صحبت های معمولی اهالی مسکو در باره موضوعات مختلف زندگی روزانه آشنا می شوید.

То, что мужчина — единственный добытчик в семье, — миф, неоднократно и успешно развенчанный женщинами. Сегодня слабый пол наравне с сильным зарабатывает деньги и занимает руководящие посты. Интересно, а как это отразилось на домашних обязанностях? Поменялось ли семейное разделение труда или по-прежнему удел женщины — плита и половая тряпка, ну а мужчина раз в году забивает свой коронный гвоздь?

Кирилл, 44 года, экономист:

— Мне просто отвратительна позиция, когда мужчина тычет жене в лицо своей зарплатой и заявляет: «Я зарабатываю больше, значит, ты вылизывай дом и готовь еду». Когда люди женятся, они обещают друг другу делить всё пополам, и домашние хлопоты, я уверен, входят в это «всё». Какие у мужчины основания устраивать такую тиранию, если жена работает наравне с ним, но просто меньше зарабатывает? Рабовладельческий строй какой-то. К тому же обеспечивать свою семью — это прямая обязанность любого нормального мужика, а во все не козырь в борьбе со своей второй половиной. Если

жена готовит и стирает, муж должен помогать с уборкой и детьми. Это нормальный и правильный подход. Другое дело, когда жена — домохозяйка. Естественно, она и заботится о доме полностью, ведь это — её работа.

حالا دیگر آن دوره پشت سر گذاشته شده است که می‌گفتند مرد تنه‌ان‌آور خانه است. زنان طی سالها توانستند خود را به پای مردان برسانند و همراه آنها کار کنند و حتی به مقامهای بالای اجتماعی و سیاسی دست یابند. جالب است بدانیم این روند چه تأثیری بر وظایف خانگی می‌گذارد. آیا در تقسیم بندی کار خانه تغییری رخ داده است یا تمام وظایف خانه، پخت و پز و شستن و روفتن همانطور در سبد کاری زن خانه باقی مانده و یکبار در سال میخی به دیوار کوبیدن تنها وظیفه مرد خانه است؟

برای روشن شدن این موضع هیچ کس به غیر از خود اعضای خانواده نمی‌تواند به آن پاسخ دهد. امروز شما را با اولین نظر و عقیده در این باب آشنا می‌کنیم.

کریل ۴۴ ساله اقتصاددان در اینباره چنین می‌گوید:

برایم قابل تحمل نیست وقتی مرد هی حقوقش را به رخ زنش می‌کشد و می‌گوید: من بیشتر از تو پول در می‌آورم، پس حواست باشه که خانه همیشه تر و تمیز و مرتب و غذا حاضر و آماده باشه.» وقتی دو نفر باهم ازدواج می‌کنند بهم قول می‌دهند که همه چیز را بین خود تقسیم کنند، وظایف خانه هم به نظر من جزو این «همه چیز» است. مرد چه حقی دارد داد و بیداد راه بیاندازد و شلوغ بازی در بیاورد اگر زن پا به پای او کار می‌کند ولی حقوقش کمتر است؟ این را دیگر می‌توان گفت برده‌داری. علاوه بر آن، تأمین خانواده وظیفه مستقیم هر مرد نرمالی است و نه ورقی در مبارزه با همسرش. اگر زن خانه غذا می‌پزد و لباس می‌شوید، مرد باید در تمیز کردن خانه و مواظبت از بچه‌ها کمک کند. این یک برخورد عادی و درست است. اما اگر زن کار نمی‌کند و خانه دار است، پس طبیعتاً کار خانه می‌شود کار او که باید به انجام برسد.

درس پنجاه و دوم

ابتدا متن و گفتگوی کوتاهی برایتان خوانده می‌شود

Туристы в Москве

توریست‌ها در مسکو

Туристы вместе с Анной идут по проспекту Новый Арбат. Они видят большой магазин. Это «Московский дом книги».

توریست‌ها همراه آنا در خیابان «آربات نو» گردش می‌کنند. آنها مغازه بزرگی را می‌بینند. این «خانه کتاب مسکو» است.

Туристы интересуются русским языком и литературой. Они должны купить учебники, словари и другие книги. Учебники продаются на втором этаже.

توریست‌ها به کتابهای زبان روسی و ادبیات جلب توجه می‌کنند. آنها باید کتابهای درسی، لغت‌نامه و کتابهای دیگری را خریداری کنند. کتاب‌های درسی در طبقه دوم به فروش می‌رسد.

Туристы просят показать им учебники русского языка. Им нравится этот учебник. Они покупают его.

توریست‌ها درخواست می‌کنند کتابهای زبان روسی به آنها نشان داده شوند. آنها از این کتاب خوششان می‌آید. آنها آن را می‌خرند.

Потом туристы идут в другие отделы. Они хотят купить стихи и новые русские песни.

بعداً توریست‌ها به قسمتهای دیگر کتابفروشی سر می‌زنند. آنها می‌خواهند کتاب اشعار و ترانه‌های جدید روسی را بخرند.

Чем они интересуются?

آنها به چه چیزی علاقمند هستند؟

Они интересуются русским языком и русской литературой.

آنها به زبان و ادبیات روسی علاقمندند.

Диалог

گفتگو

Турист: Скажите, пожалуйста, какие учебники русского языка у вас есть?

توریست: لطفاً بگوئید چه نوع کتاب درسی زبان روسی شما دارید؟

Продавец: Есть учебник для французов, для англичан...

فروشنده: کتابهای هست برای فرانسویان، انگلیسی‌ها...

Турист: Покажите, пожалуйста, учебник для англичан.

توریست: لطفاً کتاب درسی برای انگلیسی‌ها را نشان بدهید.

Продавец: Пожалуйста. Вот этот.

بفرمائید. این کتاب.

Турист: А русско-английский словарь у вас есть?

توریست: لغت‌نامه روسی-انگلیسی دارید؟

Продавец: Есть.

فروشنده: بله.

Турист: Сколько стоит учебник и словарь?

توریست: کتاب درسی و لغت نامه چقدر قیمت دارد؟

Продавец: Две тысячи рублей.

فروشنده: دو هزار روبل.

Слова и выражения

لغات و اصطلاحات

Магазин

مغازه

интересоваться

اظهار علاقه کردن، توجه کردن

чем?

به چه چیزی؟

Литература

ادبیات

должен,должна,должны

باید (مذکر، مونث، جمع)

другой, ая,ое,ие

دیگر با پسوندهای مذکر، مونث، خنثی، جمع

Продавать

فروختن

что?

چه چیزی را؟

просить, прошу, просишь...

خواستن، خواهش کردن

что?

چی را؟

показать, покажу, покажешь...

نشان دادن

кому? что?

به کی؟ چی را؟

покупать, -ю, -ешь...

خریدن

что?

چی را؟



О т д е л

بخش، قسمت

ч е м они интересуются?

آنها به چه چیزی علاقه دارند؟ یا اظهار علاقه می کنند و یا توجه دارند؟

д л я французов

برای فرانسوی ها

д л я англичан

برای انگلیسی ها

П о к а ж и т е

نشان بدهید

р у с с к о -английский словарь

فرهنگ روسی - انگلیسی

с кем ходят туристы по городу?

توریستها با چه کسی در شهر قدم می زنند؟

р у с с к о -английский словарь

لغتنامه روسی-انگلیسی

р у с с к о -персидский словарь

لغتنامه روسی-فارسی

а н г л о -русский словарь

لغت نامه انگلیسی - روسی

п е р с и д с к о -русский словарь

لغتنامه فارسی-روسی

Т в о р и т е л ь н ы й падеж

فرمول جملات این حالت گرامری بااستفاده از

С (вместе с) + Творительный падеж

کلمه « همراه با» و حالت گرامری معیت ساخته می شود. برای نمونه:

С кем (вместе с кем) ходят туристы по городу?

توریستها با کی یا همراه کی در خیابان قدم می زنند؟

Т у р и с т ы ходят по городу вместе с Анной.

توریستها همراه آنا در شهر قدم می زنند.

С кем они ходят по городу?

آنها با کی در شهر قدم می زنند؟

О н и ходят по городу с новым гидом.

آنها با راهنمای جدید در شهر قدم می زنند؟

с хорошим преподавателем

با معلم خوب

с новой студенткой

با دانشجوی جدید

с хорошей преподавательницей

با خانم معلم خوب

پسوندهای اسامی در این حالت گرامری برای اسامی مذکر -ом, -ем و برای اسامی مؤنث -ой, -ей می باشند. در مورد صفات پسوندها -ой, -ей, -им, -им هستند. و اما یکی دو نمونه در رابطه با کلمات اشاره.

С кем ходят туристы по городу?

توریستها با کی در شهر قدم می‌زنند؟

Туристы ходят по городу с этим гидом.

توریستها با این راهنما در شهر قدم می‌زنند.

с этой преподавательницей

با این خانم معلم

С кем?

با کی؟

с моим другом

с нашим другом

с твоим другом

с вашим другом

с его (ее) другом

с их другом

с моей подругой

с нашей подругой

с твоей подругой

с вашей подругой

с его (ее) подругой

с их подругой

و حالا

Г л а г о л ы

افعال

Интересоваться

اظهار علاقه کردن

н а с т о я щ е е в р е м я

صرف این فعل در زمان حال

я интересуюсь - мы интересуемся  
т ы интересуешься - вы интересуетесь  
о н , она интересуется - они интересуются

п р о ш е д ш е е время  
زمان گذشته

я,ты,он интересовался  
я , ты, она интересовалась  
м ы ,вы,они интересовались

интересоваться + Творительный падеж  
فعل اظهار علاقه و حالت گرامری معیت

Ч е м интересуются туристы?

توریستها به چه اظهار علاقه می کنند؟

Туристы интересуются русским языком и литературой.

توریستها به زبان و ادبیات روسی اظهار علاقه کردند

Продавать

فروختن

н а с т о я щ е е время  
صرف این فعل در زمان حال

я продаю - мы продаем  
т ы продаешь - вы продаете  
о н ,она продает -ни продают

п р о ш е д ш е е время  
در زمان گذشته

я,ты,он продавал  
я ,ты,она продавала  
м ы ,вы,они продавали

حالا فرض می کنیم که شما می خواهید آپارتمانی برای اقامت پیدا کنید.

В поисках квартиры

پیدا کردن آپارتمان

-Вот гостиная.

این اتاق پذیرایی.

-Она довольно большая. А как насчет спален?

به اندازه کافی بزرگ است. اتاق خوب چطور؟

-Давайте заглянем (в них). Из окон спален открывается красивый вид на океан.

بباید نگاهی به آنها بیاندازیم. از پنجره اتاق خوابها منظره زیبایی به دریا جلوی چشم باز می شود.

-Сколько тут стенных шкафов?

چند تا کمد تو دیواری اینجا هست؟

-Два шкафа для одежды, один для белья.

دوتا کمد برای لباس و یکی برای وسایل خواب، ملافه و غیره.

-А где ванная?

حمام کجاست؟

-Имеются душ и ванна.Теперь пойдем на кухню.Как вы видите, кухня (вполне) современная. В ней новые раковина и плита.Имеется место для посудомоечной машины.Вам нравится квартира?

در اینجا هم دوش هست و هم وان. حالا برویم به آشپزخانه. همانطور که می بینید بخوبی مدرن است. ظرفشویی و گاز نو دارد. جایی هم برای نصب ماشین ظرفشویی دارد. شما از این آپارتمان خوشتان آمده است؟

-Да.К сожалению, квартирная плата довольно высокая.

بله. اما متأسفانه مبلغ اجاره آن گران است.

-В этом районе вы не найдете более дешевых квартир.

در این محله شما آپارتمان ارزانتری پیدا نخواهید کرد.

-Подумаю.Спасибо.

متشکرم. فکر می کنم بعد خبرتان می کنم.

-Пожалуйста.

هرطور مایلید.

(Спустя два дня).

بعد از گذشت دو رو

-Я хотел бы снять квартиру, которую вы мне показывали позавчера.Она еще свободна?

من می خواستم آپارتمانی را که پیروز به من نشان دادید اجاره کنم. آپارتمان هنوز آزاد است؟

-Да.

بله.

-Я снимаю квартиру.Она мне нравится.

من آن را می گیرم (کرایه می کنم). من از آن خوشم آمده است.

-Хорошо.Арендный договор вы можете подписать в моем кабинете.

بسیار خوب. سند اجاره را در دفتر من می توانید امضا کنید.

و حالا از شما دعوت می کنیم به دومین بخش مبحثی گوش کنید که طی آن شما با صحبت‌های معمولی اهالی مسکو در باره موضوعات مختلف زندگی روزانه آنها آشنا می‌شوید

Е в г е н и й , 36 лет, электрик:

– Вы можете себе представить мужчину, который регулярно моет в квартире пол? Вот и я не могу. И никогда не мою. Потому что считаю, что такие вещи, как мытьё полов, стирка, глажка и перемена подгузников детям, — работа женская. У мужчины в семье должны быть свои, но совершенно другие обязанности. Я чиню то, что вышло из строя, выношу мусор, иногда готовлю, занимаюсь нашей машиной. Но чтобы я когда-нибудь взял тряпку в руки?!

یوگنی ۳۶ ساله مهندس برق.

شما می توانید مردی را تصور کنید که بطور منظم کف آپارتمان را دستمال می کشد؟ من که نمی توانم چنین چیزی را تصور کنم. هیچوقت هم دست به چنین کاری نمی زنم. چون معتقدم که کارهایی مثل کف اتاق را تمیز کردن، رخت شستن و اتو کردن و عوض کردن بچه اینها کارهایی است که خانم خانه باید انجام بدهد. مرد خانه باید از وظایف دیگری برخوردار باشد. مثلاً من وسیله‌ای را که خراب شده تعمیر می کنم، آشغال‌ها را بیرون می برم، گاهی غذایی می پزم و به اتومبیل می رسم. ولی اینکه دستمال بگیرم دستم و کف اتاق را تمیز کنم، هرگز!

### درس پنجاه و سوم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار داده می شود. گوش کنید و سعی کنید معانی و ساخت گرامری جملات را به خاطر بسپارید.

Н о в ы й год

سال نو

С к о р о Новый год. Новый год считается семейным праздником. Новый год обычно встречают дома вместе с родными и друзьями. Существует традиция: перед Новым годом во многих домах ставят красивые елки. Их украшают елочными игрушками и разноцветными маленькими лампочками.

Новогоднюю елку можно увидеть в эти дни не только в квартире, но и в магазине, на площади, в театре, на стадионе.

بزودی سال نو فرا می رسد. سال نو یک جشن خانوادگی به حساب می آید. سال نو را معمولاً در خانه در کنار خویشاوندان و دوستان برگزار می کنند. چنین سنتی وجود دارد: قبل از سال نو در خانه های زیادی درخت های کاج زیبا گذاشته و آنها را با عروسکها و لامپ های کوچک رنگارنگ تزیین می کنند. کاج سال نو را می توان نه فقط در آپارتمانها بلکه مغازه ها و میادین، تئاترها و استودیوم ها دید.

Ч е м украшают елку?

با چی کاج را تزیین می کنند؟

Е л к у украшают елочными игрушками.

کاج را با عروسکها و یا اسباب بازیهای کاج تزیین می کنند.

Диалог

گفتگو

Ю р а : Таня, приходи к нам встречать Новый год.

یورا: بیا خانه ما، سال نو را برگزار کنیم.

Т а н я : Спасибо. Я с удовольствием приду.

تانیا: ممنونم با کمال میل.

Ю р а : Мои родители будут очень рады. Наташа, Володя и Виктор тоже придут.

یورا: والدینم خیلی خوشحال خواهند شد. ناتاشا، والودیا و ویکتور هم خواهند آمد.

Т а н я : Да? Это очень хорошо. А елку ты уже купил?

تانیا: راست می گی؟ عالیہ. کاج را خریدی؟

Юра: Купил. Елка большая и красивая. Таня, мы будем тебя ждать. Приходи!

یورا: خریدم. کاج بزرگ و زیبایی هست. تانیا ما منتظر تو خواهیم شد. حتماً بیا!

Т а н я : Хорошо, хорошо. Я приду!

تانیا: باشه، باشه. حتماً می آیم!

С л о в а и выражения

لغات و اصطلاحات

С к о р о

بزودی

Н о в ы й год считается семейным праздником.

سال نو جشن خانوادگی به حساب می آید.

в с т р е ч а т ь Новый год

برگزاری سال نو

в с т р е ч а т ь , -ю, -ешь...,

برگزار کردن، به استقبال کسی رفتن، به دیدن کسی رفتن که سؤال آن می شود

к о г о ? ч т о ?

چه کسی را؟ چه چیزی را؟

с у щ е с т в у е т традиция...

سنتی وجود دارد

п е р е д Новым годом

قبل از سال نو

в о м н о г и х д о м а х ставят елки

در خانه های زیادی درخت کاج می گذارند

с т а в и т ь , ставлю, ставишь...,

گذاشتن که سؤال می شود:

ч т о ?

چی را؟

у к р а ш а т ь , -ю, -ешь...,

تزیین کردن که سؤال های آن می شود:

ч т о ? ч е м ?

چی را؟ با چی؟

е л о ч н ы е игрушки

تزیینات کاج، یا اسباب بازیهای کاج سال نو

Л а м п о ч к а

لامپ کوچک

Р а з н о ц в е т н ы й

رنگارنگ

м а л е н ь к и й , -ая, -ое, -ие

کوچک با پسوندهای مذکر، مونث، خنثی و جمع

н о в о г о д н и й , -яя, -ее, -ие

سال نو با پسوندهای مذکر، مونث، خنثی و جمع

н е только в квартире, но и...

نه فقط در آپارتمان، بلکه در...هم

Приходи  
بیا!

Приходи(те) к нам в гости!

بیاید مهمانی خانه ما!

Чем украшают елку?

درخت کاج سال نو را با چی تزیین می کنند؟

семья-семейный

خانواده - خانوادگی

елка-елочный

کاج - کاجی

Новый год-новогодний

سال نو - سال نویی

маленький – большой

کوچک - بزرگ

Творительный падеж. Множественное число.

حالت گرامری معیت جمع

Существительные. Прилагательные.

اسم - صفت

Чем украшают елку?

با چی کاج را تزیین می کنند؟

Елку украшают елочными игрушками, маленькими разноцветными лампочками.

درخت کاج را با اسباب بازیهای کاجی، لامپهای کوچک رنگارنگ تزیین می کنند.

С кем обычно встречают Новый год?

سال نو را معمولاً با کی برگزار می کنند؟

Новый год встречают с родными и друзьями.

سال نو را در کنار خویشاوندان و دوستان برگزار می کنند.

پسوندهای اسمی در این حالت گرامری -ами, -ями و پسوندهای صفت -ыми, -ими می باشند.

حالت اشاره چنین است:

Чем вы будете украшать елку?

با چی درخت کاج را تزیین خواهید کرد؟

Я буду украшать елку этими игрушками.

با این اسباب بازی ها درخت کاج را تزیین خواهم کرد.



С кем?

با کی؟

с моими друзьями - нашими друзьями

با دوستان خودم - با دوستان خودمان و الی آخر.

с твоими друзьями - с вашими друзьями

с его (е) друзьями - с их друзьями

К о г д а ?

کی؟

در جواب به این سؤال از کلمه Перед قبل از و Творительный падеж حالت گرامری معیت در ساخت جمله استفاده می‌شود. به چند نمونه توجه فرمائید:

К о г д а в домах ставят елки?

کی در خانه‌ها درخت کاج می‌گذارند؟

П е р е д Новым годом в домах ставят елки.

قبل از سال نو در خانه‌ها درخت کاج می‌گذارند.

К о г д а Наташа повторяла новые слова?

کی ناتاشا لغات جدیدی را تکرار کرد؟

П е р е д уроком Наташа повторяла новые слова.

قبل از درس ناتاشا لغات جدید را تکرار کرد.

С л о в а : много, многие

لغت: خیلی، زیاد

О н много ездил по стране.

او خیلی در کشور سفر می‌کند.

М н о г и е дома на этой улице новые.

خانه‌های زیادی در این خیابان نو هستند.

Т а н я много занимается.

تانیا خیلی درس می‌خواند.

В о многих домах ставят елки.

در خانه‌های زیادی درخت کاج می‌گذارند.

А н н а много работает.

آنا خیلی کار می‌کند.

Н а многих площадях можно увидеть красивую елку.

در میادین زیادی می‌توان درخت کاج زیبا را دید.

و حال گردشی در سوپرمارکت می کنیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را به همان شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید:

### В СУПЕРМАРКЕТЕ

در سوپرمارکت یا فروشگاه بزرگ

- У тебя есть список покупок?

لیست خرید را داری؟ یا با خودت آوردی؟

-Да, он у меня в кармане. Я возьму тележку.Мы будем покупать вместе.Нам нужен порошок для стирки.

بله. توی جیبم هست. چرخ خرید را برمی دارم. ما باهم خرید خواهیم کرد. ما پودر رختشویی لازم داریم.

-Коробка большого размера слишком дорогая?

جعبه بزرگ خیلی گران است؟

-Ничуть.Имеет смысл покупать большую коробку порошка.Так ты сэкономишь деньги.

اصلاً. بهتره جعبه بزرگ خریداری شود. به این ترتیب، تو در پولت صرفه جویی می کنی.

-Надо обращать внимание не только на цену расфасованного продукта,но также на цену товара по весу и объему.Дешевле покупать в более крупной расфасовке, особенно, если эти товары предназначены для длительного пользования.

باید نه فقط به قیمت روی بسته بندی توجه کرد، بلکه همچنین به قیمت جنس، در ازای هر کیلو و وزن آن توجه داشت. بسته های بزرگتر ارزانتر تمام می شوند، به ویژه اگر این جنس برای استفاده طولانی در نظر گرفته شده باشد.

-Я запомню это.Что там идет дальше по списку?

متوجه شدم. این نکته را به خاطر خواهم سپرد. خوب، جنس بعدی توی لیست چیه؟

-Апельсиновый сок.

آب پرتقال.

-Тут столько разных сортов!

آه، چه قدر زیادند!

-Самый дешевый тот, на котором стоит марка магазина.Качество такое же, но цена немного ниже.

ارزانترین، آن جنسی است که علامت مغازه روی آن باشد. کیفیت همان است ولی قیمت کمی ارزانتر است.

-Большие супермаркеты производят и другие продукты под своей собственной маркой?

سوپرهای بزرگ محصولات با علائم خود نیز تولید می کنند؟

-Да.Всегда надо выбирать товары,на которых стоит марка магазина.Такие сорта дешевле.

بله. همیشه باید جنسی را انتخاب کرد که علامت مغازه روی آن است. چنین نوع اجناسی ارزانتر هستند.

-Как насчет яблок?

سیب ها کجا هستند؟

-Яблоки в восьмом ряду.

در ردیف هشتم.

-Сколько они стоят?

قیمتشان چقدر است؟

-1кг яблок стоит 64 рубля.

یک کیلو سیب ۶۴ روبل قیمت دارد.

-Что еще нам нужно?

دیگر چی لازم داریم؟

-Пойдем к мясному прилавку.

بریم به قسمت گوشت.

-Хорошо.Я думаю,что нам нужно купить курицу и телятину.Я возьму и то, и другое.

بسیار خوب. فکر کنم باید مرغ و گوشت گوساله بخریم. من هر دوی آنها را می خرم.

-Не забудь посмотреть на дату на этикетке.

یادت نرود به تاریخ روی برچسب توجه کنی.

-Здесь указано 23-е февраля для курицы и 22-е для телятины.

اینجا روی مرغ نوشته ۲۳ فوریه و روی بسته بندی گوساله نوشته ۲۲ فوریه.

-Что значит эта дата(на этикетке)?

تاریخ روی بسته بندی چه معنی ای دارد؟

-На этикетке указана дата, после которой магазин не должен продавать этот продукт.

روی برچسب تاریخی نوشته شده که بعد از آن مغازه نباید این جنس را بفروش برساند.

- На каких продуктах питания указывается дата?

روی کدام محصولات غذایی تاریخ نوشته شده است؟

-Дата должна быть указана на всех скоропортящихся продуктах.

تاریخ باید روی تمام محصولاتی که زود فاسد می شوند وجود داشته باشد.

-Ты опытный покупатель. Что еще нам нужно?

تو خریدار واردی هستی. دیگر چی لازم داریم؟

- Я проверю по списку. Нам нужны полкило масла, сметана и яйца.Молочные продукты в третьем ряду.

صبر کن نگاهی به لیست ببینم. نیم کیلو روغن، خامه و تخم مرغ لازم داریم، مواد لبنیاتی در ردیف سوم است.

-Хорошо.Вот яйца.Я предпочитаю несоленое масло. Возьми,пожалуйста.

خوب. این هم تخم مرغ. من روغن بی نمک را ترجیح می دهم. لطفاً یکی بردار.

-Я взял масло и сметану. Теперь мы купим кофе. Это в пятом ряду.

من کره و خامه را برداشتم. حالا قهوه می خریم. قهوه در ردیف پنجم است.

-Я вырезала из газеты объявление.Они рекламируют растворимый кофе по сниженным ценам.

من از توی روزنامه آگهی را جدا کردم که نسکافه ارزان را تبلیغ می کرد.

-Возьми (банку)кофе, который указан в объявлении.Это все,что нам нужно.Теперь пойдем к кассе.

قوطی قهوه ای را بردار که در آگهی از آن نام برده شده است. این ها همه چیزهایی هستند که ما لازم داریم. حالا می رویم به صندوق.

و حالا از شما دعوت می‌کنیم به دومین بخش مبحثی گوش کنید که طی آن شما با صحبت‌های معمولی اهالی مسکو در باره موضوعات مختلف زندگی روزانه آنها آشنا می‌شوید.

Антон, 33 года, инженер:

– В нашей семье нет каких-то исключительно женских или же мужских обязанностей. Мы делаем всё вместе. Тот, кто возвращается с работы первым, готовит еду, другой, соответственно, моет посуду. Если жена стирает, я глажу, и наоборот. Она моет полы, я ванну. Естественно, если кто-то из нас устал или занят, другой не станет его заставлять. Мы во всём стараемся помогать друг другу, и это, на мой взгляд, залог наших долгих и, не побоюсь сказать, счастливых отношений. Ведь многие молодые семьи разрушаются именно из-за быта и пресловутых домашних обязанностей.

آنتون مهندس سیمای یک مرد ایده آل خانه را به تصویر می‌کشد.

در خانه ما هیچگونه وظیفه خاص مردانه و زنانه وجود ندارد. ما همه کارها را باهم انجام می‌دهیم. کسی که زودتر از سر می‌آید غذا درست می‌کند و کسی که دیرتر آمده ظرفها را می‌شورد. اگر همسرم رخت می‌شورد من آنها را اتو می‌کنم و برعکس. او زمین را دستمال می‌کشد من وان حمام را می‌شورم. البته اگر یکی از ما بعد از بازگشت از سر کار خسته است دیگری او را مجبور به انجام کاری نمی‌کند. ما سعی می‌کنیم در هر کاری به یکدیگر کمک کنیم، به نظرم چنین برخوردی نسبت به یکدیگر تضمین‌کننده رابطه طولانی و سعادتبار است. آخر خانواده‌های جوان زیادی همانا به خاطر انجام وظایف توی خانه از هم فرو می‌پاشند.

درس پنجاه و چهارم

امروز ابتدا نمونه هایی از زمان را مود توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید.

В р е м я

زمان

1:00

2:00

5:00 (один) час (ночи)

ساعت یک نیمه شب

д в а часа (ночи)

ساعت دو نیمه شب

п я т ь часов (утра)

پنج صبح ۱۵:۰۰

17:00

22:00 три часа (дня)

سه بعدازظهر

п я т ь часов (вечера)

پنج عصر

д е с я т ь часов (вечера)

ده شب

2:05 2 часа 5 минут

دو و پنج دقیقه ۵ минут третьего

یا پنج دقیقه به سه نزدیک شده

2:10 2 часа 10 минут

دو ساعت و ده دقیقه ۱۰ минут третьего

ده دقیقه به سه نزدیک شده و یا از دو گذشته و الی آخر

2:15 2 часа 15 минут 15 минут третьего

2:20 2 часа 20 минут 20 минут третьего

2:25 2 часа 25 минут 25 минут третьего

2:30 2 часа 30 минут

دو و سی دقیقه ۳۰ минут третьего

دو و نیم

2:35 2 часа 35 минут

دو و سی و پنج دقیقه ۳۵ минут третьего

25 دقیقه به سه مانده و الی آخر

2:40 2 часа 40 минут без двадцати три

2:45 2 часа 45 минут без пятнадцати три

2:50 2 часа 50 минут без десяти три

2:55 2 часа 55 минут без пяти три

حالات فاعلی و اضافه ردیف عددی

Именительный и родительный падежи порядковых числительных.

им. п.	род. п.	им. п.	род. п.
		первый	اولین
		второй	دومین
		третий	سومین
		четвертый	چهارمین
		пятый	پنجمین
		шестой	ششمین
		первого	
		второго	
		третьего	
		четвертого	
		пятого	
		шестого	седьмой
		восьмой	
		девятый	
		десятый	
		одинадцатый	
		двенадцатый	седьмого
		восьмого	
		девятого	
		десятого	
		одинадцатого	
		двенадцатого	

طرز پرسیدن ساعت:

- Извините, не (под)скажете, сколько времени?

بیخشید لطفاً بگوئید ساعت چنده؟

[- Извините, вы время не (под)скажете?]

[- Извините, вы не (под)скажете, который час?]

که معنی این دو جمله هم می شود: لطفاً بگوئید ساعت چند است؟

1. - 20 минут пятого.

بیست دقیقه از چهار گذشته.

2. - 4 часа 40 минут.

20 دقیقه به پنج مانده یا 40 دقیقه از 4 گذشته.

به مثالهای دیگری در این موضوع توجه کنید:

1. Я поехал на работу в 7 часов утра.

من ساعت 7 صبح سر کار رفتم (سواره)

2. Он приехал домой поздно - в 3 часа ночи.

او دیر به خانه آمد - سه نیمه شب (سواره)

3. Она пошла в университет в 7:30.

او (مونث) ساعت هفت و نیم به دانشگاه رفت.

4. Я подошёл к кинотеатру в 18:50.

من ساعت شش و نیم به سینما رسیدم.

5. Мы ушли с работы в 17:20.

ما ساعت پنج و 2 دقیقه از سر کار رفتیم.

6. Я вышел из дома в 12:30.

من ساعت دوازده و نیم از خانه بیرون رفتم.

7. Мы работаем с 9:00 до 17:00. Перерыв на обед с 12:00 до 13:00.

ما از ساعت 9 تا پنج کار می کنیم. وقت ناهار از ساعت 12 تا 13.

8. Наше занятие начинается в 19:00 и заканчивается в 20:00.

درسهای ما ساعت هفت عصر شروع و ساعت هشت شب به پایان می رسد.

9. Мы занимаемся с 19:00 до 20:00.

ما از ساعت هفت تا هشت درس می خوانیم.

10. С 8:30 до 20:30 я был в университете.

از ساعت هشت و نیم صبح تا هشت و نیم شب من در دانشگاه بودم.

С 8:30 до 14:00 я был на лекциях, потом обедал, а потом с 15:00 до 20:30 занимался в библиотеке.

از ساعت هشت و نیم تا دو بعدازظهر من سر درس بودم، بعداً ناهار خوردم و بعد از ساعت سه بعدازظهر تا هشت و نیم در کتابخانه به درسهها پرداختم.

11. Магазин открывается в 10:30 и закрывается в 20:30.

مغازه ساعت ده و نیم باز و ساعت هشت و نیم بسته می شود.

ПОКУПКА ОДЕЖДЫ

خرید لباس

-Вы можете мне помочь?

شما می توانید به من کمک کنید؟

-Да. В чем дело?

بله. مشکلاتان چیست؟

-Мне нужен фланелевый костюм 40 размера.

من به کت و شلوار فلانل اندازه ۴۰ احتیاج دارم.

-Какого цвета?

چه رنگی؟

-Предпочтительно, серого.

خاکستری را ترجیح می دهم.

-Вот прекрасный костюм из серой фланели. Хотите примерить?

بفرمائید، این هم کت و شلوار بسیار شیک از فلانل خاکستری. می خواهید پرو کنید؟

-Да. Где примерочная?

بله. اتاق پرو کجاست؟

-Пройдите сюда.

بیائید اینجا.

-Как он на мне сидит?

خوب، چگونه؟

-Прекрасно. Это как раз ваш размер.

عالیه. درست اندازه شما.

-Сколько он стоит?

قیمتش چندانست؟

-Этот костюм продается со скидкой. Он стоит 115 долларов.

این کت و شلوار تخفیف دارد. ۱۱۵ دلار قیمتش است.

-Хорошо. Я его покупаю.

بسیار خوب آن را می خرم.

-Могу я вам помочь?

می توانم کمکتان کنم؟

-Да, мне нужна блузка.

بله. من بلوز می خواهم.

-Какой размер у вас?

چه اندازه ای؟

-Я ношу 46-48 размер. Покажите мне, пожалуйста, одноцветные блузки.

من اندازه ۴۶-۴۸ می پوشم. لطفاً بلوزهای یک رنگ را نشانم بدهید.

-Какого цвета?

چه رنگی؟

-Желтые и белые.

زرد و سفید.

-Они вот здесь.

آنها اینجا هستند.

-Из какого материала (блузки)?



جنس بلوزها چیست؟

-Поровну из хлопка и синтетики.

بطور مساوی نخ و سنتتیک.

-Эта белая блузка мне нравится. Я хотела бы ее примерить.

من از این بلوز سفید خوشم آمد. دلم می خواهد آن را پرو کنم.

-Примерочная налево.

اتاق پرو سمت چپ است.

-Думаю, что блузка сидит хорошо.

فکر کنم این بلوز بهم می یاد.

-Очень хорошо, госпожа. Вы будете платить наличными или по кредитной карточке?

خانم، خیلی خوب است. شما نقد می پردازید یا با کارت اعتباری.

-Я хотела бы выписать чек.

می خواستم چک بنویسم.

-Нам нужно хотя бы одно удостоверение личности.

حداقل یک کارت شخصی نشانمان بدهید.

-Вот мои водительские права.

بفرمائید، گواهینامه رانندگی.

-Хорошо мы примем ваш чек.

بسیار خوب، چک شما را قبول می کنیم.

-Это красивые туфли. Какие цвета у вас есть?

اینها کفش های قشنگی هستند. چه رنگهای دارید؟

-Сейчас у нас есть такие туфли коричневого и черного цвета.

الان از این نوع کفشها رنگ قهوه ای و سیاهش را داریم.

-Вы можете мне показать черные туфли на среднем каблук?

می توانید کفشی به رنگ سیاه با پاشنه نه چندان بلند (متوسط) به من نشان بدهید (یا برایم بیاورید)؟

-Туфли этого фасона у нас есть на высоком, низком и среднем каблук. Одну минуту. Я

в а м принесу пару, которую вы хотели посмотреть.

از این نوع کفش ها ما پاشنه کوتاه، متوسط و بلند داریم. یک دقیقه صبر کنید. من جفتی را می آورم که شما خواستید ببینید.

-Вчера я купила эту юбку. Я хотела бы вернуть ее и получить деньги.

دیروز این دامن را خریدم، می خواستم آن را برگردانم و پولش را بگیرم.

-Вы принесли чек?

قبض خرید را آوردید؟

-Да.

بله.

-Вы получите деньги в комнате 208, на втором этаже.

شما می توانید پول را در اتاق ۲۰۸ در طبقه دوم دریافت کنید.

خوب اگر یادتان باشد بخشی را آغاز کردیم که عنوان آن چنین است: « کی باید ظرف بشوید؟» که به آشنایی با نظرات زوج های روسی در باره موضوعات مختلف اختصاص دارد. امروز بخش دیگری از آن را مورد توجه شما قرار می دهیم. و حالا برویم ببینیم اولگا ۳۹ ساله حسابدار در این باره چه نظری دارد.

О л ь г а , 39 лет, бухгалтер:

– То, что женщина может зарабатывать ничуть не меньше, чем её муж, совершенно не даёт ей никакого права снимать с себя домашние обязанности. Ведь изначально женщина, как бы это банально ни звучало, хранительница домашнего очага и мать. Хорошая жена — та, к т о может совместить свою работу и дом. Я сейчас не говорю о тех бизнес-леди, которые могут позволить себе домработницу, я говорю об обычных россиянках среднего достатка. Так вот, несмотря на то что они, как и их мужья, заняты, я всё-таки считаю, что стирка, готовка, уборка и прочее по-прежнему должны оставаться исключительно женскими обязанностями. Да и вообще, мне лично не понравится мужчина в фартуке с половой тряпкой в руках. Своего мужа я привыкла видеть сильным, волевым человеком, который принимает реш е н и я , а не хлопчет по хозяйству. Весь дом на мне, и я, поверьте, отлично с этим справляюсь.

اولگا ۳۹ ساله حسابدار می گوید:

اینکه زن خانه می تواند بیشتر و یا به همان میزان شوهرش دستمزد داشته باشد اصلاً دلیلی بر آن نیست که خودش را از انجام وظایف خانه خلاص کند. آخر هر چند ممکن است پیش پا افتاده به نظر برسد، اما زن قبل از هر چیز حافظ اجاق خانه و مادر است. زن خوب، کسی است که قادر باشد کار بیرون و خانه را درهم ادغام کند. من الان در باره آن بیزنس لیدی ها صحبت نمی کنم که می توانند خدمتکاری برای انجام کارهای خانه آشان استخدام کنند. من در باره خانواده های سطح متوسط روس حرف می زنم. با وجود اینکه این خانمها مثل شوهرانشان مشغولیت کاری دارند معتقدم که لباس شستن و غذا پختن و تمیز کردن خانه و دیگر کارهای خانه می بایست از وظایفی باشد که فقط او باید انجامشان بدهد. کلاً من اصلاً خوشم نمی آید مرد خانه را پیش بند و دستمال در دست ببینم. من عادت کردم شوهرم را مردی قوی و با اراده ببینم که تصمیم می گیرد و فکرش را گرفتار کارهای خانه نمی کند. انجام تمام کارهای خانه به گردن من است و باور کنید که بخوبی از عهده همه کارها برمی آیم.

### درس پنجاه و پنجم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار داده می شود. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید طرز ساخت جملات را به خاطر بسپارید.

Н о в ы й год

سال نو

В России Новый год встречают 31 (тридцать первого) декабря. Вечером за праздничным столом собираются родные и друзья. Зажигаются елки. По радио и по телевизору обычно бывает интересный праздничный концерт.

در روسیه سال نو ۳۱ ماه دسامبر جشن گرفته می شود. شب خویشاوندان و دوستان دور میز جشن جمع می شوند. چراغهای درخت کاج روشن می شود. کنسرت‌های جالب جشن معمولاً از رادیو و تلویزیون پخش می شود.

Ровно в 12 (двенадцать) часов открывают шампанское, поздравляют друг друга с Новым годом и желают счастья и успехов в Новом году.

درست سر ساعت ۱۲ شامپاین را باز می کنند و سال نو را به یکدیگر تبریک می گویند و برای هم آرزوی سعادت و موفقیت در سال نو می کنند.

Когда (какого числа) встречают Новый год в России?

کی، در چه تاریخی سال نو در روسیه جشن گرفته می شود؟

В России встречают Новый год тридцать первого декабря.

در روسیه، سال نو ۳۱ ماه دسامبر جشن گرفته می شود.

К о г д а (в котором часу) поздравляют друг друга с Новым годом?

کی، در چه ساعتی سال نو را به یکدیگر تبریک می گویند؟

В двенадцать часов поздравляют друг друга с Новым годом.

ساعت ۱۲ شب آنها سال نو را بهم تبریک می گویند.

Ди а л о г

گفتگو

Т а н я : Наташа, где мы встретимся?

تانيا: ناتاشا کجا همدیگر را خواهیم دید؟

Н а т а ш а : У Большого театра. Мы с Володей будем ждать тебя в 10 (десять) часов.

ناتاشا: کنار تئاتر بالشوی. من و والودیا در ساعت ده منتظرت خواهیم بود .

Т а н я : Хорошо.

تانيا: بسیار خوب.

Н а т а ш а : Я предлагаю пойти пешком и посмотреть на праздничные улицы.

ناتاشا: من پیشنهاد می کنم قدم بزنیم و خیابانهای چراغانی شده را تماشا کنیم.  
Т а н я : С удовольствием. Я очень люблю московские улицы в новогодний вечер.  
تانیا: با کمال میل. من خیلی از خیابانهای مسکو در شب سال نو خوشم می آید .

С л о в а и выражения  
لغات و اصطلاحات

Д е к а б р ь  
دسامبر

С о б и р а ю т с я  
دور هم جمع شدن

з а п р а з д н и ч н ы м с т о л о м  
پشت میز جشن

з а ж и г а ю т с я е л к и  
چراغهای کاج را روشن می کنند

б ы в а е т п р а з д н и ч н ы й к о н ц е р т  
کنسرت جشن برگزار می شود

р о в н о в д в е н а д ц а т ь ч а с о в  
درست سر ساعت دوازده شب

о т к р ы в а т ь ш а м п а н с к о е  
بطری شامپاین را باز کردن

о т к р ы в а т ь , - ю , - е ш ь ... ,  
باز کردن، گشودن که سؤال آن می شود

ч т о ?  
چی؟ چی را؟

п о з д р а в л я т ь с Н о в ы м г о д о м  
تبریک گفتن سال نو

п о з д р а в л я т ь , - ю , - е ш ь ... ,  
تبریک گفتن که سؤال آن می شود

к о г о ? с ч е м ?  
به کی؟ با چی؟ یا چی را؟

ж е л а т ь с ч а с т ь я и у с п е х о в  
آرزوی سعادت و موفقیت کردن

ж е л а т ь , - ю , - е ш ь ... ,  
آرزو کردن که سؤال آن می شود

к о м у ? ч е г о ?  
برای کی؟ چه چیزی را؟

к а к о г о ч и с л а ?

چه تاریخی؟

в котором часу?

چه ساعتی؟

встретиться,

ملاقات کردن، دیدار کردن

у кого?

نزد کی؟ پیش کی؟

предлагать, -ю, -ешь

پیشنهاد کردن

посмотреть,

دیدن، تماشا کردن، نگاه کردن

на что?

به چی؟

в новогодний вечер

در شب سال نو

праздник-праздничный

جشن - جشنی

Поздравляю Вас с Новым годом!

سال نو را به شما تبریک می گوئیم!

Поздравляю Вас с праздником!

جشن را به شما تبریک می گویم!

Желаю Вам счастья и успехов в новом году!

در سال نو برایتان سعادت و موفقیت آرزومندم!

когда (какого числа)?

کی؟ چه تاریخی؟

Когда (какого числа) открылась выставка?

کی نمایشگاه باز می شود؟

Выставка открылась первого декабря

نمایشگاه اول ماه دسامبر باز می شود.

....

двадцать второго сентября

بیست و دوم سپتامبر

Когда (в котором часу)?

کی (در چه ساعتی)؟

Я пришел домой в два часа.

من ساعت دو به خانه آمدم.

...

в пять часов.

در ساعت پنج

Я пришел домой в час.

من ساعت یک به خانه آمدم.

و حالا به تغییرات زمانی در حالت گرامری. Предложный падеж. Мужской род. حالت گرامری تخصیص توجه فرمائید. مذکر:

Год - в году

سال - در سال

С а д - в саду

باغ - در باغ

Шк а ф - в шкафу

کمد - در کمد

Он приехал в Россию в этом году.

او در سال جاری به روسیه آمد.

Родители Наташи гуляли в саду.

والدین ناتاشا در باغ گردش کردند.

Книги в шкафу.

کتابها در کمد هستند.

و اما چند نمونه در حالت گرامری معیت

Мы с Володей = я и Володя

من با والودیا - من و والودیا

...

Мы с мамой = я и мама

Мы с мамой ходили в магазин.

من و مامان به مغازه رفتیم.

Глагол посмотреть

فعل دیدن

Он посмотрел книгу.

او کتاب را دید.

Он посмотрел на книгу.

او به کتاب نگاه کرد.

امیدواریم اسامی رنگها و جانوران به زبان روسی یادتان نرفته باشد. بهرحال متنی که برایتان خوانده می شود تکرار دیگری است برای یادآوری آنها و حالات گرامری زبان روسی.

Какого цвета твой карандаш?  
Мой карандаш зеленый.  
Покажите мне вашу синюю рубашку!  
Дайте мне ее серое платье!  
Папа, где красный флаг?  
Те белые колокольчики серебряные.  
У меня есть черная курица, ее цыплята желтые.

لغات این متن

Зеленый

سبز

Синий

آبی

Серый

خاکستری

Красный

قرمز

Белый

سفید

Серебряный

نقره‌ای

Черный

سیاه

Желтый

زرد

Курица

مرغ

Цыплята

جوجه

Колокольчики

زنگ

У петуха клюв не такой острый, как у орла.

منقار خروس به تیزی منقار عقاب نیست

У тигра когти очень острые.

چنگالهای ببر خیلی تیز است.

Коза, коза. Дай мне свою шубу!

بز، بز، پوستت را به من بده!

Ха!ха! разбежалась!

ها!ها! پیاده شو باهم بریم!

Как его зовут?

اسمش چیه؟

К и к и .

کیکی

К т о это?

کیه؟

К и к и -старый ослик. Он очень слабый.

کیکی، اسم خر کوچولوی پیری است که خیلی ضعیفه.

Г д е он?

کجاست؟

О с л и к под деревом.

خر کوچولو زیر درخت ایستاده است.

Я вижу много овец под теми большими вечнозелеными кустами.

من گوسفندهای زیادی زیر بوته های همیشه سبز دیدم.

М а м а , смотри, мое блюдце с медом полно муравьев.

مامان، نگاه کن، نعلبکی عسلم پر از مورچه شده است.

В ы не должны плавать в реке, если не умеете.

اگر شنا بلد نیستید، نباید در رود شنا کنید.

У т к и и утята любят плавать в прудах. Эта собака хитра, как лиса.

مرغابی ها و بچه هایشان دوست دارند در برکه ها شنا کنند. این سگ مثل روباه فریبکار است.

Э т и груши и те апельсины очень сочные.

این گلابی ها و پرتقال ها خیلی آبدار هستند.

К а к о е большое фруктовое дерево!

چه درخت بزرگ میوه‌ای!

О н о полно персиков.

پر از هلوست.

Э т о т виноград довольно хороший.

این انگورها خوب هستند.

Ч ь и это сливы?

این آلوها مال کیست؟

М о и .

مال من است.

П о с м о т р и т е на того охотника! Он ест мои сливы!

به آن شکارچی نگاه کن! دارد آلوهای مرا می خورد!

شنوندگان گرامی، درس پنجاه و پنجم زبان روسی در اینجا به پایان می رسد. خدانگهدارتان!

!Д о свидания



### درس پنجاه و ششم

ابتدا متنی برای شما خوانده می شود. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و به ساختار گرامری جملات توجه فرمائید.

З и м н и е к а н и к у л ы

تعطیلات زمستانی

В конце января и в начале февраля бывают зимние студенческие каникулы. اواخر ماه ژانویه و اوایل ماه فوریه تعطیلات زمستانی دانشجویان است.

О н и п р о д о л ж а ю т с я д в е н е д е ل ы . П о с л е к а н и к у л н а ч и н а е т с я в т о р о й с е м е s t p . این تعطیلات دو هفته طول می کشد. پس از تعطیلات ترم دوم شروع می شود.

Наташа решила поехать к дяде в Петербург. Она пригласила свою подругу Таню и своего друга Юру поехать вместе с ней.

ناتاشا تصمیم گرفت به پتربورگ به نزد عمویش برود. او تانیا، دوست دختر و یورا دوست پسر خود را دعوت کرد باهم به آنجا بروند.

Они купили льготные билеты на поезд и 24 (двадцать четвертого) января поехали в Петербург. Юра взял с собой фотоаппарат.

آنها بلیط دانشجویی خریدند و ۲۴ ماه ژانویه به پتربورگ رفتند. یورا دوربین را همراه خود برد.

Когда начинается второй семестр?

ترم دوم کی شروع می شود؟

Второй семестр начинается после каникул.

ترم دوم بعد از تعطیلات شروع می شود.

Диалог

گفتگو

Н а т а ш а : Таня, хочешь поехать в Петербург на каникулы?

ناتاشا: تانیا می خواهی برای تعطیلات به پتربورگ بروی؟

Т а н я : С удовольствием. А где мы будем жить?

تانیا: با کمال میل. کجا زندگی خواهیم کرد یا اقامت خواهیم کرد؟

Наташа: У моего дяди. Юра тоже поедет вместе с нами.

ناتاشا: خانه عمویم. یوراهم با ما می رود،

Т а н я : Хорошо. Поедем на поезде?

تانیا: بسیار خوب. با قطار می رویم؟

Наташа: Да. Ты знаешь, для студентов продаются льготные билеты.

ناتاشا: بله، می دانی برای دانشجویان بلیطها با تخفیف است،

Т а н я : Вот хорошо! Какого числа мы поедем?

تانیا: عالی! چه تاریخی می رویم؟

Н а т а ш а : Двадцать четвертого вечером.

ناتاشا: بیست و چهارم شب،

Слова и выражения

لغات و اصطلاحات

к а н и к у л ы ,

تعطیلات که فقط بصورت جمع بکار برده می شود

з и м н и й , -яя, -ое, -ие

زمستانی

К о н е ц

پایان، آخر

я н в а р ь ,

ژانویه ( اسم مذکر)

Н а ч а л о

اول، ابتدا، آغاز

Ф е в р а л ь

فوریه (مذکر)

П р о д о л ж а т ь с я

продолжается, продолжают

ادامه داشتن

п о с л е к а н и к у л

بعد از تعطیلات

С е м е с т р

ترم

р е ш и т ь , р е ш у , р е ш и ш ь ... ,

حل کردن، تصمیم گرفتن که سؤال آن می شود

ч т о ?

چی، چه چیزی را؟

О н а п р и г л а с и л а с в о ю п о д р у г у и с в о е г о д р у г а

او (مونث) از دوست دختر و دوست پسر خود دعوت کرد

п р и г л а с и т ь , п р и г л а ш у , п р и г л а с и ш ь ...

دعوت کردن که سؤال آن می شود

к о г о ?

از کی، کی را؟

в м е с т е с н е й

همراه او

льготные билеты

بلیط با تخفیف

поезд, –поезда

قطار- قطارها

взять с собой,

بردن با خود

возьму, возьмешь...

می برم، می بری که سئوالات این فعل می شود:

что? кого?

چی را؟ چه کسی را؟

фотоаппарат

دوربین

поехать на каникулы

به تعطیلات رفتن (سواره)

вместе с нами

همراه ما

ты знаешь, ...

می دانی

для студентов

برای دانشجویان

Вот хорошо!

خیلی خوبه!

Для кого вы купили эти книги?

برای چه کسی این کتاب را خریدید؟

студент – студенческий

دانشجو- دانشجویی

студенческие каникулы

تعطیلات دانشجویی

после каникул - перед каникулами

قبل از تعطیلات – بعد از تعطیلات

و اما حالت گرامری مفعول صریح اسامی بیجان مذکر

Неодушевленные существительные

اسامی بی جان

В.п. = ИМ.п.

مفعول صریح – حالت فاعلی

О душевленные существительные

اسامی جاندار

в.п. = р.п.

مفعول صریح – حالت اضافه، ملکی

что?

چی را؟

кого?

چه کسی را؟

Я вижу стол.

من میز را می بینم.

Я вижу друга.

من دوستم را می بینم (دوست در اینجا مذکر است)

Я знаю этот учебник.

من با این کتاب آموزشی آشنا هستم.

Я знаю этого человека.

من این شخص یا آدم را می شناسم.

Ю р а взял с собой маленький фотоаппарат.

یورا دوربین کوچک را با خود آورد.

Ю р а взял с собой маленького брата.

یورا برادر کوچکش را با خود آورد.

Ж.р.

مونث

Нео душевленные существительные

в.п. = им.п.

О душевленные существительные

в.п. = р.п.

что?

кого?

Я вижу книгу..

من کتاب را می بینم.

Я вижу подругу.

من دوستم را می بینم (در اینجا منظور دوست دختر است)

Я знаю эту дорогу.

من این راه را می شناسم، یا بلدم.

Я знаю эту студентку.

من این دانشجو را می شناسم.

Преподаватель взял с собой маленькую карту.  
معلم نقشه کوچکی را با خود برداشت.

Преподаватель взял с собой новую студентку.  
معلم دانشجویی (دختر) جدیدی را همراه خود آورد.

Свой

مال خود

Этой.

این منم.

Это моя фотография.

این عکس من است.

Я взял свою фотографию.

من عکس خودم را برداشتم.

Он видит мою фотографию.

او عکس مرا می بیند.

Это Виктор.

این ویکتور است.

Это его фотография.

این عکس اوست.

Я взял его фотографию.

من عکس او را برداشتم.

Он видит свою фотографию.

او عکس خودش را می بیند.

و حالا با چند مثال به حالات گرامی توجه فرمائید. ابتدا نمونه ای که در آن مفعول مذکر است:

И м.п. \_\_\_\_\_

Р.п.

حالت اضافه یا ملکی

Я был у своего брата.

من نزد برادرم بودم.

Д.п.

مفعول بواسطه

Я пойду к своему брату.

من به نزد برادرم می روم.

В.п.

مفعول صریح

Я люблю своего брата.  
من برادر خودم را دوست دارم.

Т.п.  
معیت

Я был в театре со своим братом.  
من با برادرم در تئاتر بودم.

П р .п.  
تخصیص

Я рассказал о своем брате.  
من در باره برادرم تعریف کردم.

و حالا مونث که در اینجا بجای برادر در حالت مذکر، دوست دختر در حالت مونث آمده است. توجه فرمائید:

И м .п. \_\_\_\_\_

Р .п. Я была у своей подруги.

Д.п. Я пойду к своей подруге.

В .п. Я люблю свою подругу.

Т .п. Я была в театре со своей подругой.

П р .п. Я рассказала о своей подруге.

Т в о р и т е л ь н ы й падеж. Личные местоимения.  
حالت گرامری معیت. ضمیر شخصی

С кем (вместе с кем) Наташа поедет в Петербург?

ناتاشا با کی به پتربورگ می رود؟

с о мной

با من

с тобой

با تو

с ним, с ней

با او ( مذکر و مونث)

с нами

با ما

с вами

با شما

с ними

با آنها

К о г д а ?

کی، چه وقت؟

К о г д а студенты пойдут на выставку?

دانشجویان کی به نمایشگاه می روند؟

С т у д е н т ы пойдут на выставку после урока.

دانشجویان بعد از درس به نمایشگاه می روند.

К о г д а Наташа будет заниматься?

ناتاشا چه وقت درس خواهد خواند؟ درس را حاضر خواهد کرد؟

Н а т а ш а будет заниматься после прогулки.

ناتاشا بعد از گردش یا قدم زدن درسها را حاضر خواهد کرد.

П р е д л о г д л я .

حرف اضافه برای

Д л я кого вы купили эти книги?

برای کی این کتاب را خریدید؟

Я купил эти книги для своего брата

من این کتاب را برای برادرم خریدم.

для своей учительницы.

برای خانم معلم.

خوب اگر یادتان باشد بخشی را آغاز کردیم که عنوان آن چنین است: « کی باید ظرف بشوید؟» که به آشنایی با نظرات زوج های روسی در باره موضوعات مختلف اختصاص داشت. امروز بخش دیگری از آن را مورد توجه شما قرار می دهیم.

در برنامه قبلی شما را با نظرات یوگنی و آنتون در اینبار آشنا کردیم و حالا برویم ببینیم اولگا ۳۹ ساله حسابدار و پولینا ۲۴ ساله مشاور فروش در این باره چه نظری دارند.

П о л и н а , 24 года, продавец-консультант:

– Главная обязанность моего молодого человека — не мусорить или хотя бы постараться не делать этого. Все мои попытки приучить его к созидательному домашнему труду не принесли никаких положительных результатов. После того как мой благоверный мыл посуду, мне всё приходилось перемывать. Он просто не мог понять, зачем тарелки споласкивать с обеих сторон, если мы всё равно едим только с одной. О том, чтобы он вытер пыль и пропылесосил, не могло быть и речи. Во-первых, он всё делал ужасно небрежно и неаккуратно, а во-вторых, мне приходилось тратить столько времени на уговоры, что проще было сделать всё самой. Зато, чувствуя свою вину из-за минимального участия в хозяйственных делах, он не устаёт баловать меня маленькими приятными

подарками. Так что букеты цветов и всевозможные сюрпризы в нашем доме не редкость, а вполне обычное явление.

پولینا ۲۴ ساله مشاور فروش می گوید:

مهمترین وظیفه شوهر جوان من این است که آشغال نریزد، حداقل سعی کند اینکار را نکند. تمام کوشش‌های من در جهت اینکه او را به انجام کارهای خانه عادت بدهم بدون نتیجه به پایان رسید. پس از اینکه شوهر محترم اینجانب لطف فرمودند و ظرفها را شستند، من مجبور شدم دوباره همه آنها را بشورم. او نمی‌تواند بفهمد چرا باید پشت بشقابها را هم شست وقتی ما فقط از توی آنها و از یک طرفشان استفاده می‌کنیم، دیگر از گردگیری و جارو کردن او با جارو برقی حرفی نمی‌زنم که خانه کثیفتر از قبل به نظر می‌رسد و تازه من آنقدر وقت صرف راضی کردن او به این کارها می‌کنم که بهتر بود اگر خودم همه اینکارها را انجام می‌دادم و این همه منت او را نمی‌کشیدم. بهر حال او که در انجام کوچکترین کارهای خانه کمکی نمی‌کند و از این بابت احساس گناه زیاد می‌کند، هیچوقت از دادن هدایای کوچک به من خسته نمی‌شود. به این شکل وجود دسته‌های گل و انواع و اقسام سورپریزهای مختلف در خانه ما یک پدیده عادی است





درس پنجاه و هفتم

ابتدا متنی در رابطه شغل و حرفه مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، توجه فرمائید و سعی کنید جملات را تکرار کرده و همانطور که می شنوید آنها را به خاطر بسپارید.

ВАКАНТНАЯ ДОЛЖНОСТЬ

مقام خالی (آگهی استخدام)

П а р в и з смотрел телевизор, когда зазвонил телефон.Звонил его русский друг Виктор.

پرویز تلویزیون نگاه می کرد که تلفن زنگ زد. دوست روسی اش ویکتور زنگ زد.

- Парвиз,ничего,что так поздно звоню?

عیب نداره، اشکالی نداره که اینقدر دیر زنگ زدم؟

-Конечно,нет. Я смотрел телевизионную передачу.Как дела?

البته که نه. من برنامه تلویزیونی تماشا می کردم. چطوری؟

-Все в порядке.Я звоню так поздно, потому что у меня для вас хорошие новости.Час тому назад я говорил с приятелем.Он- член совета директоров компании «Зима-лето". Им срочно нужен программист. Они ищут специалиста в этой области.Я рассказал приятелю о вас. О н хочет знать,сможете ли вы завтра прийти на интервью. Вам не следовало бы упускать такую возможность.

همه چیز خوب است. دیروقت زنگ زدم ، چون خبر خوبی برای شما دارم. یکساعت پیش با رفیقم، یا دوستم صحبت کردم. او عضو شورای مدیران « کمپانی زیما - لیتو» است.آنها خیلی سریع احتیاج به یک برنامه نویس دارند. آنها دنبال یک متخصص در این رشته می گردند. من در باره شما برای دوستم تعریف کردم. او می خواهد بداند شما فردا می توانید برای مصاحبه بروید. بهتره چنین شانسی را از دست ندهید.

-Вы совершенно правы, Виктор. Я с вами полностью согласен.Понимаю,что мне следует пойти на интервью. Но как мне быть с моей работой на бензоколонке?

کاملاً حق با شماست، ویکتور. من کاملاً با شما موافق هستم. می فهمم که باید برای مصاحبه بروم. اما با کارم در پمپ بنزین چکار کنم؟

-Да бросьте вы! Не говорите им, куда вы идете. Скажите начальнику, что у вас личные дела. Обещайте ему отработать пропущенное время.

ولش کن، بابا! نگو کجا می ری. به رئیس بگو که کار شخصی دارید. قول بدهید که وقت غیبت را اضافه کاری خواهید کرد.

- Это разумно. Но я немного боюсь этой встречи из-за слабого знания русского языка.

حرفتان عاقلانه است. اما من به خاطر روسی ضعیفم یک کمی از این ملاقات می ترسم.

-Не беспокойтесь на этот счет. Единственное, что от вас требуется, - это объяснить,какой у вас прежний опыт работы. А сделать это вы сможете очень хорошо, показав свой профессиональный опыт,а не стилистические тонкости русского языка.Даже если вы допустите несколько грамматических ошибок,вам это не повредит. Я уверен, вы будете себя спокойно чувствовать во время интервью.

به این دلیل خودت را ناراحت نکن. تنها چیزی که شما باید توضیح بدهید، تجربه قبلی اتان است. با نشان دادن تجربه کاری، و نه سبک نگارش زبان روسی شما می توانید بخوبی اینکار را انجام بدهید. حتی اگر مرتکب چند اشتباه گرامری هم بشوید، این موضوع ضرری به شما نمی‌رساند. مطمئن هستم هنگام مصاحبه اشکالی پیش نخواهد آمد.

-Я надеюсь .Но все же я путаю русские глагольные времена.Тем не менее, я решился.Я пойду на интервью.

امیدوارم. ولی هر چه هست من زمان افعال روسی را همیشه با هم قاطی می کنم. با وجود این، من تصمیم خودم را گرفتم . من برای مصاحبه خواهم رفت.

-Хорошо.Пожалуйста,запишите адрес.

بسیار خوب. پس لطفاً، آدرس را بنویسید.

-Да.Слушаю вас.

بله، گوشم با شماست.

- Ул.Тверская, дом 62,25-й этаж.Спросить отдел кадров.Не забудьте взять с собой резюме.Желаю удачи!

خیابان تورسکایا، شماره ۶۲، طبقه ۲۵. کارگزینی. یادتان نرود بیوگرافی خود را همراه ببرید. موفق باشید!

-Спасибо.

متشکرم.

ДЕЛОВЫЕ РАЗГОВОРЫ ПО ТЕЛЕФОНУ.

گفتگوی کاری تلفنی

- Доброе утро (добрый день).Г-на Иванова,пожалуйста.

صبح بخیر (روز بخیر) آقای ایوانوف، لطفاً.

- В данный момент его нет на месте .Кто говорит?

الان ایشان سر جای خود نیستند. شما؟

- Это Парвиз Давуди.Я получил письмо от г-на Иванова,в котором он просит связаться с ним по телефону,чтобы договориться о деловой

встрече.

У него мое резюме.

من پرویز داوودی هستم. من نامه ای از آقای ایوانوف دریافت کردم که از من خواسته است تماس تلفنی با او بگیرم تا در باره یک دیدار کاری به توافق برسیم. بیوگرافی من نزد اوست.

- Понимаю. У г-на Иванова обеденный перерыв (он на совещании), но он скоро должен прийти.

متوجه شدم. آقای ایوانوف برای نهار رفتند (یا در جلسه هستند)، اما باید بزودی بیایند.

-Когда вы советуете мне позвонить ему снова?

به نظر شما کی بهتر است دوباره با او تماس بگیرم؟

- Он обычно возвращается в офис в 2 часа. Может быть,

я лучше попрошу его позвонить вам. Какой ваш номер телефона?

او معمولاً ساعت ۲ به اداره برمی گردد. شاید بهتر باشد من از او بخواهم با شما تماس بگیرد. شماره تلفن خود را به من بدهید.

-- 459-3243.

...

-Спасибо, г-н Давуди. Как только он вернется, он вам позвонит.

متشکرم آقای داوودی. به محض اینکه او برگردد، به شما تلفن خواهد کرد.

- Спасибо.

ممنونم.

- До свидания.

خداحافظ.

معنی حالت اسمی یا فاعلی

معنی

مثال

شخص در حال انجام کاری

М а л ь ч и к играет.

پسرک بازی می کند

نام شخص یا شیئی

Э т о Андрей. Это журнал.

این آندری است. این مجله است.

شخص یا شیئی گویای خاصیتی

М а л ь ч и к умный. Книга интересная.

پسرک باهوش است. کتاب جالب است.

خصوصیات شخص یا شیئی یا جا

Москва - столица. Он врач.  
مسکو - پایتخت است. او دکتر است.

رویدادها، حقایق

В университете конференция.  
در دانشگاه کنفرانس است.

فاعلی که مفعولی بر آن واقع شده باشد.

Картина написана в XIX веке.  
Сестра приглашена на вечер.  
تابلو در قرن ۱۹ کشیده شده است. خواهر به مهمانی دعوت شده است.

مفعول ملکی

У меня есть машина.  
من ماشین دارم.

مفعول نیاز، ضرورت

Мне нужен словарь. Нам нужен врач.  
من به لغتنامه احتیاج دارم. ما به پزشک احتیاج داریم.

حالت شخص

У ребенка температура.  
بچه تب دارد.

مفعول وجودی

В городе есть театр.  
در شهر تئاتر است.

رویداد، کار در زمان کنونی

Урок начался.  
درس شروع شد.

به نمونه های دیگری توجه کنید:

Мальчик играет.  
Мальчик сидит.

М а л ь ч и к умный.  
С е г о д н я идет снег.  
В университете конференция.

У меня есть машина.  
М н е нужен словарь.  
М н е понравился фильм.  
У ребенка температура.  
В городе театр.

К а р т и н а написана в XIX веке.  
С е с т р а приглашена на вечер.

У р о к начался.  
Ф и л ь м кончился.

Э т о газета "Правда"

В и к т о р , открой окно.

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله استاندارد توجه فرمائید:

در این جملات حالات گرامری فاعلی و اضافه ، ملکی و غیره تکرار می شوند.

У меня есть ручка (пальто, шляпа, красная звездочка, маленький щенок и так далее.  
من مداد (پالتو، کلاه، ستاره سرخ، سگ کوچولو و غیره) دارم.

У нее нет брата (сестры, отца, куклы, друзей, котят).  
او (مونث) برادر ( خواهر، پدر، عروسک، دوست و بچه گربه ) ندارد.

Е с т ь ли у него автомобиль (собака, мяч, ружье, игрушка, карандаши)?  
آیا او (مذکر) اتومبیل ( سگ، توپ، تفنگ، اسباب بازی و مداد) دارد؟

Ч т о есть у тебя (у них, у детей, у тех девочек, у этих охотников)?  
تو (آنها، بچه‌ها، آن دخترها، این شکارچیان) چی دارند؟

Сколько книг  
у твоего друга?

دوست تو چندتا کتاب دارد؟

У кого есть новая тетрадь, красная лента, цветные картинки и ручки?

کی دفترچه نو، روبان قرمز، مداد رنگی و قلم دارد؟

Я доктор (шофер, охотник, маленькая девочка, большой мальчик).

من دکتر (شوفر، شکارچی، دختر کوچولو، پسر بزرگ) هستم.

و حالا شما را با بخشی از کلمات و افکار قصار شخصیت‌های معروف آشنا می‌کنیم.

Мудрые мысли известных людей:

سخنان قصار شخصیت‌های مشهور

Отрывок, посвященный браку и семейной жизни, из дневников последней русской императрицы Александры Федоровны, жены Николая II.

قطعه‌ای مختص ازدواج و زندگی خانوادگی از دفتر خاطرات الکساندرا فدورونا، آخرین امپراتریس روسیه، همسر نیکلای دوم:

Смысл брака в том, чтобы приносить радость. Подразумевается, что супружеская жизнь - жизнь самая счастливая, полная, чистая, богатая. Это установление Господа о совершенстве.

Божественный замысел поэтому в том, чтобы брак приносил счастье, чтобы он делал жизнь и мужа, и жены более полной, чтобы ни один из них не проиграл, а оба выиграли. Если все же брак не становится счастьем и не делает жизнь богаче и полнее, то вина не в самих брачных узax; вина в людях, которые ими соединены.

ایجاد شادی معنی و مفهوم ازدواج را تشکیل می‌دهد. تصور می‌شود که زندگی زناشویی، سعادت‌بارترین، کاملترین و پاک‌ترین و غنی‌ترین زندگی است. این فرمان پروردگار در باره کمال است.

حکم خدا در آن است که ازدواج سعادت بی‌آورد و اینکه پیوند ازدواج زندگی زن و شوهر را کامل‌تر کند و اینکه هیچ‌یک از آنها ضرری نبیند و هر دو از آن منفعت ببرند. ولی اگر بهر حال، ازدواج سعادت‌آور نباشد، زندگی را غنی‌تر و کامل‌تر نکند، تقصیر نه در خود پیوند ازدواج، بلکه در افرادی است که توسط این پیوندها زندگی مشترکی را آغاز کرده‌اند.

درس پنجاه و هشتم

متنی مورد توجه شما قرار داده می‌شود.

گوش کنید، تکرار کنید و به طرز ساخت جملات و حالت گرامری آنها توجه فرمائید:

Зимние каникулы

تعطیلات زمستانی

(Продолжение)

ادامه

Наташа, Таня и Юра в первый раз были в Петербурге. Они провели там две недели. За это время они успели многое посмотреть. Они были в музеях, в Санкт-Петербургском театре оперы и балета. Кроме того, они много ходили по улицам, проспектам и площадям. Ведь Санкт-Петербург- это город Октябрьской революции, там много исторических памятников.

Через две недели студенты вернулись в Москву.

ناتاشا، تانیا و یورا برای اولین بار بود که به پتربورگ می رفتند. آنها دو هفته را در آنجا گذراندند. طی این مدت توانستند از خیلی جاها دیدن کنند. آنها به موزه و تئاتر اوپرا و باله سنت پترزبورگ رفتند. علاوه بر آن، خیلی زیاد در خیابانها و بزرگراه ها و میادین آنجا گردش کردند. زیرا، سنت پترزبورگ، شهر انقلاب اکتبر است و در آنجا یادبودهای تاریخی زیادی وجود دارد. بعد از دو هفته دانشجویان به مسکو برگشتند.

و حالا به طرز استفاده زمان (دو هفته) توجه فرمائید:

Сколько времени студенты провели в Петербурге?

دانشجویان چه مدتی را در پتربورگ گذراندند؟

Они провели там две недели.

آنها دو هفته در آنجا بودند.

Когда (через сколько времени) студенты вернулись в Москву?

کی، (بعد از چه مدتی) دانشجویان به مسکو برگشتند؟

Студенты вернулись в Москву через две недели.

دانشجویان بعد از دو هفته به مسکو برگشتند.

Откуда вернулась Наташа?

ناتاشا از کجا برگشت؟

Наташа вернулась из Петербурга от своего дяди.

ناتاشا از پتربورگ از نزد عموی خودش برگشت.

Диалог

گفتگو

Виктор: Наташа, как ты провела каникулы?

ویکتور: ناتاشا، تعطیلات خود را چگونه گذراندی؟

Наташа: Мы с Таней и Юрой были в Петербурге у моего дяди. Мы вернулись от него только вчера вечером.

ناتاشا: من با تانیا و یورا در پتربورگ ، در خانه عمویم بودم. ما دیشب از نزد او برگشتیم.

Виктор: Тебе понравился Петербург?

ویکتور: تو از پتربورگ خوشت آمد؟

Наташа: Да, очень. Прекрасные памятники, музеи, много красивых зданий. Надо обязательно побывать там еще раз летом.

ناتاشا: بله، خیلی. یادبودهای زیبا، موزه ها و ساختمانهای زیبای زیادی دارد. باید یکبار دیگر تابستان حتماً به آنجا برویم.

و حالا به معنی لغات این درس توجه فرمائید:

первый раз

اولین بار

Время

زمان، مدت، وقت

За это время

طی این مدت

Успеть, -ю, -ешь...

توانستن، موفق به انجام کاری شدن

Многое

زیاد (خنثی)

Музей

موزه

Кроме того

علاوه بر آن

Октябрьской революции

انقلاب اکتبر

Ведь Санкт-Петербург- это город Октябрьской революции

آخر، سنت پترزبورگ شهر انقلاب اکتبر است

Исторический, -ая, -ое, -ие

تاریخی

Через две недели

بعد از دو هفته

Сколько времени студенты провели в Петербурге?



через сколько времени студенты вернулись в Москву?

Т о л ь к о

فقط

П о н р а в и т ь с я

خوش آمدن، دوست داشتن

З д а н и е

ساختمان، بنا، عمارت

О б я з а т е л ь н о

حتماً

е щ е р а з

یکبار دیگر

Л е т о м

تابستان

м н о г о – м а л о

زیاد-کم

در این جملات و کلمات حالت گرامری مفعول بواسطه، جمع با پسوندهای AM, ЯМ مورد استفاده قرار گرفته است:

В Петербурге студенты много ходили по улицам, проспектам и площадям.

П о п р о с п е к т а м

П о м у з е я м

П о у л и ц а м

П о п л о щ а д я м

П о м е с т а м

П о з д а н и я м

У, О т حروف اضافه

У кого была Наташа? Наташа была у дяди.

О т к у д а (от кого вернулась Наташа?)

О н а вернулась от дяди.

Р о д и т е л ь н ы й падеж. Множественное число.

حالت گرامری اضافه، ملکی، جمع.

کلمات Скольکو، много، мало، چقدر، زیاد، کم بصورت جمع در حالت گرامری اضافه مورد استفاده قرار می گیرند. توجه

فرمائید:

Сколько домов на этой улице? На этой улице много домов.

Мало домов.

پسوندهای مذکر بدین قرارند: ОВ, ЕВ, ЕЙ :

Много

Городов

Студентов

Билетов

Музеев

Братьев

Врачей

Москвичей

Этажей

Дней

Преподавателей

Друзей

Людей

Родителей

اسامی مونث به دو شکل در این حالت گرامری جمع صرف می‌شوند. یا پسوند ЕЙ می‌گیرند و یا علامت مونث آنها حذف می‌شود. توجه فرمائید:

Много

Комнат

Книг

Подруг

Недель

Студенток

Выставок

Елок

Песен

и грушек

این کلمات بشکل مفرد هم پسوند «А» داشته اند. اسامی مونث دیگر پسوند ЕЙ می‌گیرند، مانند:

Много

Тетрадей

Специальностей

Семей

در حالت خنثی نیز اسامی یا پسوند Й می‌گیرند و یا بدون پسوند تغییر می‌کنند. توجه کنید:

Много

М е с т  
С л о в  
П р а в и л  
О к о н  
У п р а ж н е н и й  
З д а н и й  
З а н я т и й  
В р е м я - в р е м е н и

و حالا چند جمله استاندارد را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید:

О н а ленивая девочка.

او دختر تنبلی است.

О н а хорошая мать.

او مادر خوبی است.

О н а плохая подруга.

او دوست (دختر) بدی است.

О н и находятся дома.

آنها در خانه هستند (یا در خانه قرار دارند)

О н и находятся в школе, в кино, на уроке, в лесу, в поле, в доме.

آنها در مدرسه، در سینما، سر درس، در جنگل، در صحرا و در خانه هستند.

В ы голодны.

شما گرسنه هستید.

В ы сердиты.

شما عصبانی هستید.

В ы больны.

شما بیمار هستید.

В ы здоровы.

شما سالم هستید.

В ы иранец.

شما ایرانی هستید.

В ы француз.

شما فرانسوی هستید.

М а л ь ч и к у м н ы й.

پسر بچه عاقل است.

О н худой.

او لاغر است.

М а л ь ч и к толстый, плохой, глупый.

پسربچه چاق، بد و احمق است.

Ф л а г красный.

پرچم قرمز است.

О н синий, желтый, зеленый, черный, белый, коричневый.

آن، آبی، زرد، سبز، سیاه، سفید و قهوه‌ای است.

Ф л а г большой, маленький.

پرچم بزرگ، کوچک است.

Ч т о это такое?

این چیست؟

Э т о пальма, сосна, куст, роза, цветок, насекомое, стул.

این نخل، کاج، بوته، رز، گل، حشره و صندلی است.

К а к о г о цвета ваша шапка?

کلاه شما چه رنگ است؟

К а к о г о цвета его рубашка?

پیراهن او چه رنگ است؟ (پیراهن مردانه)

К а к о г о цвета ее платье?

پیراهن او چه رنگ است؟ (پیراهن زنانه)

К а к о г о цвета их машина?

ماشین آنها چه رنگ است؟

К а к о г о цвета ваши глаза?

چشمان شما چه رنگ است؟

К а к о г о цвета облака?

ابرها چه رنگ هستند؟

К а к ваше имя?

اسم شما چیست؟

К а к вас зовут?

اسم شما چیست؟

К а к его имя?

اسم او (مذکر) چیست؟

К а к имя того доктора?

اسم آن دکتر چیست؟

К а к имя вашего учителя?

اسم معلم شما چیست؟

К а к имя его жены?

اسم زن او چیست؟

М е н я зовут...

اسم من ...

Е г о зовут...

اسم او (مذکر...)

Е е зовут...

اسم او (مونث...)

Т о г о доктора зовут...

اسم آن دکتر....

و حالا ماجرابی که برای یک دانشجو اتفاق افتاده است را برایتان می خوانیم. گوش کنید و با دقت سعی کنید به معنی این متن پی ببرید. در درس بعدی معنی این متن را مورد توجه شما قرار خواهیم داد.

Б ы л о это в начале июня. Я пыталась одновременно работать и сдавать сессию. Последствия понятны: постоянно не хватает времени и очень хочется спать. И вот однажды я проснулась за 15 минут до начала рабочего дня, собралась, побежала к остановке и догнала уже почти уходящий трамвай. Потом, делая пересадку, еще один трамвай догнала. На работе меня отправили в редакцию с макетом сборника, а оттуда надо было успеть на зачет в университет. И вот я догоняю трамвай по дороге в редакцию и, выходя из нее, вновь бегу з а трамваем, чтобы за 5 минут добраться до универа... А жара, надо сказать, стояла страшная! За 30 градусов зашкаливало! Захожу я в универ, вся в пене, язык можно на плечо закидывать, и вижу на информационном экране надпись: "Вы студент этого университета и умеете быстро бегать?" Тут несмотря на усталость, мне стало ТАК смешно, что даже силенок прибавилось. Поднимаюсь на второй этаж и думаю: "Вот бы искупаться сейчас..." А там другой такой экран и на нем надпись: " Вы студент и хотите научиться плавать?" Выя с н и л о с ь , что именно в сессию администрация решила сформировать спортивную студенческую команду...

خدانگهدارتان.

درس پنجاه و نهم

ابتدا یک گفتگوی تلفنی کاری را مورد توجهتان قرار می دهیم. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را به همان شکلی که می شنوید به خاطر بسپارید:

-Доброе утро.Попросите,пожалуйста, Петра Орлова.

صبح بخیر، ببخشید، با پتر ارولوف کار داشتیم.

-Слушаю вас.

خودم هستم. (یا بفرمائید، یا گوشم با شماست)

-Это говорит Мария Толстикова из компании Metronas.Я секретарь г-на Горкина.Ваши письмо и резюме его заинтересовали,и он хотел бы с вами встретиться.

من ماریا تولستیکووا از کمپانی (شرکت) متروناس هستم، من منشی آقای گورکین هستم، نامه و بیوگرافی شما مورد توجه او قرار گرفت و او می خواست با شما ملاقات کند.

-Очень хорошо.Я очень хотел бы поговорить с ним.

بسیار خوب. خیلی دلم می خواست با او صحبت کنم.

-Давайте договоримся о времени встречи.

پس بیائید در باره وقت ملاقات قرار بگذاریم.

-Хорошо.

بسیار خوب.

-Как насчет завтрашнего дня в 10 часов утра?

فردا ساعت ده صبح چطور است؟

-Меня это вполне устраивает.

کاملاً مناسب است.

-Наш адрес-Пятницкая улица, дом 18, седьмой этаж.Вы знаете,как сюда добраться?

آدرس ما: خیابان پیاتنیتسکایا، شماره ۱۸، طبقه هفتم. می دانید چطور باید به اینجا بیائید؟

-Думаю,что знаю.Наверное,я могу доехать поездом. Где мне надо выйти?

فکر کنم ، بلدم. با قطار می توانم به آنجا برسم. در کدام ایستگاه باید پیاده شوم؟

-Вам надо доехать до станции Павелецкая. Оттуда пойдете пешком.За пять минут доберетесь до нашего офиса.

شما باید تا ایستگاه پاولتسکایا بروید. از آنجا پیاده ۵ دقیقه راه تا اداره ماست.

-Будьте добры,повторите,пожалуйста, адрес.

لطف کنید، یکبار دیگر آدرس را تکرار کنید.

Н а ш адрес-Пятницкая улица, дом 18, седьмой этаж. Спросите отдел кадров.

آدرس ما، خیابان پیاتنیتسکایا، شماره ۱۸، طبقه هفتم. سراغ کارگزینی را بگیرید.

-Спасибо.

متشکرم.

-Пожалуйста. До завтра.  
قابلی ندارد. تا فردا.

و حالا اصطلاحات مفیدی را مورد توجهتان قرار می دهیم که در مکالمات تلفنی نیز به کار می آیند.

ПОЛЕЗНЫЕ ВЫРАЖЕНИЯ.  
اصطلاحات مفید

В ы меня слушаете?

متوجه حرفهایم می شوید؟

В ы меня слушаете(вы не отвлеклись?)

گوشتان با من هست، حواستان جای دیگری نرفته است؟

В ы хотите что-нибудь передать?

می خواهید پیغامی بگذارید؟

Ч т о мне передать?

چه پیغامی بدهم؟

Я вам сейчас же перезвоню.

همین الان دوباره با شما تماس می گیرم.

В а с просят к телефону.

شما را پای تلفن صدا می کنند.

Н е говорите так быстро.

اینقدر سریع صحبت نکنید.

М о ж н о мне позвонить от вас?

می توانم از تلفن شما استفاده کنم؟

п о ж а л у й с т а , наберите номер снова.

بفرمائید، شماره را دوباره بگیرید.

Г о в о р и т е погромче,я вас не слышу.

بلندتر صحبت کنید، صدایتان را نمی شنوم.

Я возьму трубку.

من گوشی را برمی دارم.

В а с неправильно соединили.

شماره را اشتباه گرفتید، یا شماره را اشتباه وصل کردند.

П о какому номеру вы звоните?

به چه شماره ای زنگ می زنید؟

К а к о й номер вы набрали?

چه شماره ای را گرفتید؟

К а к о й у вас номер(телефона?)

شماره تلفن شما کدام است؟

Возьмите, пожалуйста, трубку.

لطفاً گوشی را بردارید.

Я звоню из автомата.

من از تلفن عمومی زنگ می زنم.

Кто-то повесил трубку.

یکی گوشی را گذاشت.

Телефон не работает.

تلفن کار نمی کند.

Мой служебный номер...

شماره محل کارم...

Мой домашний номер...

شماره خانه...

Я звоню вам в ответ на ваш звонок.

من در جواب تماس شما زنگ می زنم.

و حالا یکی دو نکته گرامری دیگر که با حالت گرامری اضافه و ملکی در ارتباط است. صفات در این حالت گرامری از پسوندهای **их, их** برخوردار خواهند بود. توجه کنید:

Там много исторических памятников, интересных зданий и красных площадей.

یک نمونه در مورد ضمائر اشاره.

В этом магазине много этих учебников, этих книг.

Много моих друзей – много ваших друзей

Много твоих друзей – много ваших друзей

Много его (ее) друзей – много их друзей

و حالا توضیح کوتاهی در باره استفاده از قید زمان و حالت گرامری مربوط به آن:

Когда (через сколько времени)?

در مواردی که از ترکیب قید زمان (بعد از یک ساعت، یک روز، یک هفته، یکماه و یکسال) استفاده شود حالت گرامری مفعول صریح خواهد بود. یعنی پسوند کلمات ساعت، روز، هفته، ماه و سال بر طبق حالت گرامری مفعول صریح تغییر می کند. توجه فرمائید:

Через час, день, месяц, год, неделю

در صورتی که اعداد دو، سه، چهار در مورد ساعت، روز، ماه و سال، اعداد دو، سه و چهار در مورد هفته بکار برده شده باشند از حالت گرامری اضافه-ملکی مفرد استفاده می شود. توجه کنید:

Через два



Т р и  
Ч е т ы р е часа, дня, месяца, года  
Ч е р е з две, три, четыре недели

و اگر اعداد پنج، شش و بیشتر باشند از حالت گرامری اضافه-ملکی در حالت جمع استفاده می‌شود: توجه فرمائید:

Ч е р е з пять  
Ш е с т ь часов, дней, месяцев, лет  
Ч е р е з пять  
Ш е с т ь недель

و حالا چند جمله در رابطه با تریلی بوس

В троллейбусе  
در تریلی بوس (یا اتوبوس برقی)  
П е р е д а й т е , пожалуйста, (талон)!  
لطفاً بلیط را به من بدهید.

П р о б е й т е , пожалуйста, (талон)!  
لطفاً بلیط را سوراخ کنید!

Д а й т е , пожалуйста, абонементную книжечку!  
لطفاً یک بسته بلیط بدهید.

У вас есть проездные билеты?  
شما بلیط دارید؟

Р а з р е ш и т е пройти!  
اجازه بدهید رد شوم!

В ы выходите на следующей?  
شما ایستگاه بعدی پیاده می‌شوید؟

Н е т . Пожалуйста, проходите!  
نخیر. لطفاً بروید کنار!

С к о р о Белорусский вокзал?  
ایستگاه بلاروسی بزودی می‌رسد؟

Ч е р е з одну остановку.  
بعد از یک ایستگاه.

و حالا ماجرابی که برای یک دانشجو اتفاق افتاده است را برایتان می‌خوانیم .

Б ы л о это в начале июня. Я пыталась одновременно работать и сдавать сессию.  
Последствия понятны: постоянно не хватает времени и очень хочется спать.

اوایل ماه ژوئن بود. من سعی می کردم همزمان هم کار کنم و هم امتحانات دانشگاه را بدهم. پیامد چنین کاری معلوم است: کمبود مداوم وقت و اینکه آدم خیلی دلش می خواهد بخوابد.

И вот однажды я проснулась за 15 минут до начала рабочего дня, собралась, побежала к остановке и догнала уже почти уходящий трамвай. Потом, делая пересадку, еще один трамвай догнала.

یکروز درست ۱۵ دقیقه قبل از شروع ساعت کار بیدار شدم. حاضر شدم و بسمت ایستگاه دویدم و به تراموایی رسیدم که داشت حرکت می کرد. هنگام سوار شدن به تراموای دیگر دوباره همین ماجرا تکرار شد.

На работе меня отправили в редакцию с макетом сборника, а оттуда надо было успеть на зачет в университет. И вот я догоняю трамвай по дороге в редакцию и, выходя из нее, вновь бегу за трамваем, чтобы за 5 минут добраться до универа...

سر کار مرا با ماکت مجله راهی دفتر روزنامه کردند و از آنجا من می بایست خودم را برای دادن امتحان به دانشگاه برسانم. دوباره دنبال تراموایی تا دفتر روزنامه دویدم و بعد از خروج از آنجا دوباره دنبال تراموای می کنم تا در عرض پنج دقیقه به دانشگاه برسم...

А жара, надо сказать, стояла страшная! За 30 градусов зашкаливало! Захожу я в универ, вся в пене, язык можно на плечо закидывать, и вижу на информационном экране надпись: "Вы студент этого университета и умеете быстро бегать?" Тут несмотря на усталость, мне стало ТАК смешно, что даже силенок прибавилось. Поднимаюсь на второй этаж и думаю: "Вот бы искупаться сейчас..." А там другой такой экран и на нем надпись: " Вы студент и хотите научиться плавать?"

گرما بیداد می کرد! درجه حرارت بالاتر از ۳۰ بود. عرقریزان وارد دانشگاه می شوم، زبانم از گرما آنقدر آویزان شده بود که می شد آن را روی شانهام بیندازم. در یک همچین حالی متوجه نوشته ای روی تابلوی اطلاعات دانشگاه شدم: « شما دانشجوی این دانشگاه هستید و سریع می دوید؟ » با خواندن این جمله ، با وجود خستگی خنده ام گرفت و حتی نیروی کوچکی در من بیدار شد. در حال بالا رفتن به طبقه دوم فکر کردم: بد نبود اگر می شد الان می رفتم شنا...». در آنجا روی تابلوی دیگری نوشته شده بود: « شما دانشجویید و می خواهید شنا یاد بگیرید؟

Вьяснилось, что именно в сессию администрация решила сформировать спортивную студенческую команду...

معلوم شد که دفتر دانشگاه تصمیم گرفته همانا در زمان امتحانات تیم ورزشی دانشجویی را تشکیل بدهد.

و حالا یکبار دیگر به این متن گوش کنید:

Б ы л о это в начале июня. Я пыталась одновременно работать и сдавать сессию. Последствия понятны: постоянно не хватает времени и очень хочется спать. И вот однажды я проснулась за 15 минут до начала рабочего дня, собралась, побежала к остановке и догнала уже почти уходящий трамвай. Потом, делая пересадку, еще один трамвай догнала. На работе меня отправили в редакцию с макетом сборника, а оттуда надо было успеть на зачет в университет. И вот я догоняю трамвай по дороге в редакцию, и выходя из нее вновь бегу за трамваем, чтобы за 5 минут добраться до универа... А жара, надо сказать, стояла страшная! За 30 градусов зашкаливало! Захожу я в универ, вся в пене, язык можно на плечо закидывать, и вижу на информационном экране надпись: "Вы студент этого университета и у м е е т е быстро бегать?" Тут несмотря на усталость, мне стало ТАК смешно, что даже силенок прибавилось. Поднимаюсь на второй этаж и думаю: "Вот бы искупаться сейчас..." А там другой такой экран и на нем надпись: " Вы студент и хотите научиться плавать?" Выясн и л о с ь , что именно в сессию администрация решила сформировать спортивную студенческую команду...

خدانگهدارتان.

!Д о свидания

درس شصتم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید طرز ساخت جملات متن را به خاطر بسپارید.

З и м а

زمستان

Я н в а р ь и ф е в р а л ь- самые холодные зимние месяцы. В это время температура бывает от 10 (десяти) до 30 (тридцати) градусов мороза. Часто идет снег. В феврале бывают метели. Зимой люди тепло одеваются. Они надевают теплое зимнее пальто, меховую шапку и меховые ботинки.

ژانویه و فوریه سردترین ماه های زمستان هستند. در این موقع، درجه حرارت از ده تا سی درجه زیر صفر می رود. اغلب برف می بارد. در ماه فوریه برف و بوران می شود. زمستان مردم لباس گرم می پوشند. آنها پالتوی گرم زمستانی، کلاه پوست و چکمه های پوست می پوشند.

К а к а я температура бывает зимой?

درجه حرارت زمستان چقدر است؟

З и м о й температура бывает от десяти до тридцати градусов мороза.

در زمستان درجه حرارت از ده تا سی درجه زیر صفر می رود.

К а к одеваются люди зимой?

مردم چه لباسی در زمستان می پوشند؟

З и м о й люди тепло одеваются.

زمستان مردم لباس گرم می پوشند.

Д и а л о г

گفتگو

М а т ь : Наташа, я слышала по радио, что завтра будет очень холодно. Когда пойдешь в институт, оденься теплее.

مادر: ناتاشا، از رادیو شنیدم که فردا هوا خیلی سرد خواهد بود. وقتی دانشگاه می روی گرمتر لباس بپوش.

Н а т а ш а : А сколько градусов будет?

ناتاشا: چند درجه خواهد بود؟

М а т ь : Утром 30 (тридцать) градусов, но вечером начнется метель.

مادر: صبح سی درجه زیر صفر، اما عصر بوران برف شروع خواهد شد.

Н а т а ш а : Тогда я завтра надену меховую шапку, она теплее.

ناتاشا: پس، فردا کلاه پوست می پوشم، گرمتر است.

С л о в а и выражения

کلمات و اصطلاحات

З и м а

زمستان

с а м ы е холодные месяцы

سردترین ماهها

т е м п е р а т у р а бывает от десяти до тридцати градусов мороза

درجه حرارت از ده تا سی درجه زیر صفر

Ч а с т о идет снег

اغلب برف می بارد

М е т е л ь

بوران برف

Т е п л о

گرم

О д е в а т ь с я , ю с ь , е ш ь с я

لباس پوشیدن

К а к одеваются люди зимой?

مردم چه لباسی در زمستان می پوشند؟

Н а д е в а т ь , - ю , - е ш ь ,

لباس پوشیدن ( در اینجا بیشتر در مورد کلاه بکار می رود)

Н а д е т ь , надену, наденешь,

Ч т о ?

چی؟

П а л ь т о

پالتو (فقط بصورت مفرد می آید)

Ш а п к а

کلاه

М е х о в о й

پوست

Б о т и н к и

چکمه ( همیشه بصورت جمع می آید)

К о г д а пойдешь в институт,

وقتی به دانشگاه می روی

о д е н ь с я теплее

گرمتر بپوش

н а ч а т ь с я , начнется, начнутся

شروع شدن، آغاز شدن،

з и м а - зимний-зимой

زمستان - زمستانی-در زمستان

з и м н и е месяцы

зимние каникулы

зимние ботинки

зимнее пальто

л е т о -летние-летом

تابستان - تابستانی - در تابستان

л е т н и е месяцы

летние каникулы

х о л о д н о - тепло

سرد-گرم

х о л о д н ы е месяцы- теплые месяцы

ч а с т о -редко

اغلب- بندرت

М о й рабочий день

روز کار من

С к а ж и т е , пожалуйста, ...

لطفاً بگوئید:

Г д е вы работаете (учитесь)?

کجا کار می کنید (درس می خواندی)?

Н а заводе.

در کارخانه (در اینجا به حرف اضافه (در به زبان فارسی) توجه کنید که همیشه در مورد کارخانه На می باشد)

К т о вы по профессии (специальности)?

حرفه ، تخصص شما چیست؟

И н ж е н е р .

مهندس.

К а к а я у вас специальность?

چه تخصصی دارید؟

М е т а л л у р г и я .

متالورژی.

К а к а я у вас должность?

مقام شما چیست؟

З а м е с т и т е л ь директора.

معاون رئیس.

В о сколько вы встаёте (просыпаетесь) утром?

صبحها چه ساعتی بیدار می شوید؟

В 7.00 часов.

7صبح.

В о сколько вы завтракаете?

چه ساعتی صبحانه می خورید؟

В 7.30.

هفت و نیم.

Ч т о вы едите на завтрак?

صبحانه چی می خورید؟

Т о с т , масло с медом, чай.

نان تست، کره و عسل، چای.

К т о готовит завтрак?

کی صبحانه برای شما آماده می کند؟

И н о г д а сам, иногда жена.

گاهی خودم، گاهی زنم.

С о скольких вы работаете?

از چه ساعتی کار شما شروع می شود؟

С 9.00 часов утра.

از نه صبح.

В о сколько начинаются занятия в университете?

از چه ساعتی درس دانشگاه شروع می شود؟

В 8.45.

از هشت و ۴۵ دقیقه.

Н а чём вы ездите на работу (в университет)?

با چی سر کار و یا به دانشگاه می روید؟

Н а метро.

با مترو.

Г д е вы обедаете?

کجا ناهار می خورید؟

В кафе.

در کافه.

С кем вы обычно обедаете?

با کی معمولاً ناهار می خورید؟

С друзьями.

با دوستان.

Ч т о вы едите на обед?

ناهار چه چیزی می خورید؟

О ! Очень много вкусного!

اوه! خیلی چیزهای خوشمزه!

В о сколько вы приезжаете (возвращаетесь) домой?

چه ساعتی به خانه برمی گردید؟

В 18.00 часов.

ساعت شش عصر.

Что вы делаете после ужина?

پس از شام چکار می کنید؟

Иногда смотрю телевизор, иногда читаю, иногда просто мечтаю!

گاهی تلویزیون نگاه می کنم، گاهی کتاب می خوانم، گاهی صاف و ساده به خیالپردازی می پردازم.

Во сколько вы ложитесь спать?

چه ساعتی می خوابید؟

В 12.00 ночи.

ساعت دوازده شب.

و حالا یک قصه کوتاه از فولکلور روسی برایتان می خوانیم.

Мужик и заяц

Шел однажды бедный мужик по полю. Вдруг видит - сидит под кустом заяц.

Обрадовался мужик и говорит:

- Вот теперь я буду жить хорошо! Возьму этого зайца и продам его. А на эти деньги куплю свинью. Она принесет мне двенадцать поросят. Поросята вырастут, принесут еще каждый по двенадцати. Будет у меня много мяса. Я мясо продам, а на эти деньги новый дом построю, хозяйство заведу, работников найму и женюсь. Жена родит мне двух сыновей.

Станут сыновья в поле работать, а я буду у окна сидеть и за порядком смотреть.

"Эй вы, ребятки! - крикну я. - Не заставляйте работников много работать, не забывайте, что сами бедно жили!"

И так громко крикнул мужик, что заяц испугался и убежал.

Мужик

مرد، دهقان

Заяц

خرگوش

Шел

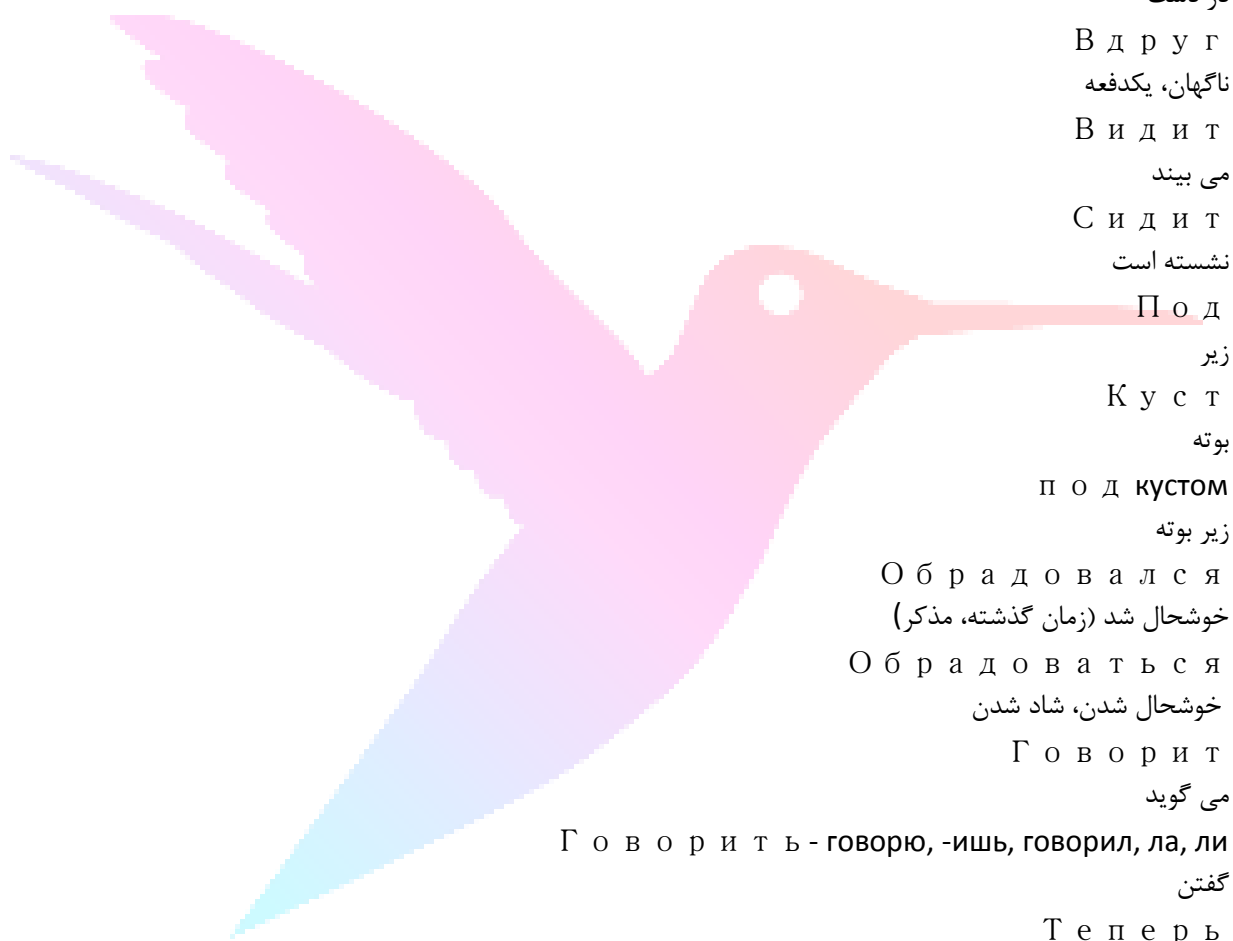
می رفت (زمان گذشته مذکر)

Идти

رفتن (پیاده)

Однажды





یکبار

Б е д н ы й

فقیر

б е д н ы й м у ж и к

مرد فقیر، دهقان فقیر

П о л я

دشت، صحرا، مزرعه

п о п о л ю

در دشت

В д р у г

ناگهان، یکدفعه

В и д и т

می بیند

С и д и т

نشسته است

П о д

زیر

К у с т

بوته

п о д к у с т о м

زیر بوته

О б р а д о в а л с я

خوشحال شد (زمان گذشته، مذکر)

О б р а д о в а т ь с я

خوشحال شدن، شاد شدن

Г о в о р и т

می گوید

Г о в о р и т ь - г о в о р ю , - и ш ь , г о в о р и л , л а , л и

گفتن

Т е п е р ь

حالا، اکنون

Ж и т ь , ж и в у , ж и в е ш ь , ж и в е т , ж и л , л а , л и

زندگی کردن

В о з ь м у

می برم

В з я т ь

بردن

П р о д а т ь

فروختن

Продам

می فروشم

Деньги

پول (همیشه جمع است)

на эти деньги

با این پول

купить, куплю, купишь, купил, ла, ли

خریدن

Свинья

خوک

поросенок – поросят

بچه خوک - بچه خوکها (جمع)

Принести

به دنیا آوردن (در مورد جانوران)

Вырасти

بزرگ شدن

много мяса

گوشت زیاد

продать - продам, шь, продал, ла, ли, продам

فروختن

новый дом

خانه نو

Построю

می سازم

Построить

ساختن

работников найму и женюсь

کارگز استخدام می کنم و زن می گیرم

Жениться

زن گرفتن، ازدواج کردن

родить - рожу, родишь, родит, родила, родили

بدنیا آوردن

двух сыновей

دو پسر

в поле работать

در مزرعه کار کردن

у окна

کنار پنجره

Н е заставляйте

مجبور نکنید

К р и к н у т ь - крикну, крикнешь, крикнет

فریاد زدن،

н е забывайте

فراموش نکنید

с а м и бедно жили

خودتان فقیر بودید (زندگی فقیرانه‌ای داشتید)

т а к громко

آنقدر بلند

и спугался и убежал

ترسید و فرار کرد.

خدانگهدار تان!

!Д о свидания



## درس شست و یکم

ابتدا چند جمله‌ای با فعل حرکتی « رفتن » مورد توجه شما قرار می دهیم که در جملات مختلف معانی گوناگونی دارد و سپس بسراغ حروف اضافه « از » و « تا » می رویم.

Он идет в театр.

او به تئاتر می رود.

Сегодня в театре идет балет «Спартак».

امروز باله «اسپارتاک» روی صحنه تئاتر می رود.

Идет снег.

برف می بارد.

حروف اضافه от, до با حالت گرامری اضافه می آید. به چند مثال توجه کنید.

Зимой температура бывает от десяти до тридцати градусов мороза.

زمستان درجه حرارت از ده تا سی درجه زیر صفر است یا (می رود)

Летом температура бывает от пятнадцати до тридцати градусов тепла.

تابستان درجه حرارت از ۱۵ تا ۳۰ درجه بالای صفر است یا (گرم می شود)

Мы шли пешком от центра города до стадиона.

ما از مرکز شهر تااستادیوم پیاده رفتیم.

و حالا چند جمله دیگر در باره سرد و گرم بودن هوا مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و به همان شکلی که آنها را می شنوید به خاطر بسپارید.

Сегодня холодно.

امروز سرده.

Вчера было холодно.

دیروز سرد بود (زمان گذشته)

Завтра будет холодно.

فردا سرد خواهد بود (زمان آینده)

Сегодня тепло.

امروز گرمه.

Вчера было тепло.

Завтра будет тепло.

در جملاتی که اکنون می شنوید از حالت گرامری مفعول بواسطه استفاده شده است.

Мне, тебе, ему, нам, вам, им

من، تو، او (مذکر) ما، شما و آنها

Х о л о д н о

سردمان است.

Б ы л о х о л о д н о

سردمان بود

Б у д е т х о л о д н о

سردمان خواهد شد.

و اما همین کلمات در حالت مقایسه:

Х о л о д н ы й

Х о л о д н о

سرد

که در حالت مقایسه می شود:

Х о л о д н е е

سردتر

Т е п л ы й

Т е п л о

گرم

Т е п л е е

گرمتر

به این جملات کوتاه توجه فرمائید:

Д е к а б р ь х о л о д н ы й м е с я ц .

دسامبر ماه سردی است

Я н в а р ь -х о л о д н е е .

ژانویه سردتر است.

Э т о т е п л а я ш а п к а .

این کلاه گرمی است.

М е х о в а я ш а п к а - т е п л е е .

کلاه پوست گرمتر است.

С е г о д н я х о л о д н о .

امروز سرده.

З а в т р а б у д е т х о л о д н е е .

فردا سردتر خواهد بود.

О д е н ь с я т е п л о .

لباس گرم بپوش.

О д е н ь с я т е п л е е .

لباس گرمتری بپوش.

و اما این موارد استثنایی ساخت صفات مقایسه را باید به خاطر بسپارید:

Б о л ь ш о й , м н о г о - б о л ь ш е

بزرگ، زیاد، زیادتر

Х о р о ш и й , х о р о ш о - л у ч ш е

خوب، بهتر

М а л е н ь к и й , м а л о - м е н ь ш е

کوچک، کوچکتر

П л о х о й , п л о х о - х у ж е

بد، بدتر

Л е г к и й - л е г ч е

سبک، سبکتر

Ш и р о к и й - ш и р е

عریض، عریضتر

У з к и й - у ж е

تنگ، باریک، باریکتر، تنگتر

Р а н о - р а н ь ш е

زود، زودتر

Д а л е к о - д а л ь ш е

دور، دورتر

Д о л г о - д о л ь ш е

طولانی، طولانی تر

Я н в а р ь и ф е в р а л ь - с а м ы е х о л о д н ы е з и м н и е м е с я ц ы .

Х о л о д н ы й м е с я ц - с а м ы й Х о л о д н ы й м е с я ц

Х о л о д н а я з и м а - s a m a y a x o l o d n a y a z i m a

Х о л о д н о е п а л ь т о - s a m o e x o l o d н о е п а л ь т о

К о г д а б ы л о х о л о д н о ?

В э т о т д е н ь б ы л о х о л о д н о .

В э т о м м е с я ц е б ы л о х о л о д н о .

و حالا به کاربرد زمان در دو حالت گرامری مختلف توجه کنید:

В н и т е л ь н ы й падеж  
حالت مفعول صریح

В это время  
در این موقع  
В этот час  
در این ساعت  
В этот день  
در این روز

П р е д л о ж н ы й падеж  
و در حالت گرامری تخصیص

В этом месяце  
در این ماه  
В этом году  
در این سال  
Н а этой неделе  
در این هفته

همانطور که متوجه شدید طرز ساخت این جملات در زبان فارسی تغییری نمی کند، درحالیکه در زبان روسی در حالت‌های گرامری مختلفی بکار برده می‌شوند.

و حالا صرف چند فعل دیگر:

я ем, ты ешь, он/она ест, мы едим, вы едите, они едят

ما و شما و الی آخر غذا می خوریم  
е з д и т ь .

رفتن (سواره) که صرف آن به این ترتیب است.

я езжу, ты ездешь, он/она ездит, мы ездим, вы ездите, они ездят  
в о з в р а щ а т ь с я

برگشتن

л о ж и т ь с я спать

برای خواب آماده شدن، دراز کشیدن در جای خواب

З а п о м н и т е э т и слова:

д н и

н е д е л и

روزهای هفته

п о н е д е л ь н и к

دوشنبه

в т о р н и к

سه شنبه

с р е д а

چهارشنبه

ч е т в е р г

پنج شنبه

п я т н и ц а

جمعه

с у б б о т а

شنبه

в о с к р е с е н ь е

یکشنبه

و اما اگر تعداد روزها بیشتر از یک روز باشد پسوند آنها تغییر می کند. توجه کنید:

1

2,3,4

5, много, несколько

д е н ь

н е д е л я

м е с я ц

г о д

д н я

н е д е л и



м е с я ц а

Г о д а

д н е й

н е д е л ь

м е с я ц е в

л е т

К о г д а ?

کی، چه وقت؟

в прошлом году (месяце), на прошлой неделе

در سال (ماه) گذشته، در هفته گذشته.

توجه داشته باشید که در جمله‌ای که شنیدید برای سال گذشته از حرف В به معنی در زبان فارسی استفاده شد ولی در مورد در هفته گذشته از حرف на استفاده شده است. چنین مواردی باید به خاطر سپرده شوند.

в прошлый понедельник, в прошлую среду, в прошлое воскресенье

в прошлые выходные

п р о ш л ы м л е т о м , п р о ш л о й о с е н ь ю ( з и м о й , в е с н о й )

в следующем (будущем) году, на следующей (будущей) неделе

در سال آینده، هفته آینده،

в следующий понедельник, в следующую среду, в следующее воскресенье

в следующие выходные

с л е д у ю щ и м ( б у д у щ и м ) л е т о м , с л е д у ю щ е й ( б у د u щ е й ) в е с н о й

д в а д н я н а з а д , т р и м е с я ц а n a z a d , 4 г о д а n a z a d , м н о г о л е т n a z a d ,

دو روز قبل، سه ماه قبل، ۴ سال قبل، سالها قبل

П о л -ч а с а n a z a d , 5 м и н у т n a z a d

с е г о д н я у т р о м , в ч е р а в е ч е р о м , в с у б б о т у в е ч е р о м , в п о н е д е л ь н и к у т р о м

к а ж д ы й г о д ( м е с я ц , д е н ь , в е ч е р , в т о р н и к )

هر سال، هر ماه، هر روز، هر عصر، هر سه‌شنبه

к а ж д у ю н е д е л ю ( с у б б о т у , н о ч ь , о с е н ь )

к а ж д о е у т р о ( в о с к р е с е н ь е , л е т о )

و حالا به تغییرات بار (دفعه) هنگام استفاده از اعداد توجه فرمائید:  
1 раз

یکبار

2,3,4 раза в день (неделю, месяц, год)

دو، سه، چهار بار در روز (در هفته، در ماه، در سال)

5,6, много, несколько... раз

پنج، شش، خیلی و چند بار

- Когда вы в последний раз летали на самолёте?  
آخرین بار کی با هواپیما پرواز کردید؟

- В последний раз я летал на самолёте три месяца назад.  
آخرین بار سه ماه قبل با هواپیما پرواز کردم.

- Вы часто летаете на самолёте?  
شما زیاد با هواپیما پرواز می کنید؟

- Да. Я летаю на самолёте несколько раз в год.  
بله، من چند بار در سال با هواپیما پرواز می کنم.

و حالا چند جمله استاندارد دیگر مورد توجه شما قرار می دهیم. لطفاً به طرز ساخت جملات توجه فرمائید و آنها را همانطور که می شنوید به خاطر بسپارید و سعی کنید معانی آنها را به یاد بیاورید که در درسهای قبلی اکثر این کلمات مورد استفاده قرار گرفته اند:

Сколько вам лет?

Сколько им лет?

Сколько вашим мальчикам лет?

Сколько лет вашей сестра?

Ей шесть лет.

Кто этот человек?

Кто эта женщина?

Это мой отец.

Какой это насекомое?

اینها چه حشراتی هستند؟

به عنوان یادآوری اسامی حشرات و چند جانور را تکرار می کنیم

Э т о муравей.

مورچه

Э т о бабочка.

پروانه

Э т о муха.

مگس

Э т о пчела.

زنبر

К а к и е это животные?

اینها چه جانورانی هستند؟

Э т о верблюды (тигры, львы, волки, лисы, коровы, лошади, ослы, обезьяны, козы, овцы, кролики)

اینها شتر، ببر، شیر، گرگ، روباه، گاو، اسب، خر، میمون، بز، گوسفند و خرگوش اهلی هستند.

و حالا چند جمله دیگر:

Г д е его шляпа?

این کلاهواست؟

Г д е ваза?

گلدان کجاست؟

В а ш и мальчики дома?

پسرهای شما خانه هستند؟

И д и домой!

برو خونه!

О н в школе?

او مدرسه است؟

Г д е ?

کجا؟

В кино?

سینما؟

Д а в а й т е мы тоже пойдем в кино!

بیائید ما هم برویم سینما!

!Д о свидания

درس شست و دوم

ابتدا از افعال **Слышать** شنیدن و **Слушать** گوش کردن و **Видеть** دیدن و **Смотрить** تماشا کردن آغاز می کنیم.

**Он плохо слышит.**

او بد می شنود (گوشش خوب نمی شنود)

**Он слушает русские песни.**

او ترانه های روسی گوش می کند.

**Студент** здесь, преподаватель там. Студент плохо слышит, что говорит преподаватель.

دانشجو اینجاست، استاد آنجاست. دانشجو (بد می شنود) خوب نمی شنود استاد چه می گوید.

**Студент** читает и не слушает, что говорит преподаватель.

دانشجو می خواند (برای مثال روزنامه) و گوش نمی کند استاد چه می گوید.

**Он плохо видит.**

او بد می بیند (چشمهایش خوب نمی بیند)

**Он смотрит на эту картину.**

او این تابلو را نگاه می کند (تماشا می کند)

**Студент** здесь, преподаватель там. Студент плохо видит, что пишет преподаватель.

دانشجو اینجا و استاد آنجاست. دانشجو خوب نمی بیند استاد چی می نویسد.

**Студент** разговаривает и не смотрит, что пишет преподаватель.

دانشجو حرف می زند و نگاه نمی کند (نمی بیند) استاد چه می نویسد.

Russian

فارسی

**Я хочу есть.**

من گرسنه هستم.

**Я хочу пить.**

من تشنه هستم.

**Что вы посоветуете?**

چه توصیه ای و یا پیشنهادی می کنید؟

**Я хотел бы съесть... (male)**

مایلم ...بخورم (مذکر)

**Я хотел бы выпить что-нибудь. (male)**

دلم می خواست یا مایلم چیزی بنوشم. (مذکر)

У вас есть национальные блюда?

آیا شما غذای ملی دارید؟

Принесите пожалуйста меню.

لطفاً لیست غذا را بیاورید.

Официант!

گارسن!

Девушка!

دختر! که در اینجا نیز خطاب به گارسن است (مونث)

Я возьму...

...блины

...блины со сметаной

...зелёный салат

...салат из крабов

...салат из огурцов

...салат из помидоров

...бефстроганов

...картофель фри

...шашлык

من...سفارش می دهم

تابه ای پاته

پاته تابه ای با خامه

سالاد کاهو

سالاد از گوشت خرچنگ

سالاد خیار

سالاد گوجه فرنگی

گوشت استروگانوف

سیب زمینی سرخ شده

کباب

Принсите нам, пожалуйста...

...вилку

...ложку

...нож

...тарелку

...салфетку  
...пепельницу

لطفاً برایمان بیاورید...

چنگال

قاشق

کارد

بشقاب

دستمال

زیرسیگاری

П р и н и с и т е м н е...

...блины

...сок

...молоко

...минеральную воду

...квас

برایم بیاورید

پاته تابه‌ای

آب میوه

شیر

آب معدنی

کواس (یک نوع نوشابه روسی ملی)

С т а к а н ч а я, пожалуйста

لطفاً یک استکان چای

Ч а ш к у кофе, пожалуйста

لطفاً یک فنجان قهوه

Я хотел бы... (male)

می خواستم (فاعل مذکر)

Я хотела бы.. (female)

می خواستم (مونث)

Я могу поменять это?

می شود این را عوض کنید؟

Э т о г о я не заказывал. (male)

من این را (غذا را) سفارش نداده بودم (فاعل مذکر)

Мне это не нравится.

از این خوشم نمی‌آید.

Советую взять...

پیشنهاد می‌کنم این را سفارش بدهید...

Было очень вкусно.

خیلی خوشمزه بود.

Больше ничего, спасибо.

متشکرم، دیگه هیچی.

За ваше здоровье и благополучие!

بسلامتی بهروزی و تندرستی شما!

Приятного аппетита!

نوش جان!

Пожалуйста, счёт.

لطفاً صورت حساب را بیاورید.

Всё включено?

همه چیز را حساب کردید؟

Спасибо, это вам.

متشکرم، این هم برای شما. (پاداش)

Я хотел бы заказать столик на четверых. (male)

می‌خواستم میزی برای چهار نفر رزرو کنم.

Этот столик свободен?

این میز آزاد است؟

Мы будем в 8:00.

ما ساعت هشت اینجا خواهیم بود.

Пойдёмте в ресторан (кафе).

بیائید برویم به رستوران (کافه)

تعطیلات سال

Russian

فارسی

تاریخ

Новый Год

سال نو

اول ژانویه

Рождество Христово

کریمس (میلاد مسیح)

هفت ژانویه به تقویم ارتدکس

Международный Женский День

روز جهانی زنان

8مارس

Первое Мая

اول ماه می (روز کارگر)

اول و دوم ماه مه

День Победы

روز پیروزی در جنگ جهانی دوم

9ماه مه

День смеха

روز خنده

اول آوریل

День независимости

روز استقلال

12ژوئن

День Конституции

روز قانون اساسی

12دسامبر

Пасха

عید پاک

تاریخ مشخصی ندارد ولی در فصل بهار برگزار می شود

و حالا چند نکته گرامری. ابتدا جدول حالات گرامری زبان روسی و سئوالات وابسته به آنها:

حالت فاعلی

حالت اضافه یا مالکیت

حالت مفعول غیر صریح



حالت مفعولی

حالت واسطه

حالت اضافه یا تخصیص

И м е н и т е л ь н ы й

Р о д и т е л ь н ы й

Д а т е л ь н ы й

В и н и т е л ь н ы й

Т в о р и т е л ь н ы й

П р е д л о ж н ы й

(И)

(Р)

(Д)

(В)

(Т)

(П)

К т о ?, Ч т о ?

К о г о ?, Ч е г о ?

К о м у ?, Ч е м у ?

К о г о ?, Ч е г о ?

К е м ?, Ч е м ?

(о)Ком?, (о) Чем?

در رابطه با تغییرات گرامری اسامی و صفات باید به نکات زیر توجه داشته باشید. اسامی در حالت فاعلی تغییر نمی کنند. در حالت جمع پسوندهایی بنا به مذکر، مونث و خنثی بودن خود می گیرند. پسوندها در حالت گرامری حالت اضافه یا مالکیت بر همین اساس **Ы, И, А, Я, ОВ, ЕВ, ЕЙ**، در حالت گرامری مفعول غیر صریح **У, Ю, Е, АМ, ЯМ** در حالت مفعولی مذکر و جمع مانند حالت اضافه است و اسامی و صفات مونث پسوند **У, Ю** می گیرند. در حالت واسطه، **АМИ, ЯМИ, ОМ, ЕМ, ОЙ, ЕЙ**، به صورت پسوند می آید و در حالت تخصیص پسوندها در مذکر، مونث و جمع، **Е, АХ, ЯХ** می باشند. توجه فرمائید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

حالت مفرد جمع مذکر خنثی مونث **И.п. Кто? Что? Студент** موزه **Музей** لغتنامه **Словарь** پنجره **Окно**

**Море** دریای **Комната** اتاق **Песня** ترانه **И-И** **Песни Окна** **-И** **Музеи** **Словари** **-Ы** **Музея** **Словари** **-Ы** **Студенты** **Комнаты**

**-А** **Моря** **-А** **Студента** **Окна** **-Я Р.п. Кого? Чего? Студента**

**Музея** **Словаря** **-ОВ** **Студентов** **-И** **Песни** **-Ы** **Комнаты** **-Я** **Моря**

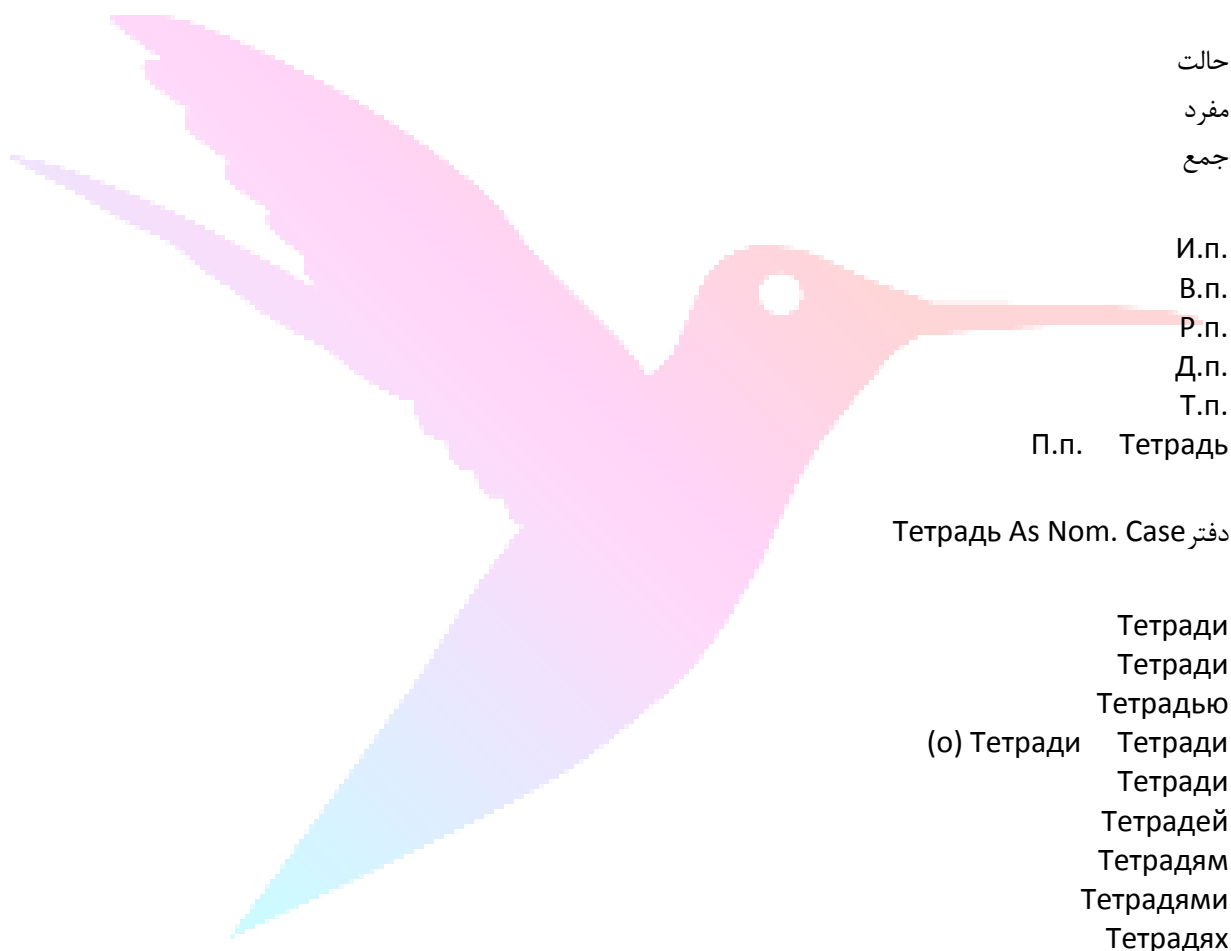
**Музеев** **-ЕВ** **Словарей** **Морей** **-ЕЙ** **Комнат** **песен** **Д.п. Кому?**

**Чему? Студенту** **Окно** **-Ю** **Комнате** **-У** **Музею** **Словарю** **Морю**

**Песне** **-Е** **Студентам** **Окнам** **Комнатам** **-АМ** **Музеям** **Словарям** **-ЯМ**

Морям песням В.п. Кого? Ч Т О ? Animate noun as in the Gen.case Inanimate noun as in the  
 Nom.case Комнату -У Песню -Ю Animate noun as in the Gen.case Inanimate noun as in the  
 Nom.case Т.п. Кем? Чем? Студентом -ОМ Окном Морем Музеем -Е  
 М словарем Комнатой -ОЙ Песней -ЕЙ Студентами Комнатами -АМИ Окнами Музеями  
 Словарями -ЯМИ Морями Песнями П.п. О ком? О чем? Студенте Музее Словаре  
 -Е Окне Море Комнате -Е Песне Студентах Окнах -АХ Комнатах Музеех -ЯХ  
 Словарях Морях песнях

تغییر اسامی مونثی که به b ختم می شوند در حالات گرامری زبان روسی مانند نمونه ذیل خواهد بود:



حالت  
 مفرد  
 جمع

И.п.  
 В.п.  
 Р.п.  
 Д.п.  
 Т.п.  
 П.п. Тетрадь

دفتر As Nom. Case  
 Тетрадь

Тетради  
 Тетради  
 Тетрадью  
 (о) Тетради Тетради  
 Тетради  
 Тетрадей  
 Тетрадам  
 Тетрадиями  
 Тетрадах

و اما تغییرات اسامی که به ИЙ, ИЕ, ИЯ, И, Я ختم می شوند در حالات گرامری زبان روسی بدین قرار می باشند:

حالت  
 مفرد  
 جمع  
 مذکر

خنثی

مونث

И.п.

С а н а т о р и й -ий

З д а н и е -ие

Л е к ц и я -ия

С а н а т о р и и

Л е к ц и и -И

З д а н и я -Я

Р.п.

С а н а т о р и я -ИЯ

З д а н и я

Л е к ц и и -ИИ

С а н а т о р и е в -ЕВ

Л е к ц и й -ИЙ

З д а н и й

Д.п.

С а н а т о р и ю -Ю

З д а н и ю

Л е к ц и и -ИИ

С а н а т о р и я м

Л е к ц и я м -ЯМ

З д а н и я м

В.п.

As Nom.Case

Л е к ц и ю -Ю

As Nom.Case

Т.п.

С а н а т о р и е м -ЕМ

З д а н и е м

л е к ц и е й -ЕЙ

С а н а т о р и я м и

Л е к ц и я м и -ЯМИ

З д а н и я м и

П.п.

С а н а т о р и и

З д а н и и -ИИ

Л е к ц и и

С а н а т о р и я х

Л е к ц и я х -ЯХ

З д а н и я х

درس شصت و دوم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان!

!Д о свидания



### درس شست و سوم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به چند جمله استاندارد خوشامدگویی و آنچه برای توریستها دانستنش در وهله اول لازم است توجه کنید.

Д о б р о е у т р о صبح بخیر

Д о б р ы й д е н ь روز بخیر

Д о б р ы й в е ч е р عصر بخیر

З д р а в с т в у й т е سلام

П р и в е т ! سلام (دوستانه)

Р а д т е б я в и д е т ь از دیدن تو خوشحالم.

К а к п о ж и в а е ш ь ؟ حالت چطور؟

С п а с и б о , п р е к р а с н о ! ممنونم، عالی!

Н е п л о х о ! بد نیست!

К а к В а с з о в у т ь ؟ اسم شما چیه؟

М е н я з о в у т ... اسم من ...

تشکر

С п а с и б о متشکرم

Б о л ь ш о е с п а с и б о خیلی ممنون

Н е з а ч т о قابل ندارد

П о ж а л у й с т а خواهش می کنم

عذرخواهی

И з в и н и т е ببخشید!

П р о с т и т е عذر می خواهم!

Н и ч е г о , н и ч е г о , п о ж а л у й с т а هیچ عیب نداره، مهم نیست، خواهش می کنم

Н и ч е г о с т р а ш н о г о اشکالی نداره، هیچ اتفاق وحشتناکی نیفتاده

خدا حافظی

К с о ж а л е н и ю , м н е ( н а м ) п о р а и д т и متأسفانه من (ما) باید برویم.

Д о с в и д а н и я ! خدا حافظ

П о к а ! خدا نگهدار (دوستانه)

Увидимся به امید دیدار  
Счастливого пути! سفر خوبی داشته باشید!  
Вы говорите по-английски? شما به زبان انگلیسی صحبت می کنید؟  
Я плохо говорю по-русски. زبان روسی من بد است.  
Говорите, пожалуйста, медленнее. لطفاً آهسته تر صحبت کنید.  
Я не понимаю. نمی فهمم.  
Я понимаю. می فهمم.

در فرودگاه

Вот мой паспорт این هم پاسپورت من  
Вот моя виза این هم ویزای من  
Я пробуду здесь неделю من یک هفته اینجا خواهم بود  
Я здесь в отпуске من برای تعطیلات اینجا هستم.  
Я здесь по делам من برای کار یا مأموریت اینجا هستم  
У меня бутылка водки من یک بطری ودکا دارم  
Можно это провезти? می توانم این را بیاورم؟  
Какую пошлину мне нужно заплатить? چه عوارض گمرکی یا مالیات گمرکی باید بپردازم؟  
Я собираюсь жить в гостинице. قصد دارم در هتل اقامت کنم.  
Я остановлюсь у знакомых. من نزد آشنایانم اقامت خواهم کرد.

و حالا با پرداختن به چند جمله استاندارد دیگر از شما دعوت می کنیم به کلمات اشاره Эта, Эти, Тот, Те و طرز ساخت جملات به کمک این ضمائر اشاره توجه فرمائید.

Эта роза красная.  
این رز قرمز است.

که در اینجا بدون آوردن فعل (есть بودن) معنی جمله مفهوم است. در زبان روسی معمولاً در چنین مواردی فعل حذف می شود و حالت های گرامری بخودی خود گویای معنی جمله هستند.

Эти розы красные.  
Тот верблюд коричневый.  
Те тигры желтые.  
Чья тарелка это?  
Это моя.  
Чьи дети здесь?

Н е знаю.  
В нашем лесу есть озеро.

در این جمله فعل ( **есть** بودن) مترادف است با فعل **имеется** داشتن که آن هم در زبان روسی معمولاً در جملاتی از این نوع حذف می شوند. به یک نمونه دیگر توجه کنید:

Т а м много грибов.

که می توان آن را بشکل دیگری مانند این نمونه:

Т а м имеется много грибов.

نیز بیان کرد که معنی هر دو جمله یکی است: در آنجا قارچ زیاد است.

В чайнике много воды.

در کتری آب زیاد است. یا معنی تحت اللفظی آن می شود: کتری آب زیادی دارا می باشد.

К чаю нет варенья.

З д е с ь нет апельсинов.

یادآوری می کنیم که در جملات منفی همیشه از حالت گرامری اضافه ملکی، **родительный падеж** استفاده می شود. یعنی کلمه ای که بعد از **нет** قرار می گیرد پسوند آن باید در حالت اضافه ملکی قرار داشته باشد.

و حالا چند جمله دیگر:

В кувшине есть немного молока.

در کوزه شیر هست؟

Г д е наше молоко?

شیر ما کجاست؟

М о л о к о в кувшине.

شیر در کوزه است.

Е с т ь хлеб к обеду?

برای نهار نان هست؟

Д а , есть сколько-то.

بله، مقداری هست.

Есть ли стулья в той комнате,

آیا در آن اتاق صندلی هست؟

Да, есть несколько штук.

بله، چند تایی هست.

Много ли девочек в вашем классе?

دخترای زیادی در کلاس شما هست؟

Нет, есть немного.

نخیر، تعداد کمی هست.

و حالا چند فعل روسی بی قاعده و نمونه‌هایی از صرف آنها را مورد توجه شما قرار می دهیم. این افعال را باید به همین شکل به خاطر بسپارید:

Писать

نوشتن

Я пишу, ты пишешь, они пишут...

Послать

فرستادن

Я пошлю, ты пошлешь, они пошлют...

Сказать

گفتن

Я скажу, ты скажешь, они скажут...

Искать

جستجو کردن، دنبال چیزی گشتن

Я ищу, ты ищешь, они ищут...

Плакать

گریه کردن

Я плачу, ты плачешь, они плачут

Прятать



پنهان کردن

Я прячу, ты прячешь, они прячут...  
Ж д а т ь

منتظر ماندن

Я жду, ты ждешь, они ждут  
С м е я т ь с я

خندیدن

Я смеюсь, ты смеешься, они смеются...  
Р в а т ь

پاره کردن

Я рву, ты рвешь, они рвут...  
М у ж и жена

زن و شوهر

Ж и л и -были муж с женой. Жена была такая упрямая, что и сказать нельзя. Попросит ее муж о чем-нибудь, а у нее всегда один ответ: "Ну вот еще!" И сделает все наоборот.

یکی بود یکی نبود، زن و شوهری با هم زندگی می کردند. زن خیلی لجباز و یک دنده بود. هر وقت شوهرش از او چیزی می خواست زن همیشه یک جور جواب می داد: آها، به همین خیال باش! و درست برعکس آن را انجام می داد.

Ш л и они однажды по дороге. Муж и говорит:

یکروز آنها باهم در جاده راه می رفتند که مرد گفت:

- Видишь, справа обрыв? Иди левее, а то упадешь.

می بینی، سمت راست دره را می بینی؟ اینورتر، در سمت چپ راه برو، و الا می افتی پایین.

- Ну, вот еще!

به همین خیال باش!

И пошла как раз около самого края. Вдруг земля у нее под ногами осыпалась, и она упала в пропасть. Постоял муж, погоревал и пошел домой.

زن درست از لبه جاده راه رفت. یکدفعه زمین زیر پایش فرو ریخت و او توی دره افتاد. شوهر ایستاد، از خشم و عصبانیت داد و فریاد راه انداخت و به خانه برگشت.

Н а другой день в полночь кто-то постучал в дверь.

روز بعد، نصف شب بود که یکی در خانه را صدا درآورد.

- Кто там? Чего надо?

کیه؟ چکار دارین؟

Открыл мужик дверь и видит: стоит перед ним черт с рогами и хвостом и спрашивает:

مرد در را باز کرد و با چنین صحنه ای روبرو شد: شیطان با دو شاخ بالای سر و دم درازی روبرویش ایستاده بود و می پرسید:

- Это твоя жена вчера в бездонную пропасть упала?

زن تو دیروز توی دره افتاده بود؟

- Моя. А что?

آره، زن من، مگه چی شده؟

- Как что? Она к нам попала! И нет нам теперь житья. Возьми ее назад!

یعنی چی چی شده؟ افتاد پیش ما! پدر ما را درآورده! پشش بگیر!

Обрадовался мужик, что жена жива, но виду не показал:

مرد خوشحال شد که زنش زنده است، اما به روی خودش نیاورد.

- Ну, нет! Мучился я с ней десять лет, теперь вы помучайтесь, а я отдохну.

نه، نمی خوامش، ده سال از دستش عذاب کشیدم، حالا شما عذاب بکشید و من استراحت می کنم.

А черт просит:

شیطان به خواهش و التماس می افتد:

- Возьми ее обратно, сделай милость! Мы тебе за это мешок золота дадим.

رحم کن، اونو پس بگیر! در عوض این لطف یک گونی طلا به تو می دهیم.

- А не обманешь?

کلک نمی زنی؟

- Ни за что не обману! - сказал черт и пропал, как сквозь землю провалился.

به هیچ وجه کلک نمی زنم! شیطان این را گفت و در یک چشم بهم زدن غیبش زد، انگار توی زمین فرو رفت.

Вышел мужик на крыльцо, посмотрел и видит - подходит к дому его жена, жива-здоровая, как ни в чем не бывало.

مرد از در بیرون رفت و نگاه کرد، دید زنش صحیح و سالم بطرف خانه می آید، انگار هیچ اتفاقی نیفتاده بود.

А наутро нашли они за дверью мешок золота. Побоялся черт обмануть!

صبح روز بعد آنها یک گونی طلا پشت در پیدا کردند. شیطان ترسیده بود کلک بزند.

و حالا از شمداعوت می کنیم یکبار دیگر به این متن توجه فرمائید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را به خاطر بسپارید.

Ж и л и -были муж с женой. Жена была такая упрямая, что и сказать нельзя. Попросит ее муж о чем-нибудь, а у нее всегда один ответ: "Ну вот еще!" И сделает все наоборот. Шли они однажды по дороге. Муж и говорит:

- Видишь, справа обрыв? Иди левее, а то упадешь.

- Ну, вот еще!

И пошла как раз около самого края. Вдруг земля у нее под ногами осыпалась, и она упала в пропасть. Постоял муж, погоревал и пошел домой. На другой день в полночь кто-то постучал в дверь.

- Кто там? Чего надо?

Открыл мужик дверь и видит: стоит перед ним черт с рогами и хвостом и спрашивает:

- Это твоя жена вчера в бездонную пропасть упала?

- Моя. А что?

- Как что? Она к нам попала! И нет нам теперь житья. Возьми ее назад!

Обрадовался мужик, что жена жива, но виду не показал:

- Ну, нет! Мучился я с ней десять лет, теперь вы помучайтесь, а я отдохну.

А черт просит:

- Возьми ее обратно, сделай милость! Мы тебе за это мешок золота дадим.

- А не обманешь?

- Ни за что не обману! - сказал черт и пропал, как сквозь землю провалился.

Вышел мужик на крыльцо, посмотрел и видит - подходит к дому его жена, жива-здоровая, как ни в чем не бывало.

А наутро нашли они за дверью мешок золота. Побоялся черт обмануть!

خدانگهدارتان!

!Д о свидания

## درس شست و چهارم

از شما دعوت می کنیم به یک متن توجه فرمائید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را همانگونه که می شنوید بخاطر بسپارید:

### Зимний спорт

ورزش زمستانی

Москвичи любят холодную зиму и с удовольствием занимаются спортом. Москویی ها زمستان سرد را دوست دارند و با علاقه ورزش می کنند.

Самый массовый вид зимнего спорта в России - лыжи. На лыжах ходит не только молодежь, но и пожилые люди.

پرطرفدارترین نوع ورزش زمستانی در روسیه- اسکی بازی است. نه تنها جوانان بلکه سالخوردگان نیز به این ورزش می پردازند.

В субботу и в воскресенье на лыжные прогулки отправляется много народа. Часто из дома с лыжами выходит вся семья: отец, мать и дети. Прогулки на лыжах- это прекрасный отдых.

روز شنبه و یکشنبه خیلی ها راهی گردش اسکی یا اسکی بازی می شوند. اغلب تمام اهل خانه: پدر، مادر و بچه ها با چوب های اسکی از خانه خارج می شوند. اسکی بازی بهترین تفریح است.

Чем занимаются москвичи зимой?

اهالی مسکو زمستان چکار می کنند؟

Зимой москвичи занимаются спортом.

مسکویی ها زمستان ورزش می کنند.

Откуда они выходят?

از کجا بیرون می آیند؟

Они выходят из дома.

از خانه.

Диалог

گفتگو

Юра: Наташа, хочешь поехать в воскресенье за город?

یورا: ناتاشا می خواهی بروی بیرون شهر؟

Наташа: С удовольствием. А кто еще поедет?

ناتاشا: با کمال میل. دیگه چه کسانی می روند؟

Юра: Все наши друзья. Мы встретимся у института.

یورا: تمام دوستانمان. ما در انستیتو قرار ملاقات گذاشتیم.

Н а т а ш а : Когда?

ناتاشا: کی؟

Ю р а : В 8 (восемь) часов утра.

یورا: هشت صبح

Н а т а ш а : А когда мы вернемся?

ناتاشا: کی برمی گردیم؟

Ю р а : Поздно. Мы будем там весь день.

یورا: دیر وقت. تمام روز آنجا خواهیم بود.

С л о в а и выражения

لغات و اصطلاحات

М а с с о в ы й спорт

ورزش توده‌ای، عمومی و پرطرفدار

в и д спорта

نوع ورزش

Л ы ж и

اسکی

х о д и т ь на лыжах

اسکی کردن

М о л о д е ж ь

جوانان (مونث)

п о ж и л ы е люди

افراد مسن، سالخوردگان

л ы ж н а я прогулка

گردش اسکی، گردش با اسکی

о т п р а в л я т ь с я , ю с ь , е ш ь с я ...

راهی شدن، عازم شدن

Н а р о д

مردم

м н о г о народу

مردم زیاد، جمعیت زیاد

и з дома с лыжами выходит вся семья

همه اعضای خانواده با اسکی از خانه خارج می شوند

в ы х о д и т ь , выхожу, выходишь...

خارج شدن

О т е ц

پدر

М а т ь

مادر

Д е т и

بچه ها

з а город

خارج از شهر

Мы будем там весь день

تمام روز آنجا خواهیم بود

Н о ч ь

شب

Н о ч ь ю

شب‌هنگام

С к о л ь к о времени? (как долго?)

برای چه مدتی؟

М о л о д о й человек – молодые люди

آدم جوان – آدم‌های جوان

П о ж и л о й человек – пожилые люди

آدم مسن – آدم‌های مسن

С т а р ы й человек – старые люди

آدم پیر – آدم‌های پیر

М а т ь – мама

مادر- مامان

О т е ц – папа

پدر- بابا

حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله پر کاربرد دیگر توجه فرمائید: گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید:

تبدیل ارز

Г д е можно обменять валюту ?

کجا می توانم ارز تبدیل کنم؟

Я хочу обменять доллары

می خواهم مقداری دلار خرد کنم.

К а к о й курс валюты ?

نرخ ارز چقدر است؟

ورود به هتل

М н е нужен номер в гостинице

من احتیاج به اتاقی در هتل دارم

М н е нужна комната на одного

من اتاق یک تخته می خواهم

من یک اتاق دو تخته می خواهم М н е нужна комната на двоих

Г д е гостиница ? هتل کجاست؟

С к о л ь к о стоит номер в сутки ? قیمت اتاق برای یک شب چقدر است؟

В х о д и т ли в стоимость номера питание ? آیا غذا جزئی از قیمت اتاق به حساب می آید؟

Я думаю остановиться на несколько дней فکر کنم یک هفته ای بمانم

К а к о й мой номер ? شماره اتاق من کدام است؟

ترک هتل

П р и г о т о в ь т е , пожалуйста, все счета к моему отъезду لطفاً تمام حسابهای مرا تا زمان

ترک هتل آماده کنید

Я уезжаю завтра утром فردا صبح هتل را ترک می کنم

Я уезжаю завтра днём ظهر فردا هتل را ترک می کنم

Я уезжаю завтра вечером عصر فردا هتل را ترک می کنم

Г д е можно найти такси ? کجا می شود تاکسی گیر آورد؟

М н е нужно в аэропорт (یا معنی تحت اللفظی آن می شود : من باید به فرودگاه برسم)

М н е нужно на вокзал ایستگاه راه آهن یا معنی تحت اللفظی آن می وشد : من باید به ایستگاه راه آهن برسم)

و حالا اولین قسمت داستان مرغ پر قرمزی و دانه گندم را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید حالات گرامری را که در جملات بکار برده شده به خاطر بسپارید. به پسوندهای صفات اسامی، قید زمان و مکان و تعداد و ضمائر شخصی مذکر، مونث و خنثی توجه فرمائید که همانا به کمک این پسوندها شما می توانید در جمله و یا گفتار متوجه شوید که حرف از چه شخصی می رود، شخص مذکر یا مونث. همچنین به کمک این پسوندها شما می توانید تغییرات دیگر جمله از نظر حالات گرامری بنا به مذکر و یا مونث و خنثی بودن اسم را تغییر دهید.

Р ы ж а я курочка и пшеничное зерно

مرغ پر قرمزی و دانه گندم

Ж и л а -была рыжая курочка на большом крестьянском дворе.

یکی بود، یکی نبود، مرغ پر قرمزی در حیاط روستایی بزرگی زندگی می کرد.

У нее было три пушистых желтых цыпленка.

او سه جوجه تپل و نرم زرد رنگ داشت.

О д н а ж д ы утром, когда они усердно разгребали двор, разыскивая что-нибудь поесть, маленькая рыжая курочка нашла зерно пшеницы.

یک روز صبح وقتی آنها با جدیت تمام مشغول چنگ زدن به زمین برای پیدا کردن چیزی برای خوردن بودند، مرغ پر قرمزی کوچولو یک دانه گندم پیدا کرد.

Взволнованно она позвала кошку, утку и поросенка, которые жили на крестьянском дворе с ней.

او هیجان زده گریه، اردک و بچه‌خوک را صدا کرد که آنها هم همراه او در حیات روستایی زندگی می کردند.

Смотрите! - сказала она.- поглядите, что я нашла. Кто поможет мне посадить это пшеничное зерно?

او گفت: نگاه کنید! ببینید من چی پیدا کردم. کی به من کمک می کند دانه گندم را بکاریم؟

Н е я, сказала утка,- я должна идти к пруду поплавать.

اردک گفت: من نمی تونم، من باید توی برکه شنا کنم.

Н е я, - сказала кошка, - ко мне гости должны прийти через несколько минут.

گریه گفت: من هم نمی تونم، چون تا چند دقیقه دیگه مهمونا باید بیایند.

Н е я, сказал поросенок. – я не знаю, как делается что-либо подобное.

بچه‌خوک گفت: من هم نمی تونم، چون نمی دانم چنین کاری چطور انجام می شود.

Они пошли прочь от рыжей курочки, как можно быстрее, и остались на другом конце крестьянского двора, где они могли бездельничать.

آنها سریع از مرغ پر قرمزی دور شدند و در آنطرف حیاط ماندند تا بتوانند تنبلی کنند.

و حالا یکبار دیگر این قسمت را بطور کامل گوش کنید:

Р ы ж а я курочка и пшеничное зерно

Ж и л а -была рыжая курочка на большом крестьянском дворе. У нее было три пушистых желтых цыпленка. Однажды утром, когда они усердно разгребали двор, разыскивая что-нибудь поесть, маленькая рыжая курочка нашла зерно пшеницы. Взволнованно она позвала кошку, утку и поросенка, которые жили на крестьянском дворе с ней. Смотрите! - сказала она.- поглядите, что я нашла. Кто поможет мне посадить это пшеничное зерно?

Н е я, сказала утка.- я должна идти к пруду поплавать.

Н е я, - сказала кошка, - ко мне гости должны прийти через несколько минут.

Н е я, сказал поросенок. – я не знаю, как делается что-либо подобное.

Они пошли прочь от рыжей курочки, как можно быстрее, и остались на другом конце крестьянского двора, где они могли бездельничать.

درس شصت و چهارم زبان روسی در اینجا به پایان رسید. خدانگهدارتان

!До свидания



### درس شست و پنجم

ابتدا چند نکته گرامری را موردتوجه شما قرار می دهیم.

Сколько

چند تا

Много

خیلی، زیاد

Мало

کم

با کلمات فوق فعل به صورت سوم شخص مفرد می آید و کلمه بعد از آنها جمع و در حالت گرامری مالکیت یا اضافه می باشد. توجه فرمائید:

В воскресенье много людей отправляется на лыжные прогулки. На выставку пойдет много студентов.

روز یکشنبه افراد زیادی به گردش اسکی می روند. تعداد زیادی دانشجوی به نمایشگاه می روند.

همانطور که متوجه شدید много людей و много студентов در حالت گرامری مالکیت و جمع قرار دارند، ولی افعال отправляется و пойдет در حالت سوم شخص مفرد آمده اند که یک نشانه دیگر استفاده از این افعال این است که کلمات روسی « چند تا»، « خیلی، زیاد» و «کم» به حرف « او» ختم می شوند که نشانه سوم شخص مفرد خنثی است و طبیعتاً فعل آن هم سوم شخص مفرد می باشد. به نمونه های دیگر نیز توجه فرمائید:

На вечер пришло мало преподавателей. Сколько студенток ездило в Ленинград?

تعداد کمی از معلمان به مهمانی عصر آمدند. چند تا دانشجوی به لنینگراد رفتند؟

کلمات ( весь, вся, всё, все همه تمام ، مذکر، مونث، خنثی و جمع). به طرز استفاده آنها در جملات توجه فرمائید.

Я прочитал весь текст. Вся семья отправилась на лыжную прогулку. Я сделал всё упражнение. Все студенты поедут за город.

من تمام متن را خواندم. تمام اهل خانه به گردش اسکی رفتند. من تمام تمرینات را انجام دادم. تمام دانشجویان به بیرون شهر می روند.

Сколько времени? (Как долго?)

چه مدت؟ یا چقدر طول خواهد کشید؟

Сколько времени (как долго) ты занимался?

چه مدتی تو درس خواندی؟

Я занимался весь день.

من تمام روز درس خواندم.

Сколько времени (как долго) ты был болен?

چه مدتی مریض بودی؟

Я был болен всю неделю.

تمام هفته مریض بودم.

Сколько времени (как долго) ты отдыхал?

چه مدتی تو استراحت کردی؟

Я отдыхал всё лето.

تمام تابستان استراحت کردم.

Винительный падеж

حالت مفعولی کلماتی که با کلمه همه می آیند.

весь день, весь вечер, весь месяц, весь год, всю ночь, всю неделю, всю зиму, всё утро, всё время, всё лето

تمام روز، تمام عصر، تمام ماه، تمام سال، تمام شب، تمام هفته (یا می توان گفت سراسر هفته)، تمام زمستان، تمام صبح، تمام وقت، سراسر تابستان

утро-утром

صبح-وقت صبح

вечер-вечером

عصر-وقت عصر

день-днем

روز-وقت روز

ночь-ночью

شب-وقت شب

به چند نمونه در این رابطه توجه فرمائید تا بهتر تفاوت این دو کلمه را دریابید:

Студенты встретились в восемь часов утра. Они вернулись в девять часов вечера.

دانشجویان ساعت هشت صبح ملاقات کردند. آنها ساعت ده عصر برگشتند.

Студенты встретились утром. Они вернулись вечером.

دانشجویان صبح باهم ملاقات کردند. آنها عصر برگشتند.

Глагол заниматься + творительный падеж.

فعل درس خواندن، مطالعه کردن، به انجام کاری مشغول بودن بعلاوه حالت گرامری واسطه

Чем вы занимаетесь? Я занимаюсь спортом.

شما چه کار می کنید؟ من دارم ورزش می کنم.

Чем занимается Наташа? Она занимается персидским языком.

ناتاشا چکار می کند؟ ناتاشا در حال خواندن یا مطالعه زبان فارسی است.

Ч е м занимается этот студент? Этот студент занимается русской литературой.  
این دانشجو دارد چکار می کند؟ این دانشجو دارد ادبیات روسی مطالعه می کند.

و حالا چندین جمله پر کاربرد دیگر را مورد توجه شما قرار می دهیم:

در هتل

Е с т ь ли у Вас...? آیا شما دارید...؟

Г д е туалет? دستشویی کجاست؟

Р а з б у д и т е меня в семь часов утра مرا ساعت هفت صبح بیدار کنید

Я живу в номере 101 من در اتاق ۱۰۱ هستم

П р о ш у отнести мой багаж в номер مرا به اتاق ببرید

در رستوران

Я хочу есть (пить) من گرسنه‌ام - تشنه‌ام

П о й д ё м т е в ресторан (кафе) برویم به رستوران - کافه

Д а й т е пожалуйста меню لطفاً لیست غذا

П р и я т н о г о аппетита! نوش جان!

Я хочу попробовать национальное блюдо من می خواهم غذای ملی را امتحان کنم

О ч е н ь вкусно خیلی خوشمزه است!

З а ваше здоровье и благополучие! سلامت می شما!

Б о л ь ш е ничего не нужно, спасибо دیگر چیزی لازم نیست

С ч ё т , пожалуйста لطفاً صورت حساب را بیاورید.

نوشابه ها

С т а к а н чая, пожалуйста لطفاً یک استکان چای

Ч а ш к у кофе, пожалуйста لطفاً یک فنجان قهوه

сок...آب میوه

молоко...شیر

минеральную воду...آب معدنی

квас...کواس - یک نوع نوشابه ملی روسی

غذاهای سنتی

Да й т е мн е...ممکنه برایم بیاورید....

блины с икрой...کیک تابه ای با خاویار

блины со сметаной...کیک تابه ای با خامه

борщ...سوپ برش

окрошку...سوپ با کواس

осетрину по-русски...ماهی خاویار به پخت روسی (که شامل ماهی سس گوجه فرنگی و سبزیجات است)

пельмени...پلمنی

و حالا قسمت دوم داستان مرغ پر قرمزی و دانه گندم را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید حالات گرمی را که در جملات بکار برده شده به خاطر بسپارید.

Р ы ж а я курочка достала свою мотыгу, грабли и лопату.

مرغ پر قرمزی بیل و کلنگ و شن کش خود را بیرون آورد.

Т р и пушистых желтых цыпленочка помогали своей маме, и скоро они вырыли маленькую ямку, чтобы положить в нее пшеничное зерно.

سه جوجه زرد تپلی به مادرشان کمک کردند و بزودی آنها یک چاله کوچولو کردند تا دانه گندم را توی آن بگذارند.

О н и слегка закрыли ее землей. Спустя несколько дней появились маленькие зеленые ростки.

آنها کمی خاک رویش ریختند. بعد از چند روز جوانه های کوچک سبز رنگ از خاک بیرون زدند.

П ш е н и ч к а росла и росла.

گندم بزرگ و بزرگ تر شد.

« А теперь, кто будет поливать пшеничку? »- спросила однажды рыжая курочка.

یکروز مرغ پر قرمزی پرسید: حالا کی به گندم آب خواهد داد؟

Н е я, сказала утка. Как раз сейчас мне нужно сделать кое-что другое.

اردک گفت: من نمی تونم. درست همین الان باید بکار دیگری برسم.

Н е я, сказала кошка, - я должна вздремнуть немножко.

گربه گفت: من باید کمی چرت بزنم.

Н е я, - сказал поросенок, - я должен пойти и подкрепиться (отдохнуть) в сарае.

بچه خوک گفت: من باید بروم توی انبار کمی استراحت کنم.

Т о г д а я полью, - сказала рыжая курочка и полила.

مرغ پر قرمزی گفت: پس من آب می دهم و رفت و گندم را آب داد.

و حالا یکبار دیگر به این متن توجه کنید:

Р ы ж а я курочка достала свою мотыгу, грабли и лопату.

Т р и пушистых желтых цыпленочка помогали своей маме, и скоро они вырыли маленькую ямку, чтобы положить в нее пшеничное зерно.

Они слегка закрыли ее землей. Спустя несколько дней появились маленькие зеленые ростки.

Пшеничка росла и росла.

«А теперь, кто будет поливать пшеничку?» - спросила однажды рыжая курочка.

Нея, сказала утка. Как раз сейчас мне нужно сделать кое-что другое.

Нея, сказала кошка, - я должна вздремнуть немножко.

Нея, - сказал поросенок, - я должен пойти и подкрепиться (отдохнуть) в сарае.

Тогда я полью, - сказала рыжая курочка и полила.

خدانگهدارتان

!До свидания



درس شست و ششم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به متنی توجه کنید:

Новое знакомство

آشنایی جدید

Наташа и Таня познакомились с одной индийской студенткой, которую зовут Сита.  
ناتاشا و تانیا با یک دانشجوی هندی آشنا شدند که نامش سیتا است.

Сита приехала в Москву изучать русский язык.  
سیتا برای یادگیری زبان روسی به مسکو آمده است.

Она приехала в Москву в прошлом году и уже неплохо говорит по-русски.  
او سال گذشته به مسکو آمده و حالا روسی اش بدک نیست.

Сейчас она учится на подготовительном факультете Московского университета, а потом будет учиться на филологическом факультете.  
فعلاً او دوره آمادگی دانشگاه مسکو را می گذراند و بعد در دانشکده زبان شناسی درس خواهد خواند.

Сита изучает русский язык, чтобы потом преподавать его на своей родине.  
سیتا زبان روسی را یاد می گیرد تا بعداً آن را در کشور خود درس بدهد.

С кем познакомились Наташа и Таня?  
ناتاشا و تانیا با کی آشنا شدند؟

Наташа и Таня познакомились с одной индийской студенткой.  
ناتاشا و تانیا با یک دختر دانشجوی هندی آشنا شدند.

С какой студенткой познакомились Наташа и Таня?  
ناتاشا و تانیا با چه دانشجویی آشنا شدند؟

С о студенткой, которую зовут Сита.  
با دانشجویی که اسمش سیتا است.

Для чего изучает Сита русский язык?  
سیتا برای چه زبان روسی می آموزد؟

Чтобы потом преподавать его на своей родине.  
برای اینکه آن را در کشورش تدریس کند.

Диалог

گفتگو

Наташа: Сита, где ты живешь?  
ناتاشا: سیتا، تو کجا زندگی می کنی؟

Сита: Я живу в общежитии.  
سیتا: من در خوابگاه زندگی می کنم.

Н а т а ш а : Сколько человек в вашей комнате?

ناتاشا: چند نفر در اتاق شما هست؟

С и т а : Четыре.

سیتا: چهار نفر.

Н а т а ш а : Все иностранцы?

ناتاشا: همه خارجی هستند؟

С и т а : Нет, две девушки русские.

سیتا: نه، دو تادختر روس هستند.

Н а т а ш а : А в других комнатах тоже есть русские студенты?

ناتاشا: در اتاق های دیگر هم دانشجوی روس هست؟

С и т а : Да. Они помогают иностранным студентам изучать русский язык, разговаривают с ними по-русски.

سیتا: بله. آنها به دانشجویان خارجی در یادگیری زبان روسی کمک می کنند و به زبان روسی با آنها حرف می زنند.

С л о в а и выражения

لغات و اصطلاحات

н о в о е знакомство

آشنایی جدید

п о з н а к о м и т ь с я , познакомиться, познакомишься...

آشنا شدن

с кем?

با کی

с одной студенткой

با یک دانشجو (که در اینجا منظور جنس مونث است)

и н д и й с к и й , -ая, -ое, -ие

هندی

в прошлом году

در سال گذشته

п о д г о т о в и т е л ь н ы й факультет

دوره آمادگی (دانشکده آمادگی)

ф и л о л о г и ч е с к и й факультет

دانشکده زبان شناسی

М о с к о в с к и й университет

دانشگاه مسکو

Ч т о б ы

تا اینکه

п р е п о д а в а т е л ь , -даю, -даешь,

تدریس کردن، درس دادن، آموختن

что?

چی؟

Родина

کشور، وطن

с какой студенткой познакомились Наташа и Таня?

ناتاشا و تانیا با چه دانشجویی آشنا شدند؟

Для чего изучает Сита русский язык?

سیتا برای چه زبان روسی می آموزد؟

Общезитие

خوابگاه

иностранец, -нцы

خارجی - خارجیان

Девушка

دختر

помогать, -ю, -ешь, ...

کمک کردن، مساعدت کردن، یاری رساندن

кому? что делать?

به کی؟ چه باید کرد؟

Он иностранец. Она иностранка.

او (مذکر) خارجی است. او (مونث) خارجی است.

Где я могу купить...?

کجا می توانم بخرم؟

Что Вы хотите?

شما چه می خواهید؟

Покажите мне...

نشانم بدهید

Есть ли у Вас...?

آیا شما این... را دارید؟

Мне это не нравится

من از این خوشم نمی آید

Я возьму это

این را می خرم

Заверните, пожалуйста

لطفاً این را بسته بندی کنید

Я только смотрю

فقط نگاه می کنم

Можно померить?

می توانم آن را بیوشم؟

Эти туфли жмут

این کفشها پایم را فشار می دهند.

Это не мой размер

این اندازه من نیست.

Есть ли на размер больше?

یک اندازه بزرگتر دارید؟

Есть ли на размер меньше?

یک اندازه کوچکتر دارید؟

Я хочу другой цвет

من یک رنگ دیگر می خواهم

Я хочу вернуть покупку и получить деньги обратно

من می خواهم این را برگردانم و پولم را واپس بگیرم.

Можно послушать эту кассету (этот диск)?

این نوار و یا سی.دی را می توان گوش داد؟



Г д е касса? صندوق کجاست؟

قیمت

С к о л ь к о это стоит? قیمت این چند است؟

Н а п и ш и т е , пожалуйста. لطفاً آن را روی کاغذ بنویسید.

Э т о слишком дорого. خیلی گران است.

Н е т ли у Вас чего-нибудь подешевле. ارزانتر از این ندارید؟

همانطور که در برنامه های قبلی متوجه شدید بخش هایی از قصه مرغ پر قرمزی و دانه گندم را برایتان خواندیم و حالا به بخش دیگری از آن می پردازیم.

С п у с т я некоторое время сорняки появились между стебельками пшеницы.

بعد از گذشت مدتی علفها در میان ساقه های گندم ظاهر شدند.

О д н а ж д ы рыжая курочка спросила:

یک روز مرغ پر قرمزی پرسید:

А теперь, кто будет полоть эту пшеничку?

حالا کی علفها را می کند؟

Н е я, сказала утка, - такая работа не для меня. Вообще такая работа мне не подходит.

اردک گفت: من نمی تونم. چنین کاری اصلاً به من نمی آید.

Н е я, сказала кошка, я бы не смогла отличить сорняки от пшеницы.

گربه گفت: من نمی تونم. من اصلاً نمی تونم علف را از گندم تشخیص بدهم.

Н е я, сказал поросенок, мне не до пшеницы.

بچه خوک گفت: من فرصت ندارم، سرم شلوغه.

О ч е н ь хорошо, я выполняю тогда, - сказала рыжая курочка и выполола.

مرغ پر قرمزی گفت: بسیار خوب. من خودم این کار را می کنم.

С п у с т я некоторое время пшеница начала созревать.

بعد از مدتی گندم شروع کرد به رسیدن.

К а к а я прекрасная пшеница у нас, сказала кошка, утка и поросенок.

گربه، اردک و بچه خوک گفتند: چه گندم زیبایی داریم.

Д а , действительно, пора жать пшеницу, - сказала рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی گفت: واقعاً هم! وقت درو گندم رسیده است.

К т о бы пожелал сжать ее для нас?

کی می تواند آن را برای ما درو کند؟

О ,не я, - сказала кошка.

گربه گفت: آه، من که نمی توانم.

Н е я, - сказал поросенок.

بچه خوک گفت: منم همینطور.

Н е я, - сказала утка.

اردک هم گفت: من هم همینطور.

О ч е н ь хорошо, тогда я сожну, - сказала рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی گفت: بسیار خوب، پس من آن را درو می کنم.

از شما دعوت می کنیم به این متن توجه فرمائید:

С п у с т я некоторое время сорняки появились между стебельками пшеницы.

О д н а ж д ы рыжая курочка спросила:

А теперь, кто будет полоть эту пшеничку?

Н е я, сказала утка, - такая работа не для меня. Вообще такая работа мне не подходит.

Н е я, сказала кошка, я бы не смогла отличить сорняки от пшеницы.

Н е я, сказал поросенок, мне не до пшеницы.

О ч е н ь хорошо, я выполю тогда, - сказала рыжая курочка и выполола.

С п у с т я некоторое время пшеница начала созревать.

К а к а я прекрасная пшеница у нас, сказала кошка, утка и поросенок.

Д а , действительно, пора жать пшеницу, - сказала рыжая курочка.

К т о бы пожелал сжать ее для нас?

О ,не я,- сказала кошка.

Н е я, - сказал поросенок.

Н е я, - сказала утка.

.О ч е н ь хорошо, тогда я сожну, - сказала рыжая курочка

درس شست و هفتم

گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید جملات را آنطور که می شنوید تکرار کنید.

Д а т е л ь н ы й падеж. Множественное число.

مفعول غیر صریح. جمع

К о м у помогают русские студенты?

دانشجویان روسی به کی کمک می کنند؟

О н и помогают иностранным туристам.

آنها به توریستهای خارجی کمک می کنند.

и н о с т р а н н ы м студенткам.

دانشجویان خارجی

и н д и й с к и м студентам и студенткам

به دانشجویان (دختر و پسر) هندی

К о м у объясняет преподаватель?

استاد برای چه کسی توضیح می دهد؟

Преподаватель объясняет этим студентам и студенткам.

استاد برای این دانشجویان (دختر و پسر) توضیح می دهد.

к о м у ?

برای کی؟

м о и м друзьям, твоим друзьям, его, ее друзьям, нашим друзьям, вашим друзьям, их

друзьям

برای دوستان من، دوستان تو، دوستان او، دوستان ما و دوستان شما و دوستان آنها

г л а г о л + творительный падеж

فعل بعلاوه حالت گرامری واسطه

П о з н а к о м и т ь с я

آشنا شدن

В с т р е т и т ь с я

ملاقات کردن

Р а з г о в а р и в а т ь

حرف زدن، صحبت کردن

В и д е т ь с я

دیدن یکدیگر

З а н и м а т ь с я

درس خواندن، مطالعه کردن

с кем?

با کی؟

С кем познакомились русские девушки? Они познакомились с индийской студенткой.

دختران روس با کی آشنا شدند؟ آنها با یک دانشجوی هندی آشنا شدند.

С кем разговаривал преподаватель? Он разговаривал со студентами.

استاد با کی صحبت کرد؟ او (مذکر) با دانشجویان صحبت کرد.

И д т и

رفتن (پیاده)

Х о д и т ь

رفتن (پیاده که معمولاً در مورد تکرار عمل بکار می رود)

Е х а т ь

رفتن (سواره)

Е з д и т ь

رفتن (سواره- تکراری)

к у д а ?

کجا؟

с кем?

با کی؟

Ю р а ходил в Большой театр с Таней.

یورا با تانیا به بالشوی تئاتر رفت.

Н а т а ш а ездила в Ленинград со своими друзьями.

ناتاشا با دوستانش به لنینگراد رفت.

б ы т ь где? с кем?

کجا بودن؟ با کی؟

Н а т а ш а была в музее с Таней.

ناتاشا با تانیا در موزه بود. (یا به موزه رفت)

و حالا به دو حرف اضافه В, НА می پردازیم. لطفاً به نمونه هایی که این حروف در آنها بکار برده شده اند توجه فرمائید. سعی کنید آنها را به خاطر بسپارید تا هنگام استفاده دچار اشتباه نشوید. خوشبختانه این نمونه ها در همه جا یکسان است، یعنی در حالات گرامری مفعولی و اضافه حروف اضافه «و» و «تا» به همان شکلی که می شنوید بکار برده می شوند و هیچگونه تغییری نمی کنند. توجه کنید:

в университете, в институте, в стране, в театре, в Москве, в городе, на факультете, на уроке, на родине, на концерте, на улице, на площади

С л о ж н о е предложение

جملات ترکیبی

В о т русский студент. Его зовут Юра. Вот русский студент, которого зовут Юра.

این دانشجوی روس است. اسم او یوراست. این دانشجوی روسی است که نامش یوراست.

و حالا نمونه‌های دیگر:

В о т индийская студентка. Ее зовут Сита. Вот русская студентка, которую зовут Сита.  
У ч е б н и к есть у индийской студентки, которую зовут Сита.  
Н а т а ш а позвонила индийской студентке, которую зовут Сита.  
Я знаю индийскую студентку, которую зовут Сита.  
Н а т а ш а познакомилась с индийской студенткой, которую зовут Сита.  
О н а говорила об индийской студентке, которую зовут Сита.  
Д л я чего Сита изучает русский язык?  
С и т а изучает русский язык, чтобы преподавать его.

و حالا با طرز استفاده کلمه (чтобы برای اینکه) (تا) آشنا می شوید. این کلمه معمولاً با مصدر می آید.

توجه کنید:

ч т о б ы + инфинитив

برای اینکه بعلاوه مصدر

С и т а два раза читала текст, чтобы хорошо знать его. (Сита читала, и Сита будет знать)  
سیتا دوبار متن را خواند تا خوب آن را یاد بگیرد.

ч т о б ы + прошедшее время

تا (برای اینکه) بعلاوه زمان گذشته

П р е п о д а в а т е л ь два раза объяснял текст, чтобы студент хорошо его понял.  
(Преподаватель объяснял, студент понял)  
استاد دوبار متن را توضیح داد تا دانشجو خوب آن را بفهمد.

к о г д а ?

کی؟

К о г д а Сита приехала в Москву? Сита приехала в Москву в прошлом году.

سیتا کی به مسکو آمد؟ سیتا سال گذشته به مسکو آمد.

К о г д а Наташа и Сита ходили в театр? Наташа и Сита ходили в театр на прошлой неделе.

П р е д л о ж н ы й падеж

حالت گرامری اضافه

в этом, в прошлом месяце, в этом, в прошлом году, на этой, на прошлой неделе

و حالا چند جمله پر کاربرد دیگر:

Мне (срочно) нужен врач. فوری احتیاج به دکتر دارم.  
Вызовите, пожалуйста, врача. لطفاً دکتر را صدا کنید.

Я плохо себя чувствую. حالم خوب نیست.

Здесь болит. اینجا درد می کند.

Здесь не болит. اینجا درد نمی کند.

Мне лучше (хуже). حالم بهتره - بدتره

У меня болит голова (живот). سرم (دلّم) درد می کند.

У меня высокая температура. تبم بالاست.

У меня кружится голова. سرم گیج می رود.

У меня насморк. سرما خورم.

Какое лекарство мне нужно принимать? چه داروهایی باید استفاده کنم؟

Мне что-то попало в глаз. یک چیزی رفت توی چشمم.

У меня болит зуб. دندانم درد می کند.

Сколько я должен за визит? چقدر باید بابت ویزیت بپردازم - مذکر

Сколько я должна за визит? چقدر باید بابت ویزیت بپردازم - مؤنث

Что у вас болит? کجایتان درد می کند؟

Откройте рот. دهانتان را باز کنید.

Покашляйте, пожалуйста. لطفاً سرفه کنید.

Сделайте (глубокий) вдох. نفس عمیق بکشید.

Выдохните. نفسستان را بیرون بدهید.

Не дышите. نفس نکشید

Ложитесь сюда. اینجا دراز بکشید.

Я сделаю вам укол. به شما آمپول می زنم.

و حالا به بخش دیگر قصه مرغ پر قرمزی و دانه گندم می پردازیم.

Рыжая курочка отрезала колоски от хлебного злака очень осторожно и положила их в мешок.

مرغ پر قرمزی گندم ها را با احتیاط درو کرد و آنها را توی کیسه گذاشت.

Затем она обратилась к кошке, утке и поросенку.

بعد او رو کرد به گربه، اردک و بچه خوک

А теперь, кто понесет эту пшеницу на мельницу смолоть в муку? - спросила она.

و پرسید: حالا کی این گندم را به آسیاب می برد تا آرد شود؟

Не я, сказала утка, - вы же знаете, я не могу таскать такой тяжелый груз.

اردک گفت: من نمی توانم، شماکه می دانید، من نمی توانم چنین بار سنگینی را حمل کنم.

Н е я, - сказала кошка,- пыль попадет мне в нос и заставит меня чихать.

گرچه گفت: من نمی توانم، گرد و غبار توی دماغم می رود و مرا به عطسه می اندازد.

Н е я, - сказал поросенок, - я не знаю где мельница.

بیچه خوک گفت: من نمی توانم، چون نمی دانم آسیاب کجاست،

О ч е н ь хорошо, сказала рыжая курочка, - тогда я отнесу ее сама.

مرغ پر قرمزی گفت: بسیار خوب، پس خودم آن را می برم،

И т а к, рыжая курочка потащилась на мельницу, и через несколько часов она вернулась с мешком прекрасной муки.

به این ترتیب مرغ پر قرمزی کیسه را به آسیاب برد و بعد از چند ساعت با یک کیسه آرد عالی برگشت.

А теперь, кто будет делать из этой муки хлеб?- спросила рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی پرسید: حالا کی از این آرد نان درست خواهد کرد؟

Н е я, - сказала утка.

اردک گفت: من نمی توانم.

Н е я, - сказала кошка.

گرچه گفت: من نمی توانم،

Н е я, -сказал поросенок.

بیچه خوک هم گفت: من هم نمی توانم.

و حالا یکبار دیگر به این متن توجه کنید:

Р ы ж а я курочка отрезала колоски от хлебного злака очень осторожно и положила их в мешок.

З а т е м она обратилась к кошке, утке и поросенку.

А теперь, кто понесет эту пшеницу на мельницу смолоть в муку?- спросила она.

Н е я, сказала утка, - вы же знаете, я не могу таскать такой тяжелый груз.

Н е я, - сказала кошка,- пыль попадет мне в нос и заставит меня чихать.

Н е я, - сказал поросенок, - я не знаю где мельница.

О ч е н ь хорошо, сказала рыжая курочка, - тогда я отнесу ее сама.

И т а к, рыжая курочка потащилась на мельницу, и через несколько часов она вернулась с мешком прекрасной муки.

А теперь, кто будет делать из этой муки хлеб?- спросила рыжая курочка.

Н е я, - сказала утка.

Н е я, - сказала кошка.

.Н е я, -сказал поросенок

### درس شست و هشتم

ابتدا متنی را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید و سعی کنید جملات را همانگونه که می شنوید به خاطر سپرده مورد استفاده قرار دهید.

Подготовительный факультет МГУ  
دانشکده آمادگی دانشگاه دولتی مسکو

С и т а пригласила новых друзей на подготовительный факультет.  
سیتا از دوستان جدیدش دعوت کرد به دانشکده آمادگی بروند.

Н а т а ш а и Таня пришли к концу занятий.  
ناتاشا و تانیا نزدیک پایان درس به آنجا رسیدند.

Ч е р е з несколько минут из аудиторий начали выходить студенты.  
بعد از چند دقیقه دانشجویان ز کلاس بیرون آمدند.

М н о г и е говорили по-русски. Они говорили не очень хорошо, но девушки понимали их.

خیلی ها به زبان روسی حرف می زدند. زبان روسی آنها زیاد خوب نبود، اما دخترها حرفهای آنها را می فهمیدند.

Подготовительный факультет МГУ для иностранных граждан существует уже много лет.

دانشکده آمادگی دانشگاه دولتی مسکو برای شهروندان خارجی سالهای زیادی است که وجود دارد.

Э т о самый первый подготовительный факультет для иностранной молодежи в нашей стране.

این اولین دانشکده آمادگی برای جوانان خارجی در کشور ما به حساب می آید.

Н а подготовительном факультете учатся студенты из стран Европы, Азии, Африки и Латинской Америки.

دانشجویانی از اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا یلاتین در دانشکده آمادگی درس می خوانند.

О н и учатся на подготовительном факультете один год и сначала изучают только русский язык.

آنها در دانشکده آمادگی یکسال درس می خوانند و ابتدا فقط زبان روسی را یاد می گیرند.

Ч е р е з год они станут студентами основных факультетов Московского университета или других институтов.

بعد از یکسال آنها دانشجویان دانشکده های اصلی دانشگاه مسکو و یا دیگر انستیتوها می شوند.

С т у д е н т ы из каких стран учатся на подготовительном факультете?  
دانشجویان چه کشورهایی در دانشکده آمادگی تحصیل می کنند؟

Н а подготовительном факультете учатся студенты из стран Европы, Азии, Африки и Латинской Америки.

دانشجویانی از اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکا یلاتین در دانشکده آمادگی درس می خوانند.

و حالا از شما دعوت می کنیم به معانی لغات و اصطلاحات توجه فرمائید:



М Г У - Московский государственный университет

دانشگاه دولتی مسکو

п р и ш л и к концу занятий

آخر درس آمدند

Н е с к о л ь к о

چند، چند تا

М и н у т а

دقیقه

А у д и т о р и я

کلاس درس

н а ч а т ь , начну, начнешь,

شروع کردن، آغاز کردن

ч т о ?

چی را؟

М н о г и е (многие студенты)

خیلی، زیاد، دانشجویان زیادی

Г р а ж д а н е

شهروند

Е в р о п а

اروپا

А з и я

آسیا

А ф р и к а

آفریقا

Л а т и н с к а я Америка

آمریکای لاتین

С т а т ь , стану, станешь,

شدن

К е м ?

چه کسی؟

о с н о в н ы е факультеты

دانشکده های اصلی

и з каких стран?

از کدام کشورها؟

П о д о ж д а т ь , подожду, подождешь,

منتظر شدن، انتظار کشیدن

К о г о ?

چه کسی را؟

О к о л о (чего?)

نزدیک (چی)؟

К е м станет (будет) Сита?

سیتا چه کسی خواهد شد؟ (منظور تخصص و یا حرفه شخص است)

О н гражданин

او شهروند است (مذکر)

О н а гражданка

او شهروند است (مونث)

О н и граждане

آنها شهروند هستند (جمع)

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله استاندارد توجه کنید. لطفاً به طرز ساخت جملات، حالت گرامری، پسوندها و کلمات سوالی مورد استفاده در آنها توجه فرمائید.

У меня на блюдце немного меду.

توی بشقاب من کمی عسل است.

В России теперь немного лисиц.

حالا تعداد کمی روباه در روسیه است.

С к о л ь к о дней в месяце?

هر ماه چند روز دارد؟

30 или 31 день.

30 یا 31 روز.

Э т а вода кипяченая?

این آب جوشیده است؟

Э т и картинки цветные?

این عکسها رنگی هستند؟

У нее глаза (такие же) голубые, как небо.

چشمان او مثل آسمان آبی هستند.

Е г о друг не такой высокий, как он.

دوستش به بلندی او نیست.

Ю р а ниже (чем) Петров.

یورا کوتاهتر از پتروف است.

О н самый умный мальчик в классе.

او عاقلترین پسر کلاس است.

И д и сюда!

بیا اینجا!

Н о я же здесь.

من اینجاام.

Иди туда! Твой друг там.

برو آنجا! دوستت آنجاست (مذکر)

Когда бывает солнце на небе?

خورشید کی در آسمان پیدایش می شود؟

Днем.

در روز.

Когда бывают звезды на небе?

ستارگان کی در آسمان پیدا می شوند؟

Ночью, когда нет облаков.

شب، وقتی آسمان ابری نیست.

Я люблю сидеть в лунном свете.

من دوست دارم زیر نور مهتاب بنشینم.

Я могу сидеть там, пока не поднимется солнце.

می توانم تا خورشید بالا نیامده آنجا بنشینم.

Садитесь в тени этой пальмы.

در سایه این نخل بنشینید.

و حالا از شما دعوت می کنیم به آخرین بخش قصه مرغ پر قرمزی و دانه گندم توجه فرمائید:

А теперь, кто будет делать из этой муки хлеб?- спросила рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی پرسید: حالا کی از این آرد نان درست خواهد کرد؟

و بعد از اینکه گربه و اردک و بچه خوک از زیر کار در رفتند او گفت:

Тогда я сделаю, сказала рыжая курочка и сделала.

پس خودم درست می کنم و همان کار را هم کرد.

Скоро буханка была готова для печи.

بزودی خمیر برای رفتن توی تنور آماده شد.

А теперь, кто будет печь этот хлеб?- спросила рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی پرسید: کی این نان را می پزد؟

Не я, - сказала кошка.

گربه گفت: من نمی توانم.

Не я, - сказала утка.

اردک گفت: من هم نمی توانم.

Не я, - сказал поросенок, - я боюсь, что я сожгу его.

بچه خوک گفت: می ترسم آن را بسوزانم.

Очень хорошо, - сказала рыжая курочка, - тогда я сделаю это.

مرغ پر قرمزی گفت: بسیار خوب. پس خودم این کار را می کنم.

Итак, буханка хлеба была испечена, и она была покрыта красивой золотистой корочкой.

به این ترتیب، قرص نان پخته و رویش طلایی و خوشگل شده بود.

Р ы ж а я курочка поставила ее на кухонный стол, а кошка, утка и поросенок вошли в дом и смотрели на нее с завистью.

مرغ پر قرمزی آن را روی میز آشپزخانه گذاشت، گربه و اردک و بچه خوک وارد خانه شدند و با حسادت تمام به آن نگاه کردند.

Н у , а теперь, кто будет есть эту буханку хлеба?- спросила рыжая курочка.

مرغ پر قرمزی پرسید: حالا کی این قرص نان را خواهد خورد؟

Я буду, - сказала утка быстро.

اردک خیلی سریع گفت: من می خورم.

Я буду, - сказала кошка, подвигаясь ближе.

گربه نزدیکتر آمد و گفت: من می خورم.

Я буду, - сказал поросенок, проталкиваясь прямо к столу.

بچه خوک که بقیه را کنار می زد تا خودش را به میز برساند گفت: من می خورم.

О н и столпились вокруг рыжей курочки, каждый стараясь подобраться ближе всего к соблазнительной буханке хлеба, но никто из них не смел тронуть ее.

آنها دور مرغ پر قرمزی جمع شدند. هر یک سعی می کرد به این قرص وسوسه کننده نان نزدیکتر باشد، اما هیچ یک از آنها جرئت نکرد به نان دست بزنند.

О , нет, вы не будете, - сказала рыжая курочка, - я буду есть ее сама.

مرغ پر قرمزی گفت: اوه، نه، نه، شماها آن رو نمی خورید. خودم آن را می خورم.

З а т е м она созвала своих цылята, и они съели целую буханку хлеба.

بعداً مرغ پر قرمزی جوجههایش را صدا کرد و آنها یک قرص کامل نان را خوردند.

Н и крошечки не осталось для утки, кошки и поросенка.

و حتی خردههای آن هم برای اردک، گربه و بچه خوک باقی نماند.

و حالا یکبار دیگر به این متن گوش کنید:

А теперь, кто будет делать из этой муки хлеб?- спросила рыжая курочка.

Т о г д а я сделаю, сказала рыжая курочка и сделала.

С к о р о буханка была готова для печи.

А теперь, кто будет печь этот хлеб?- спросила рыжая курочка.

Н е я, - сказала кошка.

Н е я, - сказала утка.

Н е я, - сказал поросенок, - я боюсь, что я сожгу его.

О ч е н ь хорошо, - сказала рыжая курочка, - тогда я сделаю это.

И т а к , буханка хлеба была испечена, и она была покрыта красивой золотистой корочкой.

Р ы ж а я курочка поставила ее на кухонный стол, а кошка, утка и поросенок вошли в дом и смотрели на нее с завистью.

Н у , а теперь, кто будет есть эту буханку хлеба?- спросила рыжая курочка.

Я буду, - сказала утка быстро.

Я буду, - сказала кошка, подвигаясь ближе.

Я буду, - сказал поросенок, проталкиваясь прямо к столу.

О н и столпились вокруг рыжей курочки, каждый стараясь подобраться ближе всего к соблазнительной буханке хлеба, но никто из них не смел тронуть ее.

О , нет, вы не будете, - сказала рыжая курочка, - я буду есть ее сама.

З а т е м она созвала своих цылята, и они съели целую буханку хлеба.

Н и крошечки не осталось для утки, кошки и поросенка.

خدانگهدارتان!

!Д о свидания



### درس شست و نهم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک دیالوگ (گفتگو) توجه کنید و سپس چند مورد گرامری دیگر را مورد توجه شما قرار خواهیم داد.

#### Диалог گفتگو

Н а т а ш а : Скажите, пожалуйста, когда кончаются занятия?  
ناتاشا: لطفاً بگویید دروسها کی تمام می شوند؟

Д е ж у р н ы й : Через 15 (пятнадцать) минут. А что вы хотите?  
نگهبان کشیک: بعد از ۱۵ دقیقه. کاری داشتید؟

Н а т а ш а : Я хочу увидеть одну индийскую студентку, ее зовут Сита.  
ناتاشا: من می خواستم یک دانشجوی هندی را ملاقات کنم (یا با یک دانشجوی هندی قرار داشته‌م). اسمش سیتا است.

Д е ж у р н ы й : Она занимается на втором этаже.  
نگهبان کشیک: او در طبقه دوم درس دارد. (کلاسش در طبقه دوم است.)

Н а т а ш а : В какой аудитории?  
ناتاشا: در کدام کلاس؟

Д е ж у р н ы й : Сейчас посмотрю... В 23 (двадцать третьей) аудитории.  
نگهبان کشیک: الان نگاه می کنم... در اتاق ۲۳.

Н а т а ш а : Спасибо. Можно подождать около аудитории?  
ناتاشا: متشکرم. می توانم نزدیک کلاس منتظر شوم؟

Д е ж у р н ы й : Пожалуйста.  
نگهبان کشیک: بفرمائید.

و حالا می پردازیم به چند حالت گرامری که شما باید به پسوندهای آنها در جملات توجه فرمائید:

В и н и т е л ь н ы й п а д е ж  
حالت مفعولی - جمع که سؤالهای آن Кого?, Чего? می باشد.

به جملاتی که در جمله فقط فعل دعوت کردن пригласить بکار برده شده است ولی مفعول ها بصورت جمع مذکر و مونث آمده‌اند توجه فرمائید:

К о г о пригласила Сита на подготовительный факультет?  
سیتا چه کسی را به دانشکده آمادگی دعوت کرد?  
С и т а пригласила новых друзей.  
سیتا دوستان جدید را دعوت کرد.  
Р у с с к и х подруг.

دوستان روس (دختر)

Этих студентов.

این دانشجویان را. (پسر)

Этих студенток.

این دانشجویان را (دختر)

Мои родителей.

والدین مرا.

Наших преподавателей.

استادان ما را.

و حالا از شما دعوت می کنیم به طرز کاربرد کلمه «چند، چند تا» توجه کنید که با حالت گرامری اضافه، مالکیت می آید.

Несколько + Родительный падеж

Несколько минут

چند دقیقه

Часов

چند ساعت

Дней

چند روز

Недель

چند هفته

Месяцев

Винительный падеж

حالت مفعولی - مفرد که سؤال های آن Кого?, Чего? است را با کلمه Через به معنی «بعد از» بکار می بریم.

Через минуту, неделю

بعد از یک دقیقه، هفته

Через час, месяц

بعد از یک ساعت، ماه

Через день

بعد از یک روز

Через год

بعد از یک سال

و حالا به حالت گرامری اضافه با استفاده از «بعد از» و «چند» توجه فرمائید:

Через несколько минут, недель  
Через несколько часов, месяцев  
Через несколько дней  
Через несколько лет

و حالا کلمات محبت آمیز هنگام تعریف از کسی

Ты такая красивая

تو چه زیبایی!

Ты такая нежная

تو چه مهربانی!

Ты такая чудесная

تو واقعاً شگفت‌آوری!

Ты так великолепна

تو چه با شکوهی!

Ты так великолепна

تو چه با عظمتی!

Ты такая красивая

تو چه دوست‌داشتنی هستی!

Ты такая привлекательная

تو چه قشنگی!

Ты такая прелестная

تو چه نازی!

Ты такая милая

تو چه شیرینی!

Ты такая чувствительная

تو چه با احساسی!

Ты такая талантливая

تو چه با استعدادی!

Ты такая мудрая

تو چه عاقلی!

Ты такая понимающая

تو چه چقدر فهیمی!

Ты такая нежная

تو چه مهربانی!

Ты такая восхитительная

تو چه مطبوعی!

Ты такая божественная

تو واقعاً آسمانی هستی!

Ты такая преданная

تو چه با وفایی!

Ты такая волшебная

تو مثل فرشته می مانی!

Ты такая необычная

تو باهمه فرق داری! غیر عادی هستی!

Ты такая честная

تو خیلی درستکاری!

Ты такая искренняя

تو چه صادقی!

Ты такая добрая

تو خیلی مهربانی!

Ты такая открытая

تو خیلی فرینده هستی!

Ты такая обаятельная

تو خیلی فرینده هستی!



Ты такая очаровательная

تو خیلی ملیحی!

Ты такая преданная

تو خیلی با وفایی!

Ты такая верная

تو چه وفاداری!

Ты такая изумительная

تو مثل الهه بهشتی میمانی!

Ты такая восхитительная

تو واقعاً خیلی خوبی!

Ты такая одарённая

تو نابغه‌ای!

و حالا به چند جمله سئوالی و امر توجه فرمائید:

Чей воздушный змей летит над нашим домом?

بادبادک چه کسی بالای خانه ما پرواز می کند؟

Это не мой!

مال من نیست!

Кто болен?

کی مریض است؟

Мой друг.

دوستم (مذکر)

Можно мне пойти с вами?

می توانم همراه شما بروم؟

Почему твоя игрушка там?

چرا اسباب بازی تو آنجاست؟

Ты должен взять ее в свою комнату.

تو باید آن را به اتاق خودت ببری.

Сиди на том стуле!

روی آن صندلی بنشین.

Девочки, приходите ко мне!

دخترها به نزد من بیائید!

Можно войти?

می توانم وارد شوم؟

Входите, пожалуйста.

لطفاً وارد شوید.

Я люблю рисовать цветными карандашами.

من دوست دارم با مداد رنگی نقاشی کنم.

Дети должны учиться хорошо.

بچه ها باید خوب درس بخوانند.

Антон может нарисовать стакан за 5 или 10 минут?

آنتون می تواند استکان را در ۵ یا ۱۰ دقیقه بکشد؟

М о ж е т ли он нарисовать бутылку с молоком за 15 минут?

آیا او می تواند بطری شیر را طی ۱۵ دقیقه بکشد؟

Н е т . Он может выпить все молоко за 10 минут!

نه. او می تواند تمام شیر را در ۱۰ دقیقه بنوشد!

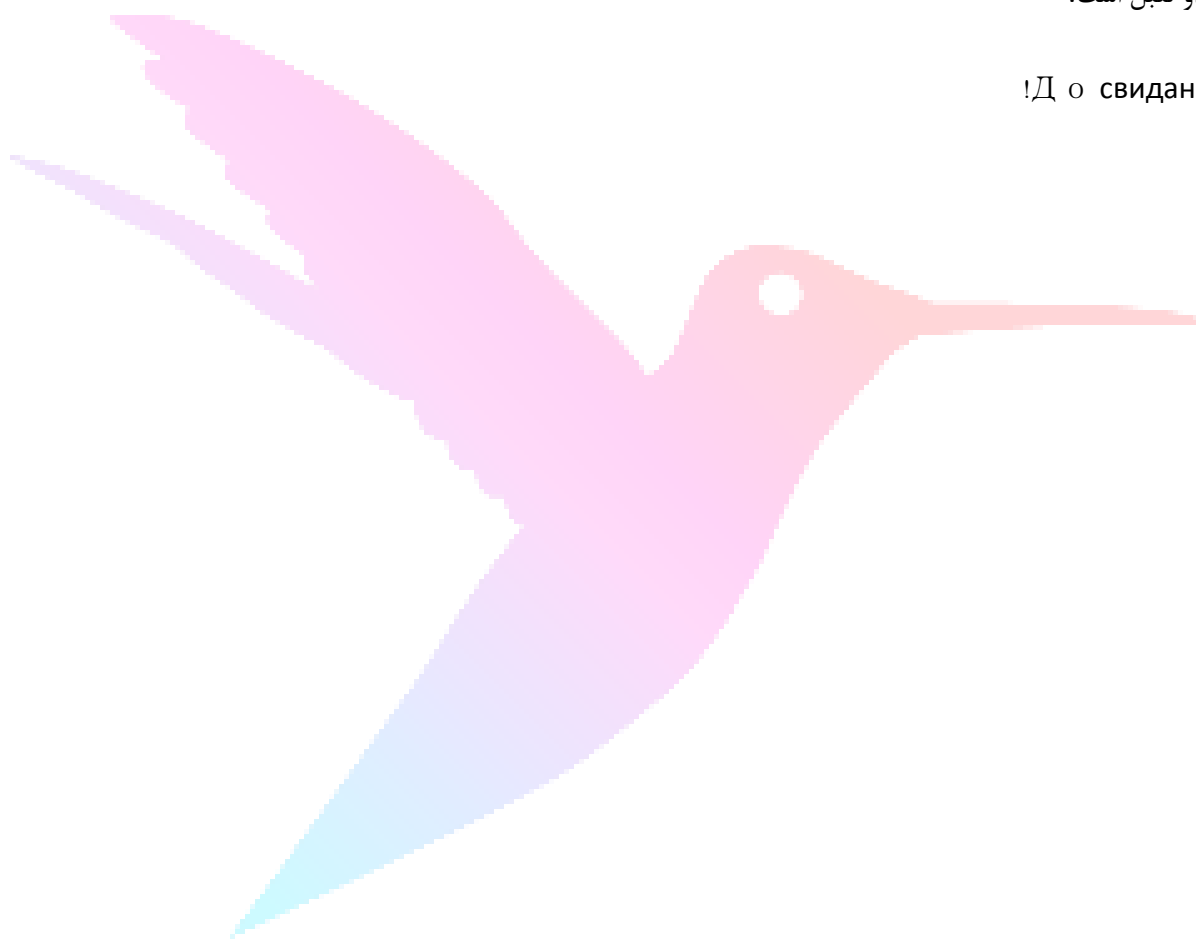
М о ж е т он встать рано?

آیا او می تواند صبح زود بیدار شود؟

Н е т . Он ленивый.

نه. او تنبل است.

!Д о свидания



درس هفتادم

ابتدا در باره چند فعل روسی توضیحاتی برای شما می دهیم. به مثال هایی در رابطه با افعال СТАТЬ, БЫТЬ که با حالت گرامری معیت می آیند توجه فرمائید. ابتدا فعل СТАТЬ و حالت گرامری معیت.

К е м станет Сита через год?

سیتا بعد از یکسال چه خواهد شد؟

Ч е р е з год Сита станет студенткой филологического факультета.

سیتا بعد از یکسال دانشجوی دانشکده زبان شناسی می شود.

К е м станут Наташа и Таня через пять лет?

ناتاشا و تانیا بعد از پنج سال چکاره می شوند؟

Ч е р е з пять лет Наташа и Таня станут преподавателями.

بعد از پنج سال ناتاشا و تانیا استاد می شوند.

Быть و حالا مثال هایی با فعل بودن

В о л о д я инженер.

والودیا مهندس است.

К е м он был раньше?

قبلاً کی بود؟

Р а н ь ш е он был студентом.

قبلاً او دانشجو بود.

Н а т а ш а студентка.

ناتاشا دانشجویست.

К е м она будет?

او چکاره خواهد شد؟

О н а будет преподавателем.

او استاد خواهد شد.

К е м был?

کی بود؟

К е м будет?- кем станет?

کی خواهد شد؟

و اما افعال КОНЧАТЬ, НАЧИНАТЬ, ПРОДОЛЖАТЬ ، پایان دادن، آغاز کردن، ادامه دادن

З а н я т и я кончаются через пятнадцать минут.

درسها بعد از پانزده دقیقه به پایان می رسد.

З а н я т и я начинаются в девять часов.

درسها ساعت ۹ آغاز می شوند.

З а н я т и я п р о д о л ж а ю т с я .

درسها ادامه دارند.

П р е п о д а в а т е л ь к о н ч а е т з а н я т и я ч е р е з п я т н а д ц а т ь м и н у т .

استاد درس را بعد از پانزده دقیقه تمام می کند.

П р е п о д а в а т е л ь н а ч и ن ا е т з а ن y ا ت i ا در د e v a t ь c h a c o v .

استاد ساعت ۹ درس را شروع می کند.

П р е п о د а в а ت e ل ь п р o d o ل ج ا e ت z a ن y ا ت i ا .

استاد درس را ادامه می دهد.

و اما به حالت СВ افعال فوق الذکر که زمان گذشته و آینده فعل را در بر می گیرد و این در صورتی است که عمل یکبار انجام شده باشد و НСВ افعال فوق الذکر که زمان حال و آینده به اضافه زمان آینده فعل Быть را دربرمی گیرد و آن را ترکیبی آینده نیز می نامند. توجه کنید:

К о н ч а т ь (нсв)- кончить (св)

Н а ч и н а т ь (нсв) – начать (св)

П р o d o ل ج ا ت ь (нсв)

Я кончил заниматься.

Н а т а ш а н а ч а л а ч и ت ا ت ь т e k c t .

П р e p o d a v a ت e ل ь p r o d o ل ج a ل t o b ь я c n я т ь п р a в и л o .

و حالا حرف اضافه ОКОЛО، نزدیک، کنار، پهلوی که با حالت گرامری اضافه ملکی می آید. به مثالهایی در این باره توجه فرمائید:

О к о л о а u d и т o р и и

نزدیک کلاس

О к о л о д o m a

نزدیک خانه

О к о л о и н c t и т у т а

نزدیک انستیتو

همانطور که متوجه شدید پسوندهای کلمات аудитории و дома و института پسوندهای مخصوص حالت گرامری اضافه هستند که (ای، آ و آ) می باشند. و حالا بسراغ دو کلمه دیگر можно, надо می رویم که به معنی ممکن است و باید می باشد. این دو کلمه با مصدر فعل می آیند. به مثالهایی در این رابطه توجه کنید.

М о ж н o в o й т и в а u d и т o р и ю ?

ممکن است (یا اجازه هست) وارد کلاس شوم؟

М о ж н o п o c м o ت ر и т ь э т у к н и г у ?

می توان این کتاب را دید یا دیدن این کتاب ممکن است؟

Можно подождать здесь?

می توان اینجا منتظر شد؟

هنگام استفاده از можно, надо از حالت گرامری مفعول بواسطه و مصدر می توان استفاده کرد. به نمونه های دیگری در این زمینه توجه کنید:

Студентам надо заниматься.

Мне надо прочитать этот текст.

Ему можно смотреть телевизор.

و حالا چندین کلمه و جمله پرکاربرد را مورد توجه شما قرار می دهیم.

Прошу прощения...

ببخشید

Простите...

عذر می خواهم

Кто это?

او کیست؟

Что это?

این چیست؟

Почему?

چرا؟ به چه دلیل؟

Зачем? Для чего?

چرا؟ برای چه؟

Когда?

کی، چه وقت؟

Где?

کجا؟

В чем дело?

موضوع از چه قراره؟

Что здесь происходит?

چه اتفاقی اینجا دارد می افتد؟ چه خبره؟

Что случилось?

چی شد؟

Что произошло?

چه اتفاقی افتاد؟

Куда вы едете? Куда вы идете?

کجا می روید؟ (سواره) کجا می روید (پیاده)

Откуда вы прибыли?

از کجا آمدید؟

Чем вы занимаетесь в России?

در روسیه چکار می کنید؟

Это деловая поездка?

این سفر کاری است؟

Вы турист или бизнесмен?

شما توریست هستید یا تاجر؟

Вы находитесь в частной поездке?

سفر شما شخصی است؟

Вы приехали по частному приглашению?

شما با دعوت نامه خصوصی آمده اید؟

Где вы остановились?

کجا اقامت کرده اید؟

Где вы живете?

کجا زندگی می کنید؟

В отеле?

در هتل؟

Да.

بله.

У знакомых?

نزد خویشاوندان؟

Нет.

خیر.

У друзей?

نزد دوستان؟

Нет.

خیر.

Как вам это нравится?

از این خوشتان می آید؟

Хорошая книга.

کتاب خوبی است.

Я могу вам чем-нибудь помочь?

می توانم کمکی به شما بکنم؟

Я хотел бы вас кое о чем попросить.

می خواستم چیزی از شما بپرسم.

Как мне с вами связаться?

چطور می توانم با شما تماس بگیرم.

Вот мой адрес.

بفرمائید این آدرس من.

У вас не найдется для меня пары минут?

یکی دو دقیقه از وقتتان را می توانید در اختیار من بگذارید؟

Я хотел бы сказать вам несколько слов.

می خواستم چند کلمه‌ای با شما صحبت کنم.

و اما حالا آنچه در متروی مسکو اعلام می شود:

Следующая станция «Университет».

ایستگاه بعدی (برای نمونه) دانشگاه.

Осторожно, двери закрываются!

مواظب باشید درها بسته می شوند!

Поезд следует до станции «Юго-Западная».

قطار تا ایستگاه (برای نمونه) جنوب-غرب می رود.

Поезд дальше не идет. Просьба освободить вагоны.

قطار جلوتر نمی رود. خواهشمندیم واگن ها را خالی کنید.

Не прислоняться!

به درها تکیه ندهید!

روی پله برقی گفته می شود:

Стойте справа, проходите слева!

در سمت راست بایستید، در سمت چپ حرکت کنید!

Мне нужно попасть на «Спортивную». Вы не скажете, где нужно сделать пересадку?

من باید به ایستگاه «ورزشی» بروم. کجا باید خط عوض کنم؟

На «Тургеневской».

در ایستگاه «تورگنفسکایا»

## درس هفتاد و یکم

ابتدا چند قانون املائی را مورد توجه شما قرار می دهیم.

بعد از حروف К, Г, Х در کلمه به جای Ъ، باید نوشت И مانند Р У К И  
بعد از حروف Ч, Щ در کلمه به جای Ю باید نوشت У، مانند ТУЧУ  
بعد از حروف Ж, Ш در کلمه به جای Ъ- باید نوشت И، مانند Н О Ж И  
معنی حالت اضافه یا مالکیت

معنی

مثال

توضیحات

شخصی که چیزی به او تعلق دارد

К н и г а б р а т а

کتاب برادر

В о п р о с ы : Ч е й ? Ч ь ё ? Ч ь и ?

Ч ь я к н и г а ?

سئوالات: مال چه کسی (مذکر، مونث و جمع)

کتاب کی؟

ارتباط خانوادگی

М у ж с е с т р ы

شوهر خواهرم

Ч е й ? Ч ья ? Ч ь ё ? Ч ь и ?

Ч е й м у ж ?

شوهر کی؟

ارتباط اجتماعی

С т у д е н т к а и н с т и т у т а

دانشجوی انستیتو (مونث)

К а к о й ? К а к а я ? - о е ? - и е ?

К а к а я с т у д е н т к а ?

چه دانشجویی؟



تعیین بخشی از کل

Ц е н т р города

مرکز شهر

Ц е н т р чего?

مرکز چی؟

مفعولی که جوابگوی عمل است

И з у ч е н и е проблемы

مطالعه مسأله

И з у ч е н и е чего?

مطالعه چی؟

زمان (کامل و دقیق)

Э т о было 12-го апреля 1961-го года

12 آوریل سال ۱۹۶۱ بود

К о г д а ? Число, месяц, год.

کی؟ تاریخ، ماه، سال

مفعول

Х о т е т ь перерыва

زنگ تنفس خواستن

غیبت شخص یا شیئی

Б р а т а нет дома

برادر خانه نیست

С н е г а не было

برف نبود

н е т , не было, не будет

با کلمات، نه، نبود و نخواهد بود

غیبت شخص یا شی زمان حال

У меня нет машины

من ماشین ندارم

Здесь нет музея

اینجا موزه نیست

مقدار

با عدد

МНОГО, мало, сколько, несколько

با کلمات زیاد، کم، چندتا و تعدادی

2, 3, 4 журнала

2، 3، 4 مجله

5-20 журналов

5الی 20 مجله

МНОГО журналов

تعداد زیادی مجله

اندازه

Литр молока

یک لیتر شیر

килограмм, метр, пакет

با کلمات کیلوگرم، متر و پاکت

معنی حالت اضافه یا مالکیت با حروف و کلمات اضافه

معنی

حروف اضافه

مثال

از کجا؟ از چی؟ از کی؟

جای شروع حرکت

Из

از

Приехал из Москвы  
از مسکو آمد

برداشتن چیزی از جایی

С  
از

Поднял с пола  
از کف اتاق بلند کرد (برداشت)

از جایی مثلاً شو، تئاترو غیره آمدن

С  
از

Пришел с концерта  
از کنسرت آمد

ترک جا یا شیی

От  
از

Отшел от театра  
از تئاتر کنار رفت،

ترک شخصی

От  
از

Приехал от сестры  
از نزد خواهرش آمد

نقطه پایان حرکت (به کجا، به چی)

نقطه پایان حرکت در رابطه با شخص یا شیی

До

تا

До ехать до вокзала

رفتن تا ایستگاه راه آهن

جای مفعول (شخص)

طرز قرار گرفتن شخص یا شی در رابطه با شخص یا شی دیگر

Позади پشت

сзади پشت، عقب

около, у نزدیک، پهلو

далеко от،

دور از

недалеко от،

نزدیک به

справа от،

طرف راست از

слева от،

طرف چپ از

внутри،

داخل، درون

Вокруг

دور، اطراف

Находиться позади магазина.

پشت مغازه قرار دارد

Находиться недалеко от центра.

در نزدیکی مرکز قرار دارد

جایی که در ارتباط با شخص باشد

У

در نزد

Была у сестры

او نزد خواهرش بود

جای چند چیز در امتداد چیز دیگر

В д о л ь

امتداد، کنار

В д о л ь у л и ц ы

در امتداد خیابان

جای یک مفعول در احاطه مفعول های دیگر (حالت اضافه جمع)

С р е д и

در بین

Ж и т ь с р е д и л ю д е й

در بین مردم زندگی کردن

جای مفعول در رابطه با حرکت

м и м о

از کنار، روبرو

о к о л о

نزدیک

В д о л ь

در امتداد

м и м о л е с а

Е х а т ь о к о л о о з е р а

в д о л ь р е к и

زمان

زمان انجام کار

в о в р е м я

سروقت، در زمان

в т е ч е н и е

طی

в п р о ц е с с е

در جریان

В о в р е м я в о й н ы

В т е ч е н и е б о л е з н и

دوره مشخصی از عمل بین دو زمان

с ... д о  
از تا

С апреля до августа

از آوریل تا اوت

عملی که بعد از اعمال دیگر رخ دهد

П о с л е

بعد، بعد از

П о с л е экзамена

بعد از امتحان

نقطه آغاز شمارش زمان

С

از

С детства

از دوران کودکی

دوره زمانی تا عمل مشخص

Д о

تا

Д о начала урока

تا شروع درس

Д о обеда

تا ناهار

علت، دلیل (چرا)

دلیل مربوط به دلایل ناخواسته

и з -за

به خاطر، به دلیل

И з -за дождя мы опоздали в кино

به دلیل باران ما دیر به سینما رسیدیم

شخصی که به تقصیر او اتفاقی افتاده باشد

И з -за

به خاطر، به تقصیر

И з -за Виктора я не сделал работу

به خاطر ویکتور من کارم را انجام ندادم

دلیل مربوط به تغییر وضعیت

О т

از

У м е р е т ь от болезни

مردن از بیماری

معانی دیگر

برای

д л я

П р и е х а т ь для участия в конгрессе

آمدن به قصد (برای) شرکت در کنگره

برای

д л я

К у п и т ь книгу для брата

خریدن کتاب برای برادر

П р о ч и т а т ь статью для доклада

خواندن مقاله برای سخنرانی

بدون

б е з

Б е з шапки

بدون کلاه

از

И з

Л о ж к а из серебра

قاشق از نقره

در نزد

У

У брата день рождения

جشن تولد برادر

در نزد

У

У брата есть машина

برادر ماشین دارد

یا در نزد برادر ماشین هست

از

И з

О т

У з н а т ь изжурнала

دانستن از مجله

У з н а т ь от сестры

دانستن از خواهر

و حالا از شما دعوت می کنیم به داستان آب جادو گوش کنید. امروز این داستان فولکلوریک روسی را بدون ترجمه آن خواهید شنید. بد نیست ببینید تا چه حد می توانید به معنی جملات پی ببرید. در درس بعدی دوباره این داستان با ترجمه کامل و توضیحاتی در باره نکات گرامری آن را مورد توجهتان قرار خواهیم داد.

В о л ш е б н а я водица

Ж и л и-были муж с женой. Когда они были молодые, жили хорошо, дружно, никогда не ссорились. Но вот пришла старость, и стали они чаще и чаще спорить друг с другом. Старик скажет старухе слово, а она ему - два, он ей - два, а она ему - пять, он - пять, а она - десять. И такая ссора между ними начинается, что хоть из избы убегай.

А разбираться начнут - никто не виноват.



- Что это мы с тобой, старуха, а? - скажет старик.

- Да это ты, старый, ты все!

- Я? А не ты ли? Со своим длинным языком?

- Не я, а ты!

- Ты, а не я!

И снова ссора начинается.

Вот стала старуха думать, что делать? Как быть? Как жить со стариком дальше? Пошла она к соседке и рассказала ей про свою беду. Соседка ей говорит:

- Я могу помочь твоему горю. Есть у меня волшебная водица. Как старик начнет кричать, ты возьми в рот немного этой водицы. Но, смотри, не проглоти ее, а держи во рту, пока он не успокоится... И все будет хорошо.

И дала она старухе воды в бутылочке. Старуха поблагодарила и пошла домой.

Только она вошла в дом, а старик сразу начал кричать:

- Где ты была? Что делала? Давно уже пора самовар ставить, чай пить, а тебя нет!

Хотела старуха ответить ему, но вспомнила про совет, взяла в рот воды из бутылочки и не проглотила ее, а стала во рту держать.

А старик видит, что старуха не отвечает, и сам замолчал.

Обрадовалась старуха: "Видно, эта водица-то и действительно волшебная!"

Спрятала она бутылочку с волшебной водицей и самовар стала ставить.

- Что это ты там гремишь? - закричал старик. - Самовар поставить не умеешь!

А старуха хотела ему ответить, да вспомнила совет соседки и опять взяла в рот водицу.

Видит старик, что старуха ни словечка ему не отвечает, удивился и... замолчал.

И с тех пор перестали они ссориться и стали жить, как в молодые годы. А все потому, что как только старик начнет кричать, старуха сейчас - за волшебную водицу.

!В о т , сила-то в ней какая



### درس هفتاد و دوم

ابتدا به ایمیل آقای مهدی مولایی پاسخ می دهیم. این شنونده گرامی در ایمیل خود چنین نوشته‌اند:

سلام، من مهدی مولایی ، دانشجوی مهندسی سرویس فنی هواپیما هستم. من زبان روسی نیز می خوانم، ولی چند تا مشکل دارم. لطفاً برای من بفرستید که چگونه باید حروف صدادار روسی را با و بدون تکیه تلفظ کنم.

در پاسخ به سؤال شما باید قبل از هر چیز گفت که شما باید با گوش کردن هر چه بیشتر به این زبان بتدریج طرز تلفظ کلمات دارای حروف صدادار را بیاموزید. و اما تکیه ها طرز تلفظ حروف صدادار را تغییر میدهد: برای نمونه حرف صدادار «O» اگر تکیه روی آن باشد بصورت همان «O» تلفظ می شود و در غیر اینصورت صدایش به «A» تبدیل می شود. به عنوان مثال در این کلمات:

تکیه بر «O»

К о ш к а  
К о т  
С о л н ц е

و اگر تکیه نداشته باشد به این شکل تلفظ می شود:

М о л о к о  
К о р о в а  
М о с к в а

حرف E در صورتی که تکیه بر آن قرار داشته باشد به همان صورت تلفظ می شود مانند:

П е с н я  
М е л ь  
М е ч ь

و در غیر اینصورت صدای آن شبیه И می شود مانند:

М е т л а  
С е л о

باقی حروف صدادار فقط کمی ضعیفتر تلفظ می شوند.

و حالا متنی را مورد توجه شما قرار می دهیم که به ویژه در رابطه با کاریابی مورد استفاده قرار می گیرد. گوش کنید، سعی کنید جملات را همانطور که می شنوید تکرار کرده و به خاطر بسپارید.

-Рад с вами познакомиться (рад вас встретить),Реза.Моя сестра Линда не раз говорила мне о вас.

از آشنایی با شما خوشحالم رضا، لیندا خواهرم بارها در باره شما برایم تعریف کرده است.

-Я также рад познакомиться с вами, Петр.

پیتر، من هم از آشنایی با شما خوشحالم.

-Итак, вы недавно прибыли сюда из Ирана.Сколько времени вы живете в Москве?

خب، شما تازه از ایران آمده‌اید. چند وقت است که در مسکو زندگی می کنید؟

-Я живу здесь около 10 месяцев.

حدود ده ماه است که در اینجا زندگی می کنم.

-Вам нравится здесь?

از اینجا خوشتان می آید؟

-Да.Москва-интереснейший город.

بله، مسکو، شهر جالبیه.

-Вы работаете?

کار می کنید؟

-Да.Но это-грустная история. Я-инженер-электронщик, но без российского опыта. Работаю в настоящее время продавцом на рынке.

بله، اما این ماجرای غم‌انگیزی است. من مهندس برق هستم اما بدون سابقه کار در روسیه. در حال حاضر در بازار به عنوان فروشنده کار می کنم.

-Не падайте духом. Если у вас хорошая профессиональная подготовка, вы рано или поздно найдете работу по специальности.У вас есть резюме?

امیدتان را از دست ندهید. اگر آمادگی حرفه ای شما خوب باشد، دیر یا زود در رابطه با تخصص خود کاری پیدا خواهید کرد. بیوگرافی خودتان را دارید؟

-Да.Оно у меня с собой.

بله، همراهم است.

-Вы можете мне его показать? Я раньше работал в отделе кадров крупной компании.

می توانید آن را به من نشان بدهید. من قبلاً در کارگزینی یک شرکت بزرگ کار می کردم.

-Вот оно.

بفرمائید، این است.

-С таким резюме вы не получите квалифицированной работы.

با چنین بیوگرافی شما کار تخصصی پیدا نخواهید کرد.

-В чем же дело?

اشکالش چیه؟

-Многие люди, ищущие работу, подчеркивают ненужные детали.

خیلی ها که دنبال کار می گردند جزئیات غیر ضروری را برجسته می کنند.

-Но мое резюме должно отражать мой профессиональный опыт, не так ли ?

- اما بیوگرافی کاری من باید بازتاب دهنده تجربه حرفه ای من باشد، مگر نه؟
- Да, конечно. Вы пишете о себе как об инженере-электронщике. Этого недостаточно. Вы, несомненно, обладаете выдающимися знаниями .  
بله، البته. شما به عنوان یک مهندس برق در باره خود نوشته اید. این کافی نیست. بدون شک شما دانش کافی در این زمینه دارید.
- Но какой цели вы добиваетесь ? Какую должность вы хотите иметь?  
اما دنبال چه هدفی هستید؟ چه سمتی می خواهید داشته باشید؟
- Какие именно данные делают вас подходящим для работы в качестве инженера-электронщика, скажем, в компании «Росэнергии»?  
کدام مشخصات شما را برای کار به عنوان مهندس برق مثلاً برای کار در شرکت «روس انرژی» مناسب است؟
- Вы должны (в резюме) показать свой опыт и свои сильные стороны, которые позволят вам выполнять данную работу.  
شما باید در بیوگرافی خود تجربه و نکات قوی را ذکر کنید که امکان انجام کار مذکور را بدهد.
- Порой довольно трудно решить, что следует подчеркивать и что надо опускать.  
اینطور که پیداست تعیین تشخیص اهمیت نکات مشکل می شود.
- Наниматель, главным образом, заинтересован в том, какую пользу вы можете принести его компании. Включите информацию, показывающую, что вы подходите для данной работы.  
کارفرما، اصولاً در این امر دینفع است که شما چه سودی برای کمپانی او خواهید آورد. اطلاعاتی را در بیوگرافی خود شامل کنید که نشان بدهد شما برای کار مورد نظر مناسب هستید.
- А как насчет отсутствия российского опыта? Это же серьезное препятствие в получении работы.  
فقدان تجربه زبان روسی چه می شود؟ این مانع جدی در یافتن کار است.
- Если наниматель поймет, что вы подходящий человек для определенной должности, он назначит вам деловую встречу. Напишите новый вариант резюме и покажите его мне.  
اگر کارفرما بفهمد که شما شخص مناسبی برای سمت مشخصی هستید، او یک دیدار کاری با شما ترتیب خواهد داد. بیوگرافی دیگری بنویسید و آن را به من نشان بدهید.
- Большое спасибо.  
خیلی متشکرم.
- Пожалуйста. Позвоните мне, как только резюме будет готово.  
قابلی ندارد. همینکه تقاضانامه حاوی مشخصات شما آماده شد با من تماس بگیرید.
- و حالا از شما دعوت می کنیم به چند فعل حرکتی Глаголы движения توجه کنید.

И д т и – ехать

رفتن با پای پیاده، رفتن سواره

Б е ж а т ь – летать

دویدن - پرواز کردن

П л ы т ь – ползти

شنا کردن - خزیدن

و حالا به جملات ساده‌ای در این باره توجه فرمائید:

- н идет.
- н едет.
- н бежит.
- н плывет.
- н ползет.

و حالا چند جمله ترکیبی با استفاده از افعال حرکتی.

○ н идет по аллее. Куда вы идете?- В магазин.

П о тропинке идет женщина с корзинкой.

زن با سبد در باریکه راه- کوچه باغ - می رود. (که در اینجا منظور پیاده است)

Я смотрю, как легко и спокойно Вилька идет к поезду, а до поезда ему несколько шагов.

می بینم چقدر راحت و نرم ویلکا به سمت قطار می رود و تا قطار چند قدم بیشتر باقی نمانده است.

Я шел рядом с Варварой Павловной и думал о ее сыне.

من کنار واروارا پاولونا راه می رفتم و درباره پسرش فکر می کردم.

Д о м о й Мария вернулась поздно, позвонила отцу: «Папа, я еду в Москву руководителем делегации.»

ماریا دیر به خانه برگشت به پدرش زنگ زد و گفت: بابا، من به عنوان رئیس هیأت به مسکو می روم.

П о пыльной дороге ехал трактор.

تراکتور در راه خاکی حرکت کرد.

О с т о р о ж н о !Машина едет.

مواظب باشید! ماشین در حرکت است.

○ н едет в город на автобусе.

او با اتوبوس به شهر می رود.

○ н едет верхом.

او سواره می رود.

در رابطه افعال دیگر پرواز و شنا که در واقع به معنی همان رفتن و حرکت کردن است بدون استفاده این افعال در جمله ، جملات ساخته می شوند که در واقع با استفاده از افعال پرواز و شنا کردن منظور حرکت با یک وسیله نقلیه کاملاً منتقل می شود. توجه فرمائید:

С а м о л е т летит в Новосибирск.

هواپیما به نووسیبرسک پرواز می کند.

Т е п л о х о д плывет в Астрахань.

کشتی به سمت آستاراخان در حرکت است.

С м о т р и т е , вон летит самолет!

نگاه کنید، هواپیما دارد پرواز می کند!

По реке плывет теплоход.

کشتی بر رودخانه حرکت می کند.

Он едет в Петербург.

او به پتربورگ می رود.

Нет, он едет не в Петербург, а в Петрозаводск.

نخیر، او به پتربورگ نمی رود، به پتروزاودسک می رود.

Ирина едет к матери?

ایرینا به نزد مادرش می رود؟

Нет, она едет не к матери, а к сестре.

نخیر، او به نزد مادرش نمی رود، سراغ خواهرش می رود.

و حالا لطیفه کوتاهی برایتان می خوانیم:

Шутка

لطیفه، طنز

Куда ты идешь?

کجا می روی؟

Еду рыбу ловить.

ماهیگیری.

Как едешь? Ведь ты пешком идешь, а в руках у тебя не удочка, а коса.

یعنی چه؟ اولاً پیاده می روی و دوماً بجای قلاب، داس دست گرفتی.

Значит, ты идешь сено косить.

یعنی داری می روی درو.

Ну, а если ты видишь, куда я иду, зачем спрашиваешь?

پس اگر می بینی کجا دارم می روم چرا می پرسی؟

### درس هفتاد و سوم

ابتدا متنی مورد توجه شما قرار داده می شود. سپس لغات و اصطلاحات موجود در این درس با معانی آنها خوانده می شوند. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید لغات جدید را به خاطر بسپارید:

Московский государственный университет  
دانشگاه دولتی مسکو

В Московском университете более 16 (шестнадцати) факультетов, на которых учатся более 27.600 (двадцати семи тысяч шестьсот) студентов и более 4.200 (четырёх тысяч двухсот) аспирантов.  
دانشگاه دولتی مسکو بیش از ۱۶ دانشکده دارد که بیش از ۲۷ هزار و ۶۰۰ دانشجو و ۴۲۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد در آن مشغول تحصیل هستند.

В Московском университете учатся молодежь из разных городов России и других стран.  
جوانان از شهرهای مختلف روسیه و دیگر کشورها در دانشگاه دولتی مسکو تحصیل می کنند.

Московский университет – это большой студенческий город, в котором есть всё для занятий и отдыха студентов: библиотека, читальные залы, столовые, магазины; в одном из зданий находится поликлиника; для занятий спортом - прекрасные спортивные залы, бассейн. У студентов есть свой клуб, в котором бывают концерты, интересные вечера.  
دانشگاه مسکو را می توان یک شهر بزرگ دانشجویی نامید که در آنجا همه چیز برای تحصیل و استراحت دانشجویان وجود دارد: کتابخانه، سالن قرائت، غذاخوری، مغازه. در یکی از ساختمانها پلی کلینیک و سالن های بسیار خوب ورزشی و استخر وجود دارد. دانشجویان کلوب خاص خود را دارند که در آنجا کنسرت و برنامه های جالب دیگری برگزار می شود.

Диалог  
گفتگو

Экскурсовод: Вот центральное здание университета. Это самое высокое здание в Европе.  
راهنمای توریستی: این هم ساختمان مرکزی دانشگاه. این بلندترین ساختمان در اروپاست.

Можно поехать на последний этаж этого здания и посмотреть на Москву. Хотите?  
می توان به آخرین طبقه این ساختمان رفت و از آنجا مسکو را تماشا کرد. می خواهید به آنجا بروید؟

Студенты: Хотим.  
دانشجویان: می خواهیم.

Экскурсовод: Но сначала я покажу вам другие здания университета. Справа химический факультет, слева - физический.



راهنما: اما اول به شما ساختمان دیگر دانشگاه را نشان می دهم. سمت راست دانشکده شیمی قرار دارد و سمت چپ دانشکده فیزیک.

С и т а : А где филологический факультет?

سیتا: دانشکده زبان شناسی کجاست؟

Э к с к у р с о в о д : Видите там дальше новое здание?

راهنما: آن ساختمان جدید را کمی دورتر می بینید؟

С т у д е н т ы : Да.

دانشجویان: بله.

Э к с к у р с о в о д : В том здании находится филологический факультет и другие гуманитарные факультеты.

راهنما: در آن ساختمان دانشکده زبان شناسی و دیگر دانشکده های علوم انسانی قرار دارد.

С л о в а и выражения

لغات و اصطلاحات

27.600

Т ы с я ч а

هزار

4.200

А с п и р а н т

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد

Р а з н ы й

گوناگون

Е с т ь все

همه چیز هست (وجود دارد)

О т д ы х

استراحت

З а л

سالن

С т о л о в а я

غذاخوری

В одном из зданий

در یکی از ساختمانها

П о л и к л и н и к а

پلی کلینیک

З а н я т и я спортом

ورزش کردن

Б а с с е й н

استخر

К л у б

کلوب

Э к с к у р с о в о д

راهنمای توریستی

В ы с о к и й , -ая, -ое, -ие

بلند- مرتفع

Х и м и ч е с к и й ф а к у л ь т е т

دانشکده شیمی

Ф и з и ч е с к и й ф а к у л ь т е т

دانشکده فیزیک

В т о м з д а н и и

در این ساختمان

Г у м а н и т а р н ы е ф а к у л ь т е т ы

دانشکده علوم انسانی

О н а с п и р а н т - о н а а с п и р а н т к а

او دانشجوی کارشناسی ارشد (مذکر) – او دانشجوی کارشناسی ارشد (مونث)

С п о р т -с п о р т и в н ы й

ورزش - ورزشی

С п о р т и в н ы й з а л

سالن ورزشی

Ц е н т р - ц е н т р а л ь н ы й

مرکز- مرکزی

Ц е н т р а л ь н о е з д а н и е

ساختمان مرکزی

Ч и т а т ь - ч и т а л ь н ы й

خواندن - خواندنی، قرائت

Ч и т а л ь н ы й з а л

سالن قرائت

و حالا قصه ای برایتان خوانده می شود.

В о л ш е б н а я в о д и ц а

آب جادو

Ж и л и -б ы л и м у ж с ж е н о й .

یکی بود یکی نبود، زن و شوهری با هم زندگی می کردند.

К о г д а о н и б ы л и м о л о д ы е , ж и л и х о р о ш о , д р у ж н о , н и к о г д а н е с с о р и л и с ь .

وقتی جوان بودند، خوب زندگی می کردند، دوستانه و هیچ وقت دعوا نمی کردند.

Но вот пришла старость, и стали они чаще и чаще спорить друг с другом.

اما دوران پیری سر رسید و آنها بیشتر و بیشتر با هم دعوایشان می شد.

Старик скажет старухе слово, а она ему - два, он ей - два, а она ему - пять, он - пять, а она - десять.

پیرمرد اگر یک کلمه به پیرزن می گفت، پیرزن دوتا جوابش را می داد و اگر پیرمرد دوتا می گفت، او پنج تا و اگر او پنج تا، پیرزن ده تا جوابش را می داد.

И такая ссора между ними начинается, что хоть из избы убегай.

و چنان دعوایی بین آنها در می گرفت که فقط فرار از کلبه باقی می ماند.

А разбираться начнут - никто не виноват.

وقتی می نشستند تا ببینند تقصیر کی بوده، معلوم می شد هیچ کدام مقصر نبودند.

- Что это мы с тобой, старуха, а? - скажет старик.

پیرمرد می گفت: هی، پیرزن، چرا به پر و پای هم می پیچیم، ها؟

- Да это ты, старый, ты все!

همش تقصیر تو، تو پیرمرد.

- Я? А не ты ли? Со своим длинным языком?

من؟ یا تو؟ با آن زبان درازت؟

- Не я, а ты!

نه من، تو!

- Ты, а не я!

تو، نه من!

И снова ссора начинается.

و دوباره دعوا شروع می شد.

Вот стала старуха думать, что делать? Как быть? Как жить со стариком дальше?

پیرزن شروع کرد به فکر که چکار باید کرد؟ چه چاره‌ای بیاندیشد؟ چطور با این پیرمرد زندگی کند؟

Пошла она к соседке и рассказала ей про свою беду. Соседка ей говорит:

او نزد همسایه رفت و مشکل خودش را با او در میان گذاشت. همسایه به او گفت:

- Я могу помочь твоему горю. Есть у меня волшебная водица. Как старик

начнет кричать, ты возьми в рот немного этой водицы.

می توانم مشکل تو را حل کنم. من آب جادویی در اختیار دارم که تا پیرمرد شروع کرد به داد و فریاد، تو باید یک کمی از آن را توی دهانت بریزی.

Но, смотри, не проглоти ее, а держи во рту, пока он не успокоится... И все будет хорошо.

اما حواست باشد که آن را قورت ندهی و فقط توی دهانت نگه داری تا پیرمرد آرام شود. اگر این کار را بکنی همه چیز روبراه خواهد شد.

И дала она старухе воды в бутылочке. Старуха поблагодарила и пошла домой.

او یک شیشه کوچک آب به پیرزن داد. پیرزن از او تشکر کرد و به خانه رفت.

Только она вошла в дом, а старик сразу начал кричать:

به محض ورود پیرزن به خانه، پیرمرد شروع کرد به داد زدن:

- Где ты была? Что делала? Давно уже пора самовар ставить, чай пить, а тебя нет!

کجا بودی؟ چکار کردی؟ خیلی وقت پیش باید سماور را روشن می کردی تا چای بنوشیم، ولی خبری از تو نیست!

Хотела старуха ответить ему, но вспомнила про совет, взяла в рот воды из бутылочки и не проглотила ее, а стала во рту держать.

پیرزن می خواست جوابش را بدهد، اما یاد توصیه (همسایه) افتاد، کمی از آب شیشه را به دهان برد و قورتش نداد و در دهان نگه داشت.

А старик видит, что старуха не отвечает, и сам замолчал.

پیرمرد که دید پیرزن جوابش را نمی دهد، خودش ساکت شد.

Обрадовалась старуха: "Видно, эта водица-то и действительно волшебная!"

پیرزن خوشحال شد: معلومه که این آب واقعاً آب جادویی است!

Спрятала она бутылочку с волшебной водицей и самовар стала ставить.

پیرزن شیشه را در جایی قایم کرد و سماور را روشن کرد.

- Что это ты там гремишь? - закричал старик. - Самовар поставить не умеешь!

پیرمرد دوباره صدایش درآمد: چه خبره این قدر سرو صدا راه انداختی؟ سماور روشن کردن هم بلد نیستی!

А старуха хотела ему ответить, да вспомнила совет соседки и опять взяла в рот водицу.

پیرزن می خواست جوابش را بدهد، اما به یاد توصیه همسایه افتاد و دوباره کمی از آن آب را در دهان نگه داشت.

Видит старик, что старуха ни словечка ему не отвечает, удивился и... замолчал.

پیرمرد دید پیرزن یک کلمه هم جوابش را نمی دهد تعجب کرد و ساکت شد.

И с тех пор перестали они ссориться и стали жить, как в молодые годы. А все потому, что как только старик начнет кричать, старуха сейчас - за волшебную водицу.

از آن زمان تا کنون مثل سالهای جوانی دیگر دعوایشان نشد. تا پیرمرد شروع می کرد به فریاد زدن، پیرزن بلافاصله می دوید سراغ آب جادو.

Вот, сила-то в ней какая!

آب جادو، واقعاً که چه قدرتی داشت!

### درس هفتاد و چهارم

ابتدا چند نمونه از جملات ترکیبی را مورد توجه شما قرار می دهیم:

Э т о студенческий город. В студенческом городе есть все для студентов.

این شهر دانشجویی است. در شهر دانشجویی همه چیز برای دانشجویان هست.

Э т о студенческий город, в котором есть все для студентов.

این شهر دانشجویی است که در آن همه چیز برای دانشجویان هست.

همانطور که متوجه شدید این دو جمله به کمک کلمه ربط (в котором) که در آن بهم پیوند خورده‌اند. به نمونه هایی دیگری از این نوع جملات ترکیبی توجه فرمائید:

Э т о студенческое общежитие. В студенческом общежитии живут студенты.

این خوابگاه دانشجویی است. در خوابگاه دانشجویی دانشجویان زندگی می کنند.

Э т о студенческое общежитие, в котором живут студенты.

این خوابگاه دانشجویان است که در آن دانشجویان زندگی می کنند.

Э т о студенческая столовая.

این غذاخوری دانشجویی است.

В студенческой столовой сейчас много народу.

در غذاخوری دانشجویی الان خیلی شلوغ است (یا آدم زیاد است)

Э т о студенческая столовая, в которой сейчас много народу.

این غذاخوری دانشجویی است که الان در آن آدم زیاد است (که الان خیلی شلوغ است)

В Московском университете более шестнадцати факультетов.

در دانشگاه مسکو بیش از شانزده دانشکده است.

Н а этих факультетах учатся студенты и аспиранты.

در این دانشکده ها دانشجویان و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد تحصیل می کنند.

В Московском университете более шестнадцати факультетов, на которых учатся студенты и аспиранты.

در دانشگاه مسکو بیش از شانزده دانشکده وجود دارد که دانشجویان و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد در آنها تحصیل می کنند.

Ч исл ит ельн ое ты сяч а (1.000)

حالا از شما دعوت می کنیم به باصطلاح صرف عدد هزار توجه فرمائید، به ویژه به پسوندهای گرامری آنها.

О д н а ты сяч а

یک هزار

Д в е , т р и – ты сяч и

دو، سه هزار

Ч е т ы р е , п я т ь , ш е с т ь - ты сяч

...

Д в а д ц а т ь

Т ы с я ч а + р.п., мн.ч.

هزار بعلاوه حالت گرامری مالکیت، اضافه که بعد از آن حالت جمع اسم می آید.

Т ы с я ч а студентов

هزار دانشجو

Т р и тысячи студентов

سه هزار دانشجو

В о с е м ь тысяч студентов

هشت هزار دانشجو

М е с т о и м е н и е всё

ضمیر) همه) всё

В университете есть всё: и библиотеки, и читальные залы, и поликлиника, и магазин.  
در دانشگاه همه چیز هست: کتابخانه، سالن های قرائت، پلی کلینیک و مغازه.

Н а т а ш а купила всё: и учебники, и тетради, и словари.

ناتاشا همه چیز را خرید: کتابهای درسی، دفترچه ها و لغتنامه.

Ю р а взял с собой всё: и билет, и карту Ленинграда, и фотоаппарат.

یورا همه چیز را با خودش برد: بلیط، نقشه لنینگراد و دوربین عکاسی.

У к а з а т е л ь н о е местоимение: тот, та, то, те

ضمیر های اشاره آن، برای نمونه:

Х и м и ч е с к и й факультет находится в этом здании, а физический в том.

دانشکده شیمی در این ساختمان قرار دارد و فیزیک در آن.

کار حالت گرامری اضافه یا مالکیت

عمل

مثال

فاعل

Виктор нет дома.  
ویکتور خانه نیست (به پسوند اسامی توجه کنید در حالت گرامری اضافه مورد استفاده قرار می‌گیرد)

У Виктора есть машина.  
ویکتور ماشین دارد.

У ребенка температура.  
بچه تب دارد.

مفعول

Он не читал газеты.  
او روزنامه نخواند.

У меня нет книги.  
من کتاب ندارم.

Решение задачи было простым.  
حل مسأله ساده بود.

صفت

Это гражданин России.  
این شهروند روسیه است.

Вот лаборатория института.  
این آزمایشگاه انستیتو است.

Я люблю стихи Пушкина.  
من اشعار پوشکین را دوست دارم.

Это сигареты первого сорта.  
اینها سیگارهای درجه عالی هستند.

Я студент Университета дружбы народов.  
من دانشجوی دانشگاه دوستی ملل هستم.

Я люблю пить чай без молока.  
من چای بدون شیر را دوست دارم.

قید مکان

Памятник находится

Он приехал из

около  
у  
позади музея.  
недалеко  
справа от

Африки.

قید زمان

Это было

во время войны.  
с утра до вечера.  
с детства.  
после уроков.  
до начала уроков.  
12 апреля 1961 года

قید غیرمستقیم در ساختار غیر مشخص

Студентам трудно слушать лекции.

трудно  
интересно  
холодно  
жаль

надо  
нужно



н е о б х о д и м о  
м о ж н о  
н е л ь з я

в и д н о  
с л ы ш н о  
п о н я т н о

اشکال کوتاه صفات

М н е н у ж е н с л о в а р ь  
н у ж е н -А, -О, -Ы  
н е о б х о д и м -А, -О, -Ы

Я р а д п р и е з д у  
р а д -А, -Ы  
с ч а с т л и в -А, -Ы

اسامی

Э т о з я в л е н и е р е к т о р у

این تقاضا برای مدیر است.

п и с ь м о  
о т в е т  
т е л е г р а м м а

п о с ы л к а  
и з в е щ е н и е  
п о д а р о к

п о м о щ ь  
с о в е т  
з я в л е н и е

کار حالت مفعول غیر صریح با حروف ربط

Function

Question

Preposition

Example

مفعول (یا شخصی) که هدف حرکت است

-куда?

-к кому?

-к

И д т и к врачу

П о д ъ е х а т ь к д о м у

جای مفعول روی سطح

-где?

-по

Д в и г а т ь с я п о с т о л у

Е х а т ь п о у л и ц е

حدود زمانی

-когда?

-к какому сроку?

-к

К зиме

К экзамену

مشخص کردن زمان عمل (تکرار)

-когда?

-как часто?

-по + Д.п.

-мн.ч.

По четвергам

دلیلی که به نتیجه خوبی بیانجامد

-почему?

-благодаря чему?

-благодаря

Б л а г о д а р я т р у д у

علت، انگیزه

-по чему?

-по

О п р е д е л и т ь п о ц в е т у

У й т и п о б о л е з н и

وسایل ارتباطی

-по

По телефону, по радио

По телевизору

صبح بخیر

Д о б р о е Утро!

روز بخیر

Д о б р ы й день!

عصر بخیر.

Д о б р ы й вечер!

شب بخیر

Д о б р о й ночи!

سلام! حال شما چگونه؟

З д р а в с т в у й т е ! Как дела?

سلام

П р и в е т !

خوش آمدید!

Д о б р о пожаловать!

حالت چگونه؟

К а к поживаешь?

خوبی؟

К а к ты себя чувствуешь?

امیدوارم تندرست و سالم باشی.

Н а д е ю с ь , ты себя хорошо чувствуешь.

حالم زیاد جا نیست.

Д а , кажется не очень хорошо.

زندگی بر وفق مراد می گذرد؟

К а к поживаешь?

بد نیست، متشکرم، شما چطورید؟

В п о л н е Хорошо, спасибо. А как ты?

خوبم، و شما؟

Х о р о ш о , а как ты?

ئی بگی نگی.

Т а к себе.

بد نیستم.

Н е п л о х о .

سلامتید؟

К а к твоё здоровье?

مریض که نیستید؟

Т ы не болеешь?

همه چیز روبراهه؟

В с ё в порядке?

تو خوبی؟

Т ы в порядке?

همه چیز واقعاً خوبه؟

У тебя правда всё хорошо?

یک لطیفه پایان بخش این درس خواهد بود. یک نکته را قبل از تعریف این لطیفه برای شما باید یادآوری کنم و آن اینکه بالاترین نمره در مدارس و دانشگاهها نمره ۵ است.

Р а з г о в а р и в а ю т два профессора:

-Если я на экзамене хоть одну четверку поставлю, меня вся группа на руках носить будет!

-А если я хоть одну тройку поставлю, меня тоже группа на руках носить будет!

П о д х о д и т декан:

-А если я вас обоих уволю, меня весь факультет на руках носить будет.

دو تا پروفسور دانشگاه با هم گپ می زنند:

اولی: اگر من سر امتحان شده فقط به یک نفر نمره چهار بدهم، تمام کلاس مرا رو دست بلند خواهد کرد.

دومی: چپی می گی؟ اگر بالاترین نمره ای که به کسی می دهیم، حتی شده به یک نفر، سه باشد، همه کلاس منو سر درس بلند خواهند کرد!

در این موقع رئیس دانشکده به آنها نزدیک شد و گفت: و اگر من هر دوی شما را اخراج کنم، تمام دانشکده مرا روی دست بلند خواهد کرد!



درس هفتاد و پنجم

از آشنایی شما با چند نکته گرامری شروع کنید. لطفاً گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

عمل حالت مفعول غیر صریح

عمل

مثال

فاعل

Б р а т у плохо

برادرم حالش خوب نیست.

Б р а т у надо лечиться

برادرم باید معالجه کند.

برادرم باید دوره معالجه را بگذراند.

Б р а т у 17 лет

برادرم ۱۷ سال دارد.

Б р а т у удалось решить задачу

برادرم توانست مسأله را حل کند.

Б р а т у нужен словарь

برادرم به لغتنامه نیاز دارد

Б р а т у нравится балет

برادرم از باله خوشش می آید.

مفعول.

О н позвонил другу

او به دوستش زنگ زد.

Я дал другу книгу

او کتاب را به دوستش داد.

Э т о заявление декану  
این تقاضانامه برای مدیر است.

صفت.

М ы слушали лекцию по истории  
ما درس تاریخ را شنیدیم.

قید مکان

М ы подошли к лесу  
ما به جنگل رسیدیم.

М ы долго ходили по лесу  
ما مدت طولانی در جنگل گردش کردیم.

قید زمان

Я сделал работу к утру  
من کار را تا صبح تمام کردم.

علت

Я решил свои проблемы благодаря помощи друзей  
من به کمک دوستان مشکل خودم را حل کردم (برطرف کردم)

حالت مفعولی بدون حروف اضافه

معنی

مثال

مفعول

Л ю б и т ь сестру  
خواهرش را دوست دارد

Р и с о в а т ь картину



تابلو کشیدن را دوست دارد

زمان

У ч и т ь с я о д и н г о д

یکسال تحصیل کند

О т д ы х а т ь о д н у н е د e ل ю

یک هفته استراحت کند

З а н и м а т ь с я в e c ь д e н ь

تمام روز کار کند.

З а н и м а т ь с я к а ж д у ю с р e د u

هر چهارشنبه کار کند (درس بخواند)

وزن

В e c и т ь o д н у т o н н у

یک تن وزن دارد

قیمت

С т o и т ь o д н у т ы с я ч у

قیمت آن هزار است.

حالت مفعولی با حروف اضافه

عمل

سؤال

حرف اضافه

مثال

هدف حرکت

к у д а ?

-в

-на  
-за  
-под

П р и е х а т ь в Москву  
П о й т и на занятие  
П о й т и за угол  
П о л о ж и т ь под книгу

مفعولی که باید کنار گذاشته شود

ч е р е з ?  
ч т о ?  
к а к ?

ч е р е з  
с к в о з ь

П е р е й т и через улицу  
از خیابان گذشتن

И д т и сквозь толпу  
از میان جمعیت گذشتن

زمان

ساعت

к о г д а ?  
-в

В 2 часа  
روزهای هفته

к о г д а ?  
-в

В среду

زمان وقوع عمل

к о г д а ?

-в

В годы войны

تکرار عمل

к а к часто?

-в

2 раза в неделю

زمان مشخص بعد از فعل

н а какое? время?

-на

П р и г л а с и т ь на среду на 21-ое октября.

Г л а г о л ы движения:

П р и е х а т ь на два дня

О с т а в а т ь с я на 2 дня

Д а т ь на 2 дня, и т.п.

زمان ضروری برای دریافت نتیجه

з а какое время?

-за

Р е ш и т ь задачу за минуту

زمان مشخص

к о г д а ?

-через

П р и е д у через час

عمل حالت مفعولی با حروف اضافه در ترکیب با حالت اضافه یا مالکیت با استفاده از حروف اضافه

زمان شروع و پایان عمل

کی؟

حالت مفعولی за +

حالت اضافه یا مالکیت до +

З а день до праздника

Specific time-period after the starting point

کی؟

حالت مفعولی через +

حالت اضافه یا مالکیت после +

Ч е р е з неделю послеэкзаменов

حالت مفعولی در جمله

عمل

مثال

مفعول

Я люблю сестру.

من خواهرم را دوست دارم

فاعل در ساختار

Я пишу письмо.  
من دارم نامه می نویسم.

تغییردهنده ها

مکان

Я приехал в Москву.  
من به مسکو آمدم.

Он положил книгу на стол.  
او کتاب را روی میز گذاشت

Мы перешли улицу.  
ما از خیابان رد شدیم.

زمان

Я буду учиться 5 лет.  
من ۵ سال درس خواهم ماند.

Я хожу в бассейн каждую неделю.  
هر هفته به استخر می روم.

Лекция начнется в 2 часа.  
درس ساعت ۲ شروع می شود.

Я был в кино в среду.  
من روز چهارشنبه به سینما رفتم.

Я был в Москве в дни каникул.  
روزهای تعطیل مسکو بودم.

Я занимаюсь музыкой 2 раза в неделю.  
من دو بار در هفته کلاس موسیقی می روم.

Мы пригласили друзей на субботу.  
ما از دوستان دعوت کردیم روز شنبه به خانه ما بیایند.

Я приехал в Москву на 5 лет.  
برای ۵ سال به مسکو آمدم.

Он решил задачу за минуту.  
او مسأله را طی یک دقیقه حل کرد.

Я приеду через час.  
یکساعت بعد می آیم.

За 2 дня до праздника он заболел.  
او دو روز قبل از جشن مریض شد.

Через неделю после экзаменов она уехала.  
یک هفته بعد از امتحانات او رفت.

پسوند اسامی در حالت واسطه

مفرد

جمع

-OM

به اسامی مذکر و خنثی با صدای سخت تعلق می گیرد مانند:

-ножом, лекарством

-EM

به اسامی مذکر و خنثی با صدای نرم تعلق می گیرد مانند:

-циркулем

-OЙ

به اسامی مونث که به صدای نرم ختم شده باشد و اسامی مذکری وصل می شود که به حرف

-A

ختم شده باشند

-Ей

به اسامی که به صدای نرم ختم شده باشند وصل می شود  
اسامی مونث که آخرین حرف آنها

- b

باشد به

-(b) Ю

ختم می شوند

-АМИ

به اسامی مذکر، مونث و خنثی که به صدای سخت ختم می شوند تعلق می گیرد

-ЯМИ

به اسامی مذکر و مونث و خنثی که به صدای نرم ختم می شوند تعلق می گیرند

به خاطر بسپارید که اگر صدای اسامی به حروف

Ц,Ж,Ш,Ч,Щ

ختم شوند و پسوند آخر بدون تکیه باشد، اسامی به جای آنکه

-ОМ, - ОЙ

بگیرند به پسوندهای

-ЕМ, -ЕЙ

ختم خواهند شد. به عنوان مثال:

( -ножом, лицом, плечом).ма-товарищем, юношей, ученицей )

حالت واسطه با و بدون حروف اضافه مورد استفاده قرار می گیرند

حالت واسطه با حروف اضافه

عمل

مثال

وسیله‌ای که عمل توسط آن انجام می شود

П и с а т ь карандашом

با مداد نوشتن

В з я т ь рукой

با دست گرفتن

مفعول قابل اداره

Управлять машиной, руководить институтом  
هدایت ماشین، اداره انستیتو

سازنده عمل

Картина написана художником  
تابلو توسط نقاش ترسیم شده است (ساخته شده است)

بعد از افعال казаться, стать, быть

Стать профессором, являться столицей  
پروفسور شدن، پایتخت بودن

نوع عمل (چطور)

Говорить громким голосом  
با صدای بلند حرف زدن

Мне надо идти. بروم. باید بروم.

До свидания. خداحافظ.

Пока. فعلاً.

До встречи. تا دیدار بعدی.

До скорого свидания. به امید دیدار در آینده نزدیک.

Увидимся позднее. دیرتر همدیگر را می بینیم.

Всего наилучшего. با آرزوی بهترینها.

Удачи! موفق باشی!

Передавай привет.. سلام منو برسون..

Надеюсь вскоре встретиться с тобой. امیدوارم بزودی ببینمت.

Я позвоню тебе позднее. بعد باتو تماس می گیرم.

Счастливого пути! سفر خوبی داشته باشی!

Не болей. Будь здорова. مریض نشو، سلامت باش.

! Береги здоровье! مواظب خودت باش!

До новых встреч. تا دیدارهای بعدی.

Пиши. بنویس.

Вот мой адрес. این آدرس من.



به عنوان یادگاری. Это на память.

موفق باشی! Успехов!

خواب های خوب ببینی! Приятных снов!

شاد باش! Счастливо!

می بینمت! Увидимся!

و حالا این درس را با یک جوک به پایان می بریم.

В зоопарке умирает последняя горилла. На её место руководство зоопарка берёт одного студента. Он кричит, прыгает и по клетке, в общем ведёт себя, как настоящая горилла. Внезапно он теряет равновесие и падает в клетку со львом! "На помощь! Помогите!", - кричит студент. Тут слышит шёпот "льва": "Закрой рот, иначе мы оба лишимся работы!"

در باغ وحش آخرین گوریل می میرد و مدیر باغ وحش به جای او دانشجویی را استخدام می کند. او فریاد می زند، توی قفس بالا و پایین می پرد و حلاصه اینکه مثل یک گوریل واقعی رفتار می کند. هنگام یکی از جست و خیزهایش تعادلش بهم می خورد و می افتد توی قفس شیر! دانشجو شروع می کند به داد و فریاد راه انداختن: کمک! کمک! به دادم برسید! که پچ پچ شیر به گوشش می رسد: دهننتو ببند، و الا هر دو بیکار می شیم!

### درس هفتاد و ششم

ابتدا متنی را که به ویژه در رابطه با کارهایی مورد استفاده قرار می گیرد و در چند برنامه قبلی قسمت اول آن پخش شد را مورد توجه شما قرار می دهیم. گوش کنید، سعی کنید جملات را همانطور که می شنوید تکرار کرده و به خاطر بسپارید.

-Рад с вами познакомиться (рад вас встретить),Реза.Моя сестра Линда не раз говорила мне о вас.

از آشنایی با شما خوشحالم رضا، لیندا خواهرم بارها در باره شما برایم تعریف کرده است.

-Я также рад познакомиться с вами, Петр.

پیتر من هم از آشنایی با شما خوشحالم.

-Итак, вы недавно прибыли сюда из Ирана.Сколько времени вы живете в Москве?

خب، شما تازه از ایران آمده‌اید. چند وقت است که در مسکو زندگی می کنید؟

-Я живу здесь около 10 месяцев.

حدود ده ماه است که در اینجا زندگی می کنم.

-Вам нравится здесь?

از اینجا خوشتان می آید؟

-Да. Москва-интереснейший город.

بله، مسکو، شهر جالبیه.

-Вы работаете?

کار می کنید؟

-Да.Но это-грустная история. Я-инженер-электронщик, но без российского опыта. Работаю в настоящее время продавцом на рынке.

بله، اما این ماجرای غم‌انگیزی است. من مهندس برق هستم اما بدون سابقه کار در روسیه. در حال حاضر در بازار به عنوان فروشنده کار می کنم.

-Не падайте духом. Если у вас хорошая профессиональная подготовка, вы рано или поздно найдете работу по специальности.У вас есть резюме?

امیدتان را از دست ندهید. اگر آمادگی حرفه ای شما خوب باشد، دیر یا زود در رابطه با تخصص خود کاری پیدا خواهید کرد. بیوگرافی خودتان را دارید؟

-Да.Оно у меня с собой.

بله، همراهم است.

-Вы можете мне его показать? Я раньше работал в отделе кадров крупной компании.  
می توانید آن را به من نشان بدهید. من قبلاً در کارگزینی یک شرکت بزرگ کار می کردم.

-Вот оно.  
بفرمائید، اینهاش.

-С таким резюме вы не получите квалифицированной работы.  
با چنین بیوگرافی شما کار تخصصی پیدا نخواهید کرد.

-В чем же дело?  
اشکالش چیه؟

-Многие люди, ищущие работу, подчеркивают ненужные детали.  
خیلی ها که دنبال کار می گردند جزئیات غیر ضروری را برجسته می کنند.

-Но мое резюме должно отражать мой профессиональный опыт, не так ли ?  
اما بیوگرافی کاری من باید بازتاب دهنده تجربه حرفه ای من باشد، مگر نه؟

-Да, конечно. Вы пишете о себе как об инженере-электронщике. Этого недостаточно. Вы, несомненно, обладаете выдающимися знаниями .  
بله، البته. شما به عنوان یک مهندس برق در باره خود نوشته اید. این کافی نیست. بدون شک شما دانش کافی در این زمینه دارید.

Но какой цели вы добиваетесь ? Какую должность вы хотите иметь ?  
اما دنبال چه هدفی هستید؟ چه سمتی می خواهید داشته باشید؟

Какие именно данные делают вас подходящим для работы в качестве инженера-электронщика, скажем, в компании «Росэнергия»?  
کدام مشخصات شمارا برای کار به عنوان مهندس برق مثلاً برای کار در شرکت «روس انرژی» مناسب می کند؟

Вы должны (в резюме) показать свой опыт и свои сильные стороны, которые позволят вам выполнять данную работу.  
شما باید در بیوگرافی خود تجربه و نکات قوی را ذکر کنید که امکان انجام کار مذکور را بدهد.

-Порой довольно трудно решить, что следует подчеркивать и что надо опускать.  
اینطور که پیداست تعیین تشخیص اهمیت نکات مشکل می شود.

-Наниматель, главным образом, заинтересован в том, какую пользу вы можете принести его компании. Включите информацию, показывающую, что вы подходите для данной работы.

کارفرما، اصولاً در این امر دینفع است که شما چه سودی برای کمپانی او خواهید آورد. اطلاعاتی را در بیوگرافی خود شامل کنید که نشان بدهد شما برای کار موردنظر مناسب هستید.

-А как насчет отсутствия российского опыта? Это же серьезное препятствие в получении работы.

فقدان تجربه روسی چه می شود؟ این مانع جدی در یافتن کار است.

-Если наниматель поймет, что вы подходящий человек для определенной должности, он назначит вам деловую встречу. Напишите новый вариант резюме и покажите его мне.

اگر کارفرما بفهمد که شما شخص مناسبی برای سمت مشخصی هستید، او یک دیدار کاری با شما ترتیب خواهد داد. بیوگرافی دیگری بنویسید و آن را به من نشان بدهید.

-Большое спасибо.

خیلی متشکرم.

-Пожалуйста. Позвоните мне, как только резюме будет готово.

قابلی ندارد. همینکه بیوگرافی شما آماده شد با من تماس بگیرید.

### ПОДГОТОВКА К СОБЕСЕДОВАНИЮ ДЛЯ ПОСТУПЛЕНИЯ НА РАБОТУ

آماده شدن برای مصاحبه کاریابی

-Теперь у вас дельное резюме.

به این می گویند بیوگرافی خوب.

При его чтении ваш потенциальный наниматель поймет, какие именно способности делают вас подходящей кандидатурой для работы инженера-электронщика.

هنگام خواندن آن، کارفرمای بالقوه می فهمد که چه خصوصیتی شما را نامزد مناسبی برای شغل مهندس برق می کند.

Указано, чем вы хотите заниматься.

در اینجا آنچه شما می خواهید انجام دهید ذکر شده است.

Я надеюсь, что ваше новое резюме повлечет за собой ряд собеседований по поводу работы.

امیدوارم که بیوگرافی جدید شما باعث آن شود تا به چند سری مصاحبه کاری از شما دعوت شود.

-Когда я думаю о том, что мне предстоит собеседование, я просто боюсь. Мой русский недостаточно хорош, и я не знаю, как себя вести во время такого собеседования.

وقتی فکر مصاحبه را می کنم ترس برم می دارد. زبان روسی من چندان خوب نیست و من نمی دانم موقع چنین مصاحبه ای چگونه رفتار کنم.

-Прежде чем отправиться на собеседование,попытайтесь найти информацию о компании или о работе, в которых вы заинтересованы.

قبل از اینکه برای مصاحبه بروید، سعی کنید اطلاعاتی در باره شرکت و یا کاری که دوست دارید آن را انجام بدهید جمع آوری – پیدا – کنید.

Если у вас, например, собеседование в крупной электронной фирме,вы произведете лучшее впечатление,заранее ознакомившись со статьями об этой компании.

اگر برای نمونه شما مصاحبه ای با یک شرکت بزرگ الکترونی در پیش دارید و از قبل با این شرکت آشنا شده باشید تأثیر خوبی بر مصحبت خود خواهید گذاشت.

Для того,чтобы делать что бы то ни было хорошо,нужна информация. برای انجام هر کار خوبی، اطلاعات لازم است.

Это относится также к поискам работы. این موضوع به کاربایی نیز مربوط می شود.

В каждой хорошей библиотеке имеются книги,в которых вы найдете названия компаний,интересующих вас, а также имена людей,представляющих эти компании.

در هر کتابخانه خوبی کتابهایی وجود دارد که در آنها اسامی شرکت هایی که برای شما ممکن است جالب باشد و افرادی که نمایندگان آنها هستند، درج شده است.

-Вы совершенно правы, Петр.Но как мне преодолеть свою нервозность? کاملاً حق با شماست، پیترو. اما با نگرانی ام چکار کنم؟

-Если вы располагаете хорошей информацией, у вас будет больше уверенности в себе. اگر شما از اطلاعات خوبی برخوردار باشید اعتماد به نفس شما بیشتر خواهد شد.

Вы знакомы с русской терминологией в своей области. شما با اصطلاحات روسی در رشته خود آشنا هستید.

Вы опытный специалист. شما متخصص باتجربه ای هستید.

Когда человек хорошо подготовлен,другие это чувствуют. در اینصورت، وقتی شخص آمادگی خوبی داشته باشد دیگران آن را حس می کنند.

В а м зададут вопросы, на которые вы сможете легко ответить.  
از شما سئوالاتی می پرسند که شما براحتی می توانید جواب آنها را بدهید.

В ы не будете нервничать на предстоящем собеседовании.  
موقع مصاحبه احساس نگرانی نخواهید کرد.

Л у ч ш е всего полагаться на присущий вам здравый смысл.  
بهترین چیز این است که به عقل سلیم خود تکیه کنید.

Н о существует несколько основных правил, применимых к большинству собеседований.  
اما چندین مقررات اساسی وجود دارد که در اکثر مصاحبه ها می توان آنها را بکار برد.

-Вы можете привести несколько примеров?  
می توانید چند نمونه برایم توضیح دهید؟

-Здороваясь с представителем компании, ждите, пока он первый не протянет вам руку для пожатия. Ждите также, пока он вам не предложит сесть.  
موقع آشنایی با نماینده شرکت صبر کنید تا او دستش را برای دست دادن پیش آورد. همچنین منتظر شوید تا او از شما به نشستن دعوت کند.

-Как насчет обычных вопросов, которые задаются людям во время

с о б е с е д о в а н и я по трудоустройству?  
چه سئوالات معمولی موقع مصاحبه کاریابی از اشخاص می شود؟

-Наиболее типичны такие вопросы: Почему вы заинтересованы в том, чтобы поступить на работу в нашу компанию?  
عادی ترین سئوالات چنین هستند: چرا شما می خواهید در شرکت ما مشغول کار شوید؟

-Почему вы считаете себя подходящим кандидатом на эту должность?  
چرا شما خود را نامزد مناسبی برای این شغل می دانید؟

- Что вы знаете о нашей компании?  
در باره شرکت ما چه می دانید؟

-Вам нравится работать с другими людьми?  
شما از کار با دیگران خوشتان می آید؟

-Вы согласны работать сверхурочно?

شما مخالفتی با اضافه کاری ندارید؟

-Расскажите мне о своем опыте.

در باره تجربه خود برایم تعریف کنید.

-Чем могу вам помочь?

چه کمکی می توانم به شما بکنم؟

-А бывают вопросы,способные заставить человека врасплох?

سئوالاتی مطرح می شوند که آدم را گیر بیاندازند؟

-Вам следует ожидать вопросы типа : Почему же мне нанимать вас?

شما البته باید انتظار شنیدن چنین سئوالاتی را نیز داشته باشید: چرا باید شما را استخدام کنم؟

- Какие

в а ш и три основных преимущества для получения этой работы?

سه امتیاز اصلی خود را برای دریافت این شغل بیان کنید.

-Понимаю.Это довольно каверзные вопросы.Обсуждения каких тем мне следует избегать во время собеседования?

متوجه شدم. اینها سئوالات بحد کافی زیرکانه‌ای هستند. از بحث در باره چه موضوعاتی هنگام مصاحبه بهتر است خودداری کنم؟

-Говоря о прежних должностях, вы должны избегать критики по адресу бывших начальников или коллег.

با صحبت در باره شغل های قبلی خود، بهتر است از روسا و یاهمکاران قبلی خود انتقاد نکنید.

Н е обсуждайте свои личные, домашние или финансовые проблемы,если вам не задали специального вопроса о них.

از مسائل شخصی، خانوادگی و یا مالی خود صحبت نکنید، اگر مستقیماً در این باره از شما سئوال نشود.

-Если мне предложат работу, уместно ли задать вопрос насчет жалованья?

اگر به من کاری پیشنهاد شد، آیا می توانم در باره حقوق آن سئوال کنم؟

-Вполне.Вы можете назвать желаемую сумму,но делайте это лишь после того,как наниматель затронул эту тему.

البته. شما می توانید دستمزد درخواستی خود را مطرح کنید، ولی بهتر است فقط بعد از اینکه کارفرما این موضوع را با شما در میان گذاشت از آن صحبت کنید.

-Я вам очень признателен за ценную информацию.

از شما به خاطر این اطلاعات با ارزش خیلی تشکر می کنم.

و حالا چند کلمه ای در باره تاکسی. در مسکو معمولاً پارکینگ هایی وجود دارد که مخصوص تاکسی است، ولی در هر کجای خیابان می توان تاکسی را نگه داشت، در تاکسی نباید بیش از چهار نفر سوار شوند. نشستن بچه ها در صندلی جلو ممنوع است. شخص دیگری به غیر از شما اگر از همراهان شما نباشد حق ندارد مسافر دیگر آن تاکسی شود. قیمت را هم می توان از قبل با راننده معین کرد و یا در صورتی که تاکسی مجهز به کیلومترشمار باشد بر طبق کیلومتر طی شده هزینه سواری را باید پرداخت. تاکسی تلفنی هنگام سفارش آنها قیمت خود را از مبدأ تا مقصد به مسافر اطلاع می دهند که اگر مناسب بود می توان از خدمات این آژانسها استفاده کرد. قیمت آنها نیز بر طبق دوری و نزدیکی مقصد از خط حلقه مسکو و زمان حرکت تعیین می شود. فرودگاههای مسکو معمولاً قیمت مشخصی دارند.

Скажите, где ближайшая стоянка такси?

لطفاً بگوئید نزدیکترین ایستگاه تاکسی کجاست؟

Вы свободны (у вас свободно)?

این تاکسی آزاداست؟ خالی است؟

К Курскому вокзалу, пожалуйста!

به ایستگاه راه آهن کورسکی لطفاً.

Остановитесь, пожалуйста около того дома!

لطفاً نزدیک (یا کنار) آن خانه توقف کنید.

Сколько с меня?

چقدر باید بپردازم.



درس هفتاد و هفتم

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند نکته گرامری توجه کنید. گوش کنید، تکرار کنید و سعی کنید به خاطر بسپارید.

Местоимения

ضمیر

Личные

شخصی

я, ты, он, она, оно, мы, вы, они.

من، تو، او (مذکر، مؤنث و خنثی) ما، شما، ایشان

Возвратные

برگشت به فاعل

Себя

خودم

Вопросительные

استفهامی

кто? что? какой? чей? который? сколько?

کی؟ چی؟ چه نوع؟ مال کی؟ کدام یک؟ چند تا؟

Относительные

نسبیت

кто, что, какой, чей, который, сколько, каков.

کی، چی، کدام، مال کی، کدام یک، چند تا، چه نوع

Отрицательные

نفی

никто, ничто, некого, нечего, никакой, ничей, нисколько.

هیچ کس، هیچ چیز، هیچ کس، هیچ چیز، هیچ کس، هیچ مقدار

Притяжательные

مالکیت

м о й , твой, ваш, наш, свой, его, ее, их.  
مال من، مال تو، مال شما، مال ما، خودمان، مال او(مذکر)، مال او (مونث)، مال آنها

У к а з а т е л ь н ы е  
اشاره

т о т , этот, такой, таков, столько.  
آن، این، اینطور، آنطور، اینقدر

О п р е д е л е н н ы е  
معین

в е с ь , всякий, каждый, сам, любой, иной.  
همه، همه جور، هر یک، هر کدام، خودم، هر چیز، دیگری

Н е о п р е д е л е н н ы е  
نامشخص

н е к т о , нечто, некоторый, кое-кто, какой-нибудь...  
هیچ کس، هیچ چیز، بعضی چیزها، کسی، طوری

و حالا نمونه هایی با استفاده از پیشوندهای НЕ-, НИ در ضمائر منفی را مورد توجه شما قرار می دهیم.

Н Е - под ударением

در صورتی که تکیه روی НЕ باشد، کلمات به این شکل تلفظ می شوند:

н е к т о  
کسی

н е ч е г о  
چیزی

н е к у д а  
جایی

н е к о м у  
به کسی

н е з а ч е м  
به دلیلی

و حالا در صورتی که تکیه بر НИ باشد:  
- без ударения

н и к т о

هیچ کس

н и ч е г о

هیچ چیز

н и к у д а

هیچ جا

н и к о м у

هیچ کسی

н и к а к

بهیچ وجه

شایان ذکر است که از این دو کلمه هم بصورت پیوسته بدون حرف اضافه استفاده می شود و هم جدا با استفاده از حرف اضافه. به نمونه های چندی در این رابطه توجه کنید:

н е к е м

н и к о г о

н е ч е м

н и ч т о

н е с к е м

н и у к о г о

н е о ч е м

н и з а ч т о

Н а р е ч и е

قید

سئوالاتی که قید به آنها جواب می دهد

معنی قید

مثال

К а к ? Каким образом?

چطور؟ به چه شکلی؟

عمل، شکل

Быстро, медленно, прочно, хорошо, по-хорошему, вслух, наизусть, пешком, никак, ...

Когда? С каких пор? До каких пор? Как долго?

کی؟ از کی؟ تا کی؟ چه مدتی؟

زمان

Сегодня, завтра, утром, скоро, теперь, давным-давно, зимой, ...

Где? Куда? Откуда?

کجا؟ (در حالت ساکن) کجا (در حالت حرکت)، از کجا؟ (حرکت)

مکان، جا

Вверху, внизу, справа, слева, везде, издали, вблизи, позади, ...

Почему? Отчего?

چرا؟ به چه دلیل؟

علت، دلیل

Сгоряча, сослепу, со зла, спроста, поневоле, потому, поэтому.

Зачем? С какой целью? Для чего?

برای چه؟ (به چه دلیل)، با چه هدفی؟ برای چه؟

هدف

Нарочно, назло, незачем, затем, зачем.

Сколько? Во сколько? Насколько? В какой степени? В какой мере?

چقدر؟ به چه مقدار؟ چه اندازه؟ تا چه حدی؟ تا چه اندازه؟

درجه

Очень, вдоволь, весьма, слишком, досыта, вполне, едва-едва, почти, дважды, ...

را در قیود مورد توجه شما قرار می دهیم НЕ и НИ: و حالا نمونه های پیشوندهای

НЕ - под ударением

با تکیه

Н И без ударения

بدون تکیه

н е к о г д а  
н е г д е  
н е к у д а  
н е о т к у д а  
н е з а ч е м

н и к о г д а  
н и г д е  
н и к у д а  
н и о т к у д а  
н и к а к  
н и ч у т ь  
н и с к о л ь к о

انواع علل

سئوالات

مثالها

М е с т а

جا، مکان

г д е ? к у д а ? о т к у д а ? д о к у д а ?

п о я в и л и с ь в д а л и  
п р о в о д и л д о с т а н ц и и

В р е м е н и

زمان

к о г д а ? с к а к и х п о р ? д о к а к и х п о р ?

п р и е х а л и н а к а н у н е  
о с т а л с я д о у т р а

Причины  
علل

почему? отчего?  
задержался из-за непогоды

Цели  
هدف

зачем? для чего?  
сделать назло

Образ действия  
نوع عمل

как? каким образом?  
приплыли быстро

Меры  
اندازه

сколько раз? как много? как долго?  
звонил дважды

Степени  
حد، سطح

в какой мере? в какой степени?  
весьма удивлен

Условия  
شرایط

при каком условии?  
при желании научитесь

Уступки  
گذشت، برخلاف

вопреки чему?  
вопреки желанию не успел

و حالا توضیح کوتاهی در باره قرار گرفتن تکیه ها:  
بعد از حروف بی صدای سخت به غیر از  
[ж], [ш], [ц]

حروف

О, Е

به شکل

А, Ы

تلفظ می شوند و حروف صدادار

У, А, Ы

تغییری نمی کنند. توجه کنید:

у

[y]

рука [py]ка

а

[a]

сама [sa]ма

о

[a]

сома [sa]ма

ы

[ы]

вымыть вы[мы]ть

е

[ы]

тестировать [ты]стирать

После [ж], [ш], [ц]:

بعد از حروف فوق الذکر تلفظ به این شکل است:

у

[y]

ш у м е т ь [шу]меть

е

[ы]

ш е с т о й [шы]стой

о

[ы]

ш о к о л а д [шы]колад

о

[а]

ш о к и р о в а т ь [ша]кирывать

а

[а]

ш а р ы [ша]ры

а

[ы]

л о ш а д е й ло[шы]дей

ы

[ы]

ц ы п л е н о к [цы]пленок

и

[ы]

ш и р о к и й [шы]рокий

П о с л е мягкого согласного:

پس از حروف بی صدای نرم تلفظ کلمات به شکل دیگری تلفظ می شود توجه فرمائید:

ю

[y]

л ю б и т ь [л'y]бить

у

[y]



ч у д е с н ы й [ч'у]десный

и

[и]

м и р ы [м'и]ры

е

[и]

м е н я т ь [м'и]нять

я

[и]

п я т а к [п'и]так

а

[и]

ч а с ы [ч'и]сы

В начале фонетического слова:

در اول کلمه، تلفظ چنین است:

у

[у]

у р о к [у]рок

а

[а]

а р б а [а]рба

о

[а]

о к н о [а]кно

и

[и]

и г р а [и]гра

э

[и]

э т а ж [и]таж

و حالا چند سخن قصار

Если хочешь увидеть радугу, будь готова попасть под дождь.  
اگر می خواهی رنگین کمان را ببینی باید خودت را برای خیس شدن زیر باران آماده کنی.

Д р у г - это не тот, кто берет за руку, а тот, кто касается сердца!  
دوست آن کسی نیست که دستت را بگیرد، بلکه کسی است که بتواند به قلبت راه یابد.

М у ж ч и н а , если бы и смог понять, что думает женщина, все равно бы не поверил.  
مردها اگر هم می توانستند بفهمند زنها به چه فکر می کنند، باورشان نمی شد.

О п т и м и з м как электричество: все минусы - в прошлом, плюсы - в будущем, а в настоящем - радостное напряжение.  
خوشبین مثل برق است: تمام قطبهای منفی اش در گذشته مانده، مثبتها در آینده و زمان حالش را فشاربرقی شاد پر کرده است.

В а м нужен кто-нибудь, кто бы любил вас, пока вы ищете, кого полюбить.  
شما احتیاج به کسی دارید که شما را دوست داشته باشد تا وقتی شما دنبال کسی می گردید که دوستش داشته باشید.

Е щ е ни один пешеход не задавил автомобиля, тем не менее, недовольны почему-то автомобилисты.  
تا بحال هیچ عابری حتی یک ماشین راهم له ولورده نکرده، با وجود این، معلوم نیست چرا رانندگان از دست عابران ناراضی اند.

Мы существуем в этой жизни до тех пор, пока не поймём, что есть человек, которому ты очень нужен и лишь после осознания этой истины мы начинаем ЖИТЬ!  
ما در این دنیا تا وقتی زندگی می کنیم که بفهمیم آدمی هست که به ما محتاج است و فقط بعد از درک چنین حقیقتی، زندگی واقعی را شروع می شود.

درس هفتاد و هشتم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک متن کوتاه توجه کنید. لطفاً بدقت به طرز تلفظ جملات توجه کرده، گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

Русские сувениры

سوغاتی روسی

Н а т а ш а и С а ш а проходили мимо одного магазина.  
ناتاشا و ساشا از جلوی یک مغازه رد شدند.

В окне С и т а увидела много красивых вещей.  
سیتا در ویتترین مغازه خیلی چیزهای زیبا دید.

Д е в у ш к и подошли поближе.  
دخترها به ویتترین مغازه نزدیکتر شدند.

О н и увидели русские национальные сувениры.  
آنها سوغاتی های ملی روسی را دیدند.

О н и вошли в магазин и подошли к продавцу.  
آنها وارد مغازه شدند و به سمت فروشنده رفتند.

С и т а попросила показать ей деревянную куклу, которая называется матрешка.  
سیتا از او خواست عروسک چوبی را نشانش بدهد که آن را ماتروشکا می نامند.

В н у т р и матрешки находится кукла поменьше.  
داخل ماتروشکا عروسک کوچکتری وجود دارد.

В н у т р и второй куклы – третья кукла, она еще меньше.  
در داخل عروسک دوم، سومین عروسک که از آن کوچکتر است.

В н у т р и третьей куклы – четвертая и т.д.  
در داخل سومی چهارمی و همینطور تا آخر.

С и т а купила две матрешки.  
سیتا دو تا ماتروشکا خرید.

О н а была очень довольна, что они зашли в этот магазин.  
او از اینکه آنها وارد آن مغازه شده بودند خیلی راضی بود.

Г д е находится кукла поменьше?  
عروسک کوچکتر کجا قرار دارد؟

К у к л а поменьше находится внутри первой куклы.  
عروسک کوچکتر در داخل عروسک اول قرار دارد.

Г д е находится третья кукла?  
عروسک سوم کجا قرار دارد؟

Т р е т ь я кукла находится внутри второй куклы.  
عروسک سومی داخل عروسک دومی قرار دارد.

С л о в а и выражения

لغات و اصطلاحات

С у в е н и р

سوغاتی

п р о х о д и т ь м и м о

از جلو، از روبرو عبور کردن

п р о х о д и т ь , п р о х о ж у , п р о х о д и ш ь ...

в е ш ь , ж .р.

چیز

п о д о й т и , п о д о й д у , п о д о й д е ш ь ... ,

نزدیک شدن

к к о м у ? к ч е м у ?

о т о й т и , о т о й д у , о т о й д е ш ь ... ,

دور شدن از، کنار رفتن از

о т к о г о ? о т ч е г о ?

п о б л и ж е (==ближе)

نزدیکتر، نزدیک

Н а ц и о н а л ь н ы й

ملی

в о й т и , в о й д у , в о й д е ш ь ...

وارد شدن، داخل شدن

п р о д а в е ц ,

فروشنده

П р о д а в ц ы

فروشندهگان (جمع)

п о п р о с и т ь , п о п р о ш у , п о п р о с и ш ь ... ,

درخواست کردن، خواهش کردن، پرسیدن

ч т о ?

چی؟

К у к л а

عروسک

Д е р е в я н н ы й

چوبی

М а т р е ш к а

ماتریوشکا

в н у т р и (ч е г о ?)

داخل (چی؟)

п о м е н ь ш е (=меньше)

کوچکتر، کوچک

е щ е м е н ь ш е

باز هم کوچکتر

и т а к д а л е е (и т.д.)

و الی آخر

з а й т и , з а й д у , з а й д е ш ь ...,

وارد شدن

л у ч ш е , ч е м

بهتر از

в о з ь м у (=куплю)

می گیرم، (می خرم)

ч т о -н и б у д ь

یک چیزی

С ю д а

اینجا

هیچگونه ایده‌ای در این رابطه به فکر نمی‌رسد.

Н е им е ю н и м а л е й ш е г о п р е д с т а в л е н и я .

نمی دانم چطور باید آن را انجام داد.

Н е з н а ю (к а к э т о с д е л а т ь) .

من از کجا بدانم.

О т к у д а м н е з н а т ь .

نمی دانم.

Я н е з н а ю .

واقعاً نمی دانم.

Я д е й с т в и т е л ь н о н е з н а ю .

من او را (مذکر) نمی شناسم.

Я е г о н е з н а ю .

اصلاً او را نمی شناسم

Я е г о с о в е р ш е н н о н е з н а ю .

منظور او (مونث) چیست؟

К ч е м у о н а к л о н и т ?

هیچ وقت نمی توانی بگویی بعداً چکار خواهد کرد.

Н и к о г д а н е з н а е ш ь , ч т о о н е щ е в ы д у м а е т .

معلوم نیست حالا چه خواهد شد.

Н е и з в е с т н о , ч т о т е п е р ь б у д е т .

منظور شما را نفهمیدم.

Я н е п о н и м а ю в а с .

متوجه نشدم.

Не понял.

راستش از هیچی سردرنیاوردم.

Р о в н ы м сч ет о м н ич ег о н е п о н и м а ю .

صاف و ساده نمی فهمم چطور مردم به حرفش باور می کنند.

Пр о с т о н е п о н и м а ю , к а к л ю д и м о г у т в е р и т ь е м у .

اینطور که پیداست چاره دیگری نیست.

По -в и д и м о м у , н е т д р у г о г о в ы х о д а .

می ترسم، نباشد.

Б о ю с ь , ч т о н е т .

من که گیج شدم.

Я з а т р у д н я ю с ь .

متأسفانه متوجه منظور شما نمی شوم.

Б о ю с ь , я н е п о н и м а ю , ч т о в ы и м е е т е в в и д у .

نمی توانم به خاطر آورم که نامش چی بود.

Н е м о г у в с п о м н и т ь , к а к э т о н а з ы в а е т с я .

و حالا از شما دعوت می کنیم به چند جمله ساده، طرز ساخت آنها در حالت‌های سئوالی و پاسخ‌های مثبت و منفی به آنها توجه کنید.

Г л а г о л ч и т а т ь

Я ч и т а ю — м ы ч и т а е м

Т ы ч и т а е ш ь — в ы ч и т а е т е

О н , о н а ч и т а е т — о н и ч и т а ю т

Я ч и т а ю т е к с т .

М ы ч и т а е м т е к с т .

О н п о в т о р я е т у р о к .

О н а о т д ы х а е т .

О н и г у л я ю т .

О н ч и т а е т ?

Д а , о н ч и т а е т .

Н е т , о н н е ч и т а е т .

П а в е л р а б о т а е т ,

Н е т , о н н е ر ا ب و ت ا e ت . О н o ت د ы х а e ت .

О н з н а е т р у с с к и й я з ы к ,

Д а , о н з н а е т р у s s k i y j a z y k .

Н е т , о н н е z n a e t r u s s k i y j a z y k .

А н н а и Павел изучают русский язык.

Б о р и с обедает,

Н е т, он ужинает.

В е р а читает письмо?

Н е т, Вера слушает радио.

К т о это?

Э т о Виктор.

К т о он?

О н студент.

О н слушает радио?

Н е т, он читает письмо.

К т о он?

О н Борис.

О н студент?

Н е т, он инженер.

О н читает журнал?

.Д а, он читает журнал



درس هفتاد و نهم

ابتدا از شما دعوت می کنیم به یک گفتگوی کوتاه توجه کنید. لطفاً بدقت به طرز تلفظ جملات توجه کرده، گوش کنید، تکرار کنید و به خاطر بسپارید.

Диалог  
گفتگو

С и т а : Наташа, какая матрешка лучше -- эта или та?

سیتا: ناتاشا، کدام یک از این ماتریوشکا ها بهتره...این یا آن یکی؟

Н а т а ш а : Мне кажется, эта матрешка лучше, чем та.

ناتاشا: به نظرم این ماتریوشکا بهتر از آن یکی است.

С и т а : Хорошо, я возьму ее. А ты хочешь что-нибудь купить?

سیتا: باشد، من آن را می خرم. تو می خواهی چیزی بخری؟

Н а т а ш а : Сейчас нет. Нам надо спешить. Я зайду сюда в другой раз.

ناتاشا: الان نه. باید عجله کنیم. دفعه دیگر سری به اینجا خواهیم زد.

و حالا چند فعل حرکتی دیگر را مورد توجه شما قرار می دهیم. همانطور که قبلاً برایتان توضیح دادیم در زبان روسی ۲۴ فعل حرکتی وجود دارد.

Глаголы движения  
افعال حرکتی

п р о х о д и т ь мимо + р.п.

از جلو یا روبروی چیزی گذشتن

Д е в у ш к и проходили мимо магазина.

دخترها از جلوی مغازه گذشتند یا عبور کردند.

п о д о й т и к + د.п.

نزدیک شدن به، که با حالت گرامری مفعول بواسطه می آید.

о т о й д и от + р.п.

دور شدن از، که با حالت گرامری اضافه ملکی می آید.

Д е в у ш к и подошли к продавцу.

دخترها به سمت فروشنده حرکت کردند یا به او نزدیک شدند.

Д е в у ш к и отошли от продавца.

دخترها از فروشنده دور شدند.

В о й т и в + в.п.

داخل شدن به، که با حالت گرامری مفعول صریح می آید.

в ы й т и из + р.п.



خارج شدن از، که با حالت گرامری اضافه ملکی می‌آید.

Д е в у ш к и вошли в магазин.

دخترها وارد مغازه شدند.

Д е в у ш к и вышли из магазина.

دخترها از مغازه خارج شدند.

П р и с т а в к и + идти, ходить

پسوندهای افعال رفتن

н е с о в е р ш е н н ы й вид

که فقط در مورد زمان حال و آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد و به معنی تکرار کار است.

п р и х о д и т ь

у х о д и т ь

п о д х о д и т ь

о т х о д и т ь

в х о д и т ь

в ы х о д и т ь

п р о х о д и т ь

з а х о д и т ь

с о в е р ш е н н ы й вид

در زمان گذشته و آینده و به معنی کاری است که یکبار انجام شود.

п р и й т и

у й т и

п о д о й т и

о т о й т и

в о й т и

в ы й т и

п р о й т и

з а й т и

п о й т и

Я пришел в институт к врачу.

من به انستیتو به نزد پزشک رفتم.

Я пришел из института от врача.

من از انستیتو از نزد پزشک آمدم.

О н и подошли к продавцу.

آنها به فروشنده نزدیک شدند.

О н и отошли от продавца.

آنها از فروشنده دور شدند.

О н вошел в комнату.

او وارد اتاق شد.

О н вышел из комнаты.

او از اتاق خارج شد.

О н и проходили мимо магазина.

آنها از جلوی مغازه رد شدند.

Я зашел в институт к подруге.

من یک سری به انستیتو به دوست دخترم زدم.

М ы зайдем в театр.

ما به تئاتر می رویم.

می توانم با یلنا صحبت کنم؟

توجه فرمائید که این جمله را می توان به شکلهای مختلفی ادا کرد که یکی دونمونه در اینجا مورد توجه شما قرار می دهیم:

М о ж н о поговорить с Еленой?

М о ж н о Елену?

Е л е н у можно?

یلنا خانه است؟

Е л е н а дома?

سلام، لطفاً یلنا را صدا کنید.

З д р а в с т в у й т е . Елену, пожалуйста.

من با یلنا کار داشتم.

М н е нужна Елена.

با کی حرف می زنم؟ یا شما؟

С кем я говорю?

لطف کنید، یلنا را صدا کنید، یا از یلنا دعوت کنید.

Б у д ь т е добры, пригласите Елену.

مایلم زنگی به یكاترینبورگ بزنم. که این جمله را می توان به این شکل نیز ادا کرد. توجه فرمائید:

М н е нужно позвонить в Екатеринбург

П р и м и т е , пожалуйста, заказ на разговор с Екатеринбургом

چطور می شود از این تلفن استفاده کرد.

К а к пользоваться этим телефоном?

شماره شما کدام است؟

К а к о й у вас номер?

شماره او را به من بدهید.

Д а й т е м н е е ё н о м е р т е л е ф о н а

چطور می توان به تانیا زنگ زد؟

К а к п о з в о н и т ь Т а н е ?

کد مسکو را به من بدهید.

Д а й т е к о д М о с к в ы .

الو!

А л л о !

من آرمین.

Э т о г о в о р и т А р м и н .

ناتاشا؟

Э т о Н а т а ш а ?

لطفا ورا را صدا کنید.

П о з о в и т е , п о ж а л у й с т а , В е р у

او آنجاست؟

О н а т а м ?

کی صحبت می کند؟

К т о г о в о р и т ?

شماره مشغول است.

А б о н е н т з а н я т .

ببخشید، شماره را اشتباه گرفتید.

И з в и н и т е , в ы о ш и б л и с ь .

همچین کسی اینجا نیست.

З д е с ь т а к и х н е т .

یک دقیقه صبر کنید

М и н у т к у

گوشی را نگذارید.

Н е в е ш а й т е т р у б к у

منتظر می مانید؟

В ы п о д о ж д е т е ?

شما را پای تلفن صدا می کنند.

В а с к т е л е ф о н у .

صداتون خوب نمی آید.

Я в а с п л о х о с л ы ш у .

بلندتر صحبت کنید!

Г о в о р и т е г р о м ч е .

دوباره من هستم.

Э т о о п я т ь я .

قطع شد.

Н а с разъединили.

متأسفم، او خانه نیست.

Ж а л ь , её нет.

پیغامی دارید؟

Ч т о -нибудь передать?

خواهش میکنم از او بخواهید با من تماس بگیرید.

П о ж а л у й с т а , попросите её позвонить мне.

دوباره زنگ می زنم.

Я перезвоню.

لطفاً شماره مرا یادداشت کنید.

З а п и ш и т е , пожалуйста, мой номер.

پیغام شما را به او خواهم داد.

Я передам ей.

به او می گویم با شما تماس بگیرد.

Я скажу, чтобы она позвонила вам.

چکار می کنی؟

Ч т о ты делаешь?

می خواهی جایی بروی؟

К у д а -нибудь собираешься?

ببخش مزاحمت شدم.

П р о с т и т е , что я вас побеспокоил.

Н и ч е г о не откладывай на завтра, лучше откладывай на послезавтра,  
б у д е ш ь иметь два свободных дня.

کار امروز را به فردا مگذار، بهتر است به پس فردا بگذاری تا دو روز آزاد دیگر داشته باشی.

Е с л и у тебя нет девушки,

з н а ч и т у кого-то их две.

اگر تو دوست دختر نداری، یعنی یکی دو تا داره.

"Как похудеть на 20 кг за 1 день.

К а к стать миллионером за 1 неделю.

К а к стать президентом за 1 месяц".

Э т о и многое другое вы узнаете из нашего  
н о в о г о журнала "А бог его знает".

چطور می توان در عرض یک روز ۲۰ کیلو لاغر شد.

چطور در عرض یک هفته میلیونر شد.

چطور در عرض یکماه رئیس جمهور شد.

درس هشتادم

درس امروز را با چند جمله ترکیبی آغاز می کنیم.

Сложное предложение.

جملات ترکیبی. توجه داشته باشید که در این جملات از افعال حرکتی با پسوند های مختلف استفاده می شود.

Они зашли в этот магазин.

آنها وارد این مغازه شدند.

Сита была довольна.

سیتا راضی بود.

Сита была довольна, что они зашли в этот магазин.

سیتا راضی بود (خشحال بود) که آنها وارد آن مغازه شدند. ( در اینجا دو بخش جمله ترکیبی با کلمه «که» بهم مربوط می شود)

Студенты отвечают хорошо. Преподаватель доволен.

دانشجویان پاسخ درست می دهند. استاد راضی است.

Преподаватель доволен, что студенты отвечают хорошо.

استاد راضی است که دانشجویان پاسخ صحیح می دهند.

Лучше. Чем... больше, чем ... меньше, чем...

بهرتر از، بیشتر از، کمتر از.

Твой словарь лучше, чем мой.

لغت نامه تو بهتر از مال من است.

Эта матрешка больше, чем та.

این ماتریوشکا بزرگتر از آن یکی است.

Комната Тани меньше, чем комната Наташи.

اتاق تانیا کوچکتر از اتاق ناتاشاست.

Наречия: здесь, там,

قید: اینجا، آنجا (در حالت سکون)

сюда, туда.

به اینجا، به آنجا، (در حالت حرکت به سوی)

Где живут Наташа и Таня?

ناتاشا و تانیا کجا زندگی می کنند؟

Наташа живет здесь. Таня живет там.

ناتاشا اینجا زندگی می کند. تانیا آنجا زندگی می کند.

Куда идут Юра и Володя?

یورا و والودیا کجا می روند؟

Юра идет сюда.

یورا به اینجا می آید.

Володя идет туда.

والودیا می رود آنجا.

где?

З д е с ь  
т а м  
К у д а ?  
т у д а ,  
С ю д а

و حالا چند نکته گرامری دیگر:

جنس

مفرد (کدام)

к а к о й ? какая? какое?

جمع

к а к и е ?

مذکر

К а к о й врач? новый  
کدام پزشک؟ جدید.

К а к о й театр? Русский  
کدام تئاتر؟ روسی

К а к и е

в р а ч и  
т е а т р ы  
к н и г и  
п е с н и  
з д а н и я  
с л о в а

Н О В Ы Е  
Р У С С К И Е

مونث

К а к а я книга? новая  
К а к а я песня? русская

خنثی

Какое здание? новое  
Какое слово? русское

درجه بندی صفات

с а м ы й, самая, самое, самые, наиболее, наименее.

بهترین، بیشترین

سؤال مهم

- самый важный вопрос
- наиболее важный вопрос
- наименее важный вопрос

مسأله دشوار

- самая трудная задача
- наиболее трудная задача
- наименее трудная задача

ساختمان زیبا

- самое красивое здание
- наиболее красивое здание
- наименее красивое здание

ملاقات جالب

- самые интересные встречи
- наиболее интересные встречи
- наименее интересные встречи

Н и н а очень рада, что Олег придет к нам в гости.

نینا خیلی خوشحال است که اولگ به خانه ما می آید. (جمله ترکیبی)

А н т о н согласен помочь нам.

آنتون قبول کرد به ما کمک کند.

А н т о н был согласен помочь нам.

آنتون حاضر شده بود به ما کمک کند.

Я буду рада видеть вас у себя.

خوشحال می شوم شما را در خانه خود ملاقات کنم. (ببینم)

اشکال صفات کوتاه

مذکر

مونث

خنثی

جمع

т р у д е н

в а ж е н

с ч а с т л и в

т р у д н а

в а ж н а

с ч а с т л и в а

т р у д н о

в а ж н о

с ч а с т л и в о

т р у д н ы

в а ж н ы

с ч а с т л и в ы

بعضی از صفات فقط از یک شکل کوتاه تشکیل شده اند مانند:

р а д , должен, благодарен, вынужден, готов, виноват, равен и т.д.

کاربرد شکل کوتاه صفت لازم است، نیاز است، احتیاج داشتن

КОМУ?



МНЕ

нужен  
нужна  
нужно  
нужны

КТО?

Борис  
Нина  
студенты

ЧТО?

словарь  
эта книга  
пальто  
словари, книги

НА ПОЧТЕ

در پستخانه

Борис:-Дайте мне, пожалуйста, 10 марок для почтовых отправлений.  
بوریس: لطفاً ده تمبر پستی به من بدهید.

Оператор на почте:-Вот, пожалуйста. С вас 25 рублей. Вам (нужно) что-нибудь еще?  
فروشنده تمبر: بفرمائید. ۲۵ روبل. شما چیز دیگری احتیاج دارید؟

-Да, мне нужно 20 марок авиапочты для писем в Европу.  
بله. ۲۰ تمبر هوایی برای ارسال نامه به اروپا لازم دارم.

-Хорошо. Всего с вас 34 рубля.  
بسیار خوب. رویهمرفته ۳۴ روبل.

-Можно получить квитанцию?  
قبض صندوق را می توان دریافت کرد؟

-Разумеется.

البته.

-Мне еще нужны наклейки "авиапочта").

من برچسب « پست هوایی » لازم دارم.

-Хорошо.

بفرمائید. (بسیار خوب)

-У меня еще вопрос.Я хочу отправить это письмо заказным.Могу я оформить это в вашем окне?

یک سؤال دیگر داشتم. می خواهم این نامه را سفارشی بفرستم. در اینجا می توانم آن را سفارشی کنم؟

-Нет,подойдите ко второму окну направо.

تخیر. بروید به میز دومی در سمت راست.

-Я хочу отправить это письмо заказным.

من می خواهم این نامه را سفارشی بفرستم.

-Вам нужно заполнить эту форму.Вы хотите получить уведомление о вручении?

شما باید این فرم را پر کنید. می خواهید ابلاغیه نیز دریافت کنید؟

-Что это такое-уведомление о вручении?

ابلاغیه یعنی چه؟

-Когда адресат получает заказное письмо или пакет,он расписывается.Почтовое ведомство возвращает вам уведомление воздушной почтой. Уведомление свидетельствует, что письмо действительно вручено адресату.

وقتی گیرنده نامه سفارشی یا بسته ای را دریافت می کند او ورق پستی را امضا می کند. اداره پست ابلاغیه را با بسته وایی برایمان می فرستد. ابلاغیه رسیدن نامه به دست گیرنده را به اثبات می رساند.

-Хорошо.Я хотел бы получить уведомление о вручении.

بسیار خوب. من هم می خواهم ابلاغیه را دریافت کنم.

-Тогда вам нужно заполнить дополнительный формуляр в виде открытки.

پس شما باید یک فرم اضافی دیگر نیز بصورت کارت پستی پر کنید،

و حالا با سه لطیفه کوتاه درس امروز را به پایان می بریم.

- Доктор, вы советовали мне, чтобы уснуть, сосчитать до 100000!  
- Ну и как, уснули?  
- Нет, уже наступило утро!

دکتر شما به من پیشنهاد کردید برای اینکه بخوابم تا ۱۰۰ هزار بشمارم.

خوب چی شد، تأثیر کرد؟ خوابیدید؟

نه.

چرا؟

آخه دیگه صبح شد.

- Петя, ты что смеешься? Лично я ничего смешного не вижу!  
- А ты и не можешь видеть: ведь ты сел на мой бутерброд с вареньем!

پتیا چرا می خندی؟ من که هیچ چیز خنده داری نمی بینم!

نمی تونی ببینی ، چون نشستی روی ساندویچ مربای من!

Учитель спрашивает у Вовочки:

- Какие зубы появляются у человека последними?  
- Искусственные, - ответил Вовочка.

معلم از ووچکا می پرسد:

کدام دندانهای آدم، آخر از همه پیدا می شوند؟

مصنوعی ها.